دانشگاه فرهنگیان

شامل اخبار روزنامه ها، سایتها و خبرگزاریها

شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ • ۱۴۴۱ جمادی الثانی ۲۰ • 15 Feb 2020

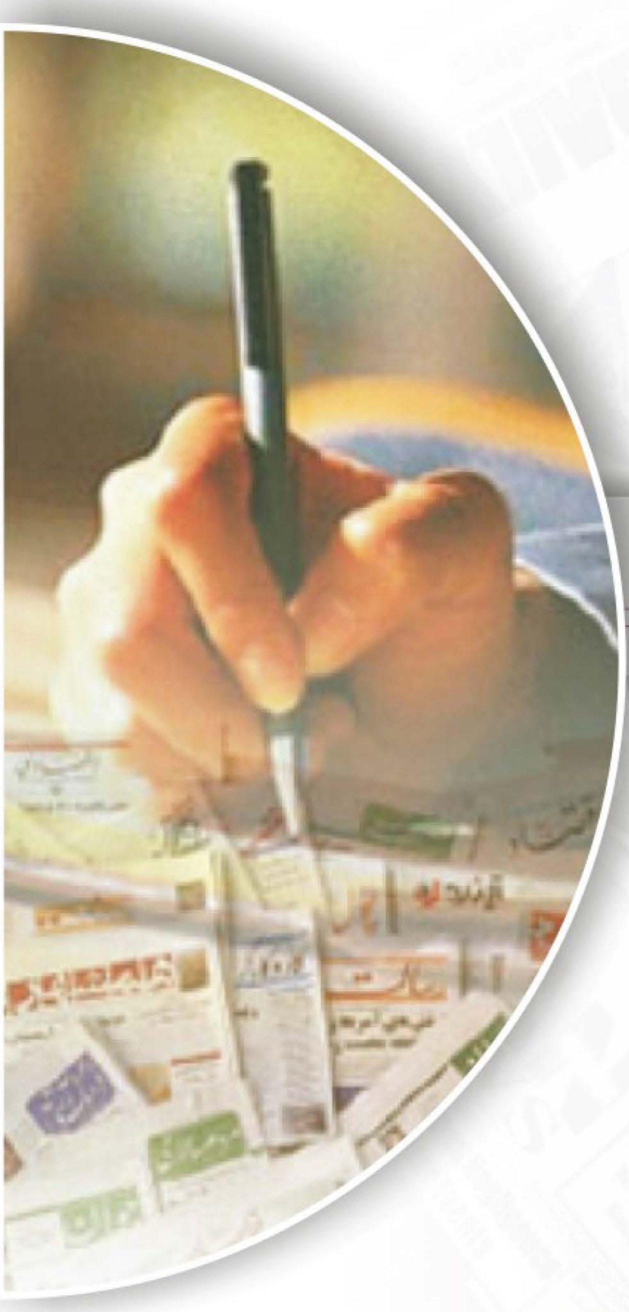

نگاهی به رسانه ها

تهیه و تنظیم:

مدیریت روابط عمومی

شامل اخبار
مطبوعات کثیرالانتشار
سایتها و خبرگزاریها

فهرست اخبار

رسانه	عنوان	صفحه
سازمان بسیج دانشجویی	جلسه تلاوت و تدبر در قرآن کریم	۴
خبرگزاری فارس-استانها	بازی هایی که بازی مان می دهند ! / از « فناناپذیر » تا « شیطان مقیم »	۵
دانا خبر	آغاز تکمیل ظرفیت رشته های دانشگاه فرهنگیان در کنکور ۹۸ از ۲۷ بهمن	۱۰
سایت دانشگاه فرهنگیان	در مسابقات قهرمانی مناطق کشور : ; کسب مقام سوم تنیس روی میز توسط دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان	۱۲
خبرگزاری قرآن(ایکنا)	نقش مادران در سعادت جامعه / الگوپذیری از حضرت زهرا (س) نیازمند پشتوانه فکری است	۱۳
خبرگزاری قرآن(ایکنا)	آمریکا از پشتوانه مردمی قوی دولت ها واهمه دارد	۱۵
ایران	کمبود ۳۰ هزار مشاور درمدارس	۱۶
آسیا	نیم قرن شعر بوشهر روانه بازار کتاب شد	۱۷
خبرگزاری ایسنا	تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد	۱۸
خبرگزاری ایسنا-استانها	تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد	۱۹
سازمان بسیج دانشجویی	دوره علمی تخصصی " مسیر " ویژه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان گلستان برگزار شد.	۲۰
سایت دانشگاه فرهنگیان	در دانشگاه فرهنگیان استان لرستان : ; برگزاری مراسم اربعین سردار سرافراز اسلام شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی	۲۱
سایت دانشگاه فرهنگیان	با همکاری جمعیت هلال احمر استان اصفهان : ; آغاز طرح ویژه آموزشی امداد و نجات در پردیس فاطمه زهرا (س) اصفهان	۲۲
سایت دانشگاه فرهنگیان	همزمان با اربعین سردار دل ها : ; تجدید میثاق دانشجویان پردیس حضرت فاطمه الزهرا (س) یزد با آرمان های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی	۲۳
خبرگزاری تسنیم	اصفهان | از دانشگاه فرهنگیان تا صندوق انتخابات ؛ انتخابی که آینده کشور را می سازد	۲۴
خبرگزاری فارس	دولت از مدرسه داری دست بکشد / « سند ۲۰۳۰ » کی بود ؟ کجا بود ؟	۲۶
سایت دانشگاه فرهنگیان	شرایط ویژه و اختصاصی جذب اعضای هیات علمی دانشگاه فرهنگیان فراخوان بهمن ۱۳۹۸	۴۷
خبرگزاری حوزه	حیات و پویایی حوزه های علمیه در گرو تحقیق و پژوهش است	۴۹
خبرگزاری دانشجو	دعوت بسیج دانشجویی فرهنگیان الیگودرز از کاندیدا های مجلس برای حضور در نشست مطالبه گری	۵۰
سایت دانشگاه فرهنگیان	نهمین جلسه کمیته دستگاهی کرسی های ترویجی دانشگاه فرهنگیان برگزار شد	۵۱
سایت دانشگاه فرهنگیان	اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور درباره مرحله تکمیل ظرفیت پردیس های دانشگاه فرهنگیان آزمون سراسری سال ۱۳۹۸	۵۲
خبرگزاری حوزه	صاحبان ۵۰ اثر پژوهشی جشنواره استانی علامه حلی (ره) لرستان تقدیر شدند	۵۴
سایت دانشگاه فرهنگیان	به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) وروزمادر صورت گرفت ; ; دیدار مسئولین ودانشجویان پردیس شهید رجایی قزوین بامادر بزرگوار شهید علی جهانشاهی	۵۵
خبرگزاری صدا و سیما	حذف پیک نوروزی و تسویه معوقات معلمان	۵۶
معلم ایرانی	دولت از مدرسه داری دست بکشد / « سند ۲۰۳۰ » کی بود ؟ کجا بود ؟	۵۷
خبرگزاری رسا	پژوهش از عوامل مؤثر پیشرفت جامعه است	۷۹
خبرگزاری دانشجو	نامزد های انتخابی کهگیلویه و بویراحمد برنامه های خود را برای ورود به مجلس ارائه کنند	۸۰
خبرگزاری شبستان	تربیت طلبه پژوهش محور رسالت حوزه علمیه است	۸۲
خبرگزاری شبستان	۵۰ اثر پژوهشی طلاب در جشنواره علامه حلی برتر اعلام شد	۸۳
خبرگزاری ایرنا	ایران پیام آور صلح و دوستی است	۸۴
خبرگزاری آنا	مطالبه گری تخصصی بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان از کاندیداهای مجلس	۸۵
خبرگزاری میزان	ثبت نام تکمیل ظرفیت دانشگاه فرهنگیان از فردا آغاز می شود	۸۸
پارسینه	ثبت نام تکمیل ظرفیت دانشگاه فرهنگیان از فردا یکشنبه آغاز می شود	۹۰

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۰:۲۵

جلسه تلاوت و تدبر در قرآن کریم

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان زرقان ، جلسات تلاوت و تدبر در قرآن کریم برگزار میکند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی سازمان بسیج دانشجویی / بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان زرقان ، جلسه تلاوت و تدبر در قرآن کریم برگزار میکند . این جلسات با تفسیر قرآن همراه خواهد بود.

زمان : شنبه شب ها
مکان : مسجد حضرت علی ابن اصغر (ع)
ساعت : ۲۰

FARS NEWS AGENCY
WWW.FARSNEWS.ir
خبرگزاری فارس
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۰:۵۱

بازی هایی که بازی مان می دهند ! / از « فناناپذیر » تا « شیطان مقیم »

خبرگزاری فارس همدان ؛ هرگاه از بازی صحبت می کنیم یاد گذشته و بازی های دوران کودکیمان چون لی لی ، وسطی ، منچ ، قایم باشک ، فوتبال توی کوچه با توپ پلاستیکی ، شطرنج بازی ، اسم و فامیلی و . . . می افتیم ، بازی هایی که برای نسل امروز معنای دوران ما را نخواهد داشت و به اندازه ما از آنها لذت نمی برند گویی که ما در عصری خیلی دورتر از آنها زیسته ایم در حالی که فاصله ما با آنها در حد دو یا سه دهه است ؛ وقتی پیشرفت و تکنولوژی وارد زندگی تک تک ما شد بسیاری از سبک و سیاق زندگی هایمان را تغییر داد حتی بازی های ساده دوران کودکی مان را.

امروز همه شاهدیم بازی کودکان و نوجوانان در زندگی مدرنیته وابستگی شدید به رایانه و گوشی ها و تبلت های هوشمند دارد که در هر خانه ای یکی از آن ابزارها پیدا می شود و بچه ها از همان سنین کم و حتی از دو سال با آن آشنایی دارند.

در مورد این بازی ها مطالبی در رسانه ها و فضاهای مجازی می خوانیم و می شنویم که حس خوبی را در ما به عنوان والدین و مربیان ایجاد نمی کند از این رو برای بررسی این بازی ها ، معایب و مزایا و بازی های خوب و بد به سراغ « علی درویشی » ، استاد جوان سواد رسانه ای ، محقق ، فعال فرهنگی و استاد دانشگاه فرهنگیان رفتیم و چند و چون جریان بازی های رایانه ای را از زبان ایشان شنیدیم که گزارش زیر خلاصه ای از آن گفتگوی چند ساعته است.

فارس : عده ای از کارشناسان معتقدند بازی های رایانه ای فقط معایب ندارد بلکه مزایایی هم دارد ، در این خصوص توضیح بدهید :

ابتدا بگذارید مقدمه ای در خصوص این بازی و به شکل خاص بازی رایانه ای بدهم ، « بازی » امروز برای خودش تعاریف مختلفی دارد و هر صاحب فکر و نظریه ای تعریف خاصی را ارائه داده ، اما همه بر روی این تعریف کلی اتفاق نظر دارند که بازی مجموعه ای از فعالیت های بدنی و ذهنی بوده که در فرد یا افراد یک احساس شادی ، لذت ، هیجان ، شادابی ایجاد می کند فارغ از هر نتیجه ای که دارد.

طبق بنیاد ملی بازی رایانه ای در سال ۹۷ تعداد بازی کنندگان این بازی های رایانه ای بین ۳۰ - ۲۰ میلیون نفر بوده که البته به اعتقاد من این آمار بیشتر از این است و در این میان درصد بیشتری را آقایان شامل می شوند . حال در این فضا که افراد جامعه به نوعی با این بازی ها درگیر هستند آیا می توان همه این بازی ها تعطیل کرده و کنسول های بازی از دسترس افراد خصوصا کودکان و نوجوانان جمع کرد.

در حال حاضر بازی های رایانه ای تعاملی ترین رسانه جهان بوده زیرا ارتباط دوسویه ای بین طراح بازی و بازی کننده وجود دارد و جهان این هنر را به نام « هنر هشتم » معرفی می کند ؛ در سینما و انیمیشین کارگردان نظر خود را به مخاطب القا کرده و ما فقط بیننده هستیم اما در بازی های رایانه ای طراح خط فکری دارد و به بازی کننده اجازه می دهد که از میان چند راه یکی را انتخاب کند و تصمیم بگیرد . امروزه پیوند عجیبی بین این بازی ها با اوقات فراغت بچه ها وجود دارد و ما حق نداریم این حق را از آنها سلب کنیم.

بارها شده والدین از من سوال می کنند چگونه این کنسول بازی و تلفن همراه را از فرزندان خود بگیریم ؟ که در پاسخ می گویم چه چیزی باعث شده فرزند شما به این سمت برود ؟ غالبا جواب قانع کننده ای هم ندارند.

این بازی ها فقط معایب ندارد بلکه مزایای زیادی هم دارد ، این بازی ها فضاهایی پر رنگ و لعاب و گرافیک بالایی دارند که برای ما جذاب است ، هیجان دارند ، قدرت تصمیم گیری و مدیریت افراد را بالا می برد زیرا فرد باید در لحظه تصمیم بگیرد ، اگر بازی گروهی و تیمی باشد باعث می شود افراد تابع تیم و جمع خود باشند و این موضوع یک نوع روحیه همکاری را پرورش می دهد و حتی باعث افزایش مهارت اجتماعی در افراد می شود ؛ خیلی از بازی ها عاملی می شود تا روحیه سختکوشی و جنگجویی برای به دست آوردن خواسته تقویت شده و فرد مستقل بار بیاید ، چون انگیزه و نشاط را بالا می برد فرد گذر زمان را احساس نمی کند . از طریق این بازی ها می توان زبان های خارجی را چون فرانسه ، انگلیسی و . . . به بچه ها آموزش داد.

شرکت های قدرتمند تولیدکننده این بازی ها در دنیا علاوه بر تیم های قوی طراح و روانشناس و جامعه شناس از ذهن و خلاقیت خود کودکان و نوجوانان برای ساختن بازی استفاده می کنند و معتقدند هرگاه طراح بازی فردی خلاق و باهوش باشد بازی کننده هم خلاق و باهوش می شود.

در کشور آلمان طبق تحقیقاتی که کارشناسان حوزه تربیتی و آموزشی انجام داده اند به این نتیجه رسیده اند که برای رفع خستگی و ایجاد شادابی باید بچه ها بعد از امتحانات با بازی های رایانه ای بازی کنند از این رو عوامل مدرسه برای

ایجاد انگیزه در ترم جدید بچه ها را به سمت بازی رایانه ای برای افزایش شور و نشاط سوق می دهند . این چند مورد برخی از مزایای بازی های رایانه ای هدفمند است.

فارس : معایب این بازی ها که بیشتر ما آن را شنیده ایم و باعث ایجاد ترس بین برخی والدین و مربیان آموزشی شده ، چیست ؟

متأسفانه اغلب والدین شرایط زندگی و بازی دوران کودکی خود را با عصر دیجیتال جدید مقایسه کرده و نمی توانند این شکاف را هضم کنند اما باید به این باور برسیم که نباید والدین و مربی ها از تکنولوژی های جدید دنیا غافل باشند.

یکی از غلط ترین روش های والدین در برخورد با کودک و نوجوانشان در مقابله با این بازی ها این است که در طول تابستان گوشی و سیستم خانه در اختیار بچه بوده و با شروع سال تحصیلی کلا گوشی و سیستم را ممنوع می کنند که خود این رفتار شوک بزرگی را در ذهن و روان کودک و نوجوان ایجاد می کند ؛ تصور کنید ما به عنوان والدین با روحیه فردی که سه ماه وابستگی برای او ایجاد شده حال ۹ ماه محدودیت ایجاد شود چه رفتاری می کنیم ! ؟ ما باید با برنامه ریزی و دقت کافی در تمام طول سال اوقاتی را برای بازی رایانه ای آنها در نظر بگیریم و در کنار آنها باشیم و مدیریت کنیم.

بیشترین معایب این بازی ها در سبک ها مربوط به خشن بودن برخی از آنهاست که به مرور زمان تأثیر منفی خود را روی ذهن بچه می گذارد و او را مجبور می کند برای رسیدن به خواسته هایش خشن باشد ، چون در بازی باید همه چیز با سرعت بالا حل شود فکر می کند در دنیای بیرون از بازی هم مشکلات باید با سرعت و بدون تفکر و منطق حل شود که این اتفاق باعث می شود منطق او پایین بیاید.

از طرفی بازی طولانی مدت قطعا بر روی ستون فقرات ، گردن ، دست ، کمر ، چشم و . . . اثر گذاشته و به آنها آسیب می رساند ، از طرف دیگر بازی بدون برنامه و هدفمند باعث افت تحصیلی نوجوان خواهد شد.

در این میان معایب بازی هایی که با هدف خاص و برای تغییر سبک زندگی و تفکر اسلامی بچه های کشور ما ساخته می شود خود بحث دیگری است که در قالب همین بازی ها خیلی از مسائل که مغایر با سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی ماست را به آنها القا می کنند.

فارس : لطفا در خصوص اینگونه بازی ها که ضد اسلام و فرهنگ ایرانی ما هستند بیشتر توضیح بدهید :

بله حتما . . . بازی ها ، دسته بندی مختلفی چون فکری ، استراتژی ، ورزشی ، اکشن ، مدیریتی ، مرحله به مرحله و . . . دارند که هر کدام سبک خودش را دارد اما در میان همه بازی ها اغلب بچه ها نام برخی بازی های خاص را می برند که به چند نمونه از آنها اشاره می کنم که باید به نکات مهم این بازی ها دقت شود.

بازی Assassin’s Creed : در این بازی ، بازی کننده در نقش یکی از قاتلین فرقه اسماعیلیه که قصد دارد با ترور برخی افراد سرشناس مسیحی و مسلمان از ادامه جنگ های صلیبی جلوگیری کند ، بازی می کند . استفاده از نام حضرت علی (ع) در لوگوی پرچم این فرقه ، تأکیدی بر شیعه بودن این گروه قاتل و خشن دارد . « الطیر » نام شخص اول بازی که روحانی شیعی و عضو گروه اساسین است . حال نکاتی که باید به آن ها توجه داشت : نسبت دادن القابی چون تروریست و خشن به شیعیان (گر چه افراد این فرقه در زمان روایت داستان از لحاظ تاریخی مرتد هستند) ، نمایش خشونت رهبر این گروه (شیعه) و در نهایت خیانت وی . البته آرم این بازی هم مشابه گونیا پرگار است که از نمادهای فراماسونری است.

بازی Guitar Hero III : Legends of Rock : در این بازی ، کلمه « الله » به شکل اهانت آمیزی در زیر پای خواننده و نوازندگان نقش بسته است . اما نکته قابل توجه دیگر در مورد این بازی ، وجود شیاطینی سم دار در میان نوازندگان است که با سم های خود روی این کلمه مقدس قدم می زنند . نکاتی که باید به آنها توجه داشت : قبح شکنی از کلمه الله و توهین به آن است.

بازی Call Of Duty ۳ : این بازی مسلح کردن اسلحه را آموزش می دهد . داستان از این قرار است که جنگ جهانی سوم آغاز شده و روسیه به کشورهایی چون فرانسه ، انگلیس و آلمان یورش برده و جنگی تمام عیار آغاز شده است . مک تاویش در هند به سر می برد تا مداوا شود اما نیروهای ماکاروف به آن جا حمله می کنند و اینجاست که شخصیتی جدید به نام Yuri به کمک پرایس می آید تا بتوانند مک تاویش را از آنجا خارج کند . از سوی دیگر نیویورک روزهای سختی را پشت سر می گذراند اما سربازانی گمنام در پس آن حضور دارند . شما باید کسی را آزاد (free) کنید که اسمش ماسون است . (فراماسون و تبلیغ از فراماسون ها که می خواهد تفکر آنها را القا کند) حال در آخرین سری بازی در همان مراحل نخستین بازی (مرحله Black Tuesday) در حالی که در خیابان وال استریت جنگ در حال رخ دادن است به ساختمانی وارد می شوید که نماد هرم و چشم جهان بین در سراسر این ساختمان به چشم می خورد که هر دو از نمادهای فراماسونری است . در قسمتی از بازی به دستشویی می رسید که تابلویی در آن وجود دارد که در

حاشیه آن ، متنی از حدیث امام صادق (ع) است ! درحالی که در دین ما در دستشویی نباید اسما متبرکه وجود داشته باشد ، چرا استفاده از حدیثی از امام صادق (ع) ؟ ! خب مشخص است چون مکتب شعیه را نشانه گرفته است.
بازی Zack and Wiki : در این بازی کودکانه ! موجوداتی شبیه به انسان های بدوی (میمون های انسان نما) وجود دارند که انجام اموری را عهده دار هستند البته با حالت زننده . زمانی که بازیکن که شبیه دزد دریایی هم هست موفق به حل معمایی می شود ، صدای الله اکبر ! در فضای بازی پیچیده و در کمال تعجب این موجودات بدوی با صدای الله اکبر به حالت سجده می افتند ؛ نکاتی که باید در این بازی به آن توجه داشت : قبح شکنی از ندای الله اکبر ، نمایش مسلمانان به صورت انسان های بدوی یا میمون های انسان نماست.
بازی Devil May Cry ۳ : داستان بازی در مورد دو برادر شیطان زاده است که یکی از آنها در جایگاه خیر ! و دیگری در جایگاه شر توصیف می شوند . در این بین ، برادر شرور برای دستیابی به ارثیه سیاه پدر خود ، اقدام به مبارزه با برادرش می کند . نکاتی که در این بازی باید به آن ها توجه داشت : نمایش فرزند شیطان به عنوان منجی و عامل خیر برای بشریت ، توهین به قبله گاه مسلمین و نمایش درب خانه خدا به عنوان دروازه ای برای ورود به دنیای شیاطین است.
بازی Resident Evil ۴ (شیطان مقیم) : دنیا به علت انتشار ویروس ناشناسی که محصول آزمایشگاهی چندین کشور ابرقدرت است ، دچار فاجعه ای انسانی شده و انسان ها به مردگانی متحرک تغییر ماهیت داده اند . اما در این بین ، دانشمندان سازنده ویروس موفق شده اند تا در آزمایشگاه های مخفی خود در کشور اسپانیا ، با خلق نوع پیشرفته ای از این ویروس ، گونه ای جدید از سربازان ژنتیکی را به وجود آورند و آن را در اختیار فرقه ای از افراطیون مذهبی اسپانیایی قرار دهند . رهبران این فرقه به منظور تحت فشار قرار دادن دولت آمریکا برای توجه به خواسته های آن ها ، دختر رئیس جمهور را می ربایند و اقدام به اخاذی می کنند . دولت آمریکا برای یافتن دختر رئیس جمهور و نفوذ به این فرقه ، لیان اسکات کندی (Leon S . Kennedy) ، محافظ مخصوص رئیس جمهور را به اسپانیا می فرستد و لیان با این گروه درگیر می شود . در این بازی برای دری که به اتاق شکنجه فرقه مذکور باز می شود ، از درب مسجدالنبی استفاده شده است . در این بازی باید به چند نکته دقت کرد : نمایش یک فرقه مذهبی به عنوان تروریست و عامل تهدید جهانی ، نمایش درب مسجد النبی به عنوان ورودی به اتاق ترس و شکنجه و توهین به نام مقدس پیامبر و ترکیب آن با نماد فرقه شیطانی ایلومناتی.
بازی Resident Evil ۵ : در قسمت پنجم این بازی ، ویروس به یک کشور آفریقایی انتقال می یابد و مردم را آلوده می کند . باز هم برای حل این بحران و جلوگیری از تهدیدهای تروریستی سازندگان ویروس ، یک کماندوی کارکشته آمریکایی به کمک نیروهای نظامی آفریقایی آمده و با عاملان تولید و پخش ویروس درگیر می شود . در این بازی درون اتاق یکی از رؤسای گروه تروریستی ، چندین جلد کتاب قرآن را می توان مشاهده کرد و نکاتی که باید توجه داشت شامل ارتباط دادن گروه های تروریستی و تفکرات آن ها با کتاب آسمانی قرآن است.
بازی Resident Evil ۶ : نماد ابلیسک در این بازی نماد فراماسونری است.
دو بازی IGI - ۲ و بازی Counter Strike مسلمانان را تروریست نشان می دهد که در بازی IGI - ۲ شما در نقش یک سرباز آمریکایی به نام جونز مأموریت دارید که به کشورهای مختلفی مسافرت کرده و در آنجا با نیروهای تروریستی مبارزه کنید . به عبارت دیگر شما (سرباز آمریکایی) ناجی کشورها از دست ظلم و ستم نیروهای تروریست هستید . جالب است بدانید یکی از مأموریت های شما در یک کشور مسلمان است و باز این آمریکاست که ناجی مسلمانان از دست تروریست هاست ! ! .
در مرحله دیگری از این بازی ، هنگامی که شما وارد پایگاه تروریست ها می شوید ، با کمی دقت می توانید صدای اذان و قرآن را بشنوید . این یعنی القای این تفکر که تروریست هایی که شما قرار است با آنها مبارزه کنید و مردم بیگناه را از دست کشتار آنها نجات دهید ، مسلمان هستند ! این بازی اسلام هراسی و ایران هراسی را ترویج می کند و کاربر برای مبارزه با تروریست ها به کشورهای مختلف سر می زند ، از دیگر بازی های رایانه ای است که کاربر در یک مرحله برای غلبه به یک گروه لیبیایی به کشور لیبی وارد می شود و در میدان اصلی نبرد نیز صوت قرآن به گوش می رسد و بر روی دیوارها ، کلمه معکوس " الله " و " محمد رسول الله " نوشته شده است . همچنین آیه ۴۶ سوره الرحمن روی تابلوی در تصویر مشخص است.
بازی Counter Strike : یکی از محبوبترین بازی هاست . دیگر کمتر گیم نتی پیدا می شود که این بازی را پوشش ندهد . در این بازی کاربر می تواند یکی از اعضای تروریست یا کانتر باشد و با توجه به مأموریت وظیفه خود را انجام دهد . کار تروریست ها حمله و بمب گذاری و کار کانترها مقابله است . برای هر کدام از تیم های کانتر یا تروریست ، بازی به کاربر چهار شخصیت را معرفی می کند . از چهار نماینده تروریست معرفی شده در این بازی دو تروریست از

خاورمیانه هستند که یکی از آنها فردی با سربند قرمز و دارای محاسن است که به عنوان نماینده تروریست های خاورمیانه که در آمریکا بمب گذاری می کنند شناخته می شود.
جایی که با تروریست ها مبارزه می شود ، مکانی است که دارای نقش های اسلامی بوده و تروریست ها با چهره مسلمان ها نمایش داده می شوند . گروه هایی که به زعم سازندگان این بازی ضد ترور محسوب می شوند نیز جالب است . یکی از چهار نماینده ضدترور گروه ۹ - GSG است که در این بازی این گروه به این صورت معرفی می شود که پس از یک رخداد غم انگیزی که منجر به کشته شدن تعدادی ورزشکار اسرائیلی در جریان المپیک ۱۹۷۲ مونیخ آلمان شد ، تشکیل شده است . این بازی ، به طور مستقیم کشته شدن چند صهیونیست را غم انگیز می داند و به صورت غیرمستقیم مقاومت دلیرانه مبارزان فلسطینی را حرکتی تروریستی قلمداد می کند همچنین دیوارهای تمام ساختمان هایی که تروریست ها در آن فعالیت می کنند شبیه مساجد و اماکن مذهبی مسلمانان است . جالب اینکه این بازی در سال ۲۰۱۲ به عنوان محبوب ترین بازی سال انتخاب شد !
بازی Clive Barker ' s Undying (فناناپذیر) : داستان بازی در دهه ۱۹۲۰ اتفاق می افتد و ماجراجویی های فردی به نام پاتریک گالووی (Patrick Galloway) را به نمایش درمی آورد . بازی در سال ۱۹۲۳ بعد از جنگ جهانی اول شروع می شود . پاتریک نامه ای از دوستش جرمیا کاونانت (Jeremiah Covenant) دریافت می کند که در آن به موضوعات و اتفاقات مختلفی اشاره شده و در بین آن ها از خطر جدی که خانواده اش را تهدید می کند ، صحبت می شود . گالووی برای ملاقات دوستش به ایرلند می رود و در آنجا با اتفاقات ماوراالطبیعه زیادی مواجه می شود . جرمیا در کودکی یک کتاب مخفی در کتابخانه پدرش پیدا می کند که در آن به محلی وسیع اشاره می کند که در اختیار خانواده اوست . این کتاب به ظاهر کودکانه است ، اما خشم شیاطین را علیه خانواده او برمی انگیزد . زمانی که او به بزرگسالی می رسد ، حس می کند همه اعضای خانواده اش ، رو به دیوانگی می روند و احتمالاً پس از مدتی خواهند مرد.
بازی Haree potter : ترویج جادوگری که در شرع مقدس اسلام حرام و مذمت شده را مد نظر دارد ، در این بازی و البته فیلم هری پاتر جادوگری کاملا مشهود بوده و باید دانست جادوگری در فراماسونری ، یکی از مسائل مهم و ارزشمند است.
در حقیقت جرمیا تنها عضو خانواده است که این اتفاقات برایش رخ نمی دهد . نفرین کتابی که او پیدا می کند ، گریبانگیر خانوده اش می شود و آن ها را به موجودات شیطانی تبدیل می کند . در این بازی در مکانی که خانه شیطان معرفی می شود و شر از آنجا نشأت می گیرد ، به وفور می توان کلمه الله را مشاهده کرد . طراح بازی سعی کرده که کلمه الله را به شیطان و شرارت با شکلی خاص ربط دهد که باید به این موضوع دقت کرد.
بازی Persian Gulf Inferno : بازی جهنم خلیج فارس که در سال ۱۹۹۱ در آمریکا ساخته شد و در سراسر جهان توزیع شد که البته در جهان ، مشهور به بازی " یامهدی " است ! در هنگام بازی از نظر روانی ذهن بچه ها عریان می شود و ذهن عریان بهترین زمینه و بستر تغییر باورها و ارزش هاست . در این بازی یک شخصیت اصلی وجود دارد که به وسیله کودک هدایت می شود که آمریکایی است و به یک پایانه نفتی در خلیج فارس وارد می شود تا با عملیاتی ، چند گروگان آمریکایی را که در آن جا اسیرند را آزاد کند . در مقابل او کسانی که در پایانه هستند ظاهراً ایرانی یا عرب بوده و با او برخورد و درگیری دارند . اما بالاخره آمریکایی همه را می کشد و گروگان ها را آزاد می کند . در این بازی از نکات ظریف روانشناسی برای ایجاد انزجار از مسلمان ها استفاده شده ، به طوری که وقتی آمریکایی به سمت مسلمان ها شلیک می کند ، مسلمان ها با صدای بلند فریاد می زنند : « یا مهدی » این صدا که به صورت گوشخراش ادا می شود طوری است که باعث انزجار کودک از این اسم می شود و به طور شرطی می آموزد که هر جا این کلمه را شنید بی اختیار شلیک کند یا عصبانی شود !
بازیَ Angry : در یکی از مراحل بازی پرطرفدار پرندگان خشمگین (Angry Birds) ، بازیکن باید به خوک هایی که درون مسجد پناه گرفته اند ، حمله کند و آن ها را نابود سازد البته برجی که شبیه به برج میلاد است نیز باید کوبیده شود و البته تصویر نقشه ایران هم در این بازی مشخص است.
این چند تا از بازی هایی بود که علیه جامعه مسلمان و به طور خاص علیه ایران ساخته شده و به شکل حرفه ای و نرم و آرام می خواهند ذائقه فرزندان ما را تغییر دهند.
فارس : با توضیحاتی که دادید عمق ماجرا و هدفگذاری دشمن بیشتر مشخص شد ، اما یک سوال ، مقابله با این بازی ها کاری سختی است ، به نظر شما چگونه و چطور باید با بازی کردن بچه ها برخورد کنیم ؟ راهکاری اگر هست بفرمایید.
در بازی های رایانه ای خلا های زیادی وجود دارد البته چند سالی است که بسیج در این فضا ورود کرده و با برگزاری مسابقات تولید محتوا در حوزه بازی های رایانه ای متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی ضمن شناسایی افراد توانمند و خلاق در حوزه تولید بازی حتی با توجه و متناسب با روحیات دختران نیز اقدام کرده است.

درد بزرگی که ما داریم این است که متأسفانه والدین و مربیان کمترین اطلاعی در خصوص بازی ها ندارند و این یک فاجعه است . ما باید به این باور برسیم که نمی توانیم این ابزارها را از بچه ها دور نگه داریم در صورتی که این شدنی است فقط باید سواد رسانه و سواد بازی را پیدا کنیم . باید خودمان در کنار فرزندانمان بازی کنیم و بعد به نقد بازی بپردازیم و یا اگر اهل بازی نیستیم در کنار او باشیم و تمام مراحل و صحنه ها را ببینیم حتی اگر صحنه های مورد داری دیدیم هل نشویم و سریع بازی را قطع نکنیم بلکه سکوت کنیم و صبر داشته باشیم تا بازی تمام شود و بعد به شکل سوالی با فرزند خود صحبت کنیم و خوب و بد بازی را برایش توضیح دهیم . اگر این عکس این عمل کنیم بچه کنجکاو می شود که چه چیزی در بازی بود که اینقدر پدر و یا مادر را برآشفته کرد ؟

از طرف دیگر والدین باید با یک جستجوی ساده در اینترنت با بازی های در دسترس بچه ها و نقدهایی که با آن بازی ها وارد است آشنا شوند و موضوع را با جدیت دنبال کنند و خیلی ساده از کنار این بازی ها عبور نکنند.

مشکل دیگر ما به فروشندگان بازی ها برمی گردد که سواد کافی ندارند و بازی های متناسب به سن کودک و نوجوان ما را به آنها معرفی و عرضه نمی کنند مثلا روی بازی نوشته شده ۱۸+ و این بازی را به کودک می فروشند.

زمانی که فرزند ما دوست دارد به شکل گروهی با همسالان خود در جمع بازی کند از دوستان او با همکاری والدینشان دعوت کنیم که به خانه ما بیایند و تحت نظارت نامحسوس ما با هم بازی کنند و اگر سن آنها اجازه حضور در خانه را نداد باید گیم نت هایی را که دارای سلامت هستند پیدا کرده و به فرزندان خود معرفی کنیم.

فارس : توضیحاتی که دادید بسیار راهگشا بود ، ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید ، اگر نکته ای دارید بفرمایید :

از دلسوزی خبرگزاری فارس که پیگیر چنین موضوعاتی است ، متشکرم ، نکته ای که در آخر می خواهم بگویم در خصوص مدارس ماست که به تقریبا با همان روش و سنت گذشته اداره می شود در حالی که بچه های ما هر روز در حال به روز شدن هستند ، امروزه موظفیم بچه ها را در خصوص بازی هایی که در دنیا و کشور عرضه می شود ، آگاه کنیم و بدون تردید مدارس یکی از بهترین مکان ها برای این آگاه سازی هستند که باید حتما خود معلمان و مربیان مدرسه با بازی ها آشنا باشند و سواد رسانه ای را پیگیری کنند.

از سوی دیگر باید بچه ها را به گونه ای آموزش داد که خودشان به آن سطح از درک برسند که نقدهای بازی ها را بخوانند و این باعث می شود بعدها اینگونه بچه ها تبدیل به یک نقاد حرفه ای شوند و بتوانند حتی به دیگران آموزش دهند.

سیستم آموزش و پرورش ما باید خودش را هماهنگ با تکنولوژی های روز دنیا خصوصا در زمینه آموزشی کند و عقب نماند . می تواند از بازی های هدفمند و خوب برای تربیت و آموزش دانش آموزان استفاده لازم را ببرد . به نظرم باید مانند برخی از کشورهای پیشرفته چند « کنسول بازی » به مدرسه بیاوریم مثلا همین روزهای پنجشنبه و یک بازی مناسب و خوب برای بچه ها در مدرسه راه بیاندازیم و بعد مربی و معلمی که اشراف کامل به بازی دارد به نقد آن بپردازد و بچه ها را به چالش بکشد و در قالب همین بازی ها تفکرات انقلابی و سبک زندگی ایرانی و اسلامی را برای آنها توضیح دهد.

معتقدم ما به یک بسیج همگانی در خصوص سواد رسانه ای و افزایش آگاهی اقشار مختلف مردم نیاز داریم و باید دلسوزانه تمام رسانه ها و افراد متخصص در این حوزه ها پای کار بیایند و یک نگاه جدی و هوشمندانه به بازی ها ، فضای مجازی و شبکه های اجتماعی داشته باشند.

- - - - - - - - - - -

الهام شهابی

- - - - - - - - - - - -

انتهای پیام / ۸۹۰۰۱ /

دانا خبر

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۸:۲۳

آغاز تکمیل ظرفیت رشته های دانشگاه فرهنگیان در کنکور ۹۸ از ۲۷ بهمن

مرحله تکمیل ظرفیت پردیس های دانشگاه فرهنگیان آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ در ۶ استان کشور از ۲۷ بهمن آغاز می شود.

به گزارش خبرگزاری دانا ، داوطلبان واجد شرایط علاقه مند به تحصیل در رشته های تحصیلی دانشگاه فرهنگیان در مرحله تکمیل ظرفیت آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ می توانند براساس مصوبه جلسه بیستم شورای سنجش و پذیرش دانشجو (۷ مهر ۹۸) و بنا به درخواست وزارت آموزش و پرورش برای تامین و تربیت بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز آموزشی خود در مرحله تکمیل ظرفیت شرکت کنند.

این مرحله با توجه به عدم تکمیل ظرفیت در پردیس های دانشگاه فرهنگیان استانهای ایلام ، البرز ، بوشهر ، تهران ، سیستان و بلوچستان و خوزستان و به منظور تکمیل ظرفیت در برخی کدرشته محل های مربوط به این استان ها برای تحصیل در پردیس های دانشگاه فرهنگیان صورت گیرد.

داوطلبان واجد شرایط در صورت داشتن نمره کل نهایی ۶۵۰۰ و بالاتر (با توجه به کارنامه نتایج علمی اولیه) براساس شرایط و ضوابط مندرج در صفحات ۲ و ۳ « بخش پیوست ها » دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ (مندرج در پایگاه اینترنتی سازمان سنجش) و با رعایت نکات و جداول حاوی اطلاعات رشته محلها می توانند از ۲۷ بهمن تا اول اسفند ۹۸ نسبت به ثبت نام و تکمیل فرم انتخاب رشته (حداکثر ۲۰ کدرشته محل) در این مرحله از تکمیل ظرفیت اقدام کنند.

پذیرش دانشجو در این مرحله منحصراً برای پردیس های دانشگاه فرهنگیان و صرفاً براساس شرایط و ضوابط مندرج در صفحات ۲ و ۳ « بخش پیوست ها » دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ خواهد بود.

شیوه پذیرش و گزینش در مرحله تکمیل ظرفیت ، همانند رشته های متمرکز با شرایط خاص در آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ انجام خواهد شد.

پذیرفته شدگان آزمون سراسری در هریک از کد رشته های تحصیلی دارای بورسیه و یا شرایط خاص که به دستگاه های اجرایی تعهد خدمت دارند و همچنین پذیرفته شدگان رشته های تحصیلی دانشگاه های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی که متعهد خدمت وزارت آموزش و پرورش هستند مجاز ثبت نام و شرکت در گزینش رشته های تحصیلی این مرحله از تکمیل ظرفیت نیستند.

داوطلبانی که قبلاً در یکی از کد رشته محل های دانشگاه فرهنگیان و یا دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی به آموزش و پرورش معرفی شده اند ولی به علت موارد (پزشکی ، معدل و سن) واجد شرایط نبودند ، مجاز به ثبت نام و شرکت در مرحله (تکمیل ظرفیت) نیستند . از این گروه از داوطلبان در شهریورماه ۹۸ به علت نداشتن شرایط ، مصاحبه اختصاصی به عمل نیامده است .

داوطلبانی که از آنان مصاحبه اختصاصی به عمل آمده و دلیل مردودی آنان ، فقط نداشتن حد نصاب لازم در مصاحبه اختصاصی بوده ، مجاز به انتخاب رشته مجدد در این مرحله (تکمیل ظرفیت) خواهند بود.

از معرفی شدگانی مصاحبه اختصاصی به عمل خواهد آمد که دارای کلیه شرایط وضوابط اختصاصی رشته های مورد نیاز آموزش و پرورش « بخش پیوست ها » دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ و اطلاعیه های اصلاحی بعدی مندرج در پایگاه اینترنتی سازمان سنجش باشند .

افراد باید واجد شرایط از جمله کسب نمره علمی کل ۶۵۰۰ و بالاتر در زیرگروه گروه آزمایشی مربوط برای مجاز شدن برای انتخاب رشته ، داشتن حداقل معدل کل ۱۴ در دوره متوسطه دوم (معدل سه پایه اول ، دوم و سوم) ، برخورداری از سلامت کامل تن و روان و شرایط مناسب جسمانی برای حسن انجام وظیفه معلمی ، داشتن حداکثر سن ۲۲ سال تمام در بدو ورود به دانشگاه (اول مهر ۷۶ به بعد) و . . .) باشند.

درغیر این صورت انجام مصاحبه اختصاصی ، منتفی خواهد بود . بر این اساس داوطلبانی که فاقد شرایط اختصاصی آموزش و پرورش بوده و بدون توجه به ضوابط اعلام شده اقدام به انتخاب رشته کنند از فرآیند مصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت های عمومی ، حذف خواهند شد . تبصره : حداقل معدل و حداکثر سن ، تحت هر شرایطی تغییر نخواهد کرد.

دامنه پذیرش و محل خدمت در کلیه کدرشته محل های مربوط به مرحله تکمیل ظرفیت منحصراً براساس دامنه پذیرش و محل خدمت مندرج در دفترچه راهنمای انتخاب رشته شماره (۲) و اصلاحیه های بعدی (مندرج در پایگاه اینترنتی سازمان سنجش) خواهد بود .
معرفی داوطلب به آموزش وپرورش و متعاقب آن موفقیت درمصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت های عمومی ، به منزله قبولی نهایی فرد تلقی نمی شود . بلکه داوطلبان باید علاوه برآن ، در گزینش نهایی که براساس ضوابط ، توسط سازمان سنجش آموزش کشور انجام می گیرد دارای نمره علمی نهایی در کد رشته محل مورد نظر نیز باشند.
تغییر رشته و گرایش ، تغییر محل تحصیل ، انتقال ، جابه جایی و تغییر اولویت انتخابی در بدو ورود و در طول تحصیل تحت هر شرایط مجاز نیست.
شروع به تحصیل پذیرفته شدگان نهایی این مرحله از تکمیل ظرفیت در اولین ترم ممکن (اول مهر ۹۹) خواهد بود .
لذا رعایت شرایط وضوابط مربوط به مقررات نظام وظیفه عمومی برای داوطلبان ذکور ، به عهده آنان خواهد بود.
درصورت قبولی نهایی داوطلبان در گزینش نهایی کدرشته محل های مربوط به این مرحله از تکمیل ظرفیت ، قبولی قبلی آنان « لغو » و با آنان همانند دانشجوی انتقالی رفتار خواهد شد . بعد از اعلام نتایج تکمیل ظرفیت ، انصراف از رشته قبولی جدید جهت تحصیل در رشته قبلی ، امکان پذیر نخواهد بود . پذیرفته شدگان لازم است برای تکمیل فرم انتخاب رشته و شرکت در مراحل گزینش رشته های تحصیلی این مرحله دقت کافی داشته باشند و در غیر این صورت هیچگونه اعتراضی قابل قبول نخواهد بود.
چنانچه فردی با ارائه اطلاعات نادرست پذیرفته شود و یا متعاقب آن مشخص شود که شرایط لازم را نداشته است در هر مرحله از ثبت نام ، تحصیل و یا استخدام آزمایشی و قطعی ، قبولی وی لغو می شود و حسب مورد ، مکلف به پرداخت خسارت های ناشی از آن خواهد بود.
مسئولیت عدم رعایت ضوابط عمومی واختصاصی آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ به عهده داوطلب بوده و هیچگونه حقی برای آن ایجاد نمی کند.
جداول مرحله تکمیل ظرفیت رشته های تحصیلی دانشگاه فرهنگیان آزمون سراسری سال ۹۸ در سایت سازمان سنجش آموزش کشور درج شده است.
X Share
Stumble Upon Delicious
Cloob

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۸:۲۳

در مسابقات قهرمانی مناطق کشور ::; کسب مقام سوم تنیس روی میز توسط دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان

کسب عنوان سوم تیمی رشته تنیس روی میز مسابقات منطقه شش کشوری در شهر یزد ، توسط تیم دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان ؛ در مسابقات قهرمانی مناطق کشور تیم تنیس روی میز پسران دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان با غلبه بر حریفان خود موفق به کسب مقام سوم تیمی شدند.
مسابقات قهرمانی تنیس روی میز دانشجویان پسر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی منطقه ۶ کشور با حضور دانشگاه های این منطقه به میزبانی دانشگاه یزد برگزار شد.
مسابقات تنیس روی میز در سطح بالا برگزار و دانشگاه فرهنگیان اصفهان موفق به کسب رتبه دوم شد که این موفقیت ورزشی را خدمت دانشجویان پرتلاش و ورزشکار و مربیان تبریک عرض نموده و آرزوی توفیق و سربلندی دانشجو معلمان را در تمام عرصه ها داریم.

iqna خبرگزاری بین‌المللی قرآن
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۸:۴۳

نقش مادران در سعادت جامعه / الگوپذیری از حضرت زهرا (س) نیازمند پشتوانه فکری است

استاد دانشگاه فرهنگیان گفت : اولین آموزگار دنیوی انسان ها مادران هستند و به همین دلیل اصلاح و توجه به مادران تأمین کننده سعادت یک ملت است ، همان گونه که می گویند : « از دامن زن ، مرد به معراج می رود » .

عصمت همتی ، استاد دانشگاه فرهنگیان ، در گفت وگو با ایکنا از اصفهان ، در خصوص جایگاه مادر در خانواده گفت : مادر در همه فرهنگ ها به عنوان انسانی که خود را وقف دیگران کرده و اساس تربیت انسان ها را پی ریزی می کند و به عنوان مظهر گذشت ، فداکاری ، محبت و صمیمیت شناخته می شود . در فرهنگ دینی ما نیز ، که تحت تأثیر قرآن و تعالیم پیامبر و معصومان (ع) است ، خداوند در مورد مقام مادر تأکید مضاعفی کرده ، زیرا وجودش از قداست برخوردار است.

وی ادامه داد : خداوند در آیه ۱۴ سوره لقمان می فرماید : « . . . حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلَی وَهْنٍ ؛ مادرش او را (در شکم خود در ایّام بارداری) در حال ضعف حمل کرد » . پیامبر (ص) نیز می فرمایند : « بهشتَ خداوند زیر پای مادران شماست » و امام خمینی در خصوص این سخن پیامبر می گویند منظور این است که اگر می خواهید به بهشت بروید ، به مادران خود خدمت کنید . پس علاوه بر درک و تجربه بشری ، این تأیید الهی نیز جایگاه مادر را بسیار بالا می برد.

استاد دانشگاه فرهنگیان افزود : مادر از زمانی که کودک ضعیف ترین مرتبه وجودی را دارد با همه وجودش از او مراقبت می کند و اولین آموزگار دنیوی انسان ها مادران هستند . به همین دلیل اصلاح و توجه به مادران تأمین کننده سعادت یک ملت است ، همانگونه که می گویند : « از دامن زن ، مرد به معراج می رود » . یعنی کل صلحای تاریخ صلابت وجودشان را مدیون مادرانی هستند که خود نیز از این ویژگی برخوردار بودند.

تغییر نقش مادری

همتی با اشاره به تغییر نقش مادری از جامعه سنتی به جامعه مدرن ، تصریح کرد : در جامعه سنتی به دلیل اینکه روابط انسان ها تعیین شده و محدود بود ، نقش تربیتی پدر و مادر در درجه اول قرار داشت . در واقع تأثیر پدر و مادر و خویشان بیشتر بود . در حال حاضر وسعت ارتباطات موجب شده که نقش تربیتی والدین به خصوص مادران تضعیف شود و نمی توان گفت که اگر مادری ویژگی های خاصی دارد ، بر همان اساس می توان فرزندان او را هم قضاوت کرد . از طرف دیگر ، طبق نگاه سنتی ، کودکان در روابطشان در درجه اول روی مادران و پس از آن پدرشان تمرکز می کردند و بسیاری از یادگیری هایشان در نهاد خانواده صورت می گرفت ، اما در حال حاضر فضاهای دیگر در آموزش و جهت دهی کودکان نقش وسیع تر و عمیق تری را در قیاس با خانواده برعهده دارند و نقش خانواده در شکل گیری شخصیت فرزندان تضعیف شده است.

استاد دانشگاه فرهنگیان تأکید کرد : این بدین معنا نیست که پدر و مادر نقش تربیتی خود را از دست داده اند ، بلکه اگر مادران خواهان تأثیرگذاری جدی هستند ، باید خود را به روز کنند . آنها وقتی با سؤالات و نیازهای بچه ها فاصله دارند نمی توانند انتظار داشته باشند که همچنان قادر به ایفای نقشی محوری خود باشند و آنان باید با ابزار عاطفه و محبت بچه ها را در دنیای امروز حفظ کنند . متأسفانه به دلیل مشغله مادران و فاصله گرفتن بچه ها این رابطه لطمه دیده است.

آسیب پذیری فرزندان

همتی بیان کرد : امروزه مهر و محبت و احساس آرامش فرزندان در کنار پدر و مادرشان کم شده است و هرچه این رابطه ضعیف تر شود ، فرزندان آسیب پذیرتر می شوند و دلیل آن اشتغال فراوان ، نقش رسانه ها و یا فضاهای مجازی است . این خطر زمانی جدی می شود که رابطه عاطفی والدین با فرزندان را کم رنگ کند . البته در دوره مدرن هم برخی والدین نقش محوری دارند . در واقع در جامعه سنتی اکثر والدین نقش محوری داشتند ، اما در جامعه مدرن این گونه نیست.

استاد حوزه علمیه با اشاره به سبک زندگی حضرت فاطمه (س) به عنوان اسوه ای نیکو ، گفت : برای اینکه سبک و سیاق زندگی ایشان به جامعه وارد شود ، باید زندگی شان را تحلیل کرد و خطوط اصلی آن را با شرایط امروز تطبیق داد . حضرت زهرا (س) برای آخرت زندگی می کردند و دنیا را همانند آخرت می دیدند . بنابراین بسیاری از چیزهایی که در دنیای امروز مصداق لذت و آسایش است در زندگی ایشان وجود نداشت . البته الگوپذیری از زندگی ایشان سخت و

نیازمند پشتوانه فکری و اخلاقی قوی است.
حضرت زهرا (س) ؛ مصداق تام « مؤمنه » در قرآن
وی بیان کرد : حضرت زهرا (س) مصداق تام « مؤمنه » در قرآن است و تمام ویژگی هایی را که قرآن در خصوص اهل ایمان بیان می کند در ایشان وجود دارد ؛ مانند « کسانی که با مال و جانشان در راه خدا جهاد می کنند » یا « کسانی که برای خدا مهاجرت می کنند » و « کسانی که برای خدا دعوت می کنند » . حضرت زهرا (س) عمر کوتاهی داشتند ، اما عمق زندگیشان زیاد و حاصل آن چهار فرزند است که هرکدام یک دنیا معنا و معرفت دارند . حضرت زهرا (س) با ملاک های ما زندگی سختی داشتند ، اما ایشان این زندگی را وسیله ای می دیدند که ثمرات آن حیات پس از مرگ را می سازد و آنجا معنا پیدا می کند.
همتی ادامه داد : بسیاری از بزرگان در خصوص این سخن پیامبر (ص) که می فرمایند « فاطمه مادر پدرش است » گفته اند که معنی این جمله بیش از معانی ظاهری آن است . کسانی می توانند ایشان را به زندگی امروز وارد کنند که فضایل و کمالات نفسانی را ملاک تشخص و تمایز انسان ها بدانند و ارزش را در قرب به خدا ببینند . همانگونه که قرآن در آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید : « . . . إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ . . . ؛ (پس در میان شما برتری نژادی نیست بلکه) مسلماً گرامی ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماستَ » .
استاد دانشگاه فرهنگیان تصریح کرد : الگوگیری یعنی نکات برجسته زندگی ایشان را با تحلیل عقلی دنبال کرده و آنها را هدف و آرمان خود قرار دهیم . حضرت زهرا (س) برای پدر و فرزندانشان مادری کردند و بهترین همسر برای امیرالمؤمنین بودند ، به گونه ای که ایشان شهادت دادند که « هیچ گاه فاطمه مرا به غضب نیاورد و من نیز هیچ گاه فاطمه را به غضب نیاوردم » .
انتهای پیام

iqna خبرگزاری بین المللی قرآن
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۸:۵۸

آمریکا از پشتوانه مردمی قوی دولت ها واهمه دارد

مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان چهارمحال وبختیاری گفت : آمریکا از دولت ها و نظام هایی که از پشتوانه قوی مردمی برخوردارند واهمه دارد و حال که نتواسته در زمینه های دیگری مانند انرژی هسته ای جلوی پیشرفت کشور را بگیرد ، پشتوانه مردمی را هدف قرار داده است.

حجت الاسلام والمسلمین حبیب الله شاهسون ، مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان چهارمحال وبختیاری ، در گفت وگو با ایکنا از چهارمحال وبختیاری ، اظهار کرد : دشمنان بدانند با وجود مردم نمی توانند مشکلی در کشور ایجاد کنند چرا که مردم حتی در تحریم های کنونی ، با حضور پررنگ خویش در راهپیمایی نشان دادند که به انقلاب علاقمند هستند.

وی در ادامه با اشاره به ضرورت حضور مردم در انتخابات و استفاده از حق رأی ، اظهار کرد : شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی ، عقلی و ملی است چرا که کشور باید به دست مردم اداره شود و سرنوشت آن به دست مردم باشد.

شاهسون ادامه داد : رأی مردم پشتوانه نظام و کشور است و اگر این پشتیبانی وجود داشته باشد ، کشور از حیث سیاسی و در عرصه بین الملل تقویت می شود و می توان فضا را به نفع کشور تغییر داد ، لذا تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد.

حجت الاسلام شاهسون با اشاره به وجود مشکلات و گله و ناراحتی در میان مردم ، بیان کرد : کمبودها و کاستی ها را نباید پای نظام و انقلاب اسلامی نوشت.

این مدرس دانشگاه تصریح کرد : مدیران ضعیف را باید به کمک همین رأی دادن ها از عرصه مسئولیت خارج کرد چرا که حفظ ارزش های انقلاب و پشتوانه مردمی بسیار مهم است و اعتماد مردم به نظام اسلامی باید مانند همیشه محکم باشد.

حجت الاسلام شاهسون با یادآوری سرمایه نظام اسلامی یعنی پشتوانه مردمی ، ادامه داد : آمریکا از دولت ها و نظام هایی که از پشتوانه قوی مردمی برخوردارند واهمه دارد و حال که نتواسته در زمینه های دیگری مانند انرژی هسته ای یا مسئله موشکی جلوی پیشرفت کشور را بگیرد ، پشتوانه مردمی نظام را هدف قرار داده است.

وی ادامه داد : رژیم هایی مانند رژیم صدام در عراق زمانی نابود شد که پشتوانه مردمی را از دست داد ، لذا مردم ما باید برای حفظ امنیت کشور و ایجاد یأس و ناامیدی در دشمن و نیز سیلی زدن بر صورت استکبار ، قدرت جسارت علیه امنیت و استقلال کشور را با حضور گسترده در انتخابات از آنان سلب کند.

شاخص های انتخاب صحیح

حجت الاسلام شاهسون در تشریح شاخص های انتخاب صحیح ، بیان کرد : برای انتخاب صحیح باید تأمل و تدبر بیشتری صورت بگیرد همچنان که همیشه همین گونه بوده است ، نباید با مبنا قرار دادن حمایت سلبریتی ها و استناد به برخی موهومات و شعارهای بی پایه ، دست به انتخاب بزنیم چرا که خودمان مسئول تبعات خوب یا بد انتخابمان خواهیم بود.

وی در نظر داشتن شیوه های تبلیغ کاندیداها را مهم ارزیابی کرد و گفت : توجه به اخلاق انتخاباتی کاندیدا و شیوه های عقلانی تبلیغ ، میزان اهمیت کاندیدا به ارزش های اسلام ، انقلاب اسلامی و اهداف ملت را باید برای انتخاب کاندیدای اصلح ، مورد توجه قرار داد.

حجت الاسلام شاهسون در پایان گفت : کاندیدای اصلح باید مؤمن ، خدمتگزار ، متوکل ، استکبارستیز ، مقاوم ، ایثارگر ، ساده زیست ، امانتدار ، پاکدامن ، صادق ، کارآمد ، جهادی ، هوشمند ، با تدبیر و برنامه ، عدالت محور و ملتزم به قانون باشد

انتهای پیام

ایران
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۸:۵۹

عکس: مهر

کمبود ۳۰ هزار مشاور در مدارس

برش

مدیـرکل امـور تربیتی و مشـاوره وزارت آمـوزش و پرورش دربـاره تعداد مشاوران در مدارس می‌گوید: هم‌اکنون ۱۲ هزار و ۲۶۳ مشاور در کل کشور مشـغول فعالیت هسـتند که کمبود ما حدود ۳۰ هزار و ۶۴۹ مشاور است. البته ما راهکارهایی هم برای جذب این تعداد مشاور در مدارس داریم از جمله جذب و استخدام از طریق دانشگاه فرهنگیان، جذب و استخدام از طریق ردیف‌های استخدامی ماده ۲۸؛جذب از نیروهای آموزشی براساس ضوابط شیوه نامه ترمیم نیروی انسانی و استفاده از ساعات غیرموظف نیروهای شاغل در حوزه پرورشی و مشاوره است.

مسـعود شـکوهی می‌گوید: در راستای محقق نمودن سیاسـت‌های کلان خود با اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و ارتقایی در حوزه پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی و نیز ارائه خدمات تخصصی مشـاوره‌ای و خدمات روان شـناختی به دانش‌آموزان، علاوه بر ارتقای کیفی فرآیند بسط، تعمیم و گسترش توانمندی‌های دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف روانی - رفتاری، بر آن است تا در سطح دوم پیشگیری نیز، با شناسایی و درمان بموقـع مشـکلات و اختـلالات روانشـناختی، دانش‌آمـوزان در معـرض خطـر یـا درگیر اختلالات روانشـناختی زمینه را برای ارتقای سـلامت روانی آنـان فراهم آورد تا بتوانند زندگـی پرثمر و شـاداب تـری را تجربه کنند. او می‌افزاید: اقداماتـی که انجام می‌دهیم غربالگری و آسـیب شناسـی روانـی اجتماعی دانش‌آموزان؛ اجرای آزمون غربالگری روانی - اجتماعی؛اجرای طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان؛ راه‌اندازی سامانه جامع اسـتعدادیابی، غربالگری، مداخله وپیشـگیری در وزارت آموزش و پرورش؛ ارائه خدمات تخصصی مشـاوره‌ای و خدمات روان شـناختی؛اجرای طرح رابطان هسته‌های مشاوره در مدارس ابتدایی و متوسطه دوم از جمله کارهای آن است.

آسیا

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۸:۵۹

«نیم قرن شعر بوشهر» روانه بازار کتاب شد

بوشهر کتاب دو جلدی «نیم قرن شعر بوشهر» اثر بشیر علوی، منتقد، نویسنده و استاد دانشگاه روانه بازار کتاب شد.

نیم قرن شعر بوشهر چهارمین اثر دکتر بشیر علوی است و با عنوان فرعی "نقد جریان-های شعر معاصر بوشهر"، توسط نشر روزگار در دو جلد و پنج فصل با جلد سخت و تیراژ ۱۰۰۰جلد روانه بازار شده است.

علوی، استاد دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر است، او درباره کتاب جدیدش می گوید تمامی دفترهای شعری چاپی استان بوشهر بعد از انقلاب در این اثر مورد نقد دانشگاهی و علمی قرار گرفته است.

وی در ادامه بیان کرد: این اثر به جریان مختلف شعری از جمله جریان سنت گرای معاصر، نیمه سنتی، نو، گویشی و طنز معیار پرداخته و جنم و شمای اصلی این اثر نقد است.

بر این اساس تمامی مجموعه های شعری استان در این کتاب در نیم قرن اخیر مورد نقد و واکاوی علمی و پژوهشی قرار گرفته است.

این نویسنده و منتقد خاطرنشان کرد: در پردازش و نقد شعرها شیوه ی کار این بوده که نخست بر اساس زندگینامه علمی و هنری شاعر مطرح شده و در ادامه، در ابتدا، دفتر شعری را با توجه به ساختار موجود و رویکرد زبانی و بُعد واژگانی و ترکیبات مورد نقد و واکاوی قرار گرفته که آیا در این زمینه‌ها موفق بوده است یا خیر. در بَعد و در اصل، کار براساس نقد پویایی یا ایستایی، نقد صور خیال، نقد محور فرهنگی، عوامل و مؤلفه‌های بومی، آوانگاردها و گروتسک‌ها، محور عاطفه و درونمایه و موضوع و اندیشه، گونه‌های نوآوری، محور فنی و هنری و مؤلفه‌های پست مدرنیته (شعرهایی که این جریان دارند) صورت گرفته است.

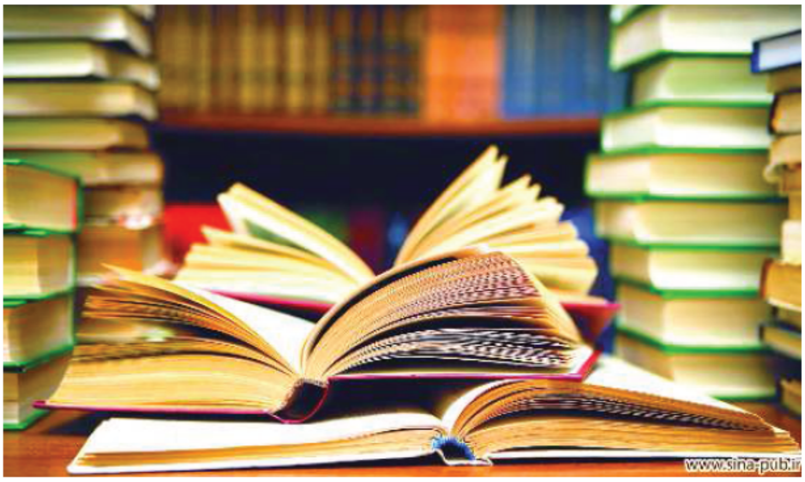

کتاب نیم قرن شعر بوشهر به پنج فصل تقسیم شده و اشعار موجود هر جریان در همان جریان مورد واکاوی قرار گرفته است.

کتاب های نیلوفران خونین، نقد چهار جانبه در شعر معاصر و ترجمان صبح (نقد شعر دکتر شفیعی کدکنی) از آثار قبلی بشیر علوی از نویسندگان و منتقدان ادبی برجسته استان بوشهر است.

ISNA
خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا
Iranian Students' News Agency
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۹:۰۰

تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد

مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان چهارمحال وبختیاری گفت : رأی مردم پشتوانه نظام و کشور است و اگر این پشتیبانی وجود داشته باشد ، کشور از حیث سیاسی و در عرصه بین الملل تقویت می شود و می توان فضا را به نفع کشور تغییر داد ، لذا تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد.

حجت الاسلام حبیب الله شاهسون در گفت وگو با ایسنا ، با اشاره به ضرورت حضور در انتخابات و استفاده از حق رأی ، اظهار کرد : شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی ، عقلی و ملی است چرا که کشور باید به دست مردم اداره شود و سرنوشت آن به دست مردم باشد.
شاهسون ادامه داد : رأی مردم پشتوانه نظام و کشور است و اگر این پشتیبانی وجود داشته باشد ، کشور از حیث سیاسی و در عرصه بین الملل تقویت می شود و می توان فضا را به نفع کشور تغییر داد ، لذا تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد.
حجت الاسلام شاهسون با اشاره به وجود مشکلات و گله و ناراحتی در میان مردم ، بیان کرد : کمبودها و کاستی ها را نباید پای نظام و انقلاب اسلامی نوشت.
این مدرس دانشگاه تصریح کرد : مدیران ضعیف را باید به کمک همین رأی دادن ها از عرصه مسئولیت خارج کرد چرا که حفظ ارزش های انقلاب و پشتوانه مردمی بسیار مهم است و اعتماد مردم به نظام اسلامی باید مانند همیشه محکم باشد.
حجت الاسلام شاهسون با یادآوری سرمایه نظام اسلامی یعنی پشتوانه مردمی ، ادامه داد : آمریکا از دولت ها و نظام هایی که از پشتوانه قوی مردمی برخوردارند واهمه دارد و حال که نتواسته در زمینه های دیگری مانند انرژی هسته ای یا مسئله موشکی جلوی پیشرفت کشور را بگیرد ، پشتوانه مردمی نظام را هدف قرار داده است.
وی ادامه داد : رژیم هایی مانند رژیم صدام در عراق زمانی نابود شد که پشتوانه مردمی را از دست داد ، لذا مردم ما باید برای حفظ امنیت کشور و ایجاد یأس و ناامیدی در دشمن و نیز سیلی زدن بر صورت استکبار ، قدرت جسارت علیه امنیت و استقلال کشور را با حضور گسترده در انتخابات از آنان سلب کند.
حجت الاسلام شاهسون در تشریح شاخص های انتخاب صحیح ، بیان کرد : برای انتخاب صحیح باید تأمل و تدبر بیشتری صورت بگیرد همچنان که همیشه همین گونه بوده است ، نباید با مبنا قرار دادن حمایت سلبریتی ها و استناد به برخی موهومات و شعارهای بی پایه ، دست به انتخاب بزنیم چرا که خودمان مسئول تبعات خوب یا بد انتخابمان خواهیم بود.
وی در نظر داشتن شیوه های تبلیغ کاندیداها را مهم ارزیابی کرد و گفت : توجه به اخلاق انتخاباتی کاندیدا و شیوه های عقلانی تبلیغ ، میزان اهمیت کاندیدا به ارزش های اسلام ، انقلاب اسلامی و اهداف ملت را باید برای انتخاب کاندیدای اصلح ، مورد توجه قرار داد.
حجت الاسلام شاهسون در پایان گفت : کاندیدای اصلح باید مؤمن ، خدمتگزار ، متوکل ، استکبارستیز ، مقاوم ، ایثارگر ، ساده زیست ، امانتدار ، پاکدامن ، صادق ، کارآمد ، جهادی ، هوشمند ، با تدبیر و برنامه ، عدالت محور و ملتزم به قانون باشد.
انتهای پیام

ISNA
خبرگزاری دانشجویان ایران. ایسنا
Iranian Students' News Agency

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ ✻ ۰۹:۰۰

تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد

مسئول دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان چهارمحال وبختیاری گفت : رأی مردم پشتوانه نظام و کشور است و اگر این پشتیبانی وجود داشته باشد ، کشور از حیث سیاسی و در عرصه بین الملل تقویت می شود و می توان فضا را به نفع کشور تغییر داد ، لذا تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد.

حجت الاسلام حبیب الله شاهسون در گفت وگو با ایسنا ، با اشاره به ضرورت حضور در انتخابات و استفاده از حق رأی ، اظهار کرد : شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی ، عقلی و ملی است چرا که کشور باید به دست مردم اداره شود و سرنوشت آن به دست مردم باشد.
شاهسون ادامه داد : رأی مردم پشتوانه نظام و کشور است و اگر این پشتیبانی وجود داشته باشد ، کشور از حیث سیاسی و در عرصه بین الملل تقویت می شود و می توان فضا را به نفع کشور تغییر داد ، لذا تغییرات مثبت با حضور مردم پای صندوق های رأی رقم می خورد.
حجت الاسلام شاهسون با اشاره به وجود مشکلات و گله و ناراحتی در میان مردم ، بیان کرد : کمبودها و کاستی ها را نباید پای نظام و انقلاب اسلامی نوشت.
این مدرس دانشگاه تصریح کرد : مدیران ضعیف را باید به کمک همین رأی دادن ها از عرصه مسئولیت خارج کرد چرا که حفظ ارزش های انقلاب و پشتوانه مردمی بسیار مهم است و اعتماد مردم به نظام اسلامی باید مانند همیشه محکم باشد.
حجت الاسلام شاهسون با یادآوری سرمایه نظام اسلامی یعنی پشتوانه مردمی ، ادامه داد : آمریکا از دولت ها و نظام هایی که از پشتوانه قوی مردمی برخوردارند واهمه دارد و حال که نتوانسته در زمینه های دیگری مانند انرژی هسته ای یا مسئله موشکی جلوی پیشرفت کشور را بگیرد ، پشتوانه مردمی نظام را هدف قرار داده است.
وی ادامه داد : رژیم هایی مانند رژیم صدام در عراق زمانی نابود شد که پشتوانه مردمی را از دست داد ، لذا مردم ما باید برای حفظ امنیت کشور و ایجاد یأس و ناامیدی در دشمن و نیز سیلی زدن بر صورت استکبار ، قدرت جسارت علیه امنیت و استقلال کشور را با حضور گسترده در انتخابات از آنان سلب کند.
حجت الاسلام شاهسون در تشریح شاخص های انتخاب صحیح ، بیان کرد : برای انتخاب صحیح باید تأمل و تدبر بیشتری صورت بگیرد همچنان که همیشه همین گونه بوده است ، نباید با مبنا قرار دادن حمایت سلبریتی ها و استناد به برخی موهومات و شعارهای بی پایه ، دست به انتخاب بزنیم چرا که خودمان مسئول تبعات خوب یا بد انتخابمان خواهیم بود.
وی در نظر داشتن شیوه های تبلیغ کاندیداها را مهم ارزیابی کرد و گفت : توجه به اخلاق انتخاباتی کاندیدا و شیوه های عقلانی تبلیغ ، میزان اهمیت کاندیدا به ارزش های اسلام ، انقلاب اسلامی و اهداف ملت را باید برای انتخاب کاندیدای اصلح ، مورد توجه قرار داد.
حجت الاسلام شاهسون در پایان گفت : کاندیدای اصلح باید مؤمن ، خدمتگزار ، متوکل ، استکبارستیز ، مقاوم ، ایثارگر ، ساده زیست ، امانتدار ، پاکدامن ، صادق ، کارآمد ، جهادی ، هوشمند ، با تدبیر و برنامه ، عدالت محور و ملتزم به قانون باشد.
انتهای پیام

BSO.ir
Basij Student Organization
پیوندها | آرشیو | درباره ما | تماس با ما
سال نو تولید
سازمان بسیج دانشجویی
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ ✲ ۰۹:۳۰

دوره علمی تخصصی " مسیر " ویژه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان گلستان برگزار شد.

این دوره که به واکاوی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخت از روز چهارشنبه تا روز جمعه ویژه دانشجویان خواهر دانشگاه فرهنگیان برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی سازمان بسیج دانشجویی / دوره مسیر دوره ای علمی تخصصی به همت پایگاه بسیج دانشجویی میقات دانشگاه فرهنگیان پردیس امام خمینی ره و با همکاری دانشگاه برگزار شد . این دوره از روز چهارشنبه در اردوگاه سید الشهدای شیرآباد آغاز و در روز جمعه پایان یافت . واکاوی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ، نقد و بررسی سند ۲۰۳۰ و همچنین ضرورت تحول و نقش آفرینی دانشجو معلمان از جمله محورهای این دوره که با حضور اساتید کشوری تبیین گشت.

دانشگاه فرهنگیان
رونق تولید ۱۳۹۸

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۹:۳۶

در دانشگاه فرهنگیان استان لرستان : ; ; برگزاری مراسم اربعین سردار سرافراز اسلام شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی

مراسم محفل انس با قرآن کریم با حضور قاریان برتر استانی و کشوری در پردیس آیت اله کمالوند دانشگاه فرهنگیان استان لرستان برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان استان لرستان ؛ به مناسبت گرامی داشت چهلمین روز شهادت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و یوم الله ۲۲بهمن محفل انس با قرآن کریم با حضور حجت الاسلام دکتر یعقوب زاده عضو هیات علمی دانشگاه هنر تهران ، حجت الاسلام دکتر حاتمی نماینده نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان استان لرستان ، دکتر مهتاب چنگایی سرپرست پردیس خواهران آیت اله کمالوند ، کارکنان و دانشجویان و جمعی از قاریان ممتاز کشوری و استانی به همت کانون قرآن و عترت پردیس آیت اله کمالوند و مشارکت بسیج دانشجویی سه شنبه شب ۹۸ / ۱۱ / ۲۳ در نمازخانه این پردیس برگزار شد.
در این مراسم حجت الاسلام دکتر یعقوب زاده عضو هیات علمی دانشگاه هنر تهران به عنوان سخنران این محفل ، با اشاره به نقش خطیر دانشجو معلمان بیان کرد : معلمان تربیت کنندگان شخصیت هایی همچون شهید سلیمانی هستند.
وی در ادامه افزود : دانشجو معلمان خواهر ، دارای سه نقش اساسی مهم در جامعه هستند که می توانند در رشد و تعالی جامعه بسیار اثر گذار باشند.
در ادامه حجت الاسلام دکتر حاتمی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان استان بر جایگاه تعلیم و تربیت و نقش معلمان در رشد معنوی افراد جامعه تأکید کرد و درخصوص برگزاری جشن میلاد حضرت زهرا (س) و ازدواج دانشجویی مطالبی برای دانشجویان بیان کرد.
در پایان این مراسم ، حجت الاسلام بهروزی در مدح سردار سرافراز اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی به مداحی پرداخت.

دانشگاه فرهنگیان

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۰۹:۳۷

با همکاری جمعیت هلال احمر استان اصفهان : ; ; آغاز طرح ویژه آموزشی امداد و نجات در پردیس فاطمه زهرا (س) اصفهان

طرح ویژه آموزشی امداد و نجات با همکاری جمعیت هلال احمر در پردیس حضرت فاطمه زهرا (س) اصفهان فعالیت خود را آغاز کرد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان ؛ در راستای اجرای تفاهم نامه همکاری میان دانشگاه فرهنگیان و جمعیت هلال احمر استان اصفهان و همچنین اجرای نظامنامه فرهنگی ویژه دانشجومعلمان ورودی ۹۸ طرح ویژه آموزشی امداد و نجات در پردیس فاطمه زهرا (س) اصفهان آغاز به کار کرد.
با توجه به تفاهم منعقد شده بین جمعیت هلال احمر و دانشگاه فرهنگیان نشست های کارشناسی برگزار و نیازمندی ها و محتوای آموزشی دوره های ویژه امداد و نجات تعیین شد و در این راستا طی جلسه ای با حضور دانشجو معلمان ورودی سال ۹۸ طرح راهبردی و آموزشی امداد نجات هلال احمر در پردیس تشریح و شرایط برای اجرای آن فراهم شد.
در جهت اجرای هر چه بهتر تفاهم همکاری و طرح های آموزشی در نظر گرفته شده ، انتخابات کانون هلال احمر پردیس برگزار و بنا بر برنامه مصوب آموزش های رسمی امداد و نجات نیز از هفته اول اسفند ماه برگزارمی شود.

دانشگاه فرهنگیان

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۰:۱۱

همزمان با اربعین سردار دل ها : ; تجدید میثاق دانشجویان پردیس حضرت فاطمه الزهرا (س) یزد با آرمان های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان یزد ، به مناسبت چهلمین روز شهادت ; سردار شهید حاج قاسم سلیمانی ; دانشجومعلمان ; پردیس حضرت فاطمه . . .

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان یزد ، به مناسبت چهلمین روز شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی دانشجومعلمان پردیس حضرت فاطمه الزهرا (س) یزد در دوره دو روزه ای از تاریخ ۲۲ بهمن لغایت ۲۴ بهمن ماه ۹۸ در شهر کرمان با حضور بر سر مزار سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی با آرمان های این شهید تجدید میثاق کردند.

از جمله برنامه های این دوره دو روزه که به همت بسیج دانشجویی پردیس برگزار شد ، می توان به زیارت گلزار شهدا ، بازدید از بیت الزهرا کرمان ، برگزاری دوره آموزشی زیارتی تربیتی سلیمانی ها و کلاس آموزشی با محتوا تربیت از دیدگاه امامین انقلاب و تحول در آموزش و پرورش اشاره کرد.

خبرگزاری تسنیم

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۰:۲۶

اصفهان | از دانشگاه فرهنگیان تا صندوق انتخابات ؛ انتخابی که آینده کشور را می سازد

دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به عنوان یکی از دانشگاه هایی که آینده سازان سرزمین را پرورش می دهد بر آن باور هستند که انتخابات یکی دیگر از امتحانات سرنوشت ساز کشور است و باید ملت ایران بار دیگر غیرت و عظمت جمهوری اسلامی را به گوش دشمنان برسانند.

- اخبار استانها -
به گزارش خبرگزاری تسنیم از اصفهان ، در گذر زمان جوامع و کشورها دچار تغییر و تحولاتی می شوند که گاهی مثبت و گاهی منفی است اما اینکه این تغییرات چگونه و به دست چه کسانی رخ می دهد مسئله مهم و قابل توجهی است.

امروز مسیر پیش روی کشور ما نیز توسط استکبار و زیاده خواهان ، پر از فراز و نشیب گردیده است ، دشمن در صدد این است که کشورمان را به زانو در بیاورد و همانند سال های نه چندان دور ، نفوذ و بهره برداری از منابع بیکران کشور را از سر بگیرند . اما انقلاب اسلامی که معجزه ای الهی بود به دست مردم بصیر و آگاه این مرز و بوم حراست می شود.
ملت ما برای اینکه بتواند به صورت مستقل عمل کند و اجازه ندهد عوامل بیگانه به جای او تصمیم بگیرند ، باید در همه صحنه های حمایت از نظام جمهوری اسلامی شرکت کند.

باتوجه به اتفاقات اخیر و سیلی محکمی که آمریکا از ایران خورد و همچنین نزدیک شدن به یکی از مهم ترین امتحانات ملت ایران در برابر دشمنان اسلام ، طبق فرموده رهبری باید به پای صندوق های رأی برویم تا به آمریکا ثابت کنیم ملت ایران همیشه یکپارچه نفرت خود را به استکبار نشان خواهد داد.

خبرنگار تسنیم این بار به سراغ دانشجویان دانشگاه فرهنگیان رفته است تا از گفت وگو با آن ها نظرات آنان را در خصوص این امر مهم و اتفاقات اخیر جویا شود.

امیرعباس آقابابایی یکی از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در گفت وگو با خبرگزاری تسنیم اظهار داشت : در طول این چند سال ، بحث تحریم ها شدت گرفت و تورم و گرانی های رو به افزایش ، عرصه را بر مردم کشور تنگ تر کرده است ولی مردم فهیم ما با صبر و اراده بالای خود در حال طی کردن این مسیر دشوار هستند . زیرا به این باور رسیده اند که این مسیر حق است.

آقابابایی بیان کرد : نکته مهم این است که در طی کردن این مسیر و هدایت کشور نیاز است افرادی مدبر و اصلح در رأس قدرت باشند که پا به پای مردم همراه بشوند که مشکلات را سبک تر کنند.
اسامی نامزدهای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان اصفهان اعلام شد
۱۰۰۰ ناظر بر انتخابات در کاشان نظارت دارندامام جمعه کاشان : نامزدهای انتخابات نباید به پست و منصب دلبستگی داشته باشند

وی افزود : در هفته جاری انتخابات مجلس را پیش رو داریم که امید است همه ما افراد صالحی را انتخاب کنیم که دغدغه های مردم را دارند ، نه دغدغه محکم کردن جای پای خود و تأمین منافع شخصی و حزبی بنابراین قطعا انتخاب مردم اگر با بصیرت باشد و نگاهی به بازی های سیاسی افراد و احزاب نداشته باشند اما درعین حال به میزان کارآمدی و سابقه افراد نگاه کنند می توانند انتخابی آگاهانه و درست انجام دهند.
دانشجوی دانشگاه فرهنگیان خاطرنشان کرد : این انتخاب درست یا غلط ما است که مشخص می کند چگونه مسیر های سخت به وجود آمده را طی کنیم و قطعا انتخاب افراد درست و کارآمد می تواند کمکی باشد تا این روز های سخت را بهتر طی کرده و به پیروزی در مقابل تحریم های استعمارگران برسیم.
رضا جمالی یکی دیگر از دانشجویان نیز با ابراز تاسف برای کسانی که فریب نیرنگ دشمن را می خورند ، گفت :

دشمنان با نیرنگ و حیله خود قصد دارند تا با فریب جوانان انقلابی ذهن آن ها را به خود جلب نمایند و آرمان های انقلاب را از دیدگان آن ها بربایند.
وی عنوان کرد : ما جوانان باید تلاش کنیم فریب حیله های دشمنان را نخوریم و با تلاشی جهادی در راستای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی بکوشیم تا اقتدار جمهوری اسلامی را به رخ آمریکا ، اسرائیل و دشمنان کشور بکشانیم.
علی اعتمادی نژاد به عنوان دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان گفت : همانگونه که در راهپیمایی ۲۲ بهمن توانستیم بار دیگر شکوه ایران اسلامی را به دشمنان نشان دهیم باید بر همین روال با اطاعت از امر رهبری عزت ملت را با شرکت در انتخابات جلوه گر نماییم.
وی ادامه داد : دشمن می خواهد از کشور نفرتی در دنیا ایجاد کند که مردمان ایران نیز آن را باور کنند بنابراین ما باید راه های مقابله با دشمن را بدانیم و همیشه کاری را انجام ندهیم که دشمن می خواهد که البته یکی از خواسته های دشمن آن است که از غیرت ایرانی بکاهد و اعلام کند که مردم در انتخابات شرکت نکردند پس نباید چنین چیزی را به دشمن نشان دهیم.
به گزارش تسنیم ، دانشگاه فرهنگیان به عنوان یکی از دانشگاه هایی که آینده سازان این سرزمین را پرورش می دهد بر آن باور است که انتخابات یکی دیگر از امتحانات سرنوشت ساز کشور است و باید ملت ایران بار دیگر غیرت و عظمت جمهوری اسلامی را به رخ دشمنان و کشورهای استکباری برسانند.
انتهای پیام / ۱۷۴ /

خبرگزاری فارس
FARS NEWS AGENCY
www.farsnews.ir
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۱:۱۹

دولت از مدرسه داری دست بکشد / « سند ۲۰۳۰ » کی بود ؟ کجا بود ؟

خبرگزاری فارس ـ گروه آموزش و پرورش : در پنجمین و ششمین سلسله نشست های بررسی چالش های گلوگاهی نظام تعلیم و تربیت که در خبرگزاری فارس برگزار شد ، محمود مهرمحمدی مهمان فارس بود و اردوان مجیدی ، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت و مشاور مدیرعامل خبرگزاری فارس ، پرسشگر این گفت وگو بود.

در جلسه پیشین این گفت وگوی طولانی که به دیدگاه های ایشان در مسائل مهم و کلیدی پرداخته شد ، مباحثی نظیر بررسی دلایل اجرایی نشدن سند تحول و نواقص و چالش های پیش روی آن ، رویکردهای متداول در اقدامات نظام رسمی آموزش و پرورش و تنگناهای آن ، مسأله تمرکز زدایی از نظام تعلیم و تربیت ، پرداخته شد . گفت وگوهای جلسه پیشین در سه بخش اول ، دوم و سوم منعکس شد .

در جلسه دوم این گفت وگوی طولانی ، مباحثی نظیر تمرکز زدایی ، تولید و اجرای سند تحول ، سند ۲۰۳۰ ، دانشگاه فرهنگیان و تحصیل در خانه مورد بحث قرار گرفت ؛ این گفت وگوها سعی می کند تنگناهای تحول تعلیم و تربیت را مورد کنکاش قرار دهد.

محمود مهرمحمدی عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس ، سرپرست پیشین دانشگاه فرهنگیان و عضو شورای سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی است . وی متولد سال ۱۳۳۷ در تهران است که دوران تحصیل ابتدایی را در دبستان علوی گذراند و همچنین بخشی از دوره دبیرستان را نیز در همین مجموعه پشت سر گذاشت.

مهرمحمدی در سال ۱۳۵۵ دیپلم ریاضی خود را از دبیرستان جاویدان تهران اخذ کرد و برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شد ؛ وی مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۸ و کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۶۰ دریافت کرد و با هدف تدارک امکان خدمت بیشتر ، رشته تحصیلی اش از تکنولوژی صنعتی در دوره لیسانس به تکنولوژی آموزشی در کارشناسی ارشد تغییر کرد.

وی پس از اتمام تحصیل به ایران بازگشت و در وزارت علوم به عنوان عضو هیأت علمی استخدام شد . در سال ۱۳۶۴ با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا بازگشت تا تحصیلاتش در علوم تربیتی ، برنامه ریزی درسی ، را در سطح دکتری دنبال کند و در نهایت در سال ۱۳۶۷ مدرک دکتری خود را از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی دریافت کرد.

مهرمحمدی پس از اخذ مدرک دکتری به کشور بازگشت و همزمان با تدریس در دانشگاه ها به سمت رئیس مرکز برنامه ریزی آموزشی در وزارت علوم منصوب شد . او در سال ۱۳۶۸ به دعوت وزیر وقت آموزش و پرورش به این وزارتخانه مأمور شد ، در سال ۱۳۷۶ به دانشگاه تربیت مدرس منتقل شد و تا سال ۱۳۹۶ به مدت ۲۰ سال در گروه تعلیم و تربیت به تربیت دانشجو در دوره دکتری پرداخت . اغلب دانش آموختگان رشته برنامه درسی در کشور ، به نحوی جزو شاگردان او بوده اند . ترویج رشته برنامه ریزی درسی در دو دهه اخیر در کشور ، با محوریت وی انجام شده ، و برخی او را به عنوان پدر رشته برنامه درسی کشور می شناسند.

در سال ۱۳۸۳ مسؤولیت اجرای بزرگترین مطالعه راهبردی تعلیم و تربیت در کشور در سال های گذشته را بر عهده گرفت ؛ مطالعه سند ملی آموزش و پرورش ؛ که در سال ۱۳۹۰ با عنوان « سند تحول بنیادین آموزش و پرورش » ، پس از نزدیک به یک دهه طی طریق ، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید ؛ این سند در حال حاضر مهم ترین راهبرد ملی در این حوزه است و به نحوی محور تلاش های رسمی برای ارتقای نظام آموزش و پرورش کشور محسوب می شود.

در فاصله سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نیز مسؤولیت دانشگاه تازه تأسیس فرهنگیان را بر عهده داشت ؛ مهرمحمدی پس از اتمام دوره مدیریت در دانشگاه فرهنگیان تصمیم گرفت با درجه استاد تمام پایه ۳۸ درخواست بازنشستگی کند.

علاوه بر آن در کارنامه آموزش و پرورشی وی ریاست پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش ، ریاست انجمن مطالعات برنامه درسی ایران ، مدیرکل مرکز تحقیقات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ، مشاور پژوهشی و برنامه ریزی وزیر آموزش و پرورش و همچنین سردبیری فصلنامه علمی و پژوهشی تعلیم و تربیت دیده می شود.

در ادامه ، این گفت وگو را می خوانیم :

* مصاحبه قبلی بازتاب های متفاوت و خوبی داشت ؛ بحث هایی مطرح شد و ناتمام ماند و سؤالاتی نیز باقی ماند ، و ضمن اینکه نقدها و سؤالاتی در این مدت توسط برخی افراد نسبت به دیدگاه های شما مطرح شده است.

در جلسه قبل شما بحث تمرکز زدایی و مدرسه محوری را مطرح کردید ؛ و در مورد آن نقدهای متفاوت مطرح شد . از جمله اینکه وقتی تمرکززدایی اتفاق بیفتد ، به دلیل اینکه مدارس غیردولتی ، قدرت بیشتری پیدا می کنند ، عدالت از

بین می رود و مدارس اغنیا از فقرا جدا می شود . اگر در این زمینه توضیح بیشتری بدهید ، به شفاف شدن مسأله کمک می کند.

همچنین بحثی که مدتی داغ شد ، حذف تنوع مدارس در مجلس بود ؛ این موضوع را چطور تحلیل می کنید ؟ به نظرتان آیا جداسازی شاگردان در طیف های مختلف مدارس مشکلاتی دارد یا خیر ؟ و آیا تمرکززدایی به موضوع جداسازی ربط دارد ؟ یعنی آیا تمرکززدایی و مدرسه محوری الزاماً به معنای جدا سازی طبقاتی و طیف های مختلف کودکان است یا خیر ؟

در پاسخ به این سؤال ، خودم از این شکل از اظهارنظر که تمرکززدایی به شیوه مورد نظر بنده موجب مخدوش شدن عدالت آموزشی و مواجه شدن نظام آموزشی با تشدید بی عدالتی است ، تعجب می کنم . تعجبم از این بابت است که در پیشنهاد من ، مثلا توزیع بودجه دولتی که به آموزش و پرورش اختصاص داده می شود به نسبت عکس دهک اقتصادی مورد تأکید است و اینکه هر کسی در دهک اقتصادی پایین تری هست ، سهم بیشتری از بودجه باید داشته باشد.

پیشنهاد من این است که بسته به وضعیت اقتصادی خانواده ، بین ۵۰ درصد تا ۱۵۰ درصد از هزینه های مترتب بر آموزش را از طریق بودجه دولتی تأمین کنیم یعنی هر کسی که در موقعیت اقتصادی بهتری قرار دارد ، سهم و درصد کمتری از هزینه های آموزشی اش را دولت تقبل کند و آن کسی که در موقعیت نامساعدتری است ، دولت حتی بیش از هزینه آموزش مدرسه ای او را تقبل کند.

* توزیع عادلانه : توان اقتصادی کمتر خانواده ، تخصیص منابع بیشتر آموزشی

متوجه نمی شوم این چنین مضامینی را که در پیشنهادم وجود دارد ، چگونه می شود ضد عدالت تعبیر کرد ؟ اگر یک مقدار تأمل کنیم ، مشاهده می کنیم که با همین پیشنهاد توزیع منابع دولتی بین خانواده ها و ذی نفعان آموزش و پرورش ، با توزیع عادلانه بودجه آموزش و پرورش ، در دور باطل نابرابری اقتصادی رخنه کرده و در آن وقفه ایجاد می کنیم . یعنی از مجرای آموزش و پرورش هجمه ای به سمت شکستن چرخه باطل نابرابری و بی عدالتی در سطح کلان جامعه می بریم . بنابراین چگونه می توان این گزاره ها را حمل بر این کرد که با این پیشنهاد به سمت تشدید بی عدالتی می رویم ؟

یا از وجه غیر اقتصادی به موضوع نگاه کنیم . وقتی صحبت از مدرسه محوری یا تمرکززدایی می کنیم ، در واقع صحبت از به رسمیت شناختن برندهای مختلف آموزشی و تربیتی می کنیم . این در واقع فرصت دادن به رشد استعدادهای مختلف و پرورش علائق است ؛ در مقایسه با زمان حاضر که مدارس ما با یک برنامه کاملا تجویزی و از بالا به پایین مدیریت می شود . بنابراین برای آن کسانی که استعدادها و علایقشان با این برنامه تجویزی هماهنگ است ، فرصت های بالنسبه خوبی برای رشدشان فراهم می شود ، اما کسانی که از این جهت انطباق کامل بین استعدادها و علایقشان و برنامه تجویزی دولتی در مدارس دولتی وجود ندارد ، واقعا با یک نوع بی عدالتی مواجه می شوند.

یعنی اگر به سمت مدرسه محوری و تمرکززدایی با میدان دادن به شکل گیری طرح ها و برنامه های آموزشی و تربیتی با ویژگی های خاص برویم (که من از آن با عنوان برندها نام می برم) ، فی الواقع از نظر تربیتی و آموزشی هم به سمت عدالت تعلیم و تربیتی حرکت می کنیم.

کسانی که این قضاوت را درباره پیشنهاد مطرح شده دارند ، فکر می کنند که من از خصوصی سازی حمایت می کنم . خب به دنبال این تلقی نادرست و غیرمنطبق با ایده ، آن بحث ها مطرح می شود . یعنی به هر حال موضوع بی عدالتی با توسعه مدارس خصوصی ظاهرا یک ملازمتی دارد . اما پیشنهاد بنده اساسا این نیست . چرا که معتقدم دولت باید از مدرسه داری دست بکشد ، اما باید منابع مالی را تأمین کند ؛ و در توزیع منابع هم (به آن شکلی که اشاره کردم) خیلی عادلانه تر اقدام شود.

* رقابت سازنده برای دستیابی به کیفیت بیشتر

فلسفه این دست کشیدن دولت از مدرسه داری که در بطن پیشنهاد بنده است (و این را بعضی از منتقدین حمل بر خصوصی کردن می کنند) ، در واقع استفاده از آن انرژی طبیعی و بی حد و حصر نهفته در عنصر رقابت است . رقابت برای بقا در عرصه ارائه خدمات با کیفیت تر آموزشی و تربیتی است ؛ از این جهت است که من فکر می کنم رقابت به معنای اکملش ، در حضور دولت در صحنه مدرسه داری ، نمی تواند تبلور و تجلی پیدا کند.

از این جهت است که فکر می کنم برای میدان دادن به رقابت های سازنده آموزشی و تربیتی ، و طرح مقوله رقابت به عنوان شرط دستیابی به کیفیت و استانداردهای کیفی ، بهتر است که دولت دست از مدرسه داری بکشد ، و مدرسه داری را جزو وظایف حاکمیتی خودش تلقی نکند ، و وظایف حاکمیتی خودش را در سیاستگذاری ، برنامه ریزی و نظارت بر آنچه که در مدارس در تطابق با آن سیاست ها اتفاق می افتد ، ببیند.

بد نیست به این موضوع اشاره کنم که با این پیشنهاد من برای مدارس خصوصی چه وضعیتی پیش می آید . درست

برعکس آن چیزی که منتقدین فکر می کنند اگر هر دانش آموزی سهمی در بودجه دولت داشته باشد ، به احتمال قوی اساسا با شرایطی مواجه می شویم که اقبالی که الان توسط خانواده ها نسبت به مدارس غیردولتی می شود ، به خاطر بهره مند شدن از پته یا بُن دولتی یا سهمی که از بودجه دولتی می گیرند ، دیگر شاهد این استقبال نباشیم.
ممکن است گستره مدارس غیردولتی در سایه اجرای این پیشنهاد هم حتی محدودتر از آنچه که الان هست بشود ؛ و بسیاری از خانواده ها به این نتیجه برسند که از بودجه دولتی و از سهمی که از بودجه آموزش و پرورش دارند ، استفاده کنند . فلذا در سایه این پیشنهاد وقتی از این منظر نگاه می شود ، شاید اتفاقا درست نتیجه عکس شود ؛ یعنی با محدود شدن تعداد مدارس غیردولتی مواجه شویم.
ضمن اینکه از یک از جهت دیگر هم باز فکر می کنم مدارس غیردولتی ممکن است با محدودیت تقاضا مواجه شوند ، و آن هم مسأله ارتقای کیفیت مدارس دولتی ذیل این پیشنهاد است . یعنی اگر ما شاهد آن رقابت نفسگیر برای بقا در ارتباط با تأمین استانداردهای آموزشی و تربیتی ، و تأمین خواست والدین از نظر استانداردهای آموزشی و تربیتی باشیم ، و در واقع در سایه یک چنین سیاستی ، تلاش همه جانبه برای ارتقای کیفیت مدارس دولتی اتفاق بیفتد ، شاید از این جهت هم فاصله فاحش بین مدارس دولتی و غیردولتی از بین برود ، و باز تقاضا برای مدارس غیردولتی کمتر شود.
* به نظرم می رسد در مدارس دولتی اگر بخواهیم خصوصی سازی بر مسأله کاهش تصدی دولت اتفاق بیفتد ، ظاهرا برداشت عمومی این است که مدارس خصوصی می شود و به افراد واگذار می شود و بعد هزینه هایی را دولت پرداخت می کند ؛ آیا این تصور درست است ؟ و در بحث آخر شما که اگر بین مدارس دولتی و غیردولتی رقابت باشد ، آیا خصوصی سازی مدارس باید در سطح مدرسه داری اتفاق بیفتد ؟ یا مدرسه دولتی وجود داشته باشد ، ولی منابعی که به آن اختصاص می یابد ، جداگانه پرداخت شود و مدیر مدرسه بتواند حقوق ها را پرداخت کند و نظایر آن را انجام دهد ؟
ببینید عرضم این است که کلا اکوسیستم آموزش و پرورش در سایه این پیشنهاد تغییر می کند ، و در این اکوسیستم عناصری که الان وجود دارد را به شکل ثابت نخواهیم داشت . مثلا اگر مدارس دولتی و مدارس غیردولتی یکی از ابعاد اکوسیستم کنونی باشد ، این پیشنهاد اکوسیستم دیگری برای جایگزین کردن آن است.
* اکوسیستم متفاوت نظام دولتی آموزش و پرورش
در ارتباط با این بعد مدارس دولتی و غیردولتی که عرض کردم ، یک نوع مدرسه بیشتر نخواهیم داشت ؛ وهمه مدارسی هستند که بدون تصدی گری دولت ، ولی با تأمین منابع توسط دولت اداره می شوند . اینکه در یک چنین وضعیتی مدارس غیردولتی کنونی چه سرنوشتی پیدا می کنند ، پیش بینی خودم را عرض کردم ؛ و البته پیشنهاد من این نیست که در اکوسیستم جدید ، مدارس غیردولتی ضرورتاً حذف شوند ؛ بلکه در واقع پیش بینی من این است نه اینکه پیشنهاد من این باشد.
پیش بینی این است که اگر سازوکار به مورد اجرا گذاشته شود ، دیگر خیلی انگیزه ای برای والدین باقی نمی ماند که فرزندانشان را در مدارس غیردولتی ثبت نام کنند . به ۲ دلیل که اشاره کردم ؛ یکی اینکه اختلاف فاحش از نظر کیفیت بین مدارس دولتی و غیردولتی کمتر خواهد شد ؛ و در واقع مدارس دولتی ما هم برای بقای خودشان باید سعی کنند که کیفیت های آموزشی و پرورشی را ارتقا ببخشند ، و الا از صحنه حذف خواهند شد . یعنی مدارسی در صحنه هستند که از نظر کیفیت تأمین کننده رضایت والدین هستند . دوم ، تأمین هزینه و پرداخت شهریه از محمل بودجه دولتی.
* سؤالم این است که در این اکوسیستم که شما تعریف می فرمایید آیا مدارس دولتی ، حقوق کارکنانشان طبق همان روال که الان هست ، یعنی مدیر کاری ندارد که حقوق کارمندش چگونه تأمین می شود ، پرداخت می شود ؟
نخیر ، طبیعی است . دولت همه منابع را در اختیار ذی نفعان قرار می دهد و چرخش اساسی که در پیشنهاد من اتفاق می افتد . چرخش در سیستم توزیع منابع دولتی از عرضه محوری به تقاضا محوری است . یعنی بودجه دولت را هر میزان که هست با یک فرمول معقولی بین والدین تقسیم و توزیع می کنید ؛ در واقع والدین تأمین کننده منابع مالی مدارس خواهند بود ، و مدرسه هم چرخش با همین پته هایی که از دست والدین می گیرد می چرخد و همه هزینه هایش باید از همین محل تأمین شود.
* مدیریت مدرسه دولتی آینده ؛ چالش تلاش برای کیفیت ، برای دستیابی به منابع
به همین خاطر هم هست که تصدی گری و مدرسه داری دولت در چنین سیستمی معنی دار نیست . چون مدیر دولتی نمی خواهد با این وضعیت آمیخته با عدم اطمینان کار خود را دنبال کند . برای مدیر دولتی قابل فهم نیست که حقوق کارکنانش تأمین بشود یا نشود ، یا دچار نااطمینانی در این جهت شود . اسم این شکل از کار را تلاش برای بقا گذاشتیم ؛ یعنی اگر توانستید رضایت خاطر ذی نفعان را تأمین کنید ، در نتیجه منابع را از دست ذی نفعان دریافت می کنید ، آن وقت می توانید مدرسه داری کنید.
و اگر نتوانستید این کار را انجام دهید ، معنایش این است که عرصه مدرسه داری را به اهلش واگذار کنید . بر مبنای

قضاوت والدین ، اهلیت ندارید . و وقتی اهلیت شما احراز نشود ، به شما اقبالی نخواهد شد و در نتیجه خود به خود و به طور طبیعی از صحنه مدرسه داری حذف می شوید.
سازوکارهایی که یک مدرسه ممکن است کلا از صحنه حذف شود و آیا آن سرمایه های ایجاد شده به فرد دیگری منتقل می شود ، و جابجایی در مدیریت صورت می گیرد ، جزئیاتی است که شاید بنده هم به شکل شفاف و روشن برای آن فکری نداشته باشم ، چون از نظر خودم یک ایده است نه یک طرح عملیاتی . اگر کلیات این ایده مورد توجه قرار گیرد ، طبیعی است که باید روی این جزئیات بحث کرد و تکلیف این جزئیات را روشن کرد.
* قاعدتاً آنچه برداشت بنده از این موضوع است ، این است که مدارس دولتی با غیردولتی فرقشان این است که مالکیت مدارس دولتی ، تجهیزات و برندش متعلق به دولت است و اداره آن توسط تیمی خواهد بود که مسؤولیت اجرایی و مالی می پذیرد و فعالیت مدرسه را انجام می دهد.
بله . به نظرم می رسد که شاید در یک مرحله گذار لااقل به این صورت باید عمل شود چون همه امکانات الان متعلق به دولت است . ولی استبعادی ندارد که در ادامه کار در یک پروسه ای این تعریف صورت بگیرد ، که مدرسه و امکانات دولتی ، برای عمل کردن در یک ساز و کار این چنینی ، به کسانی واگذار شود ، و کم کم به اصطلاح مابه ازای سرمایه دولت را به دولت برگردانند ؛ و امکانات دولتی آزاد شود یا صرف توسعه شود.
* یک سوال که اینجا مطرح می شود این است که مقایسه می کنند آماری که در کشورهای مختلف است مثلاً در آمریکا یا کشورهایی که تعلیم و تربیتشان در جهان از وضعیت بهتری برخوردار است ، مانند فنلاند ، سوئد و نظایر آن و می گویند در اکثر این کشورها درصد مدارس غیردولتی آنها بسیار پایین است . برخی کمتر از ۱۰ درصد و برخی کمتر از یکی دو درصد است . در واقع با این مقایسه نتیجه گیری می شود که خصوصی سازی و واگذاری و تصدی اداره مدرسه به این شکل در دنیا معمول نیست.
اخیرا گزارشی از OECD مربوط به کشورهای مختلف اروپایی و غیراروپایی که در مطالعات پیزا PISA شرکت می کنند را دیدم . در این گزارش بررسی شده است که وضعیت مدیریت مدارس ۲۹ یا ۳۰ کشوری که در مطالعات پیزا شرکت می کنند ، چگونه است.
برای خود من هم خیلی جالب بود که آنجا تعداد مدارسی که با سیستم پته آموزشی اداره می شوند ، بسیار قابل توجه بود و بحث سیاست انتخاب مدرسه توسط والدین با قدرت خرید خدمات آموزشی که به آنها داده می شود ، به طور جدی مطرح بود . حالا درصد و تعداد مدارس را خاطرم نیست ، اما این گزارش موجود است و می توان به این گزارش مراجعه کرد.
* بن آموزشی دولتی ، تجربه شده در جهان
پس تأکید می کنم آن چیزی که تحت عنوان خصوصی سازی مطرح می شود ، به نظرم باید کاملا از پدیده ای که درباره اش صحبت می کنم ، جدا شود . بنده درباره سیستم پته آموزشی صحبت می کنم ، و وقتی چرخش در سیستم توزیع منابع دولتی از عرضه محوری به تقاضا محوری صور می گیرد ، که در واقع همین سیستم پته آموزشی خواهد بود ، باید به آن دلالت ها تن دهیم که یکی از آن دلالت ها این است که مدیریت مدارس را از شکل دولتی خارج کنیم ، و اجازه بروز و ظهور و رقابت برندهای مختلف و آموزشی را بدهیم.
من این را جزو به اصطلاح لوازم اجتناب ناپذیر قائل شدن حق انتخاب می دانم . یعنی حق انتخاب بدون وجود انتخاب های واقعی و تنوع در سطح مدارس خیلی بی معنی است ، و نمی توانیم بگوییم که انتخاب مدرسه توسط والدین را با استفاده از سیستم پته آموزشی اصطلاحا به رسمیت بشناسیم ، بدون اینکه رقابت و فراهم کردن زمینه انتخاب های واقعی را فراهم کنیم.
چون دنبال انتخاب واقعی هستیم به نظرم یک حلقه دیگری به این بحث اضافه می شود ، که ما نمی توانیم واقعا ذیل یک نظام یکپارچه ، یک شکل و یکسان دولتی ، مدارس را اداره کنیم و بنابراین مدارس باید به یک فضای رقابتی بروند و در این فضا ، برندهایی که می تواند تأمین کننده نیاز مخاطبان و نظر والدین باشد ، بمانند و آنهایی که نمی توانند از صحنه حذف شوند . ضمنا وقتی صحبت از رقابت می کنیم ، رقابت می تواند جمعی باشد ، و شبکه مدارس با محوریت مزایای برند خود با هم رقابت کنند.
* ۱۶ سال فرصت ؛ از تغییرات مدیریتی تا پاسخگویی شورای عالی آموزش و پرورش
* شما جلسه قبل درباره بحث سند ، این نکته را فرمودید که باید راهکارها تبدیل به برنامه می شد ، اما فرصت این اتفاق فراهم نشد ؛ یکی از نقدهایی که مطرح می شود این است که چرا علی رغم اینکه ۸ سال تدوین سند طول کشید و ۸ سال از تصویب آن می گذرد ، در این ۱۶ سال فرصت این کار نبوده است ؟ آیا مؤلفه های سند قابلیت تبدیل شدن به برنامه عملیاتی و قابلیت تحقق در مدرسه را دارد ؟

این انتقاد واردی است که توسط منتقدین به سند مطرح می شود . اما من دوست دارم این ۸ سال طول دوره تدوین و ۸ سال که از تصویب می گذرد که باید وارد فاز اجرا می شدیم را از هم تفکیک کنم . همانطور که در توضیحات قبلی هم آمد ، در آن ۸ سالی که دست اندرکار تدوین بودیم ، بنایمان این بود که در زمان خیلی کوتاه تر کار تدوین به اتمام برسد . اما اتفاقات زیادی در تغییر مدیریت عالی آموزش و پرورش افتاد . تغییر وزرا ، تغییر دولت ها و اینکه در یک دولت ، چند وزیر برای آموزش و پرورش آمد ، بسیار تأثیرگذار بود . البته تنها عامل تأثیرگذار نبود.
در نتیجه به نظرم ما روی ۸ سال دوم که از زمان تصویب می گذرد ، می توانیم صحبت کنیم ، و اینکه چرا اتفاقی در این مدت نیفتاده است ؟ من ترجیح می دهم در این زمینه داوری نکنم ؛ زیرا درگیر نیستم و در واقع ارتباط مستقیم با مسأله اجرای سند ندارم . فکر می کنم اگر دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش در این زمینه اظهارنظر کند ، اظهارنظر دقیق تری خواهد بود.
* سند راهبردی است و قرار نیست عملیاتی باشد
اما امکان عملیاتی شدن که اشاره کردید به نظرم موضوع مهمی است . کسانی معتقدند که اساساً مضامینی که در سند تحول آمده است ، خیلی مضامین آسمانی ، دست نیافتنی و به یک معنا غیرقابل اجرا هستند . ممکن است بشود چنین صفت هایی را برای مضامینی که در سند تحول آمده است به درستی استفاده کرد . و با این هم خیلی مشکل ندارم . اما می خواهم منتقدین را به ماهیت اسناد استراتژیک توجه دهم و اینکه سند استراتژیک اساساً طبق تعریف از یک وضعیت آرمانی صحبت می کند ، و معطوف به یک وضعیت آرمانی است ؛ و توجه به اینکه در کوتاه مدت چه اتفاقی می تواند بیفتد یا باید بیفتد ، ندارد . به عبارت دیگر برنامه عملیاتی کوتاه مدت نیست.
* حیات طیبه آرمانگرایی نیست ؛ زندگی مبتنی بر عقلانیت است !
این یک نکته است که به نظرم منتقدین باید در ارزیابی مضامینی که در سند آمده است ، خصوصا از این جهت که می گویند آرمان گرایانه است ، در نظر بگیرند و نکته دیگر که می تواند قدری مطلب را روشن تر کند ، این است که بعضی وقت ها از مفاهیمی که در سند استفاده شده به عنوان مفاهیم و معانی غیرقابل تحقق نام برده می شود و شاید مصداق بارز آن ، حیات طیبه است.
منتقدین سند می گویند که این وصفی که از هدف تربیت دارید که دسترسی به مراتبی از حیات طیبه قید شده است ، خیلی وصف آسمانی و آرمانی است . نکته ای که می خواهم عرض کنم این است که شاید فهم روشن و دقیقی از این مفهوم نداشته باشیم که فکر می کنیم آرمانی ، آسمانی و دست نیافتنی است.
از نظر من و دست اندرکاران سند تحول ، اگر بخواهیم روی این مفهوم خاص به عنوان یکی از مصادیق اصلی که منتقدین به آن استناد می کنند ، تأمل کنیم ، حیات طیبه چیزی جز آنچه که در ادبیات تعلیم و تربیت تحت عنوان حیات پاک و زندگی شایسته آمده است ، نیست . زندگی مبتنی بر عقلانیت است . حیات پاک را طبق تفاسیری که از مفسرین معتبر داریم ، به حیات عقلانی هم تفسیر کرده اند.
بنابراین اگر ما این مفاهیم را بیاوریم و درباره معنایی که از آنها برداشت می شود ، تأمل کنیم ، و حیات طیبه را واقعا به عنوان این معنی که تربیت انسان های کامل را به معنای رایجش هست ، فهم نکنیم ؛ و به عنوان فراهم کردن زمینه دستیابی به یک حیات عقلانی تعبیر کنیم ، بعضی از انتقادها احتمالا مورد بازنگری قرار می گیرد . به بیان دیگر ، توانمندی و احساس مسؤولیت نهادینه شده در قبال توسعه فردی و جمعی در سطوح چهارگانه هویت که در سند تحول مطرح شده ، شامل سطح هویت قومی ، ملی ، اسلامی و جهانی ، مورد نظر است . ما به دنبال تربیت چنین شهروندی هستیم که آگاهانه و مسؤولانه برای ارتقای زیست فردی و جمعی تلاش می کند و مسؤولیت می پذیرد.
بنابراین به دو نکته اشاره کردم ؛ اول اینکه سند تحول ، سند استراتژیک است و قرار نبوده است که برنامه عملیاتی کوتاه مدت را ارائه کند . و سند استراتژیک ، طبق تعریف به دنبال تبیین وضعیت آرمانی است . و دوم اینکه بعضی از مفاهیم که خیلی مورد نقد قرار می گیرد ، مانند حیات طیبه باید به تفاهمی در زمینه معنا و تفسیر آنها دست پیدا کنیم . و اگر این اتفاق بیفتد ، در این قضاوت تجدید نظر خواهد شد .
* البته فکر می کنم در مورد بحث ارزش ها ، اهداف و راهبردهای کلان سند تحول و حتی اهداف عملیاتی هم ، نکته ای که شما فرمودید ، کاملا روشن است اما وقتی به بحث راهکارهای کلی که ذیل اهداف عملیاتی سند نگاه می کنیم ، به نظر می رسد این راهکارهای کلی هیچ بافت اجرایی و عملیاتی خیلی جدی را تبیین نمی کند . و اگر بعد از ۲۰ سال بگویند که " در رابطه با سند چه کردید ؟ " هر کسی با هر کاری که در وزارتخانه انجام داده است ، ممکن است بگوید به سند توجه کردم . مثلا در ساخت مدارس بگوید که به سند توجه کردم ؛ اما در ساخت مدارس فقط داریم ساخت فضاهای سربازخانه ای را تکثیر می کنیم . آیا فضایی را فراهم کردیم که معلم خلاقیت خود را به کار ببرد ؟ به عبارت دیگر سند نمی تواند قضاوتی درباره این موضوع فراهم آورد ، و معلوم شود آن کسی که سند را اجرا کرده یا نکرده است ،

بتواند متمایز شود.
اینها در شرایطی است که ما بخواهیم به راهکار ارجاع دهیم ، و استناد کنیم . و حال اینکه در توضیحات قبلی به آن اشاره کردم ؛ کار تدوین سند تحول با نوشتن و تعیین راهکارها ذیل اهداف عملیاتی به پایان رسید ، اما کار تدوین برنامه استراتژیک آموزش و پرورش واقعا به پایان نرسید . و به همین دلیل اقدامات تکمیلی قرار شد اتفاق بیفتد که عبارت بود از برنامه هایی برای ۶ زیرنظام تعلیم و تربیت.
۱۳۱ راهکار را دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش بین زیرنظام های ششگانه توزیع کرد و قرار شد برای راهکارها ، برنامه عمل و فعالیت تعریف که نامش برنامه زیرنظام ها شد . الان برنامه زیرنظام ها تصویب شده و برای همه ۶ زیرنظام به گونه ای که کل راهکارها را پوشش می دهد ، برنامه عمل نوشته شده است.
* برای عمل به جای سند تحول به برنامه های عمل سند رجوع کنید
مثلا در حوزه فضا و تجهیزات درباره اینکه مدرسه باید از چه کیفیت هایی برخوردار باشد ، به طور خیلی دقیق اظهارنظر شده است ؛ و در قالب چند برنامه پیش بینی شده که با چند فعالیت زمان بندی شده باید عملیاتی شود.
بنابراین در تمام زیرنظام ها درباره همه اقدامات ، کسی دیگر به راهکار ارجاع نمی دهد بلکه به برنامه ها و فعالیت هایی که در دل الگوها یا برنامه های ۶ زیرنظام آمده است ، باید ارجاع داده شود . و این اشکال ، نسبت دادن هر اقدامی به سند تحول را رفع می کند . یعنی می توان اقدام مرتبط یا غیر مرتبط با سند تحول را با مراجعه به آنچه که تحت عنوان برنامه زیرنظام ها آمده است ، احراز کرد.
* آیا سند تمرکززدائی را هضم کرده ؟
* به عنوان مثال بحث تمرکززدایی و مدرسه محوری که در این جلسه هم راجع به آن صحبت شد ، آیا مؤلفه ای سند با این ساختار تمرکززدایی شده که مطرح شده است ، سازگار هستند و چقدر سند این مدل را پیش بینی و پشتیبانی می کند ؟
ببینید باورم این است که سازگار است ، اما این را دوست دارم اشاره کنم که وقتی شما یک سند بالادستی می نویسید ، به طور ضمنی و صریح دارید حرکت از بالا به پایین را به عنوان استراتژی اجرا به ذهن مخاطب منتقل می کنید . اگر در این یک مقدار تأمل کنیم و به اصطلاح در آن تردید کنیم که یک سند بالادستی می تواند نوشته شود که استراتژی اجرا هم از بالا به پایین نباشد ، و اینها لازم و ملزوم همدیگر نیستند ، عرض می کنم بله ؛ از دل آنچه که ما در سند تحول آوردیم ، یعنی همین راهکارها و برنامه هایی که برای هر کدام از زیرنظام ها متعاقب راهکارها تنظیم و تعیین شده است ، به نظرم مدرسه محوری را کاملا می توان توجیه کرد.
به عبارت دیگر سند نسبت به استراتژی اجرا ، ساکت است یعنی هم شما می توانید استراتژی مألوف و آشنای بالا به پایین که از ستاد شروع کردن و کم کم در صف ، رد و نشانی از تغییر و تحولات پیدا کردن را دنبال کنید ؛ و هم می توانید همانطور که مورد تأکید من بوده است ، اجرای از پایین به بالا را با استناد به مضامین ارزش های اساسی که در سند تحول آمده است ، پیش ببریم . یعنی صحنه اجرا را به اصطلاح به سمت مدرسه محوری ببریم ، و اجازه بدهیم که انرژی ها در سطح مدارس آزاد شود ، به میدان بیاید و به خدمت گرفته شود ، و مضامین کلیدی و ارزش های اساسی که در سند تحول به آن توجه کردیم در ابعاد مختلف شکل عملیاتی پیدا کند.
در واقع توصیه چرخش در استراتژی اجرا را که مطرح کردم در حقیقت معنایش این است که ذیل گزاره های مندرج در سند ، می توانیم مانیفستی داشته باشیم ، و بر اساس آن ، اجازه دهیم که مدارس برنامه عمل خود را منطبق و همسو با این مانیفست به مورد اجرا بگذارند . بنابراین اجرای سند تحول می تواند شکل دیگری به خود بگیرد که با مدرسه محوری کاملا سازگار است.
اما در این ۸ سال که از تصویب سند گذشته است اجرای آن با یک نگاه کاملا از بالا به پایین تعقیب می شده است . و می شود گفت که واقعا توفیق آنچنانی نداشته ایم و انتظارات برآورده نشده است . به همین خاطر است بحث تغییر استراتژی اجرا ، این روزها به طور جدی تر پیگیری می شود.
* از تمرکز زدایی در حرف ، تا تمرکز زدایی در عمل ، فاصله زیادی است
* با یک مثال بحث را دقیتر کنم و کالبدشکافی شود و به زوایای مسأله بپردازیم ؛ در سند ، وقتی بحث تمرکززدایی اتفاق می افتد یعنی اینکه اختیار خلاقیت را مدرسه در زمینه هایی مثل کتاب درسی داشته باشد ؛ در واقع اینکه تمام کارها بر اساس یک نظام متمرکزی از بالا به پایین با کتاب درسی القا می شود و جزئیاتی که دانش آموز باید در کلاس یاد بگیرد ، با کتاب درسی اعمال می شود و در این میان ، بودجه بندی پشتیبانش می شود ، حتی معلم در شکل ارائه کردن آن در طول سال تحصیلی نمی تواند ، خلاقیتی ارائه کند.
اگر انتظار داشته باشیم که مدرسه بخواهد خودش خلاقیت داشته باشد و با مدارس دیگر رقابت داشته باشند ، و شرایط

متنوعی از آموزش را برای مخاطبین مختلفشان فراهم کنند ، این اتفاق نیاز به تغییر نگاه به مفهوم کتاب درسی و مواردی از این دست دارد . آیا سند به این دست از موضوعات پرداخته است ؟ به نظر می رسد مفاهیمی که در سند تحول مطرح می شود ، به صورت پیش فرض همین رویکرد کتاب درسی و بافت یکپارچه متمرکز از بالا به پایین است ؛ که در بعضی از بخش های سند به صراحت وجود دارد . و اگر بخواهیم که میدان های مختلف با برندهای متفاوت در واقع تعریف کنیم در تضاد و تناقض است.

ببینید معتقدم که اتفاقا سند بالادستی که درباره اش صحبت می کنیم که سند تحول در آموزش و پرورش است ، در اجزای مختلفی که دارد و در زیرنظام ها موضوع آزادسازی میدان عمل برای تعلیم و تربیت را ترویج می کند ، و ایجاد انعطاف در سیستم را ترویج می کند ، و یک انعطاف حساب شده و سنجیده را حمایت می کند ؛ معتقدم این برداشت از سند که اتفاقا با هر نوع آزادسازی و انعطاف در تعارض هست ، برداشت درستی نیست.

در بسیاری از زمینه ها این سند حمایت و تأکید بر ایجاد انعطاف را به وضوح نشان می دهد ؛ مهم ترین فقره ای که از باب مثال بخواهم اشاره کنم که به دغدغه شما هم مربوط می شود ، برنامه های درسی است . اگر نوع نگاه به برنامه درسی تغییر کند ، آنوقت منابع یادگیری و کتاب درسی تحت تأثیر همین نگاه قرار می گیرد . ما در سند تحول درباره الگوی برنامه درسی صحبت از ارکان سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی می کنیم و می گوییم این ارکان سه گانه هم در سطح کلان یعنی در برنامه یک پایه یا دوره تحصیلی باید خودش را نشان دهد و کل برنامه تجویزی و از بالا به پایین نباشد بلکه بخشی اختیاری و بخشی نیز انتخابی باشد.

در سطح خرد هم یعنی هر برنامه درسی که معلم بر اساس کتاب درسی در یک حوزه یادگیری اجرا می کند ، در سطح یک کلاس درس و در یک موقعیت عینی تعلیم و تربیتی ، معلم لازم است از منظر همین سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی به مدیریت کلاس درس خودش و اجرای برنامه تجویزی بپردازد . یعنی فرصت انتخاب و اختیار در انجام فعالیتها به دانش آموزان دهد . در همان درس وجوه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی تجلی پیدا کند . به این موضوع تحقق سه گانه در سطح خرد و کلان می گوییم.

* سند با نگاه متمرکز در تعارض است ؛ اما اجرایی شدن آن بحث دیگری است

اینها چیزهایی است که در الگوی برنامه درسی در سند تحول ، در زیرنظام برنامه درسی آوردیم . اینکه چگونه اجرایی می شود و آیا اجرایی می شود یا نمی شود ، یک بحث است و اینکه سند واجد چنین ظرفیتی است که با نگاه ۱۰۰ درصد تجویزی از بالا به پایین در تعارض باشد ، به نظرم چنین است و حمایت کننده از یک چنین مضامینی است . اما ممکن است به این مضامین در اجرا بی توجهی شود و به نظرم باید در بحث اجرای تحول توجه کرد و برنامه درسی تا این میزان تنوع داشته باشد و اگر تنوع نداشته باشد ، مدرسه محوری معنای خودش را از دست می دهد.

مدرسه محوری حقیقی یعنی قائل باشیم که برنامه درسی در یک بخش ثابت برای همه مدارس است ، ولی دو بخش دیگر دارد که سبب تمایز بین مدارس و برندهای آموزشی و تربیتی می شود ، و زمینه بروز و ظهور به آنها می بخشد . ما اگر واقعا مدرسه محوری را از این زاویه نگاه کنیم ، باید مطالبه کنیم که چنین نگاهی در برنامه درسی و کتاب درسی به نام سند تحول جاری شود.

* در اجرای سند تحول ، به هر حال اتفاقی که می افتد همین بحث تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی که شما می فرمایید ، اتفاق می افتد ؛ مثلا طرح هایی مانند بوم را مطرح می کنند که همین کار را زمینه سازی می کند که اتفاق بیفتد ولی فضایی که در این کار هست ، در حد این است که در طرح بوم می گوید ۲ ساعت می تواند این واگذاری اتفاق بیفتد یعنی اگر شما ۳۰ و چند هفته در مدرسه کار می کنید منهای دو ساعت ، تجویزی و طبق کتاب درسی و آنچه کلیشه شده باید اتفاق بیفتد و دو ساعت هم اختیار دارید برای خودتان باشید ، و یا به قول یکی از دوستان ، در کتاب درسی یک صفحه را خودتان بنویسید . فکر می کنید با همچنین چیزی ، آن هیجان و خودجوشی در درون مدارس ، در برندها و نظایر آنها ، ارتقای کیفیت و خلاقیت اتفاق می افتد ؟ یا عذرخواهی می کنم به نظر می آید این حد اختیار دادن ، مسخره کردن تحول است.

از ایده برنامه درسی ویژه مدرسه که مخفف بوم است و تعریف عملیاتی آن هم همین است که شما فرمودید ۲ ساعت در هفته برنامه باشد ، یک حمایت مشروط کرده ام ؛ نه آن را به طور کامل به عنوان یک اتفاق ناصواب و ناهمسو با تحول دانسته ام ، و نه اتفاقی منطبق با آنچه که در مضامین و انگاره ها و اسناد تحولی انتظار داریم . چیزی بینابین است.

* بوم ؛ کاچی به از هیچ چی !

فکر می کنم اتفاقا استراتژی حرکت تدریجی و گام گام به سمت ایجاد تحول را باید در دستور کار داشته باشیم ، و نمی توانیم همه آنچه را مطلوب می پنداریم به صورت دفعی و در یک گام محقق کنیم . از این جهت فکر می کنم این تدبیر آزاد کردن ۲ ساعت در هفته را به عنوان یک هویت بخشی حداقلی به مدرسه شناخت و آغاز مغتنمی در جهت اعتنا به

تصمیمات محلی یا در محل باشد . ولی نباید هرگز به آن بسنده کنیم و در حقیقت دنبال چیزی باشیم که در سند تحول در توضیحاتی که در پاسخ به سوال قبلی دادم ، اتفاق بیفتد که اسمش هویت بخشی حداکثری است و سبب می شود تمام انرژی های معطوف به نوآوری و تحول در صف و یا در خود نهاد مدرسه فرصت بروز و ظهور پیدا کند.
در دو بُعد هم هویت بخشی حداکثری مورد نظر است که یک بُعد آن با نگاه ما به اجرای آن سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی در سطح خرد و کلان تطبیق می کند . در سطح خرد در واقع وظیفه معلم است که در تمام دروس باید از فرصت اعمال نظر حرفه ای در اجرای برنامه های درسی برخوردار باشد ، و بتواند برنامه درسی را به تناسب موقعیت خاص خود بهینه سازی کند ، و تصمیمات لازم را بگیرد و یکی هم در سطح کلان است که کل مدرسه باید بتواند یک برند آموزشی را اجرا کند . ما هویت بخشی حداکثری را دنبال می کنیم و مدرسه محوری به عنوان یک استراتژی می تواند ربط با سند تحول پیدا کند و مشروعیت خودش را از سند تحول دریافت کند.

آن چیزی که به اسم برنامه بوم یکی ، دو سالی مطرح شده است ، تمرینی برای فراهم کردن فرصت تصمیم گیری محلی است . و به نظر من این تمرین را به عنوان گام نخست می شود حمایت مشروط و استقبال کرد . به شرط اینکه جهت گیری به سمت این باشد که آن اتفاق اساسی و هویت بخشی حداکثری و آن چیزی که من مدرسه محوری نام می برم ، اتفاق بیفتد.
* آیا روند تصویب برنامه درسی ملی در این راستا هست که به مدارس اختیار دهد که برنامه درسی خاص خودشان را داشته باشند ؟ اصلا روند تصویب برنامه درسی ملی را چگونه ارزیابی می کنید ؟
من درباره برنامه درسی ملی ، نگاهم به عنوان سند پایین دستی سند تحول است ، و باید در حکم برنامه زیرنظام مربوطه از زیرنظام های ششگانه مورد توجه قرار گیرد . این باور در خود وزارت آموزش و پرورش وجود دارد که سند برنامه درسی ملی به عنوان یکی از اسناد عملیاتی سند تحول در زیرنظام برنامه درسی به طور مشخص نگریسته شود . اما از اینجا به بعد با دوستان اختلاف نظر داریم که اگر برنامه درسی ملی یک سند پایین دستی نسبت به سند تحول است ، تا چه اندازه این سند پایین دستی به استانداردها یا انگاره ها که در سند مادر مورد توجه بوده ، وفادار است ؟ تا چه اندازه همخوانی دارد یا ندارد ؟
* انتظاری از برنامه درسی ملی برای مدرسه محوری نداشته باشید !
من فکر می کنم که دوستان تلاش می کنند که این دو را به هم بخورانند و تلاش های خوبی طی سال های گذشته اتفاق افتاده که این دو خورانده شود . ولی در همین بُعد برنامه درسی که به نظر بنده بسیار کلی و ساختاری است ، یعنی سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیر تجویزی به نظرم کاملاً ناکام بودند . بنابراین پاسخ به سوال شما این است که آیا در ذیل سند برنامه درسی ملی می توانیم شاهد آن هویت بخشی حداکثری و مدرسه محوری باشیم ؟ من فکر می کنم که بسیار بعید است.
باید جزو مطالبه های کلیه صاحب نظران تعلیم و تربیت باشد که نسبت میان سند بالادستی و سند پایین دستی ، که به هرحال کاملاً منطقی هم هست ، به درستی تبیین شود و در اجرا دنبال شود . چون تصورم این است که به رغم تلاش هایی که برای هماهنگ و همسو کردن این ۲ سند در بُعد برنامه درسی ، آنچه که از آن تحت عنوان مدرسه محوری و هویت حداکثری نام می بریم ، اتفاق نخواهد افتاد.
ایده آلی که در برنامه درسی ملی پیش بینی شده است ، آزاد کردن ساعات بیشتری از برنامه های هفتگی است . یعنی اکنون دو ساعت آزاد شده است ، اما در سال آینده به ۴ ساعت افزایش پیدا کند . اینها را اگر به عنوان وضعیت نهایی از حیث هویت بخشی به تصمیمات محلی و دادن حیثیت و شخصیت به مدارس قلمداد کنیم ، به نظرم با آنچه که از سند تحول می فهمم ، و ساختاری که در سند پیش بینی شده است ، سازگار نیست و تأمین کننده این مقصود نخواهد بود.
ولی اگر گام های تدریجی به سمت آن اتفاق اساسی و عملیاتی کردن آن ساختار در نظر گرفته شود ، می تواند به عنوان استراتژی اجرای تدریجی ، استقبال و حمایت شود.
* اگر اجازه دهید یک پرانتز باز کنم ؛ نه از نظر اینکه شما مجری سند برنامه درسی ملی بودید و نقش راهبردی در این موضوع داشتید ، بلکه از نظر تخصص حوزه شما که برنامه ریزی درسی ، و اینکه پیشکسوت این حوزه در کشور ما هستید ؛ از این زاویه سوال می کنم . آیا اینکه ما در حوزه برنامه درسی مشخص کنیم که بچه در پایه دوم ابتدایی فلان موضوع را حتماً یاد بگیرد و در سال سوم ، موضوع دیگر را یاد بگیرد ، یعنی یک روندی را تعریف کنیم و زمان بندی کاملاً مشخصی را تجویز کنیم که به همان روند کتاب های درسی ختم می شود ؛ در حالی که موضوعات بر حسب نیاز باید مطرح شوند و از سوی دیگر اگر یادگیری اکتشافی را در میدان یادگیری قرار دهیم ، مسیر متفاوتی برای یادگیری افراد ایجاد می شود ؛ قرار دادن موضوعات در یک دوره کامل مشخص به نظر شما درست است ؟

در واقع این وضعیت و پدیده پیچیده ای است که شما مطرح می کنید و نمی توان صفر و یکی درباره اش قضاوت کرد ، و نمی توان با استدلالی شبیه استدلال شما گفت که برای هیچ رده سنی نوع و محتوای یادگیری تعیین نشود و باید کاملا موقعیتی عمل کنیم.

ایده پردازی و نظریه پردازی های تربیتی از این جنس در تاریخ تعلیم و تربیت داریم ، که دست از هر نوع تدابیر فراتر از کلاس درس و موقعیت های خاص یاددهی و یادگیری باید بکشید ، و همه تدابیر و تصمیمات مربوط به یادگیری باید شکل برآمدنی یا روییدنی از خود موقعیت داشته باشد ، که همسو با استدلال جنابعالی است.

* از انعطاف مطلق تا انعطاف در کنار تجویزهای هویت ملی

از طرف دیگر ما نگاه هایی را داریم که معتقد است که به هر حال وظیفه آموزش و پرورش و برنامه های درسی که مهم ترین رکن کار در آموزش و پرورش است ، ایجاد یک وضعیت مشابه و یک دست کردن و تحقق بخشیدن به هدف و آرمان مشترک اجتماعی و جمعی است ، و نه تمرکز روی فرد و آرمان های فردی.

در واقع ملت سازی به نوعی باید اتفاق بیفتد . گمان می کنم که هر کدام از این نظریه ها و دیدگاه ها برای خودشان توجیهات عقلانی دارند ، و پیچیدگی کار که ابتدا عرض کردم همینجاست که نمی توانید آن بخشی از حقیقت که در هر یک از این استدلال ها هست را نادیده بگیرید . و تنها تبصره ای که می شود زد و مسأله را یک جوری حل کرد این است که هر دو طرف اذعان کنند ، آن طرف که قائل به عدم انعطاف است ، یعنی تعقیب اهداف جمعی توسط افراد و همسان شدن همه افراد یک ملت و طرف دیگر ، که قائل به انعطاف مطلق و پرورش فردیت و استدلال های فردی در دانش آموزان است . باید به این ایده های خودشان یک تبصره بزنند ، که هر کدام واجد بخشی از حقیقتی است که باید در تعلیم و تربیت اتفاق بیفتد.

اگر اینطور باشد می توانند همزیستی پیدا کنند ، و همزیستی هم به نظرم می آید در برنامه درسی ، اینجوری خود را نشان می دهد که مثلا بیایید ذیل این ساختار سه گانه که مورد تأکید من بوده و در سند تحول هم مورد پذیرش قرار گرفته است ، برنامه درسی را ببینید ؛ بخش تجویزی را برایش کتاب درسی بنویسید ؛ با بخش نیمه تجویزی و غیرتجویزی ، به شکل دیگری برخورد کنید ، و در واقع اجازه کشف استعدادها ، نیازها و علایق در این دو بُعد داده شده ، و زمینه پرورش و پاسخ دادن به نیازهای فردی دانش آموزان یا گروهی در قالب گروه های کوچک فراهم شود.

همانطور که عرض کردم این سه گانه نیز سطح کلان و سطح خرد دارد . در سطح خرد یعنی یک درس تجویزی دارای کتاب درسی باشد که به دست معلم می سپارید . او باید بداند که با توجه به بعد نیمه تجویزی و غیر تجویزی ، انتظار می رود که دانش آموزان بتوانند در ارتباط با موضوعات مختلف که در کتاب درسی آمده است ، فعالیت های یادگیری مختلفی را تعریف کنند و بر حسب علائق خودشان انجام دهند . یعنی توجه به این سه گانه در سطح خرد به معلم کلاس توجه می دهد که حتی در بخش تجویزی هم توجه به علاقه ، استعدادها و درخواست های ویژه دانش آموزان در دستور کار قرار گیرد.

ضمن اینکه در سطح کلان ، خارج از بخش تجویزی دنبال پاسخ دادن به نیازها و علائق فردی در آموزش و پرورش می گردیم . خلاصه آموزش و پرورش به نظر من مقوله ای است که نمی شود درباره اش یک سیاست معطوف به یکی از این دو نظریه را به تنهایی دنبال کرد . چون هر کدام با اشکالات خاص خودش روبروست ؛ ضمن اینکه در هر یک از این سیاست ها یا این نظریه ها ، یک حقیقتی نهفته است که نظام تعلیم و تربیت نمی تواند به آنها توجه نداشته باشد.

* گرفتار شدن رفتارگرایانه در تبیین خرده اهداف آموزشی و سنجش آن

* در مورد بحث تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی که مطرح شد ، فکر می کنم که اگر بین بحث گرفتار شدن در خرده اهداف آموزشی و تبیین کلی اهداف تمایزی قائل شویم ، بتوان روی این موضوع بحث دقیق تری کرد . یعنی بحثم این نیست که مدرسه نباید هیچ چیز تجویزی و آموزشی الزامی داشته باشد ؛ ولی اینکه آیا برای این موضوع ، خرده اهدافی را جزئی تنظیم کنیم و الزام کنیم که حتما از این طریق اتفاق بیفتد ، اینطور نباشد.

این اتفاق که الان می افتد این است که در کتاب درسی حتی بندهایی از یک شعر ، انتخاب شده و به خورد بچه ها داده می شود ، و گفته می شود عیناً همین را باید حفظ کرده و پاسخ دهید ؛ و به عنوان این است که مثلا هویت ملی را در نظر بگیرد ؛ در صورتی که اگر اصل ماجرای پرداختن به هویت ملی است می توان یک مؤلفه هایی را مشخص کرد و به معلم این اختیار داده شود که از مسیرهای مختلفی که می شود به هویت ملی پرداخت ، وارد شود و با خلاقیت خود به آن بپردازد .

در قاموس برنامه ریزی درسی ، آنچه که در فرمایش شما بود که من هم ۱۰۰ درصد تأیید می کنم ، اسمش رویکرد طراحی برنامه درسی است . اتفاقا در سند تحول روی این هم تأکید داشتیم که در بخش تجویزی که مدل یا الگوی طراحی برنامه درسی ما باید حتما از نگاه القایی ، رفتارگرایانه ، یک سویه و مهندسی کردن محیط یاددهی ـ یادگیری

فاصله بگیرد ، و اساساً یادگیری به معنای واقعی کلمه در چنین محیطی اتفاق نمی افتد . آنچه اتفاق می افتد یک سلسله ادراکات سطحی یا محفوظاتی است که هدف های یادگیری را به صورت شایسته محقق نمی سازد.

* باید از رفتارگرایی فاصله بگیریم . نیاز به فضای باز ، منعطف و اکتشافی داریم

باید از طراحی رفتارگرایی فاصله بگیریم ، و تنها اگر قصد داریم مهارت های خاصی را آموزش دهیم ، می توانیم به مهندسی فرایند یاددهی ـ یادگیری بپردازیم . ولی در پیوند با اکثریت قاطع اهداف یادگیری که معطوف به کسب قابلیتها و کیفیت هایی مانند هویت ملی است ، قطعا در یک فرایند مهندسی شده یاددهی ـ یادگیری ، آنطور که شما هم مثال زدید ، محقق نخواهد شد ؛ بلکه نیاز به فضای باز و منعطف و رویکردهای اکتشافی ، حل مسأله و امثالهم در طراحی برنامه درسی داریم .

* در یک پرانتز ، صحبت شما را در روند تصویب برنامه درسی ملی قطع کرده بودم.

مطلب خاصی نبود و در ادامه آن مطلب برنامه درسی ملی ، بحثی تحت عنوان بوم یا آزادسازی بخشی از ساعات حضور دانش آموزان در مدرسه و تصمیم گیری در سطح محلی ، مطرح شده است ، که گفتم اتفاق خوبی است ، اما باید به عنوان یک اتفاق حداقلی در ذیل چشم انداز انتظار حداکثری که در سند تحول مطرح شده ، دیده شود و آن انتظار حداکثری هم بحث مدرسه محوری و دادن هویت حداکثری به مدارس است.

* برنامه درسی ملی موازی سند تحول بر اساس قضاوتی شتابزده

داشتم عرض می کردم نمی دانم آنچه که در حوزه برنامه درسی کشور اتفاق می افتد ، و اجرای برنامه درسی ملی هم در دستور کار آن است ، به سمت هویت حداکثری دادن و مدرسه محوری پیش می رود یا نمی رود ! و می خواستم این را اضافه کنم واقعا برنامه درسی ملی یک اتفاقی بود که نباید به آن شکلی که تدوین و تصویبش اتفاق افتاد ، اتفاق می افتاد ؛ یعنی یک حرکت موازی سند تحول شکل گرفت ، که از دغدغه نافرجام بودن سند تحول نشأت می گرفت . یعنی مدیریتی در آموزش و پرورش حاکم شد که دیدش نسبت به دست اندرکاران تدوین سند تحول مثبت نبود و به همین خاطر فکر می کرد که از ذهن و ضمیر این افراد ، چیزی که به درد بخورد ، حاصل نخواهد شد ، و سرنوشت روشنی برای سند تحول پیش چشم شان نبود . و بر اساس این تحلیل ، یک جریان موازی را به نام برنامه درسی ملی شروع کردند.

به نظرم این قضاوت ، قضاوت نادرست و شتابزده ای بود ، و بر این اساس سند برنامه درسی ملی اگر منتظر می ماند که سند تحول به نتیجه برسد ، و به عنوان یک زیرنظام ذیل سند بالادستی برایش تعیین تکلیف می شد ، قطعا با این بحث ها و چنین چالشی روبه رو نبودیم.

* مراقب میدان داری موسسات کنکوری در عرصه جدید باشید !

* یکی از نگرانی هایی که نسبت به بحث تمرکززدایی وجود دارد این است که مؤسسات صاحب نام و صاحب ثروت و میدان دار در فضای کنکور از این فضای غیرمتمرکز استفاده می کنند و رشته امور مدرسه را بسیار بیشتر از آنچه هست به دست بگیرند ؛ چه تمهیداتی برای جلوگیری از جولان مؤسسات منفعت طلب و سودجو در مدارس است ؟ اگر حضور آنها به فضای تعلیم و تربیت به شکل واقعی و برآورده شدن نیاز واقعی بچه ها ختم نشود ، و رویکردشان به رقابت انداختن بچه ها (و بالتبع ، هزینه کردن خانواده ها) در فضای شبه کنکوری باشد ، آن را یک صنعت ناسالم می دانیم . به نظر شما در این میدان چه اتفاقی باید بیفتد که فضا تعدیل شود و به سمت فضای سالم حرکت کند ؟

همانطور که عرض کردم ، ذیل نگاه من به مدرسه محوری ، استراتژی مربوطه که توضیح دادم چیست و خارج شدن آموزش و پرورش از تصدی گری و بحث ایجاد رقابت برای بقا در جهت ارائه خدمات باکیفیت آموزشی و تربیتی و همه اینهایی که توضیح دادم ، اشاره کردم که اگر اتفاق بیفتد و چنین ایده ای عملیاتی شود ، دامنه فعالیت مدارس غیردولتی محدود می شود و مدارس غیردولتی با شدت تقاضای کنونی مواجه نمی شوند.

عین همین قصه به نظر من درباره مؤسساتی که شما از آنها نام می برید ، اتفاق خواهد افتاد . فکر می کنم چنانچه این ایده به درستی اجرایی و عملیاتی شود ، آنها هم قهراً فعالیتشان محدود خواهد شد . استقبال والدین از این مؤسسات از چه نیازی نشأت می گیرد ؟ اینها مؤسسات آموزشی در سایه هستند که به خاطر ضعف کیفیت در مدارس ، توانسته اند جایگاهی برای خودشان تدارک ببینند ، و با این استقبال چشمگیر و از برخی جهات نگران کننده مواجه شوند . نیازی که والدین و دانش آموزان احساس می کنند ، به خاطر خلأها و نابسندگی هایی است که در مدارس ما وجود دارد . بنابر این نیاز نیست برای محدود کردن این مؤسسات ، با آنها برخورد قهری و دستوری کنیم . باید زمینه های این نیاز و اقبال به مؤسسات آموزشی سایه را ، در نظام آموزشی کم کرد ؛ و آن هم در گروی ارتقای کیفیت آموزش و تأمین رضایت خاطر والدین و بالابردن میزان اعتماد به مدارس است.

بنابراین در پیشنهاد من ، این مواجهه طبیعی با زمینه های اقبال نسبت به مؤسسات مورد نظر فراهم است ؛ و این

مؤسسات به اصطلاح سایه ، با بهبود کیفیت مدارس ، زمینه فعالیت شان از آنچه که هست طبیعتا باید محدودتر شود.
تنها نکته ای که به نظرم باقی می ماند این است که وقتی حق انتخاب را می خواهیم به والدین دهیم ، این نگرانی وجود دارد که وقتی والدین قدرت انتخاب یا آمادگی لازم را به لحاظ تربیتی و آموزشی برای انتخاب صحیح نداشته باشند ، چه کار باید کنیم ؟ این نگرانی مطرح می شود که ممکن است چنین مؤسساتی با ارائه اطلاعات و آماری درباره مدارس مختلف از حیث موفقیت هایشان در حوزه های مختلف آموزشی یک جور رهزنی کنند و انحراف در قضاوت صحیح والدین برای انتخاب مدرسه مناسب فرزندان خودشان ایجاد کنند . این نگرانی واقعی است.

* فکری برای فهم آموزش صحیح در فضای انتخاب خانواده ها

به نظرم از این منظر که بنده مطرح کردم جای نگرانی وجود دارد که مدارس انتخاب صحیح و دقیق والدین را با اطلاعاتی که ارائه می کنند ، با نوعی انحراف مواجه کنند . مثلا توفیقاتی که دانش آموزان با آزمون های آنها به دست آورده اند ، که باید برای آن فکری کرد و بسترسازی هایی انجام داد تا والدین بتوانند به واقع انتخاب اصلح را برای فرزندان خود انجام دهند ، و معیارها و ملاک هایی در اختیارشان باشد که انتخاب مدرسه را فقط منوط به عملکرد دانش آموزان در آزمون ها و تستها نکند .

* سال های قبل ، نام شما به عنوان گزینه جدی برای وزارت مطرح شد حتی یادم هست که یک سالی تعدادی از فعالان حوزه تعلیم و تربیت کمپین حمایتی از شما را تشکیل دادند و خب یک عده هم مخالفت می کردند . به نظر شما مخالفان شما چه حرفی داشتند و خب شاید آن زمان فرصتی برای پاسخ دادن شما وجود نداشت و حالا این فرصت هست.

چون موضوع حضورم در مسؤولیت وزارت آموزش و پرورش برای خودم هیچوقت جدی نبوده است ، هیچوقت در این دوره های مختلف که این بحث مطرح شد ، قصد و اراده ای در این جهت در من شکل نگرفت و به همین دلیل نمی دانم آنچه مخالفان مطرح می کردند ، چه بوده است و پیگیری هم نمی کردم.
ولی خب قابل فهم است صرف نظر از اینکه به چه مناسبتی این مخالفت ها ابراز شود ؛ برای من قابل فهم است که بالاخره من هم مثل افراد دیگری که به موضوع آموزش و پرورش فکر می کنند یک مسأله شناسی خاص خودم را دارم ؛ و باز این مسأله شناسی و راه حل ها مورد مخالفت و موافقت قرار گیرد و شاید در مورد بنده ، مخالفت ها بیشتر از موافقت ها باشد.
صرف نظر از اینکه در چه فضایی نسبت به ایده هایم اظهارنظر می شود ، این اظهارنظرها و مخالفت ها وجود دارد ؛ و مربوط به موضوعاتی می شود که در همین گفت وگوها و مصاحبه ها هم مطرح است . اما همانطور که گفتم به طور ویژه پیگیری نکردم که در آن مناسبت ها چه مخالفت هایی مطرح شده است.

* با بودن سند تحول چرا ۲۰۳۰ ؟

* یکی از نقدها که نسبت به شما می شود درباره سند ۲۰۳۰ است و عنوان می شود چرا وقتی سند تحول داریم ، سند ۲۰۳۰ اتفاق افتاد و حتی برخی اعضایی که در تدوین سند تحول حضور داشتند در آن سند هم درگیر شده بودند ؛ به خصوص اسم شما را به عنوان اعضای کمیته ملی یونسکو در این سند آورده بودند ؛ ماجرا چه بود ؟ در مناظره ای که بین شما و آقای ذوعلم بود ، شما اشاره کردید نکات خوبی در این سند وجود دارد.

وقتی ما از سندی به عنوان سند مرجع نام می بریم ، شالوده های آن سند را می پذیریم و فقط مسأله پذیرفتن نکات مثبت موجود در آن سند نیست ؛ چرا وقتی سند تحول بنیادین داریم باید دنبال سند دیگری برویم و سندی با شالوده های متفاوتی را تأیید کنیم ؟ اگر قرار است از نکات مثبتی در آن سند استفاده کنیم ، می توانستیم ذیل سند تحول انجام دهیم نه اینکه سند ۲۰۳۰ را بپذیریم . برخی کشورهای مطرح دنیا سند ۲۰۳۰ را نپذیرفتند و الزامی هم نبود که ما هم بپذیریم ، و زودتر از بسیاری از کشورها ، سند اجرایی داخلی را وضع کنیم.
اولا بنده درگیری با موضوع سند ۲۰۳۰ و اجرایی شدن آن نداشتم ؛ بلکه عضو کمیته ملی آموزش که زیرمجموعه های کمیسیون ملی یونسکو در ایران است ، بودم . و آنجا بحث سند ۲۰۳۰ مطرح می شد ، اما خود کمیسیون و مسؤولان کمیسیون ، موضوع را به طور ویژه حسب مسؤولیت پیگیری می کردند . چون کار به مرحله ای رسیده بود که سازوکار و ساختار اجرایی باید برای پیگیری اجرای سند در کشور تعیین می شد . همانطور که سایر کشورها باید به دنبال ایجاد سازوکار می بودند و یک ساختاری را برای پیگیری اجرا تعریف می کردند ، و این کار کمیته ملی آموزش نبود و وظیفه کمیسیون ملی بود و اصل کار فراتر از کمیته ملی آموزش که من هم یک عضو آن بودم ، بود . و نهایتا هم منتهی به مصوبه ای در هیأت دولت شد تا کارگروه ملی شکل گیرد . و البته مدت زیادی هم بحث و اختلاف نظر بود که این کارگروه ملی زیر نظر وزیر علوم یا وزیر آموزش و پرورش تشکیل شود . و در نهایت مقرر شد با عضویت همه دستگاه ها ، کارگروهی زیر نظر آموزش و پرورش تشکیل شود ، که بعد هم با بحث هایی که مطرح شد ، لغو شد.

تحلیل من از سند ۲۰۳۰ ، این است که یک سند بین المللی است و برای کشورهایی که عضو مجمع بین المللی ذی ربط یعنی یونسکو هستند ، پیگیری آن موضوعیت دارد . در مناظره ای که شما اشاره کردید ، اصل عرض بنده این بود که ما یا نباید در این مجامع عضویت داشته باشیم و حق عضویت های قابل توجه پرداخت کنیم ، و یا اگر عضویت داریم و حق عضویت پرداخت می کنیم ، منطقی نیست از همراهی کردن با برنامه های آن نهاد بین المللی سر باز بزنیم . این را برای خودمان حل کنیم . یعنی یا نباید عضویت داشته باشیم ، یا اگر عضویت داریم نمی توانیم بگوییم که دلبخواهانه هرکجا که دوست داشتیم با شما همراهیم ، و هرجا دوست نداشتیم با شما همراه نیستیم.

البته این موضوع محدود به یونسکو نیست . در بسیاری از سازمان های بین المللی ، عضویت ما حتما برایمان منافعی دارد ؛ وگرنه متحمل پرداخت حق عضویت ، که هزینه قابل توجهی است ، نمی شدیم . اگر تحلیل و برآوردمان این است که حضور در این مجامع بین المللی در مجموع ، برایمان منافعی دارد ، عضو می شویم . و باید به قواعد بازی آنها تن بدهیم . و نمی توانیم قواعد بازی را خودمان تعریف کنیم ، و بگوییم مجامع بین المللی اگر قواعد ما را دنبال کنند ، قبول داریم و اگر دنبال نکنند ، قبول نداریم.

نظم بین المللی حاکم بر این مجامع به هرحال یا از نظر ما پذیرفته است ، یا پذیرفته نیست . درباره با یونسکو ، آمریکا این نظم را قبول ندارد و خارج می شود ، یا کشورهای دیگر ممکن است به هر دلیلی خارج شوند . اتفاقا در یونسکو ، آمریکا و اسرائیل عضو نیستند . یا اخراج شدند یا خارج شدند . ما هم می توانیم چنین تصمیماتی را بگیریم . اگر فکر می کنیم به نفع کشور است . اما نمی شود اینگونه تصمیم نگرفت ، و عضویت داشته باشیم ، و تن به قواعد بازی آنها ندهیم و قواعد را بخواهیم خودمان تعریف کنیم و بگوییم همه طبق قاعده ما بازی کنند.

* عضویت مترادف با پذیرفتن قواعد و الزامات ؛ اماها و اگرها !

* چرا نمی شود ؟ عضویتمان با اینکه یک سندی را مثل سند ۲۰۳۰ را نپذیریم ، فرق می کند.

نمی شود . شما اگر عضو می شوید باید این قواعد را بپذیرید . ببینید شما عضو هرجایی که بخواهید بشوید ، مثلا عضو سامانه ای شوید ، از شما می پرسند ، شرایط ما این است ، قبول می کنید و عضو می شوید.

برای پیوستن به یک سازمان بین المللی ، شما یک قواعدی را می پذیرید ؛ جزو الفبای این قواعد این است که شما اگر آن سازمان و نهاد یک سندی را تولید می کند ، شما نمی توانید بگویید از اساس با این سند مسأله و مشکل دارم و تعطیلش کنم.

حالا بیاییم سر سند ۲۰۳۰ . ممکن است ما بگوییم ما در بخش هایی از ۲۰۳۰ مشکل داریم و نمی پذیریم حق تحفظی که توسط وزیر وقت آموزش و پرورش در زمان امضای این سند اعلام شده بود ، معنایش همین است که ما بر اساس منافع خودمان ، قوانین ، چارچوب ها و مبانی خودمان مضامین سند را مورد ارزیابی قرارداده و تعیین تکلیف می کنیم . این تحفظ بود و در نهادهای بین المللی مرسوم است ؛ شما می توانید حق تحفظ داشته باشید ولی نمی توانید کلا قواعد بازی را عوض کنید ؛ در واقع بگویید این نهاد بین المللی و سندی که منتشر کرده ، از اساس با مبانی ما دچار تعارض است.

بخش عمده سند ۲۰۳۰ همان « آموزش برای همه » است و مهم ترین اهدافی که دنبال می کند همان اهداف است ؛ ما « آموزش برای همه » را تمام و کمال با همان ساز و کار یعنی با یک کارگروه ملی پیگیری کردیم ؛ چون اهدافش بدیهی در راستای توسعه آموزش و پرورش و رفع نابرابری های جنسیتی ، جغرافیایی و قومیتی و ارتقای کیفیت بود . مضامین اصلی سند ۲۰۳۰ هم مضامین « آموزش برای همه » است . این تناقض وجود دارد که چطور ما « آموزش برای همه » را با طیب خاطر اجرا می کنیم و هیچ سخنی از اینکه دارای ویژگی های آنچنانی است به میان نمی آید ، و یک مرتبه معلوم نیست که چگونه سندی که در امتداد و ادامه « آموزش برای همه » و برای به نتیجه رساندن اهداف محقق نشده این سند تدوین می شود ، چنین مواضعی درباره اش اتخاذ می کنیم.

* اینکه ما عضو یونسکو ماندیم برداشتم این است که بتوانیم به عنوان یک کشور تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت باشیم و بتوانیم در آنجا حرف هایمان را مطرح کنیم ؛ بر این اساس حضور ما در یونسکو منطقی است . اما اگر اسنادی آنجا تنظیم می شود باید حضور فعال در تدوین آنها پیدا کنیم ؛ این مسأله مطرح است که چرا در تدوین سند حضور جدی نداشتیم ؟ اگر این اتفاق در آنجا می افتاده است چرا آنجا کسی در جریانش نبود یا خیلی فعال نبودیم ؟ چرا زمانی که این سند در یونسکو تدوین می شود ورود پیدا نکردیم ؟ و نکته بعدی اینکه فرض کنید این سند تدوین شد و توسط یونسکو ابلاغ شد و ما با حق تحفظ این را پذیرفتیم ؛ اولا پذیرش این با حق تحفظ در اختیار وزیر نیست که امضا کند . و البته نمی خواهم وارد بحث اجرایی شوم ولی به هر حال پذیرفتیم که با حق تحفظ این کار را بکنیم . یک کمیته ملی در داخل کشور تشکیل می شود که سند را بررسی کند و چگونگی اجرای آن در کشور خودمان با توجه به بافت بومی خودمان متناسب با ساختار سند ارائه کند ؛ ما سند تحول را داریم که در آن ارکان تعلیم و تربیت ، آرمان

ها و ارزش ها وجود دارد ؛ پس اگر بخواهیم در کمیته بافت بومی شده سند بین المللی را ایجاد کنیم باید توجه کنیم که آنچه در سند آموزش برای همه اتفاق می افتد در سند تحول ما نیز عیناً هست ، و با زبان سند تحول و با مشخص کردن مؤلفه هایی که در آن اتفاق می افتد و با اطلاع رسانی مناسب به کسانی که درگیر سند تحول بودند تا ورود پیدا کرده و نظر بدهند ، انجام می شد.

به نظر می رسد با تصویب بی سروصدای سند ۲۰۳۰ و یکدفعه اعلام شدن آن ، جامعه دچار شوک شد . وگرنه اگر همان اول این مسأله در جامعه تعلیم و تربیت مطرح می شد ، و اجازه ورود به آن پیدا می شد و جامعه در آن ایفای نقش می کرد ، که این ساختار درست هست یا نیست ؟ در یونسکو بمانیم یا نمانیم ؟ کدام بخش را بپذیریم یا نپذیریم ؟ این نگاه به سند ۲۰۳۰ ایجاد نمی شد.

کشورهایی عضو یونسکو بودند اما دستورالعمل ملی شان تدوین نشده و با تأنی آن را پذیرفتند . و بسیاری از کشورها هم هستند که عضو یونسکو هستند و این سند را با این شکل نپذیرفتند مانند فرانسه و مصر . الزامی نیست که سند را حتما باید در کشور خودمان استفاده کنیم . یک چیزی خوب است و از آن استفاده می کنیم اما تعهدی نسبت به جامعه جهانی نمی دهیم که آنها نظام تعلیم و تربیت ما را بر اساس معیارهایی که دارند ، تعریف و ارزیابی کنند . مثلا "آموزش برای همه" از جمله رفع تبعیض ها را در برنامه خودمان گنجانده ایم ، ولی معیارهای سنجش خودمان ، نظام ارزشی و نظام اجرایی و عملکردی خودمان را داریم . مبانی آموزش برای همه ای که ما تبیین می کنیم با مبانی آموزش برای همه مذکور در آن سند فرق دارد.

اما با این جنس ورود پنهان کارانه که تا مدت ها ابراز می شد که نپذیرفتیم و در نهایت اینکه سندشان را آوردند که پذیرفتیم ، و مصوبه هیأت دولت را گرفته است ؛ احساس نمی کنید نحوه ورود اشتباه بوده است ؟ البته شما عنوان کردید که نقش در این راستا نداشتید و به عنوان یک شخص مطلع و فردی که اسمش را یک گوشه آوردند وابتدای این سند قرار دادند ؛ نظر شما را بدانیم.

عرایضم را در پاسخ به پرسش شما در این زمینه دادم . از این قسمت اخیر شروع کنم و بگویم اگر اسمم بوده است همان شکلی بود که عرض کردم . یعنی عضو کمیته ملی آموزش بودم ؛ برای اعلام فعال شدن آن ساختار و کارگروه ملی مصوب هیأت ویزان خیلی علنی و سراسری همایش گذاشتند ، و اینکه حرف از پنهان کاری می شود هیچ وجهی ندارد . هیچ اراده ای مبنی بر اینکه این موضوع علنی نشود ، شاهدش نبودم و تأیید نمی کنم . کما اینکه همایشی گذاشته شد و در آن ، سخنرانی انتقادی داشتم . خوب است کسانی که نسبت به مواضع بنده ، حساس هستند ، بگویم که من در آن زمان رئیس دانشگاه فرهنگیان بودم . لذا لازم بود به سند ۲۰۳۰ از منظر تربیت معلم توجه کنم و ببینم درباره تربیت معلم چه گفته است.

با کامل تعجب دیدم که سند ۲۰۳۰ درباره تربیت معلم ساکت است ، یا خیلی بُرد تربیت معلمی آن ضعیف است . در سخنرانی انتقادی خودم و اینکه تربیت معلم بسیار ضعیف دیده شده است را مطرح کردم . و پیشنهادات تکمیلی دادم که چگونه در اجرای سند تحول ، مقوله تربیت معلم را با قوت بیشتر پیگیری کرد تا این ضعف برطرف شود . آن همایش نشان می دهد که کار پنهان کارانه ای نبود . همایش در یکی از سالن های همایش وزارت کار ، تعاون و رفاه اجتماعی برگزار شد و جمع کثیری آمده بودند و اطلاع رسانی آن ، طبیعی و عادی بود.

به نظر من کار عاقلانه تر این بود که با توجه به اینکه ما عضو یونسکو هستیم ، و معلوم است عضویت در یونسکو یا هر مجمع بین المللی برای این است که کشورمان بتواند در فرایند تعاملات تأثیرگذار باشد . اما اگر تأثیرگذار نبود ، بازی را به هم نمی زند . و به نظر بنده این رفتار حکم یک خودبزرگ بینی بلاوجه دارد که "من می روم تأثیر بگذارم ؛ و اگر تأثیر گذاشتم ، خوب است ؛ و اگر تأثیر نگذاشتم ، زیر میز بازی می زنم و می گویم اصلا بازی خلاف و نادرستی است" . درست است همه با همین نیت می روند . اما برای عملیاتی کردن این نیت و شکل گیری اسناد بین المللی در همه عرصه ها ، من جمله عرصه تربیت ، چه کسی راه را بسته است که نفوذ کنیم و تأثیر داشته باشیم ؟ برای همه کشورها بالسویه مجاری تعریف شده ای وجود دارد که در فرایند شکل گیری سندهای اینچنینی ، نظرات و دیدگاه های خود را منعکس کنند ، و در مجامعی که تشکیل می شود درباره پیشنهادات بحث کنند.

* عضویت در این مجامع ، میدان بازی ای که اگر تاثیر نگذاشتی ، تاثیر بپذیر !

بلاخره تصمیم گیری در نهادهای بین المللی سازوکارهایی دارد ؛ و ممکن است نسبت به سازوکارها انتقاد داشته باشیم ، و مثلا تحت تأثیر قدرت های بزرگ باشد ؛ و چنانچه در بسیاری از نهادهای بین المللی در فرایند تصمیم گیری واقعا دموکراسی برقرار نیست . اما بالاخره به شکل صوری هم که شده و برای حفظ ظاهر دموکراتیک هم که شده ، مجاری مشارکت تعریف شده و همه کشورهای عضو می توانند شرکت کنند . اگر می گوییم فرایند تصمیم گیری غیردموکراتیک ، غیرعادلانه ، غیرمنصفانه و آمیخته با توطئه نسبت به کشورهای اسلامی از جمه ما هست ، به نظرم ما نمی توانیم در

یک چنین مجمعی حضورمان را ادامه دهیم ، و با ادامه حضور خودمان ، کار را برای خودمان مشکل کنیم . تفسیر این نوع حضور نزد دیگران است که ایرانی ها می آیند که حرف خود را به کرسی بنشانند ؛ این موضوع برای ما خیلی بد و خیلی پرهزینه است.

حضورمان در صحنه بین المللی را نمی توانیم با این پرهزینگی ادامه دهیم . یا نباید عضو باشیم مثل آمریکا ؛ با حق عضویت کلانی که آمریکا پرداخت می کرد ، واقعا یونسکو را دچار مشکل اساسی اقتصادی و مالی کرد . اما به دلیل نا خرسندی از برخی مصوبات رفت ؛ ما هم می توانیم به دلیل برخی مصوبات برویم . مثلا بگوییم مصوبه شما دارای اشکالات اساسی و جهت گیری های ضد اسلامی و ضد ارزشی و ضد انسانی است ؛ و ما در این مجموعه نمی مانیم . اما اینطور نمی توانیم ادامه بدهیم و این رویه کجدار و مریز را ادامه دهیم که می مانیم ، البته با فرض اینکه حرفی برای گفتن و اندیشه قابل ارائه داریم ، اما هر جا حرفمان به کرسی نشست قبول می کنیم ، و هر وقت حرفمان را نپذیرفتند ، بگوییم سندتان از نظر ما قابل قبول نیست.

* به نظر شما حرف برای گفتن داشتیم ؟

ظرفیت حرف زدن یک شبه ایجاد نمی شود . بلکه برای اینکه تأثیرگذار باشیم ، خیلی لوازم باید آماده شود . همه با عضویت این اراده را دارند که تأثیرگذار باشند . اما اگر نمی توانند تأثیرگذار باشند ، دلایل مختلف دارد و به عوامل مختلف برمی گردد . از جمله اینکه ممکن است این ظرفیت را نداشته باشند . یا ظرفیت را داشته باشند ولی نتوانند خوب مبادله کنند . و عوامل دیگری هم ممکن است وجود داشته باشد . اما اینکه ما بگوییم برای تأثیرگذاری می رویم ، اما چون نتوانستیم به هر دلیلی تأثیرگذار باشیم ، آنچه در فرایندهای تصمیم گیری به نتیجه رسیده را نمی پذیریم . همانطور که عرض کردم برای کشور ما و هر کشوری که چنین موضعی را اتخاذ کند ، بسیار هزینه ایجاد می کند . همین هزینه ها که اشاره کردم ؛ یعنی خواهند گفت مگر خون شما رنگین تر است ؟ نباید خود را برتر از دیگران بدانید ؛ اینجا یک جمعی است که با خرد جمعی تصمیماتی گرفته می شود ، و نمی توانیم بگوییم که اگر حرف ما را پذیرفتند ، ما این سند را می پذیریم و اگر نپذیرفتند ، نمی پذیریم.

* چرا برای ایفای نقش موثر ، ظرفیت سازی و کادرسازی نکردیم ؟

به نظرم عاقلانه اش این است که این نهادها را ترک کنیم ؛ و بیخودی این همه هزینه به بیت المال تحمیل نکنیم . رقم عضویتی که ما برای عضویت در این مجامع بین المللی پرداخت می کنیم ، چقدر است ؟ ما در این مجامع عضو می شویم چون برای ما منافع دارد ، و اگر منافع ندارد ، در عضویتمان تجدید نظر کنیم.

راه دیگر این است که بنده هم طرفدار آن هستم ، این است که اگر در این مجامع عضویت داریم ، تلاش ، ظرفیت سازی و کادرسازی کنیم تا سری در بین سرها داشته باشیم ؛ و واقعا وقتی کسی از جانب ایران صحبت می کند ، همه با دقت گوش کنند ، همه با نهایت احترام توجه کنند . باید زمینه هایش را کسب کنیم . ان شاالله بمانیم ، کادرسازی کنیم و توانمندی را ایجاد کنیم ، و این توانمندی را در دیپلماسی علمی و فرهنگی خودمان به وجود بیاوریم ، بتوانیم تأثیرگذار باشیم . بتوانیم واقعا بازتاب ایده های خودمان را در اسناد بین المللی هم ببینیم . و تا آن زمان راه حل معقول این است که بمانیم و اگر جاهایی مغایرت دارد ، نپذیریم . و با همان سازوکار اعلام تحفظ ، بتوانیم نگرانی های جامعه خودمان و اولویت های ملی خودمان را در آن اسناد وارد کنیم ، به آن اسناد شکل بومی دهیم ، و آمیخته با ملاحظات خودمان اجرا کنیم.

بنابراین فکر می کنم به جای اینکه اتفاقاتی که در ۲۰۳۰ افتاد را شاهد باشیم ، ای کاش اجازه می دادیم ، کارگروه ملی کار خود را شروع می کرد . اتفاقا مسؤولیت کارگروه ملی با آموزش و پرورش بود ، و این وزارتخانه متولی اجرای سند تحول هم هست . و معتقدم هیچ اتفاق خاصی نمی افتاد و در همان کارگروه که با ریاست وزیر آموزش و پرورش قرار بود تشکیل شود ، و از همه دستگاه های دیگر حضور داشتند ، حتما و حتما مغایرت ها و تعارضات با آنچه که در سند تحول آوردیم ، خودش را نشان می داد ، و در سایه آن تحفظ کلی که اعلام کرده بودیم ، کار قابل پیگیری بود.

* آن سند داخلی تصویب شده بود ؛ سند ۳۷۰ صفحه ای بود.

نه ، سندی که تصویب شده است در کنفرانس بین المللی . . .

* سند ملی ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران که اسم شما هم بود ، و حتی وارد سازوکارهای اجرائی شده بود ، و درمتن آن سند هم کمترین اشاره به سند تحول نشده بود ؟

خب ، ولی چه کسی انجام داده بود ؛ یک بخش آن را خود من انجام داده بودم و بحث تربیت معلم را مطرح کردیم . باید منتقدین مشخص می کردند چه سند اصلی و چه سندی که برای ایران ذیل آن نوشته شده بود ، در کدام بخش ها مشکل دارد و با سند تحول نمی خواند . به نظر من این زمینه فراهم بود که وارد یک دیالوگ علمی و کاملا منطقی درباره این سند شویم . الان با آنچه که مواجه شدیم ، شیوه ای نبود که بخواهیم بگوییم ، ایران با رویکرد دیالوگ علمی

و منطقی با جهانیان درباره ۲۰۳۰ حرف زد ، و ضعف ها و مسائل این سند را آشکار کرد . ما تیشه را برداشتیم و با قدرت هرچه تمام تر به ریشه ۲۰۳۰ وارد کردیم ؛ این چه کاری و چه منطقی است ؟ ما می توانستیم همه ایده ها و داوری های خودمان را درباره سند ۲۰۳۰ کاملا عقلانی ، علمی و منطقی به جهانیان اعلام کنیم.

* ایران با رویکرد دیالوگ علمی و منطقی با جهانیان درباره ۲۰۳۰ حرف نزد !

* در سند بومی خودمان باید این اتفاق می افتاد ؟

حالا اگر نیفتاد باز منتقدین به جای اینکه تبر را در دست بگیرند و بر پیکر سند بکوبند ، می توانستند بگویند این اشکالات وارد است ؛ ما شاهد چنین چیزی نبودیم یعنی نقطه عزیمت به این سمت رفت که یک سندی است که توسط کسانی نوشته شده است که ما به آنها به چشم خصم نگاه می کنیم . و اینها آمدند و به خورد ما دادند و ما باید این سند را از اساس نفی کنیم ، و راه نفوذ این سند را به طور کمال و تمام در صحنه تعلیم و تربیت با طرد تمامیت آن ببندیم . رفتار ما این را به ذهن متبادر می کند که یک سند بین المللی به نام ۲۰۳۰ منتشر شده و در فرایندهای بین المللی رویش تفاهم شده است ، در تباین و تعارض ارزش های ماست مگر اینکه خلافش ثابت شود . یعنی با اصل برائت با سند برخورد نکردیم و به نظرم باید بر اساس اصل برائت برخورد می کردیم و حالا که داریم حق عضویت پرداخت می کنیم ، براساس اصل برائت باید می گفتیم که این سند ، سندی است که قابل عنایت و استفاده است مگر اینکه خلافش ثابت شود . نه اینکه سند از اساس بی مورد و بلاوجه است ، و توسط دشمنان ما با نیت های ناپاک آنها و برای به انحراف کشاندن نسل آینده ما تدوین شده است ؛ مگر اینکه خلافش ثابت شود ؛ و البته دیگر هم فرصت ندادیم که خلافش ثابت شود.

* لزوم نگاه اولیه به سند ۲۰۳۰ بر اساس اصل برائت ؟ یا اصل شک و تبیین ؟

عاقلانه اش این بود در شرایطی که نتوانستیم در شکل گیری سند تأثیرگذار باشیم ، فرض را بر این می گذاشتیم که اینطور نیست که همه عالم برای زیرپاگذاشتن ارزش های ما جمع شده باشند ، و سندی را تصویب کرده باشند . یک سندی در فرایندهای متعارف تصویب شده است ، و ممکن است نقاط قوت و نقاط ضعف داشته باشد ؛ اصل را بر این می گذاریم که این سند قابل استفاده است ، مگر اینکه خلافش ثابت شود . و همچنین با مواردی که خلافش ثابت شود ، متعهدیم که برخورد مسؤولانه کنیم و در راستای ارزش های خودمان اصلاح کنیم . به نظرم این اتفاق اگر می افتاد پیام دیگری از ایران به مجامع بین المللی منتقل می شد . و پیامی که الان منتقل شد این است که این افراد کسانی هستند که می آیند و البته حق عضویت های خوبی هم پرداخت می کنند . و به محض اینکه به نظرشان برسد که این سند با موازین و مبانی شان سازگار نیست ، و ایده های خودشان در آن بازتاب پیدا نکرده است ، آن را به اصطلاح هوا می کنند.

* با توجه به فرصت محدودمان نمی خواهم درباره محتوای سند و اینکه آیا واقعا بر اساس پیش فرضها با آن مواجه شدیم ، یا مبانی مان با آن مشکل داشت ، بحث کنم ؛ اما آن سند داخلی که تصویب شد ، متخصصان حوزه های مرتبط به شکل وسیع (مثلا در سطحی که در مورد سند تحول یا سند ملی برنامه درسی اتفاق افتاد) مطلع و مشارکت داده نشدند ، و اطلاع رسانی خوبی در این راستا صورت نگرفت.

ببینید چه کسانی درگیر بودند ؟ دوستان دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش درگیر بودند . خود بنده آن زمان رئیس دانشگاه فرهنگیان بودم و درگیر بودم . بررسی کنید ببینید تیم هایی که برای بخش های مختلف توسط کیسیون ملی یونسکو مسؤولیت پیدا کردند ، و در واقع برنامه عمل کشور را بنویسند ، چه کسانی بودند ؟ و صرف نظر از اینکه چه کسانی بودند ، چه گفتند و چه نوشتند.

* نقدپذیری ۲۰۳۰ از حرف تا آینه عمل

* به نظر می رسد خیلی با سند تحول ارتباطش برقرار نشده است ؟

با " به نظر می رسد " نمی شود بحث را جمع کرد ؛ باید خیلی دقیق بگوییم مغایرت ها وجود دارد . این حرف ناپذیرفتنی است که با آمدن ۲۰۳۰ در واقع سند تحول را زیر سؤال ببرند و واقعا حرف غیرمنصفانه است.

* جایگاه این دو تا با همدیگر چگونه است ؟

کاملا همسو است . همانطور که عرض کردم اراده ای که می خواست سند تحول را اجرا کند ، در بطن سند تحول ، تحقق ۲۰۳۰ را هم می دید . ممکن است بگویید اشتباه می کنید خب بیایید بگویید کجا اشتباه می کنیم . اما واقعا این تعارض و تقابل که عده ای اراده کردند که ۲۰۳۰ را در مقابل سند تحول علم کنند ، بسیار دور از واقعیت است و حداقل تا آنجا که من در صحنه بودم و می دیدم . آنچه که واقعیت داشت این بود که اصل برای ما سند تحول بود ؛ اجرای سند ۲۰۳۰ و مضامینی که در آن سند است ، کاملا برای ما در راستای اهداف سند تحول مطرح بود . و طبیعی است که هرکجا تعارض پیدا می شد ، با آن تعارض برخورد مسؤولانه می شد اما همانطور که عرض کردم مسیر بحث ها درباره ۲۰۳۰ اصلا اجازه نداد که فضایی شکل بگیرد . فضایی که شکل گرفت ، فضای تابو ساختن از سند ۲۰۳۰ بود . باید به

این سمت برویم که در مجامع بین المللی حضور فعال داشته باشیم و از فرصت ها برای ارائه دیدگاه ها و افکار خودمان حداکثر استفاده را کنیم ، و هرجا توانستیم به نتیجه برسیم ، حرفی نیست . و اگر نتوانستیم به نتیجه برسیم که ممکن است در آینده اتفاق بیفتد ، سیاست درست این است که تا زمانی که عضو هستیم ، با تحفظ پیش برویم . و زمانی که احساس کردیم که زاویه دیدها خیلی زیاد است ، عطای عضویت را به لقایش ببخشیم.

* اگر موافق باشید راجع به مفاد خود سند ۲۰۳۰ جلسه خاصی بگذاریم.

می دانم چند کتاب در ضدیت سند ۲۰۳۰ با مبانی ارزشی ، فلسفه تربیتی و سند تحول نوشتند و برخی را هم دیدم که خب زحمت کشیده اند . عرض من این است که اینها بسیار کارهای خوبی است که انجام شده است ، اما به این صورت که ما وارد این قصه شدیم ، کسانی که وارد تحقیق شدند ، تحقیق سوگیرانه انجام دادند ؛ بهتر بود که به جای سوگیری ها و به جای اینکه از ابتدا مهدورالدم بودن سند را اعلام کنیم ، تحقیق کنند . تحقیقی که نتیجه اش از قبل معلوم است که باید مهدورالدم بودن سند ۲۰۳۰ باشد ، اصالت ندارد.

* آقای دکتر ، اینگونه نبوده است و مهدورالدم بودن سند ۲۰۳۰ را اعلام نکردند . چون در یک دوره ای خود بنده درگیر این فضا بودم ، با توجه به کالبدشناسی سند اتفاق افتاده است.

خیلی پنهان کارانه این کار انجام شده است . به نظر می رسد که اگر قبل از این مواجهه مبنی بر مهدورالدم بودن سند به تعبیر بنده ، مطالعاتی صورت گرفته است ، و حاصل آنها این بوده است که سند مهورالدم است ، پس شما خیلی پنهان کاری کردید.

* اتفاقا در گروهی در یکی از پیام رسانهای اجتماعی که شما هم عضو آن بودید ، دائما نتایج بررسی ها می آمد.

این کانال ها را کاری ندارم . آن مجموعه ای که برنامه عمل بومی را تهیه کرده بودند ، هیچوقت در واقع یک مطلب مستند مکتوبی در نقد سند ۲۰۳۰ و برنامه عمل ایران برای آنها فرستاده شد ؟

* اصلا ما متوجه این جریان نبودیم تا زمانی که متوجه شدیم سند بومی کارش انجام شده بود و دیگر کارگروهی برای ادامه وجود نداشت و تصویب شده بود.

تصویب شده بود که تازه کارگروه ملی برای اجرا تشکیل شود.

* ولی کارگروه تدوین سند ملی تشکیل شده بود ، خروجی هم منتشر شده بود ، و بعد از آن بود که بحث ها در نقد سند منتشر شده منعکس می شد . حالا شاید لازم باشد در این زمینه در جلسه مستقلی گفت وگو کنیم و کالبدشکافانه وارد محتوای سند ۲۰۳۰ شویم.

درجلسه قبلی بحثی درباره تربیت مطرح کردید که به نظر می رسد با توجه به سؤالات و ابهاماتی که وجود دارد ، به این مسأله هم اشاره کنیم . به نظر می رسد باید بین چند مفهوم فرق بگذاریم ؛ از یک منظر تربیت دینی ، تربیتی است مبتنی بر معارف و ترسیمی که دین اسلام از انسان تربیت یافته دارد . و فکر می کنم که اگر سند تحول و مبانی فلسفی و نظری را قبول داشته باشید ، قطعا به این تربیت دینی مبتنی بر هندسه تربیت انسان دین مدار اعتقاد دارید . اما در طرف دیگر آموزش موضوعات خاص مطرح شده در دین قرار گرفته است و اینکه مطالب دینی را به بچه ها با شیوه یادگیری برنامه ای اسکینری که متاسفانه در فرایند تعلیم و تربیت ما رواج دارد ، آموزش دهیم.

برداشت من از صحبت شما در جلسه قبل این بود که نقدی که شما به آموزش دینی دارید ، در دسته دوم ، یعنی آموزش اسکینری مفاهیم دینی است . ولی آن حمایت هایی که از سند ، حیات طیبه و تعلیم و تربیتی که مبتنی بر آن باید بنا شود ، تعلیم و تربیت دین مدارانه انسان است ، و در واقع یک فصل دیگری است . و به نظرم صحبت شما مؤید حمایت آن بود.

خیلی متشکرم از فرصت مجدد برای ورود به این بحث حساس . باید بگویم بین تربیت دین محور و تربیت دینی تمایز قائلم . تربیت دین بنیاد یا دین محور یعنی پذیرفتن نگاه دینی در کمال یا فرهیختگی که تعریف می کنیم ، و ملاک و معیارهای دینی را در این لحاظ کنیم . و بنابر این در واقع با یک فلسفه اسلامی ، می گوییم که انسان فرهیخته چه انسانی است . این موضوع آن چیزی است که در سند تحول ، مبنای کار ما بود . بنابراین به قوت خود باقیست و طبیعی است که فلسفه قابل قبول جامعه ما ، فلسفه تربیتی اسلامی است ، و این باید روی کل جریان تعلیم و تربیت سایه بیندازد ، و به ما بگوید انسان کمال یافته ، فرهیخته و تربیت شده دارای چه خصوصیت و ویژگی هایی است . پس تکلیف این جنبه روشن است ؛ و تمایزش با ویژگی های انسان کمال یافته که انسان متدین و دین باور نیز هست.

* تربیت با نگاه دین به انسان تربیت یافته ، یا تربیت اسکینری مباحث دینی ؟

من درباره این ویژگی که یکی از ویژگی های انسان فرهیخته و تربیت یافته از منظر دینی در کنار ویژگی های دیگری که باید داشته باشد ، حرف دارم ، که انسان متدین و دین باور و دیندار واقعی را می خواهیم جزو مؤلفه ها یا زنجیره شایستگی های انسان کمال یافته و فرهیخته بگنجانیم ، و البته باید هم بگنجانیم ، ولی اینجا بحث از یک شایستگی

خاص است که به آن تربیت دینی یا متدین بودن و دیندار بودن می گوییم ، یک ویژگی در میان ویژگی های متعددی که در تربیت دین محور و تربیت مبتنی بر فلسفه تربیتی دینی قائل هستیم . ما تربیت سیاسی ، اجتماعی ، علمی ، فناوری ، اقتصادی و . . . داریم ، و همه اینها ذیل فلسفه تربیت دین محور است . باید در این ابعاد هم شایستگی هایی در متربی محقق شود . همانطور که عرض کردم یکی از این ابعاد ، بُعد دینی و ساحت تربیتی دینی و اعتقادی است . آنچه که در جلسه پیش مطرح کردم این بود که ما در ساحت تربیت دینی و اعتقادی ، واقعا نتوانستیم ارزش افزوده ای که می توانستیم و باید ایجاد می کردیم ، در نظام تعلیم و تربیت رسمی ایجاد کنیم . در حوزه تربیت دینی نتوانستیم خالق ارزش های جدید باشیم . یعنی با توجه به حجم اهتمام و تلاش انجام شده نسبت به قبل ، هم جمع بیشتر و کثیری از نسل جدید را دیندار کنیم ، و هم از بُعد کیفی بتوانیم به ژرفا پیدا کردن و عمق پیدا کردن اندیشه دینی و باورهای دینی آنها کمک کرده باشیم.

* هنوز خیلی با شکل گیری باورهای عمیق دینی در تربیت فاصله داریم !

همه عرض من این است که در این ۴۰ سال ما در بعد تربیت دینی یعنی ویژگی دین باوری و دینداری نتوانستیم به اهداف کمی و کیفی خودمان دست یابیم . نه تعداد دینداران را در نسل جدید ، نظام تعلیم و تربیت افزایش داد ، و نه عمق و ژرفایی که در اندیشه و باورهای دینی نسل جدید ما لازم بود ، شکل بگیرد و باورهای دینی تعمیق شود ، اتفاق افتاد.

بیاییم آسیب شناسی کنیم . شما به رویکرد اسکینری اشاره کردید ؛ واقعا فکر می کنم در حوزه اندیشه دینی و آنچه که حقیقت دین است ، در برآورد کلی نسبت به کاری که در این زمینه برای دینداری همراه با عمق بخشیدن به اندیشه دینی داشتیم ، به دور از موازین اسلامی و قرآنی ، عمل کردیم . معتقدم اصل فبشرعباد ، الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه را رعایت نکردیم . و بیان دیگری از اینکه ما جریان تعلیم و تربیتمان را در حوزه تربیت دینی هم اسکینری کردیم و به تعبیر برخی ایدئولوژی . خیلی در واقع به صورت القایی به آن پرداختیم . این در تعارض با این فراز قرآن است که لااکراه فی الدین قد تبین رشد من الغی . چقدر واقعا هدفمان تبیین رشد از افول و سقوط و درجازدگی است ، در آن مقدار که مربوط به مباحث دینی می شود ؟ چگونه توانستیم از دین یک چنین تبیینی که فارق میان رشد و غی است ، ارائه کنیم ؟ مواجهه های ما در نظام آموزش و پرورش واقعا از جنس قد تبین رشد من الغی نبوده است ! بلکه همان جنبه القایی غالب بوده است ؛ با الزام کردن به زور کتاب درسی و امتحان . و نتیجه اش یک نوع مواجهه توأم با اکراه مخاطب بوده است.

یا ادعوا الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه ! چقدر ما بر اساس دعوت به راه درست و صراط مستقیم با حکمت و تمسک به آنچه موعظه حسنه است ، عمل کرده ایم ؟ بنابراین من از این فرصتی که مطرح شده است این استفاده را می کنم و عرض می کنم که نمی دانم این برخورد ما با تربیت دینی شکل درستی باشد ؛ به عنوان یک حوزه ای که آمیخته با مجموعه ای از باورها و اعتقادات است ، و عملا در فضای رسمی کلاس و کتاب درسی و امتحان موجود ، میدان بحث ، نقد ، طرح پرسش ، گفت و گو و این چیزها را باز نمی کنیم ، و فرایند تعلیم و تربیت ما در این زمینه ها یک فرایند مبتنی بر انتقال کلیشه ای و سطحی معارف دینی همراه با چاشنی احساسات و عواطف است.

می توانیم از این سبک دست برداریم و یک چرخش جدی در رویکرد تربیت دینی ایجاد کنیم . اما فکر می کنم اگر قرار بود چنین اتفاقی بیفتد ، باید زودتر از اینها می افتاد . اگر نظام آموزشی ما حاضر بود با یک چرخش در حوزه رویکرد به تربیت دینی ، به سمت انتقال معارف و اندیشه دینی و تثبیت اندیشه دینی در شاکله نسل جدید برود ، این کار را انجام داده بود . متأسفانه طی ۴۰ سال گذشته ، نشانه ای نمی بینیم از اینکه در این رویکرد ماشینی ، بسته و القایی که نسبت به تربیت دینی وجود دارد ، قدری تخفیف داده شده باشد و تغییر و انعطافی ایجاد شده باشد . اینهاست که مرا نگران می کند . به خاطر جایگاهی که برای تربیت دینی قائلم و اینجاست که شاید برای ۴۰ سال آینده هم به این نتیجه برسیم که باز هم همان است یعنی نتوانستیم در حوزه تربیت دینی به عنوان یک فقره مهم تربیت یافتگی از منظر تربیت اسلامی ارزش افزوده ای در جامعه ایجاد کرده باشیم و باید یک فکری به حال این مساله کنیم.

چه فکری باید بکنیم ؟ اگرنظام آموزشی حاضر باشد از عملکرد ۴۰ سال گذشته خود در این زمینه حسن استفاده کند ، که در رویکردها بازنگری شود ، اتفاق مبارکی است . اما اگر واقعا چنین اتفاقی نمی تواند بیفتد و اگر نمی توانیم تربیت دینی را به مسیر لااکراه فی الدین قد تبین رشد من الغی ، و ادعوا الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه ، و فبشر عباد . . . هدایت کنیم ، به اصطلاح تجارب یادگیری اثربخش تر و لذتبخش تری در حوزه دینی به همراه بیاوریم ، باید به یکی از راه هایی که عرض می کنم ، فکر کنیم.

* از فضیلت تربیت نکردن ، تا معجزه تربیت غیر مستقیم

یکی از این راه ها این است که به قول یکی از اندیشمندان تربیتی که اخیرا کتابی به نام « در فضیلت تربیت نکردن »

منتشر کرده است . واقعا تربیت نکردن در این حوزه را یک فضیلت بشماریم یعنی نظام رسمی تعلیم و تربیت به عنوان یک فضیلت به دست کشیدن از این نوع تربیت دینی نگاه کند ؛ و ما تعلیم و تربیت دینی را به نهادهای مدنی ، غیررسمی و خانواده ها و رسانه و امثال اینها واگذار کنیم.
این یک راه حل است و راه حل دیگر این است که بیاییم از وضعیت تجویزی تعلیم و تربیت دینی ، به عنوان یک فقره از فقرات تجویزی نظام آموزشی به وضعیت نیمه تجویزی و غیرتجویزی منتقل کنیم . یعنی داوطلبانه و انتخابی کنیم ، و تبدیل به یک درس اختیاری کنیم ، تا واقعا آن خانواده هائی که مایل هستند سیستم آموزشی این زمینه را به نیابت آنها پوشش دهد ، و با این کاری که نظام آموزشی انجام می دهد ، موافق هستند ، به استفاده از این خدمات روی بیاورند .
یک راه حل سومی هم وجود دارد که ما از معجزه تعلیم و تربیت غیرمستقیم بهره بگیریم . یعنی شما به سراغ قالب های بسیار اثربخش تر تربیتی بروید که از جمله تعلیم و تربیت غیرمستقیم است . یعنی اندیشه های دینی را در لابه لای درس های دیگر ، کتاب های درسی دیگر و یا حوزه های یادگیری دیگر مثل فارسی ، اجتماعی و هنر ببریم.
دروس دیگر هم ممکن است در این زمینه کم و بیش این ظرفیت را داشته باشند ؛ این معجزه تعلیم و تربیت غیرمستقیم است ، که گرچه یک حوزه یادگیری مستقلی را شاهد نیستیم ، در عین حال ، اهداف تربیت دینی را در چارچوب اتفاقاتی که در متن و بطن دروسی که عنوان دینی و تربیت دینی ندارند ، به عنوان کارکردهای ثانویه این دروس یا کارکردهای ویژه آنها دیده شده ، و در طراحی های آموزشی به این ترتیب به اهداف تربیت دینی جامعه عمل بپوشانیم.
* در مورد بحث تربیت دینی و نکاتی که مطرح فرمودید ، سوالات ، ابهامات ، و نکات متعدد و پیچیده ای وجود دارد . اینکه باید بین طرح مسائل معرفتی و شناختی ، عرضه قرآن ، تبیین شریعت و احکام ، و مسائل اجتماعی در جامعه اسلامی ، تفاوت قائل شویم ؛ که با توجه به حجم مباحث این جلسه ، ان شا الله در فرصت دیگری باید به آن بپردازیم.
یک بحث که در جلسه قبل مطرح کردیم اگر کسی بخواهد یک حرکت با ثبات تحولی را شروع کند ، دائماً نگران آن است که یک تغییر مدیریتی اتفاق بیفتد . همانطور که شما در سند تحول اشاره کردید که در روند تصویب و اجرای سند تحول ، تغییرات متعدد وزرا روی داد . به همین دلیل مدیران سراغ کارهای تدریجی و عمیقی که نیازمند زمان است ، نمی روند ، و به کارهای زودبازده که تا قبل از عوض شدنشان بتوانند اثراتی را نشان دهد ، سوق پیدا می کنند . چه پیشنهادی برای مستقل شدن مسؤولان وزارت آموزش و پرورش از تغییر و تحولات سیاسی ، و یافتن ثبات درحرکات تحولی در این حوزه دارید ؟ آیا می توان ساختار یا بافتی را داشت که تصمیمات ، چه در سطح راهبردی و چه عملیاتی ، به صورت کارشناسی اتفاق بیفتد ، و برنامه های وزارت بر اساس آن تعریف شود ، و الزاما وزیری که انتخاب می شود ، و جریان تعلیم و تربیت را دنبال می کند ، به سادگی نتواند این جریان تحول را متوقف کرده ، و در روند آن تغییر اساسی بدهد ؟
به نظرم به درستی شما دو موضوع را از هم تفکیک کردید ؛ تغییر وزیر و دیگری تغییر سیاست ها بعد از تغییر وزیر . از تغییر وزیر گریزی نیست و دولت ها می آیند و می روند و بالاخره بر اساس رأی رئیس جمهور و رأی اعتماد نمایندگان ، ورزا تغییر می کنند . و حتی با استیضاح ، وزرا تغییر می کنند . البته در این زمینه ما نگرانی داریم . یعنی این نیست که واقعا این اتفاقات موجب نگرانی نباشد . حقیقتا باید هم رؤسای جمهور و هم نمایندگان مجلس را به خویشتن داری بیشتر دعوت کنیم . خویشتن داری بیشتر در ایفای آن وظیفه نظارتی و اینکه ملی تر به مسأله آموزش و پرورش نگاه کنند ، و به محض اینکه اتفاقی در حوزه انتخابیه خودشان می افتد پای وزیر را به مجلس ، سؤال و استیضاح باز نکنند ، و انرژی های مدیریت وزارتخانه را صرف پاسخگویی به این موارد و موضوعات نکنند.اما مسأله اساسی تر این است که به هرحال تغییر مدیریت عالی و وزیر گریز ناپذیر است.
آیا در سیاست ها می توانیم ثباتی را ایجاد کنیم ، که این سیاست ها سمت و سوی تحولی خود را حفظ کند ؟ که به نظر من ، دغدغه مهم تری است . همین الان هم نهادی به نام شورای عالی آموزش و پرورش داریم ، که فرض بر این است که این شورا به لحاظ جایگاهش یک چنین وظیفه ای به عهده دارد ، و باید سیاست های آموزش و پرورش در راستای قوانین موضوعه آنجا تصویب شود . منتها اگر قرار است اتفاقات اساسی در آموزش و پرورش ، بیفتد اول در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شود ، و سپس اگر نیاز است در مجلس شورای اسلامی تبدیل به قانون شود.
* ثبات تحول در واگذاری تصمیم گیری به شورای عالی آموزش و پرورش
وزیر در شورای عالی آموزش و پرورش نایب رئیس است ، و رئیس آن ، رئیس جمهور است . حالا چون رئیس جمهورها متأسفانه عملا در جلسات شورای عالی آموزش و پرورش شرکت نمی کنند ، وزیر مسؤولیت اداره جلسات را به عهده دارد ؛ اما البته با وصف اینکه وزیر یک تن است ، در برابر بیست و چند تن دیگر که مجموعه اعضای شورای عالی آموزش و پرورش را تشکیل می دهند . من فکر می کنم تقویت شورای عالی آموزش و پرورش و خصوصا اهتمام رؤسای جمهور به

این شورا ، و پذیرش نقش و مسؤولیتی که قانون به عهده آنها در این شورا گذاشته است ، می تواند تا حدود زیادی از نگرانی مبنی بر تغییر سیاست ها به واسطه تغییر وزرا و مدیران جلوگیری کند ، و آن ثبات و طمأنینه لازم در حرکت آموزش و پرورش به سمت اهداف تحولی را ایجاد کند.
خود سند تحول هم در واقع یکی از اهدافش همین بود ، که به عنوان سند بالادستی در سیاست ها ثبات ایجاد شود ، و ناظر به تحول در ۲۰ سال آینده است . قرار بود سند تحول مبنایی باشد که وزرا طی ۲۰ سال آینده با التزام به مضامین سند تحول ، پا به عرصه خدمت و پذیرش مسؤولیت بگذارند . خب به هرحال این اتفاق نیفتاده است . در سند تحول باز یک شورایی برتر از شورای کنونی آموزش و پرورش هم دیده شده بود ، و جزو پیشنهادات بود ، که گمان می کنم جزو مواردی است که حذف شده است . در واقع شورای عالی تربیت پیش بینی شده بود که با ترکیبی در سطح رهبری نظام کار سیاست گذاری و نظارت بر امور آموزش و پرورش را دنبال کند ، که در یک سطح پایین تر آن ، شورای عالی آموزش و پرورش کنونی است.
ما الان شورای عالی آموزش و پرورش را داریم ، و باید از ظرفیت آن استفاده شود . خصوصا شخص رئیس جمهور در هر دوره ای اعتنای ویژه ای به شورای عالی آموزش و پرورش کند . شورای عالی آموزش و پرورش نباید هیچ دست کمی از شورای عالی اقتصاد ، و شوراهای عالی دیگر داشته باشد ؛ و این خوب نیست که یک دوره ریاست جمهوری بیاید و بگذرد و رئیس جمهور حتی در یک جلسه شورای عالی آموزش و پرورش شرکت نکند.
* یک مقدار سراغ دانشگاه فرهنگیان برویم . آن زمان که مدیریت دانشگاه فرهنگیان را به عهده داشتید ، با دیدگاه تحولی در تعلیم و تربیت و تربیت معلم ورود کردید و مباحثی مثل استاد ـ شاگردی را مطرح کردید . چقدر خودتان را در اجرای این دیدگاه های تحولی در دانشگاه موفق ارزیابی می کنید ؟ و چالش های در برابر تحقق این خواسته های شما چه بود ؟ چقدر دانشگاه فرهنگیان در وزارتخانه ، باور شده است و اصلا نسبت دانشگاه های علوم تربیتی و فرهنگیان با آموزش و پرورش چیست ؟ اینکه نیروی مناسب آموزش و پرورش را باید تأمین کند و پشتیبانی فکری دهد ، چقدر در دانشگاه فرهنگیان و در بطن وزارتخانه این تحول اتفاق می افتاد ؟ و دانشگاه نسبت واقعی با مسائل تعلیم و تربیت داشته است ؟ تعامل این مسأله با بحث سازمان پژوهش و نیز پژوهشکده تعلیم و تربیت و دانشگاه فرهنگیان چگونه بوده است ؟
در دوره ای که توفیق داشته و مسؤولیت دانشگاه فرهنگیان را بر عهده داشتم تأکید داشتم که باید به تربیت معلم به عنوان یک مأموریت ملی و فرابخشی نگاه کرد . دانشگاه فرهنگیان و وزارت آموزش و پرورش هیچوقت نمی توانند به تنهایی به این مأموریت فرابخشی و ملی پاسخ دهند ، و نیازمند یک تقسیم کار ملی است.
تحول در حوزه تربیت معلم با تحول در کل آموزش و پرورش برابری می کند ! و همانطور که آموزش و پرورش یک مسؤولیت خطیر ملی است ، و باید همه مشارکت کنند و مسؤولیت بپذیرند ، در حوزه تربیت معلم هم همینطور است.
اینکه واقعا دستگاه ها و بخش های دیگر حاکمیت نظیر مجلس ، شورای عالی انقلاب فرهنگی ، دستگاه های دولتی ذیربط مانند وزارت علوم و وزارت ارشاد ، نهادهای زیر مجموعه رهبری که می توانند مساعدت کنند و معین این جریان باشند ، چه می کنند و وظیفه و مسؤولیت خود را در قبال تربیت معلم به درستی انجام می دهند یا نمی دهند ، قابل بحث ، بررسی و ارزیابی است . به نظر من تا یک هم افزایی اینچنینی را شاهد نباشیم ، و همه نگاه ها به این باشد که مدیریت دانشگاه فرهنگیان چه می کند و از عهده این رسالت سنگین که بر عهده اش گذاشته شده است ، برمی آید یا نمی آید ، نمی توانیم شاهد تحقق آن انتظاراتی باشیم که می خواستیم از قِبل تأسیس دانشگاه فرهنگیان در نظام آموزش وپرورش اتفاق بیفتد . یعنی تربیت معلمان بسیار باکیفیت تراز سند تحول و واقعا مجری و عامل تحول . پرورش این ظرفیت ها نیازمند یک تشریک مساعی و هم افزایی ملی در سطح جدی است.
* برابری تحول در تربیت معلم ، با تحول در کل آموزش و پرورش
از این نکته کلی که بگذریم بالاخره مدیریت دانشگاه فرهنگیان هم در هر زمان مسؤولیت ویژه برای محقق کردن این آرمان ، یعنی تربیت معلمان واجد آن صلاحیت ها و کیفیت ها را دارد . می خواهم از فرصت استفاده کنم و عرض کنم در دوره ای که در دانشگاه فرهنگیان مسؤولیت داشتم فکر می کنم استارت برخی کارهای خوب زده شد . مثلا روزآمدسازی برنامه های درسی ؛ وقتی به دانشگاه فرهنگیان رفتیم مواجه شدیم که برنامه های درسی تربیت معلم خیلی کهنه و قدیمی بودند و تناسبی با تحولات تربیت معلم در جهان و آن انتظاراتی که سند تحول دارد ، نداشت و بنابراین باید برنامه ها کلا بازنگری می شد.خوشبختانه در یک فرایند نفس گیر این کار انجام شد . به ویژه در برنامه کارورزی که یکی از مؤلفه های مهم است ، و شاید از مهمترین مولفه برنامه های درسی است ، تغییر و تحولات جدی ایجاد شد . اما اجرای این تغییر و تحولات ، چون کارورزی باید در مدارس اتفاق بیفتد ، با محدودیت های جدی مواجه بود.
ما میزان دروس کارورزی یا نوبت های کارورزی را به طور محسوس افزایش دادیم ، چون فکر می کنیم همانطور که

شما اشاره کردید تعلیم و تربیت در فرایند کوچینگ coaching اتفاق بیفتد ، و باید یک معلم زبده و خبره در مدرسه وجود داشته باشد ، تا در قالب برنامه های کارورزی دست معلم را بگیرد و او را راهبری و هدایت کند . این فرصت برای دانشگاه کمتر فراهم شد که از اقبال مدارس و معلمان راهنما در رابطه با موضوع کارورزی و برای اجرای برنامه کارورزی تحولی که ما پیش بینی کرده بودیم ، برخوردار شویم . ما در این زمینه مشکل داشتیم . البته وزیر وقت بخشنامه کرد ولی با بخشنامه هم کار به نتیجه مورد نظر نرسید.

کار دیگری که کردیم وارد کردن شیوه های جدید پذیرش و تربیت معلم بود ، که این هم یک تحولی بود که آن چیزی که موسوم به استفاده از ظرفیت ماده ۲۸ اساسنامه است . در کنار آن چیزی که در اساسنامه دانشگاه به عنوان روش پذیرش دانشجو و تربیت معلم تصریح شده بود که از کنکور برای دوره ۴ ساله بگیریم ، بالاخره برای پاسخ دادن به نیازهای آموزش و پرورش که تعداد معلمان مورد نیازش بسیار بیشتر از چیزی بود که ظرفیت داشتیم تا از طریق دوره ۴ ساله بپذیریم ، و همچنین عنایت به ظرفیت های بالقوه خارج از دانشگاه فرهنگیان که عبارت بود از فارغ التحصیلان رشته های مختلف که در جامعه حضور داشتند ، و می توانستیم آنها را به سمت حرفه معلمی هدایت کنیم ، و ماده ۲۸ یعنی استفاده از این ظرفیت در راستای پاسخ دادن به نیازهای آموزش و پرورش . این کار اتفاق افتاد و دوره های یکساله برای فارغ التحصیلان رشته های مختلف دانشگاهها تعریف شد و از طریق آزمون استخدامی به شدت رقابتی که برگزار شد ، به هرحال وارد کردن شیوه های جدید پذیرش و تربیت معلم در آن دوره اتفاق افتاد ، و هم اکنون هم ادامه دارد.

همچنین تبیین رویکرد پژوهشی ویژه و منحصر به فرد ، منطبق با مأموریت دانشگاه فرهنگیان ؛ ما فکر می کنیم دانشگاه فرهنگیان یک مأموریت پژوهشی ویژه دارد که آن هم از نوع مأموریت تولید دانش میان رشته ای آموزش رشته های مختلف است ، که در ایران بسیار مغفول است . مانند دانش آموزش ریاضی ، فیزیک ، هنر ، ادبیات و . . .

* نگاه میان رشته ای در آموزش پژوهی در تربیت معلم

قرار شد این مأموریت ویژه دانشگاه فرهنگیان ، در حوزه پژوهش و حوزه دانش باشد . در این زمینه مجلات مختلف آموزش فیزیک ، آموزش زبان را هم تاسیس کردیم . آموزش پژوهی رشته های مختلف را برای اساتید هم تبیین کردیم که کسی که عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان می شود ، حوزه پژوهشی او دیسیپلینی نیست ، بلکه حوزه اینتر دیسیپلینری آموزش رشته خودش است . این را سعی کردیم جا بیندازیم ، و الحمدالله الان هم دنبال می شود . واضح است تولید این دانش فقط به درد دانشگاه فرهنگیان هم نمی خورد ؛ بلکه دانشگاه فرهنگیان می تواند این نوع دانش را ، که در دانشگاه های دیگر هم در حاشیه است ، و فقدانش احساس می شود ، در اختیارشان قرار دهد . بنابراین دانشگاه فرهنگیان می توانست نقش اینچنینی در حوزه راهبری پژوهش در آموزش عالی را نیز بدست آورد . راه اندازی دوره های کارشناسی ارشد در رشته های معلمی اتفاق افتاد ، که یک ظرفیت چند هزار نفره را از ظرفیت خودش به اجرای دوره دو ساله کارشناس ارشد تربیت معلم ، از بین معلمان شاغل اختصاص داد . توسعه چشمگیر فعالیت های فرهنگی در آن زمان ، با یک نگاه متفاوت منطبق با آنچه که در سند تحول داریم ، اتفاق افتاد.

نظام ارزیابی کیفیت و اجرای طرح آزمون تعیین صلاحیت حرفه ای دانش آموختگان ، ابداع شد که اسمش آزمون اصلح (ارزیابی صلاحیت حرفه ای معلمان) گذاشته شد . این را برای تضمین کیفیت ورودی های آموزش و پرورش پیشنهاد کردیم ، و گفتیم خروجی های دانشگاه فرهنگیان تا قبل از اینکه در این آزمون صلاحیت حرفه ای ، صلاحیت هایشان احراز نشود ، گرچه ممکن است مدرک داشته باشند ، اما نباید به استخدام آموزش و پرورش درآیند . در واقع فیلتری بود که سبب شد انگیزه های تلاش در دوره تربیت معلم را مضاعف کند . گرچه برگزاری این آزمون برای ورودی های کنکور سراسری با مشکلات قانونی مواجه بود ، اما برای ورودی های از طریق ماده ۲۸ که قبلا اشاره کردم ، آزمون اصلح را برگزار کردیم.

همچنین توسعه زیرساخت های الکترونیک و سامانه های الکترونیک در دانشگاه ، تأسیس ساختار سازمان استانی برای دانشگاه فرهنگیان ، توسعه همکاری های بین المللی ، جذب هیأت علمی جدید ، ارتقای سطح مدیریت های صف و ستاد ، مجموعه ای از اتفاقات تحولی بود که فکر می کنم در دوره مدیریتم توفیق داشتیم که اینها را به دست همکارنمان محقق کنیم.

* جاده ای در افق پیش رو ؛ فهرستی از کارهای ناتمام و انجام نشده

اما کارهای ناتمام فراوانی در دانشگاه فرهنگیان باقی مانده است که باید اتفاق بیفتد ؛ من وقتی عملکرد و کارنامه این دوره مدیریت خودمان را منتشر کردیم ، دوستان می گفتند که تابه حال این کارها در کارنامه های دیگر نیفتاده است . منتها نه تنها کارهای انجام شده را در آن کتاب آوردیم ، کتابی که اسمش روایت کیفیت یا همچنین چیزی بود . در آنجا فصلی دارم که به کارهای ناتمام و نیمه تمام اشاره کردم . و شاید یک فهرست ۵۰ ، ۶۰ فقره ای از کارهای زیادی

که در دانشگاه فرهنگیان کماکان در راستای ارتقای کیفیت و تربیت معلمان با کیفیت باید انجام شود . مثل تأسیس مدارس وابسته به پردیس و موارد عدیده دیگری که همانطور که عرض کردم ، این را در کارنامه دوره مدیریت خودمان برای مدیریت بعدی به عنوان سرنخ هایی از کارهایی که به نظر می رسد باید اتفاق بیفتد ، به یادگار گذاشتیم . امید است بار دانشگاه فرهنگیان با توجه به فهرست کارهای انجام نگرفته ، به سرمنزل مقصود برسد . ولی توجه به اینکه تربیت معلم کار فرابخشی است ، و در ابتدای عرایضم اشاره کردم ، را نباید از نظر دور بداریم . دستگاه ها و بخش های مختلف حاکمیت باید بتوانند در این زمینه از خودشان نقش محسوس و ملموسی را به جا بگذارند.

* مدارس غیررسمی و تحصیل در خانه پدیده ای است که تعدادشان به صورت نمایی در حال افزایش است ، این پدیده را در معادلات تعلیم و تربیت چگونه ارزیابی می کنید ؟ و به نظر شما جامعه در حال انتخاب مسیر خودش است ؟ و ممکن است نظام رسمی ناگهان با این پدیده مواجه شود که جامعه مسیر دیگری را نسبت به مسیر اصلی خودش انتخاب کند ؟ جامعه ، نهادهای دینی و معرفتی ، و محیط کار ، چقدر به نظام تعلیم و تربیت برای پاسخگویی به نیازهای واقعی شان اعتماد دارند ؟ و چقدر احساس می کنند نظام رسمی برایشان مفید بوده و خواهد بود ؟ و اقدامات پیشنهادی و عملی شما برای اینکه نظام تعلیم و تربیت رسمی پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشد و جامعه احساس کند که این تعلیم و تربیت به دردش می خورد ، چیست ؟

اینکه می بینیم خانواده ها در خانه خودشان تربیت می کنند چون احساس می کنند که تعلیم و تربیت نیاز واقعی بچه را برآورده نمی کند . و اینکه مدرسه غیررسمی ایجاد می شود چون احساس می کنند که اتفاقات برای پاسخ دادن به نیاز واقعی در مدرسه معمولی روی نمی دهد . چکار باید کنند که این سه نهاد اجتماعی ، معرفتی و کار احساس کنند که نظام تعلیم و تربیت نیازشان را پاسخ می دهد ؟

هوم اسکولینگ به یک پدیده جدی تبدیل می شود البته به دلایل مختلف در جوامع مختلف روی می دهند حتی در هر جامعه ای هم والدین با انگیزه های مختلفی بچه های خود را از مدارس دولتی خارج می کنند و در منزل نگه می دارند.

البته فصل مشترک همه اینها این است که یک نوع نگرانی نسبت به مدرسه دولتی و پیامدهای مدرسه دولتی و نوع تربیتی که در مدرسه دولتی اتفاق می افتد ، دارند.

بعضی از این نگرانی ها در بین خانواده ها و جوامع مختلف ، راجع به تربیت دینی است . در بسیاری از جوامع غربی ، خانوادهای مذهبی از ورود بچه هایشان به مدرسه جلوگیری می کنند ، و بچه ها را در منزل نگه می دارند ؛ چون فکر می کنند در مدرسه رویکرد سکولار به باورهای دینی آنها آسیب می زند . در بعضی از جوامع بعضی از خانواده ها ، ملاحظاتشان علمی است و برخی ملاحظاتشان مربوط به جنبه های تربیتی ، روحی و روانی و در واقع نوع استرس و فشاری که مدرسه می تواند وارد کند . و در واقع خانه را به عنوان یک فضای آرامش بخش و دور از استرس ، برای اینکه کار یادگیری و آموزش بچه هایشان دنبال شود ، ترجیح می دهند.

می خواهم عرض کنم که ما با طیف وسیعی از انگیزه و عللی که خانواده ها به خاطر آنها به سمت استراتژی هوم اسکولینگ می روند ، روبرو هستیم . به نظرم ما دو کار را باید انجام دهیم.

* جامعه مسیر خودش را می رود ، آ.پ . حداقل جای خودش را پیدا کند !

یکی اینکه این نگرانی ها را خوب بشناسیم و سعی کنیم به آنها پاسخ دهیم ؛ و اعتماد به مدارس دولتی را در سایه پاسخ دادن به آن نیازها ، بیشتر جلب کنیم . و به نظرم این باید استراتژی اصلی باشد ؛ و سازوکاری را پیدا کنیم که والدین مختلف با روحیات مختلف و با اولویت مختلف ، احساس کنند که بالاخره یک فضایی هست که بچه شان را به دست افرادی بسپارند ، و مدرسه ای است که می تواند پاسخگوی خواسته ها ، انتظارات و اولویت های آنها باشد ؛ و از این نظر رضایت آنها تأمین شود.

نکته دوم اینکه ، اگر یک چنین اتفاقی دور از دسترس است ، و به سرعت قابل دست یافتن نیست ، به نظرمن نگرانی اصلی باید به این سمت برود که ما یک نوع رسمیتی به هوم اسکولینگ ببخشیم ، و در سایه این رسمیت ، پای یک نوع نظارت به میان آید . و در واقع باید به شکلی بر اتفاقی که در خانه می افتد ، نظارت کرد . چون به هرحال اتفاق هوم اسکولینگ می تواند یک اتفاق کاملا سازنده ، و در عین حال اتفاق کاملا ناصوابی باشد ، و آثار سو تربیتی و آثاری که موجب پشیمانی خود والدین در آینده شود ، به همراه داشته باشد.

بنابراین اگر بشود ضمن به رسمیت شناختن هوم اسکولینگ ، آن را از اتفاق پنهانی و زیرزمینی ، به یک اتفاق قانونی تبدیل کنیم ، و بتوانیم با سازو کارهایی که تعریف می کنیم یک نوع نظارت بر این فرایندها داشته باشیم به نظرم کاری است که می تواند حتی در بازه زمانی کوتاه تری نسبت به پیشنهاد اول به مورد اجرا گذاشته شود و وضعیت را از این حالت نگران کننده کنونی خارج کند.

انتهای پیام /

دانشگاه فرهنگیان

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۲:۰۰

شرایط ویژه و اختصاصی جذب اعضای هیات علمی دانشگاه فرهنگیان فراخوان بهمن ۱۳۹۸

به اطلاع کلیه متقاضیان جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان می رساند؛ بیست و سومین فراخوان نیمه متمرکز جذب اعضای هیأت علمی (پیمانی) دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور مربوط به فراخوان بهمن ۱۳۹۸ از تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۸ شروع و در تاریخ ۳ اسفند ماه ۱۳۹۸ پایان می پذیرد، لذا کلیه متقاضیان واجد شرایط (ویژه و اختصاصی جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان) می توانند در بازه زمانی مذکور به سایت WWW.MJAZB.IR مراجعه و نسبت به ثبت نام اقدام نمایند.

شرایط ویژه و اختصاصی جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان

شرایط عمومی

تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران. تدین به یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی تعهد و اعتقاد به انقلاب اسلامی؛ ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ وفاداری به نظام جمهوری اسلامی؛ تخلّق به اخلاق علمی و رفتار مناسب با شئونات اسلامی و دانشگاهی؛ عدم سو پیشینه و منع قانونی برای استخدام در موسسات دولتی؛ برخورداری از سلامت جسمی و روحی لازم و نداشتن نقص عضو؛ التزام به قوانین و مقررات صنفی؛ اخلاق حرفه ای؛ برخورداری از حسن شهرت اخلاقی؛ عقیدتی و سیاسی؛ عدم اعتیاد به مواد مخدر نداشتن سوابق محکومیت کیفری و انتظامی؛ عدم اشتهار به فسق و فجور و اعمال منافی عفت عمومی و رفتار خلاف حیثیت شغلی؛ عدم سابقه فعالیت موثر علیه نظام جمهوری اسلامی و نداشتن سابقه وابستگی یا گرایش به سازمان ها و تشکل های محارب و معاند با نظام جمهوری اسلامی؛ دارا بودن کارت پایان خدمت یا معافیت دائم برای داوطلبان ذکور.

شرایط اختصاصی

۱- دارا بودن مدرک دکتری تخصصی (با گرایش های مورد نیاز دانشگاه) از دانشگاه های معتبر داخل یا خارج کشور مورد تائید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در زمان فراخوان؛

۲- عدم استخدام، تعهد خدمت یا بورس در کلیه سازمان ها ی دولتی و غیر دولتی به استثنای همکاران شاغل در آموزش و پرورش؛

۳- داشتن حداکثر ۴۰ سال سن در زمان فراخوان (حداکثر متولدین ۰۱/۱۱/۱۳۵۸).

نکته ۱) محل خدمت متقاضیان بر حسب نیاز دانشگاه تعیین شده است، در عین حال از آنجا که دانشگاه یک سازمان یکپارچه (پیکره واحد) می باشد اختیار دارد که محل خدمت متقاضیان را در هر استان دیگر تعیین نماید.

نکته ۲) طبق دستور دوازدهم، دومین جلسه هیأت امنا دانشگاه مورخ ۰۲/۰۴/۱۳۹۳ نیروهای رسمی آموزش و پرورش با سابقه معلمی در شرایط یکسان علمی نسبت به سایر متقاضیان از اولویت جذب برخوردارند.

نکته ۳) پرونده متقاضیان بر اساس مدارک و مستندات بارگذاری شده در سامانه نور رضوی مرکز جذب اعضای هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد بررسی و ارزیابی اولیه قرار می گیرد و از واجدین شرایط و مطابق نیازهای اعلام شده گروه های آموزشی برای انجام مصاحبه توانایی علمی دعوت به عمل می آید.

نکته ۴) ملاک ارزیابی اولیه علمی مدارک و مستندات بارگذاری شده در سامانه نور رضوی مرکز جذب اعضای هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری خواهد بود و کیفیت و چگونگی بارگذاری و عدم بارگذاری مستندات در سامانه مذکور و اشکالات مترتبه بر عهده متقاضی می باشد. (دانشگاه به مدارک و مستنداتی که بعد از پایان فراخوان و خارج از سامانه نور رضوی به دانشگاه ارسال خواهد شد هیچ گونه ترتیب اثری نخواهد داد.)

نکته ۵) دانشگاه در قبول یا رد درخواست ها مختار بوده و ارسال مدارک هیچ حقی را برای متقاضی ایجاد نمی کند.

نکته ۶) اعلام نتیجه صرفاً از طریق سامانه نور رضوی بوده و متقاضیان پس از اعلام نتیجه تا ۲ ماه فرصت اعتراض خواهند داشت. بدیهی است پس از پایان مهلت مقرر اعتراضات بررسی نخواهند شد.

نکته ۷) متقاضیان ایثارگر؛ مشمول بند «پ» ماده ۹۰ قانون برنامه ششم توسعه کشور می باشند و پرونده آنان طبق قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه بررسی خواهد شد.

نکته ۸) متقاضیانی که دوره های آشنایی با آثار شهید مطهری را گذرانده باشند در مصاحبه عمومی دانشگاه از امتیاز برخوردارند. بدیهی است آشنایی با آثار شهید مطهری از دوره های آموزشی اعضای هیأت علمی این دانشگاه می باشد.

نکته ۹) به پرونده متقاضیانی که درخواست آنان مطابق با نیازهای اعلامی دانشگاه در فراخوان نباشد ترتیب اثر داده نخواهد شد. در هر مرحله از بررسی اگرخلاف موارد اظهار شده توسط متقاضی مشخص شود پرونده از روند بررسی خارج خواهد شد.

شرایط ویژه

داشتن سطحی متناسب از آگاهی و معارف دینی؛

داشتن سوابق دفاع از آرمان های اصیل انقلاب اسلامی و سوابق ارزشمند عملی در خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران؛

توانایی درجهت ارتقای دینی و پرورش نسل دانشجو، مؤمن، انقلابی، متعهد، امیدوار با هویت اسلامی؛

التزام عملی به گسترش و تقویت ایمان، اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس و افزایش باور عمومی نسبت به عقاید اسلامی و اعتلای روح معنویت و مکارم و فضائل اخلاقی؛

التزام به گسترش و تقویت برنامه‌های اسلامی شدن مراکز آموزش عالی واعتقاد به بومی‌سازی علم در ساحتهای متنوع آن.

خبرگزاری رسمی حوزه
HAWZAH NEWS AGENCY
وكالة انباء الحوزة

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۳:۴۳

حیات و پویایی حوزه های علمیه در گرو تحقیق و پژوهش است

حجت الاسلام والمسلمین شاهرخی با اشاره به اینکه خروجی حوزه باید به تحقیق و پژوهش منجر شود ، اظهار کرد : حیات و پویایی حوزه های علمیه در گرو تحقیق و پژوهش است و طلاب برای موفقیت در حوزه تبلیغ ، باید خود را به سلاح مطالعه ، تحقیق و پژوهش مجهز کنند .

به گزارش خبرگزاری « حوزه » از خرم آباد ، حجت الاسلام والمسلمین سید احمد رضا شاهرخی ، امروز در اختتامیه سومین دوره جشنواره استانی علامه حلی (ره) لرستان ، در دانشگاه فرهنگیان ، با تبریک میلاد با سعادت بزرگ بانوی جهان اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) و ولادت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) ، گفت : تبلیغ ، تبیین و اشاعه سبک زندگی حضرت زهرا (س) تضمین کننده استحکام نهاد خانواده است و در این خصوص مبلغان باید به تبلیغ و روشنگری بپردازند.

وی با اشاره به اینکه دین مبین اسلام در خصوص تحقیق و پژوهش ، سفارش و توصیه های بسیاری کرده است ، افزود : اهداف اسلامی و سیره علما و بزرگان حوزوی باید همواره مد نظر طلاب و پژوهشگران جوان باشد و طلاب با مراجعه به تحقیقات علما و وبزرگان دینی به عنوان منابع غنی و مهم ، تحقیقات و پژوهش ها را انجام دهند .

امام جمعه خرم آباد با اشاره به خدمات وافر علامه حلی (ره) به جهان اسلام ، بیان داشت : ایشان عمر خود را در راه تحقیق و پژوهش های مهم و اساسی صرف کرد و قریب به ۱۲۰ جلد کتاب را از خود به یادگار گذاشت.

حجت الاسلام والمسلمین شاهرخی با اشاره به اینکه خروجی حوزه باید به تحقیق و پژوهش منجر شود ، خاطر نشان کرد : حیات و پویایی حوزه های علمیه در گرو تحقیق و پژوهش است و طلاب برای موفقیت در حوزه تبلیغ ، باید خود را به سلاح مطالعه ، تحقیق و پژوهش مجهز کنند .

وی با بیان اینکه طلاب با مطالعه و تحقیق مستمر به رونق و نشاط علمی پژوهشی در حوزه ها کمک کنند ، گفت : طلاب باید با مهارت افزایی فنون تحقیق و پژوهش علمی و کارآمد ، در راستای خلق آثار فاخر و متناسب با نیازهای جهان اسلام همتی جهادی و والا داشته باشند .

نماینده ولی فقیه در استان لرستان ، با تاکید بر لزوم تسلط کامل اساتید به دانش و مهارت پژوهشی ، افزود : اساتید پژوهش باید مستمر در حال تحقیق باشند تا بتوانند طلاب جوان را در این راه یاری کنند .

حجت الاسلام والمسلمین شاهرخی در پایان با اشاره به اینکه آثار و پژوهش های حوزوی باید به تحقق اهداف اسلامی در عرصه بین المللی منجر شود ، خاطر نشان کرد : تحقیقات و پژوهش های حووزیان باید پاسخگوی شبهات جهان در ابعاد گوناگون باشد.

انتهای پیام

خبرگزاری دانشجو SNN Student News Network

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۴:۱۵

دعوت بسیج دانشجویی فرهنگیان الیگودرز از کاندیدا های مجلس برای حضور در نشست مطالبه گری

به گزارش خبرنگار دانشگاه خبرگزاری دانشجو ، بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید میرشاکی الیگودرز در نامه ای خطاب به کاندیدا های یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در استان لرستان خواستار حضور آنان در جلسه مطالبه گری دانشجویی با موضوع پرسش و پاسخ دانشجویی در این دانشگاه شد.در این نامه آمده است : نیک مستحضرید که آموزش و پرورش ، از اساسی ترین ارکان ، جهت خلق آینده ای بهتر است و آینده کشور عزیزمان به امروز آن وابسته است و در این میان نقش تاثیرگذار معلم در ساخت آینده این سرزمین ، در اثر گذاری فکری و روحی مخاطبی که کودک امروز ما و مرد و زن آینده ما است ، نظیر ندارد و ثروت اصلی برای هر ملتی ، نیروی انسانی است . بدون تردید ، رشد و توسعه پایدار یک کشور به تربیت انسان های آگاه ، متعهد و متخصص بستگی دارد و پیشرفت همه جانبه ، مرهون توسعه سرمایه انسانی است ، از این رو اهتمام به آموزش و پرورش را می توان وظیفه کل جامعه و آحاد مردم دانست ؛ لذا با عنایت به جایگاه مهم مجلس شورای اسلامی در قانون گذاری و سیاست گذاری در حوزه نظام آموزش و پرورش ، از وظایف نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، نگاهی عالمانه ، کارشناسی شده و با برنامه ، نسبت به تعلیم و تربیت و مسائل آموزش و پرورش می باشد . به همین منظور از جنابعالی به عنوان کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی درخواست می گردد پاسخ های خود به سوالات زیر را که در برگیرنده نگاه و نظر جنابعالی است با تشکیل جلسه ای حضوری در فضای صمیمی با اعضای بسیج دانشجویی و فعالان دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان در بازه زمانی پیشنهادی یکشنبه ۲۷ / ۱۱ / ۱۳۹۸ الی سه شنبه ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۹۸ به سوالات زیر پاسخ دهید : ۱ . برای عملیاتی کردن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که به فرموده مقام معظم رهبری ، به عنوان یکی از سه سند پایه سند چشم انداز ۱۴۰۴ کشور ، چه برنامه ای دارید ؟ ۲ . برای توسعه کمی و کیفی دانشگاه فرهنگیان به تعبیر رهبر معظم انقلاب ، نقطه ثقل نظام آموزش و پرورش ، چه اقداماتی را در نظر گرفته اید و نوع مواجهه در زمان نمایندگی جنابعالی با دانشگاه فرهنگیان و دانشجو معلمان چگونه خواهد بود ؟ ۳ . از مسائل مهم دیگر ، مسئله اقتصاد آموزش و پرورش است و به تبع آن موضوع بودجه سالیانه آن می باشد . مستحضرید که هر ساله شاهد کسری قابل توجه بودجه در این دستگاه هستیم . شما دلیل اصلی این کسری را در چه می دانید و اگر خود را دغدغه مند تعلیم و تربیت نسل آینده می دانید برای این مهم چه برنامه ای دارید ؟ ۴ . موضع شما در باب خصوصی سازی در آموزش و پرورش و خرید خدمات آموزشی چیست و تا چه اندازه می تواند راه حلی برای برون رفت از مشکلات فعلی آموزش و پرورش باشد ؟ ۵ . برنامه های خود را در تحقق عدالت آموزشی چه در سطح کلان جامعه و چه در حوزه انتخابی خود را ارائه بفرمایید . ۶ . نظرتان درباره رتبه بندی معلمین در نظام آموزش و پرورش چیست ؟ و خود را متعهد به آن می دانید ؟

به گزارش خبرنگار دانشگاه خبرگزاری دانشجو ، بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید میرشاکی الیگودرز در نامه ای خطاب به کاندیدا های یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در استان لرستان خواستار حضور آنان در جلسه مطالبه گری دانشجویی با موضوع پرسش و پاسخ دانشجویی در این دانشگاه شد.

در این نامه آمده است :
نیک مستحضرید که آموزش و پرورش ، از اساسی ترین ارکان ، جهت خلق آینده ای بهتر است و آینده کشور عزیزمان به امروز آن وابسته است و در این میان نقش تاثیرگذار معلم در ساخت آینده این سرزمین ، در اثر گذاری فکری و روحی مخاطبی که کودک امروز ما و مرد و زن آینده ما است ، نظیر ندارد و ثروت اصلی برای هر ملتی ، نیروی انسانی است.

دانشگاه فرهنگیان — رونق تولید ۱۳۹۸

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۴:۴۵

نهمین جلسه کمیته دستگاهی کرسی های ترویجی دانشگاه فرهنگیان برگزار شد

همین جلسه کمیته دستگاهی حمایت از کرسی های ترویجی دانشگاه فرهنگیان روز دوشنبه بیست و یکم بهمن ماه۱۳۹۸ با حضور اعضای کمیته دستگاهی کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره دانشگاه فرهنگیان در سالن شهید چمران سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان برگزار شد.

در این جلسه دکتر اسماعیل اولی ضمن تشکر از استان ها که به صورت ویدئو کنفرانسی، حضور داشتند، آمار برگزاری کرسی های علمی ترویجی در دانشگاه فرهنگیان را بسیار خوب توصیف کرد و بیان داشت: مدیریت پشتیبانی تولید علم بومی در زمینه برگزاری کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره دانشگاه فرهنگیان رشد خیلی خوبی داشته که در این خصوص تلاش و کوشش استان ها نیز قابل تقدیر و ستایش است. وی توجه به نوآوری در موضوعات کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره را یادآوری کرد و افزود: کرسی های علمی ترویجی باید به سمت و سوی پژوهش های جدید و نو و مرتبط با تعلیم و تربیت و در جهت اهداف دانشگاه فرهنگیان پیش رود.

در ادامه، حجت الاسلام و المسلمین دادگر مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و عضو کمیته دستگاهی کرسی های نظریه پردازی دانشگاه فرهنگیان در خصوص برگزاری کرسی های علمی-ترویجی گفت: بهتر آن است که سعی شود موضوعات کرسی ها مرتبط و مطابق با نیازهای دانشگاه و در راستای سند تحول بنیادین باشد و آن ها به مسائل مربوط به تعلیم و تربیت و همسو با اهداف دانشگاه فرهنگیان پیوند داده شود.

در ادامه این نشست، دکتر علی اکبر مسگر رئیس کمیته دستگاهی حمایت از کرسی های نظریه پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن اشاره به اینکه باید فضای ایجاد کرسی های نظریه پردازی در محیط های علمی فراهم شود، گفت: دانشگاه فرهنگیان از ظرفیت خوبی جهت برگزاری کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره برخوردار است که در این زمینه رشد مطلوبی در برگزاری های این کرسی ها مشاهده می شود.

در پایان اعضای کمیته دستگاهی کرسی های نظریه پردازی دانشگاه فرهنگیان به ارائه پیشنهادات و نظرات خود در مورد موضوعات کرسی های مطرح شده در جلسه پرداختند.

دانشگاه فرهنگیان

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۵:۱۳

اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور درباره مرحله تکمیل ظرفیت پردیس های دانشگاه فرهنگیان آزمون سراسری سال ۱۳۹۸

بدین‌وسیله به اطلاع کلیه داوطلبان واجد شرایط علاقه‌مند به تحصیل در رشته‌های تحصیلی دانشگاه فرهنگیان در مرحله تکمیل ظرفیت آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ می‌رساند براساس مصوبه جلسه بیستم شورای سنجش و پذیرش دانشجو مورخ ۰۷/۰۷/۹۸ و بنا به درخواست وزارت آموزش و پرورش برای تامین و تربیت بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز آموزشی خود، با توجه به عدم تکمیل ظرفیت در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان استانهای ایلام، البرز، بوشهر، تهران، سیستان و بلوچستان و خورستان، مقرر گردید تکمیل ظرفیت در برخی کدرشته محل‌های مربوط به استان‌های مذکور برای تحصیل در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان صورت گیرد.

لذا داوطلبان واجد شرایط در صورت داشتن نمره کل نهایی ۶۵۰۰ و بالاتر (با توجه به کارنامه نتایج علمی اولیه) براساس شرایط و ضوابط مندرج در صفحات ۲ و ۳ دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ (مندرج در پایگاه اینترنتی این سازمان) و با رعایت نکات ذیل و جداول حاوی اطلاعات رشته محلها (مندرج در ذیل این اطلاعیه) می‌توانند از تاریخ ۲۷/۱۱/۹۸ لغایت ۰۱/۱۲/۹۸ نسبت به ثبت‌نام و تکمیل فرم انتخاب رشته (حداکثر ۲۰ کدرشته محل) در این مرحله از تکمیل ظرفیت اقدام نمایند.

۱-پذیرش دانشجو در این مرحله منحصراً برای پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان و صرفاً براساس شرایط و ضوابط مندرج در صفحه ۲و۳ «بخش پیوستها» دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ خواهد بود.

۲-شیوه پذیرش و گزینش در مرحله تکمیل ظرفیت، همانند رشته‌های متمرکز با شرایط خاص در آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ انجام خواهد شد.

۳-پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری در هریک از کد رشته‌های تحصیلی دارای بورسیه و یا شرایط خاص که به دستگاه‌های اجرایی تعهد خدمت دارند و همچنین پذیرفته‌شدگان رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی که متعهد خدمت وزارت آموزش و پرورش هستند مجاز ثبت‌نام و شرکت در گزینش رشته‌های تحصیلی این مرحله از تکمیل ظرفیت نمی‌باشند.

۴-داوطلبانی که قبلاً دریکی از کد رشته محل‌های دانشگاه فرهنگیان و یا دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی به آموزش و پرورش معرفی شده‌اند ولی به علت موارد (پزشکی، معدل و سن) واجد شرایط نبودند. مجاز به ثبت‌نام و شرکت در مرحله (تکمیل ظرفیت) نمی‌باشند. از این گروه از داوطلبان درشهریورماه سال جاری به علت نداشتن شرایط، مصاحبه اختصاصی بعمل نیامده است.

۵-داوطلبانی‌که از آنان مصاحبه اختصاصی به عمل آمده و دلیل مردودی آنان، فقط نداشتن حد نصاب لازم در مصاحبه اختصاصی بوده، مجاز به انتخاب رشته مجدد در این مرحله (تکمیل ظرفیت) خواهند بود.

۶-از معرفی‌شدگانی مصاحبه اختصاصی به عمل خواهد آمد که دارای کلیه شرایط وضوابط اختصاصی رشته‌های مورد نیاز آموزش و پرورش «بخش پیوست‌ها» دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ و اطلاعیه‌های اصلاحی بعدی مندرج در پایگاه اینترنتی این سازمان (کسب نمره علمی کل۶۵۰۰ و بالاتر در زیرگروه گروه آزمایشی مربوط برای مجاز شدن برای انتخاب رشته، داشتن حداقل معدل کل ۱۴ در دوره متوسطه ی دوم (معدل سه پایه اول، دوم و سوم)، برخورداری از سلامت کامل تن و روان و شرایط مناسب جسمانی برای حسن انجام وظیفه معلمی، داشتن حداکثر سن ۲۲ سال تمام در بدو ورود به دانشگاه (۰۱/۰۷/۷۶ به بعد) و ...) باشند. درغیر این صورت انجام مصاحبه اختصاصی، منتفی خواهد بود. بر این اساس داوطلبانی که فاقد شرایط اختصاصی آموزش و پرورش بوده و بدون توجه به ضوابط

اعلام شده اقدام به انتخاب رشته نمایند از فرآیند مصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت های عمومی، حذف خواهند شد.

تبصره: حداقل معدل و حداکثر سن، تحت هر شرایطی تغییر نخواهد کرد.

-۷دامنه پذیرش و محل خدمت در کلیه کدرشته محل‌های مربوط به مرحله تکمیل ظرفیت منحصراً براساس دامنه پذیرش و محل خدمت مندرج در دفترچه راهنمای انتخاب رشته شماره (۲) و اصلاحیه‌های بعدی (مندرج در پایگاه اینترنتی این سازمان) خواهد بود.

-۸معرفی داوطلب به آموزش وپرورش و متعاقب آن موفقیت درمصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت‌های عمومی، به منزله قبولی نهایی فرد تلقی نمی‌گردد. بلکه داوطلبان باید علاوه برآن، در گزینش نهائی که براساس ضوابط، توسط سازمان سنجش آموزش کشور انجام می‌گیرد دارای نمره علمی نهایی در کد رشته محل مورد نظر نیز باشند.

-۹تغییر رشته و گرایش، تغییر محل تحصیل، انتقال، جابه‌جایی و تغییر اولویت انتخابی در بدو ورود و در طول تحصیل تحت هر شرایط مجاز نمی‌باشد.

-۱۰شروع به تحصیل پذیرفته‌شدگان نهایی این مرحله از تکمیل ظرفیت در اولین ترم ممکن (۰۱/۰۷/۹۹) خواهد بود. لذا رعایت شرایط وضوابط مربوط به مقررات نظام وظیفه عمومی برای داوطلبان ذکور، به عهده آنان خواهد بود.

-۱۱درصورت قبولی نهایی داوطلبان در گزینش نهایی کدرشته محل‌های مربوط به این مرحله از تکمیل ظرفیت، قبولی قبلی آنان «لغو» و با آنان همانند دانشجوی انتقالی رفتار خواهد شد. بعد از اعلام نتایج تکمیل ظرفیت، انصراف از رشته قبولی جدید جهت تحصیل در رشته قبلی، امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا پذیرفته‌شدگان لازم است برای تکمیل فرم انتخاب رشته و شرکت در مراحل گزینش رشته‌های تحصیلی این مرحله دقت کافی مبذول دارند، در غیر این صورت هیچگونه اعتراضی قابل قبول نخواهد بود.

-۱۲چنانچه فردی با ارائه اطلاعات نادرست پذیرفته شود و یا متعاقب آن مشخص گردد که شرایط لازم را نداشته است در هر مرحله از ثبت‌نام، تحصیل و یا استخدام آزمایشی و قطعی، قبولی وی لغو می‌گردد و حسب مورد، مکلف به پرداخت خسارت‌های ناشی از آن خواهد بود.

-۱۳ مسئولیت عدم رعایت ضوابط عمومی واختصاصی آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ به عهده داوطلب بوده و هیچگونه حقی برای آن ایجاد نمی‌کند.

ضمناً داوطلبان گرامی می‌توانند سؤالات خود را با بخش پاسخگویی اینترنتی پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان به نشانی: www.sanjesh.org و یا با شماره تلفن گویای: ۴۲۱۶۳ (کد ۰۲۱) در میان بگذارند.

خبرگزاری رسمی حوزه
HAWZAH NEWS AGENCY
وكالة انباء الحوزة

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۵:۲۰

صاحبان ۵۰ اثر پژوهشی جشنواره استانی علامه حلی (ره) لرستان تقدیر شدند

حوزه / دبیر سومین دوره جشنواره استانی علامه حلی (ره) استان لرستان از تقدیر از ۵۰ اثر برتر حوزه های علمیه خواهران و برادران استان خبر داد.

به گزارش خبرگزاری حوزه از خرم آباد ، حجت الاسلام کامران پنام ، شنبه ۲۶ بهمن ماه ، در اختتامیه سومین دوره جشنواره استانی علامه حلی (ره) استان لرستان که در سالن دانشگاه فرهنگیان خرم آباد برگزار شد با اشاره به اینکه امسال ۵۸۰ اثر به دبیرخانه سومین جشنواره استانی علامه حلی (ره) استان لرستان ارسال شد ، گفت : پس از بررسی های اجمالی و تفصیلی اول و دوم در نهایت ۵۰ اثر شایسته تقدیر ، معرفی شدند.

وی با بیان اینکه امسال طلاب خواهر و برادر پژوهشگر نسبت به دوره های پیشین استقبال مطلوبی از جشنواره داشتند ، افزود : تعداد مقالات رسیده امسال در مقایسه با دوره های قبل افزایش چشمگیری داشته است .

معاون پژوهش حوزه علمیه استان لرستان با اشاره به اینکه آثار به صورت مقاله و تحقیق پایانی ارائه شده اند ، خاطرنشان کرد : بیشترین آثار رسیده و برتر به دبیرخانه جشنواره در زمینه های علوم قرآنی و فلسفه و کلام بوده است .

حجت الاسلام پنام با اشاره به اینکه در سومین دوره استانی جشنواره علامه حلی (ره) لرستان از مدارسی که بیشترین و برترین آثار پژوهشی را ارائه داده اند ، تجلیل شد ، گفت : در این دوره مدارس علمیه خواهران شهرستان های الیگودرز ، نورآباد ، الشتر و معصومیه (س) خرم آباد و مدارس علمیه برادران شهرستان های کوهدشت و ولیعصر (عج) بروجرد و همچنین مدرسه علمیه صادقیه خرم آباد بیشترین آثار را ارائه کردند.

وی با اشاره به اهمیت تحقیق و پژوهش در حوزه های علمیه ، یادآور شد : ترغیب و تشویق طلاب به فعالیت های پژوهشی شناسایی استعدادهای برتر در زمینه تحقیق و پژوهش و حمایت از طلاب نوقلم را از مهمترین اهداف برگزاری جشنواره های علامه حلی (ره) عنوان کرد.

دبیر جشنواره استانی علامه حلی (ره) لرستان در پایان از ارسال ۳۰ اثر طلاب استان به جشنواره کشوری علامه حلی (ره) خبر داد و گفت : این تعداد اثر از دو حوزه علمیه خواهران و برادران استان برای شرکت در مرحله کشوری ارسال خواهند شد.

انتهای پیام

دانشگاه فرهنگیان
رونق تولید ۱۳۹۸
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۵:۳۰

به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) وروزمادر صورت گرفت ; دیدار مسئولین ودانشجویان پردیس شهید رجایی قزوین بامادر بزرگوار شهید علی جهانشاهی

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان استان قزوین ظهر روز شنبه ۹۸ / ۱۱ / ۲۶ دانشجویان عضو کانون علمی ایثار و بسیج دانشجویی پردیس شهیدرجایی قزوین به . . .

به گزارش روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان استان قزوین ظهر روز شنبه ۹۸ / ۱۱ / ۲۶ دانشجویان عضو کانون علمی ایثار و بسیج دانشجویی پردیس شهیدرجایی قزوین به همراه حجت الاسلام والمسلمین شعبانی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دردانشگاه فرهنگیان استان قزوین ودکتر داود قنبری کارشناس مسئول پردیس شهیدرجایی بامادر بزرگوار شهید علی جهانشاهی ازشهدای دفاع مقدس دیدار وگفتگو کردند . دراین دیدار که به مناسبت سالروز ولادت باسعادت حضرت فاطمه زهرا (س) وروز مادر انجام شد ، مادر آن شهیدوالامقام ضمن تقدیر و تشکر ازحاضران به بیان خاطراتی از آن شهید پرداخت واظهار امیدواری کرد که جوانان میهن اسلامیمان دنباله رو راه شهدا باشند وبرای حفظ اسلام وقرآن جانفشانی نمایند.لازم به ذکر است آن شهید والامقام درسن ۱۸سالگی درمنطقه عملیاتی فاو به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

خبرگزاری صدا و سیما
IRIB NEWS AGENCY
صفحه نخست | سیاسی | اقتصادی | اجتماعی | ورزشی | علمی و فرهنگی | عکس | فیلم | فضای مجازی | پژوهش | تحلیل | استانها | بین الملل
آرشیو | شهروند خبرنگار | جستجو
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۵:۳۴

حذف پیک نوروزی و تسویه معوقات معلمان

وزیر آموزش و پرورش گفت : دانش آموزان نوروز امسال تکالیفی به عنوان پیک نوروزی ندارند و معلمان در صورت لزوم تکلیف مهارت محور به دانش آموزان خواهند داد.

محسن حاجی میرزایی در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری صدا و سیما ، به مطالبات معلمان اشاره کرد و گفت : تمام تلاش خود را می کنیم تا معوقات معلمان حق التدریس و خرید خدمات را تا پایان سال پرداخت کنیم.
وی با تأکید بر این که آزمون استخدام آموزش یاران نهضت سوادآموزی در اسفند برگزار می شود گفت : این معلمان پس از قبولی در آزمون و گذراندن یک دوره آموزشی یک ساله به استخدام آموزش و پرورش در خواهند آمد.
حاجی میرزایی افزود : معلمان حق التدریس شاغل از قبل از سال ۹۱ که ابلاغ و حقوق از آموزش و پرورش دریافت کرده اند بدون آزمون جذب آموزش و پرورش می شوند ، ولی حق التدریسان شاغل از بعد از سال ۹۱ که از آموزش و پرورش حقوقی دریافت نکرده اند مشمول استخدام نخواهند شد.
وی به مشکل حذف آزمون سراسری سال آینده در برخی کشور ها اشاره کرد و افزود : سازمان سنجش براساس استاندارد های خاص خود عمل می کند . اما اگر مشکلی برای دانش آموزان این کشور ها ایجاد شود برای رفع آن اقدام خواهیم کرد.
حاجی میرزایی به شرط سنی برای ورود به دانشگاه فرهنگیان اشاره کرد و افزود : بسیاری از متقاضیان شغل معلمی خواستار افزایش شرط سنی از ۲۲ به ۲۵ سال شده اند که قانون این اجازه را به ما نمی دهند.

معلم ایرانی

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ ✽ ۱۶:۰۳

دولت از مدرسه داری دست بکشد / « سند ۲۰۳۰ » کی بود ؟ کجا بود ؟

خبرگزاری فارس ـ گروه آموزش و پرورش : در پنجمین و ششمین سلسله نشست های بررسی چالش های گلوگاهی نظام تعلیم و تربیت که در خبرگزاری فارس برگزار شد ، محمود مهرمحمدی مهمان فارس بود و اردوان مجیدی ، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت و مشاور مدیرعامل خبرگزاری فارس ، پرسشگر این گفت وگو بود . در جلسه پیشین این گفت وگوی طولانی که نوشته دولت از مدرسه داری دست بکشد / « سند ۲۰۳۰ » کی بود ؟ کجا بود ؟ اولین بار در moallemirani.com پدیدار شد.

خبرگزاری فارس ـ گروه آموزش و پرورش : در پنجمین و ششمین سلسله نشست های بررسی چالش های گلوگاهی نظام تعلیم و تربیت که در خبرگزاری فارس برگزار شد ، محمود مهرمحمدی مهمان فارس بود و اردوان مجیدی ، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت و مشاور مدیرعامل خبرگزاری فارس ، پرسشگر این گفت وگو بود.

در جلسه پیشین این گفت وگوی طولانی که به دیدگاه های ایشان در مسائل مهم و کلیدی پرداخته شد ، مباحثی نظیر بررسی دلایل اجرایی نشدن سند تحول و نواقص و چالش های پیش روی آن ، رویکردهای متداول در اقدامات نظام رسمی آموزش و پرورش و تنگناهای آن ، مسأله تمرکز زدایی از نظام تعلیم و تربیت ، پرداخته شد . گفت وگوهای جلسه پیشین در سه بخش اول ، دوم و سوم منعکس شد.

در جلسه دوم این گفت وگوی طولانی ، مباحثی نظیر تمرکز زدایی ، تولید و اجرای سند تحول ، سند ۲۰۳۰ ، دانشگاه فرهنگیان و تحصیل در خانه مورد بحث قرار گرفت ؛ این گفت وگوها سعی می کند تنگناهای تحول تعلیم و تربیت را مورد کنکاش قرار دهد.

محمود مهرمحمدی عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس ، سرپرست پیشین دانشگاه فرهنگیان و عضو شورای سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی است . وی متولد سال ۱۳۳۷ در تهران است که دوران تحصیل ابتدایی را در دبستان علوی گذراند و همچنین بخشی از دوره دبیرستان را نیز در همین مجموعه پشت سر گذاشت.

مهرمحمدی در سال ۱۳۵۵ دیپلم ریاضی خود را از دبیرستان جاویدان تهران اخذ کرد و برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شد ؛ وی مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۸ و کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۶۰ دریافت کرد و با هدف تدارک امکان خدمت بیشتر ، رشته تحصیلی اش از تکنولوژی صنعتی در دوره لیسانس به تکنولوژی آموزشی در کارشناسی ارشد تغییر کرد.

وی پس از اتمام تحصیل به ایران بازگشت و در وزارت علوم به عنوان عضو هیأت علمی استخدام شد . در سال ۱۳۶۴ با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا بازگشت تا تحصیلاتش در علوم تربیتی ، برنامه ریزی درسی ، را در سطح دکتری دنبال کند و در نهایت در سال ۱۳۶۷ مدرک دکتری خود را از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی دریافت کرد.

مهرمحمدی پس از اخذ مدرک دکتری به کشور بازگشت و همزمان با تدریس در دانشگاه ها به سمت رئیس مرکز برنامه ریزی آموزشی در وزارت علوم منصوب شد . او در سال ۱۳۶۸ به دعوت وزیر وقت آموزش و پرورش به این وزارتخانه مأمور شد ، در سال ۱۳۷۶ به دانشگاه تربیت مدرس منتقل شد و تا سال ۱۳۹۶ به مدت ۲۰ سال در گروه تعلیم و تربیت به تربیت دانشجو در دوره دکتری پرداخت . اغلب دانش آموختگان رشته برنامه درسی در کشور ، به نحوی جزو شاگردان او بوده اند . ترویج رشته برنامه ریزی درسی در دو دهه اخیر در کشور ، با محوریت وی انجام شده ، و برخی او را به عنوان پدر رشته برنامه درسی کشور می شناسند.

در سال ۱۳۸۳ مسؤولیت اجرای بزرگترین مطالعه راهبردی تعلیم و تربیت در کشور در سال های گذشته را بر عهده گرفت ؛ مطالعه سند ملی آموزش و پرورش ؛ که در سال ۱۳۹۰ با عنوان « سند تحول بنیادین آموزش و پرورش » ، پس از نزدیک به یک دهه طی طریق ، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید ؛ این سند در حال حاضر مهم ترین راهبرد ملی در این حوزه است و به نحوی محور تلاش های رسمی برای ارتقای نظام آموزش و پرورش کشور محسوب می شود.

در فاصله سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نیز مسؤولیت دانشگاه تازه تأسیس فرهنگیان را بر عهده داشت ؛ مهرمحمدی پس از اتمام دوره مدیریت در دانشگاه فرهنگیان تصمیم گرفت با درجه استاد تمام پایه ۳۸ درخواست بازنشستگی کند.

علاوه بر آن در کارنامه آموزش و پرورشی وی ریاست پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش ، ریاست انجمن

مطالعات برنامه درسی ایران ، مدیرکل مرکز تحقیقات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ، مشاور پژوهشی و برنامه ریزی وزیر آموزش و پرورش و همچنین سردبیری فصلنامه علمی و پژوهشی تعلیم و تربیت دیده می شود.
در ادامه ، این گفت وگو را می خوانیم :
* مصاحبه قبلی بازتاب های متفاوت و خوبی داشت ؛ بحث هایی مطرح شد و ناتمام ماند و سؤالاتی نیز باقی ماند ، و ضمن اینکه نقدها و سؤالاتی در این مدت توسط برخی افراد نسبت به دیدگاه های شما مطرح شده است.
در جلسه قبل شما بحث تمرکز زدایی و مدرسه محوری را مطرح کردید ؛ و در مورد آن نقدهای متفاوت مطرح شد . از جمله اینکه وقتی تمرکززدایی اتفاق بیفتد ، به دلیل اینکه مدارس غیردولتی ، قدرت بیشتری پیدا می کنند ، عدالت از بین می رود و مدارس اغنیا از فقرا جدا می شود . اگر در این زمینه توضیح بیشتری بدهید ، به شفاف شدن مسأله کمک می کند.
همچنین بحثی که مدتی داغ شد ، حذف تنوع مدارس در مجلس بود ؛ این موضوع را چطور تحلیل می کنید ؟ به نظرتان آیا جداسازی شاگردان در طیف های مختلف مدارس مشکلاتی دارد یا خیر ؟ و آیا تمرکززدایی به موضوع جداسازی ربط دارد ؟ یعنی آیا تمرکززدایی و مدرسه محوری الزاماً به معنای جدا سازی طبقاتی و طیف های مختلف کودکان است یا خیر ؟
در پاسخ به این سؤال ، خودم از این شکل از اظهارنظر که تمرکززدایی به شیوه مورد نظر بنده موجب مخدوش شدن عدالت آموزشی و مواجه شدن نظام آموزشی با تشدید بی عدالتی است ، تعجب می کنم . تعجبم از این بابت است که در پیشنهاد من ، مثلا توزیع بودجه دولتی که به آموزش و پرورش اختصاص داده می شود به نسبت عکس دهک اقتصادی مورد تأکید است و اینکه هر کسی در دهک اقتصادی پایین تری هست ، سهم بیشتری از بودجه باید داشته باشد.
پیشنهاد من این است که بسته به وضعیت اقتصادی خانواده ، بین ۵۰ درصد تا ۱۵۰ درصد از هزینه های مترتب بر آموزش را از طریق بودجه دولتی تأمین کنیم یعنی هر کسی که در موقعیت اقتصادی بهتری قرار دارد ، سهم و درصد کمتری از هزینه های آموزشی اش را دولت تقبل کند و آن کسی که در موقعیت نامساعدتری است ، دولت حتی بیش از هزینه آموزش مدرسه ای او را تقبل کند.
* توزیع عادلانه : توان اقتصادی کمتر خانواده ، تخصیص منابع بیشتر آموزشی
متوجه نمی شوم این چنین مضامینی را که در پیشنهادم وجود دارد ، چگونه می شود ضد عدالت تعبیر کرد ؟ اگر یک مقدار تأمل کنیم ، مشاهده می کنیم که با همین پیشنهاد توزیع منابع دولتی بین خانواده ها و ذی نفعان آموزش و پرورش ، با توزیع عادلانه بودجه آموزش و پرورش ، در دور باطل نابرابری اقتصادی رخنه کرده و در آن وقفه ایجاد می کنیم . یعنی از مجرای آموزش و پرورش هجمه ای به سمت شکستن چرخه باطل نابرابری و بی عدالتی در سطح کلان جامعه می بریم . بنابراین چگونه می توان این گزاره ها را حمل بر این کرد که با این پیشنهاد به سمت تشدید بی عدالتی می رویم ؟
یا از وجه غیر اقتصادی به موضوع نگاه کنیم . وقتی صحبت از مدرسه محوری یا تمرکززدایی می کنیم ، در واقع صحبت از به رسمیت شناختن برندهای مختلف آموزشی و تربیتی می کنیم . این در واقع فرصت دادن به رشد استعدادهای مختلف و پرورش علائق است ؛ در مقایسه با زمان حاضر که مدارس ما با یک برنامه کاملا تجویزی و از بالا به پایین مدیریت می شود . بنابراین برای آن کسانی که استعدادها و علایقشان با این برنامه تجویزی هماهنگ است ، فرصت های بالنسبه خوبی برای رشدشان فراهم می شود ، اما کسانی که از این جهت انطباق کامل بین استعدادها و علایقشان و برنامه تجویزی دولتی در مدارس دولتی وجود ندارد ، واقعا با یک نوع بی عدالتی مواجه می شوند.
یعنی اگر به سمت مدرسه محوری و تمرکززدایی با میدان دادن به شکل گیری طرح ها و برنامه های آموزشی و تربیتی با ویژگی های خاص برویم (که من از آن با عنوان برندها نام می برم) ، فی الواقع از نظر تربیتی و آموزشی هم به سمت عدالت تعلیم و تربیتی حرکت می کنیم.
کسانی که این قضاوت را درباره پیشنهاد مطرح شده دارند ، فکر می کنند که من از خصوصی سازی حمایت می کنم . خب به دنبال این تلقی نادرست و غیرمنطبق با ایده ، آن بحث ها مطرح می شود . یعنی به هر حال موضوع بی عدالتی با توسعه مدارس خصوصی ظاهرا یک ملازمتی دارد . اما پیشنهاد بنده اساسا این نیست . چرا که معتقدم دولت باید از مدرسه داری دست بکشد ، اما باید منابع مالی را تأمین کند ؛ و در توزیع منابع هم (به آن شکلی که اشاره کردم) خیلی عادلانه تر اقدام شود.
* رقابت سازنده برای دستیابی به کیفیت بیشتر
فلسفه این دست کشیدن دولت از مدرسه داری که در بطن پیشنهاد بنده است (و این را بعضی از منتقدین حمل بر خصوصی کردن می کنند) ، در واقع استفاده از آن انرژی طبیعی و بی حد و حصر نهفته در عنصر رقابت است . رقابت

برای بقا در عرصه ارائه خدمات با کیفیت تر آموزشی و تربیتی است ؛ از این جهت است که من فکر می کنم رقابت به معنای اکملش ، در حضور دولت در صحنه مدرسه داری ، نمی تواند تبلور و تجلی پیدا کند.
از این جهت است که فکر می کنم برای میدان دادن به رقابت های سازنده آموزشی و تربیتی ، و طرح مقوله رقابت به عنوان شرط دستیابی به کیفیت و استانداردهای کیفی ، بهتر است که دولت دست از مدرسه داری بکشد ، و مدرسه داری را جزو وظایف حاکمیتی خودش تلقی نکند ، و وظایف حاکمیتی خودش را در سیاستگذاری ، برنامه ریزی و نظارت بر آنچه که در مدارس در تطابق با آن سیاست ها اتفاق می افتد ، ببیند.
بد نیست به این موضوع اشاره کنم که با این پیشنهاد من برای مدارس خصوصی چه وضعیتی پیش می آید . درست برعکس آن چیزی که منتقدین فکر می کنند اگر هر دانش آموزی سهمی در بودجه دولت داشته باشد ، به احتمال قوی اساسا با شرایطی مواجه می شویم که اقبالی که الان توسط خانواده ها نسبت به مدارس غیردولتی می شود ، به خاطر بهره مند شدن از پته یا بُن دولتی یا سهمی که از بودجه دولتی می گیرند ، دیگر شاهد این استقبال نباشیم.
ممکن است گستره مدارس غیردولتی در سایه اجرای این پیشنهاد هم حتی محدودتر از آنچه که الان هست بشود ؛ و بسیاری از خانواده ها به این نتیجه برسند که از بودجه دولتی و از سهمی که از بودجه آموزش و پرورش دارند ، استفاده کنند . فلذا در سایه این پیشنهاد وقتی از این منظر نگاه می شود ، شاید اتفاقا درست نتیجه عکس شود ؛ یعنی با محدود شدن تعداد مدارس غیردولتی مواجه شویم.
ضمن اینکه از یک از جهت دیگر هم باز فکر می کنم مدارس غیردولتی ممکن است با محدودیت تقاضا مواجه شوند ، و آن هم مسأله ارتقای کیفیت مدارس دولتی ذیل این پیشنهاد است . یعنی اگر ما شاهد آن رقابت نفسگیر برای بقا در ارتباط با تأمین استانداردهای آموزشی و تربیتی ، و تأمین خواست والدین از نظر استانداردهای آموزشی و تربیتی باشیم ، و در واقع در سایه یک چنین سیاستی ، تلاش همه جانبه برای ارتقای کیفیت مدارس دولتی اتفاق بیفتد ، شاید از این جهت هم فاصله فاحش بین مدارس دولتی و غیردولتی از بین برود ، و باز تقاضا برای مدارس غیردولتی کمتر شود.
* به نظرم می رسد در مدارس دولتی اگر بخواهیم خصوصی سازی بر مسأله کاهش تصدی دولت اتفاق بیفتد ، ظاهرا برداشت عمومی این است که مدارس خصوصی می شود و به افراد واگذار می شود و بعد هزینه هایی را دولت پرداخت می کند ؛ آیا این تصور درست است ؟ و در بحث آخر شما که اگر بین مدارس دولتی و غیردولتی رقابت باشد ، آیا خصوصی سازی مدارس باید در سطح مدرسه داری اتفاق بیفتد ؟ یا مدرسه دولتی وجود داشته باشد ، ولی منابعی که به آن اختصاص می یابد ، جداگانه پرداخت شود و مدیر مدرسه بتواند حقوق ها را پرداخت کند و نظایر آن را انجام دهد ؟
ببینید عرضم این است که کلا اکوسیستم آموزش و پرورش در سایه این پیشنهاد تغییر می کند ، و در این اکوسیستم عناصری که الان وجود دارد را به شکل ثابت نخواهیم داشت . مثلا اگر مدارس دولتی و مدارس غیردولتی یکی از ابعاد اکوسیستم کنونی باشد ، این پیشنهاد اکوسیستم دیگری برای جایگزین کردن آن است.
* اکوسیستم متفاوت نظام دولتی آموزش و پرورش
در ارتباط با این بعد مدارس دولتی و غیردولتی که عرض کردم ، یک نوع مدرسه بیشتر نخواهیم داشت ؛ وهمه مدارسی هستند که بدون تصدی گری دولت ، ولی با تأمین منابع توسط دولت اداره می شوند . اینکه در یک چنین وضعیتی مدارس غیردولتی کنونی چه سرنوشتی پیدا می کنند ، پیش بینی خودم را عرض کردم ؛ و البته پیشنهاد من این نیست که در اکوسیستم جدید ، مدارس غیردولتی ضرورتاً حذف شوند ؛ بلکه در واقع پیش بینی من این است نه اینکه پیشنهاد من این باشد.
پیش بینی این است که اگر سازوکار به مورد اجرا گذاشته شود ، دیگر خیلی انگیزه ای برای والدین باقی نمی ماند که فرزندانشان را در مدارس غیردولتی ثبت نام کنند . به ۲ دلیل که اشاره کردم ؛ یکی اینکه اختلاف فاحش از نظر کیفیت بین مدارس دولتی و غیردولتی کمتر خواهد شد ؛ و در واقع مدارس دولتی ما هم برای بقای خودشان باید سعی کنند که کیفیت های آموزشی و پرورشی را ارتقا ببخشند ، و الا از صحنه حذف خواهند شد . یعنی مدارسی در صحنه هستند که از نظر کیفیت تأمین کننده رضایت والدین هستند . دوم ، تأمین هزینه و پرداخت شهریه از محمل بودجه دولتی.
* سؤالم این است که در این اکوسیستم که شما تعریف می فرمایید آیا مدارس دولتی ، حقوق کارکنانشان طبق همان روال که الان هست ، یعنی مدیر کاری ندارد که حقوق کارمندش چگونه تأمین می شود ، پرداخت می شود ؟
نخیر ، طبیعی است . دولت همه منابع را در اختیار ذی نفعان قرار می دهد و چرخش اساسی که در پیشنهاد من اتفاق می افتد . چرخش در سیستم توزیع منابع دولتی از عرضه محوری به تقاضا محوری است . یعنی بودجه دولت را هر میزان که هست با یک فرمول معقولی بین والدین تقسیم و توزیع می کنید ؛ در واقع والدین تأمین کننده منابع مالی مدارس خواهند بود ، و مدرسه هم چرخش با همین پته هایی که از دست والدین می گیرد می چرخد و همه هزینه هایش باید از همین محل تأمین شود.

* مدیریت مدرسه دولتی آینده ؛ چالش تلاش برای کیفیت ، برای دستیابی به منابع
به همین خاطر هم هست که تصدی گری و مدرسه داری دولت در چنین سیستمی معنی دار نیست . چون مدیر دولتی نمی خواهد با این وضعیت آمیخته با عدم اطمینان کار خود را دنبال کند . برای مدیر دولتی قابل فهم نیست که حقوق کارکنانش تأمین بشود یا نشود ، یا دچار نااطمینانی در این جهت شود . اسم این شکل از کار را تلاش برای بقا گذاشتیم ؛ یعنی اگر توانستید رضایت خاطر ذی نفعان را تأمین کنید ، در نتیجه منابع را از دست ذی نفعان دریافت می کنید ، آن وقت می توانید مدرسه داری کنید.
و اگر نتوانستید این کار را انجام دهید ، معنایش این است که عرصه مدرسه داری را به اهلش واگذار کنید . بر مبنای قضاوت والدین ، اهلیت ندارید . و وقتی اهلیت شما احراز نشود ، به شما اقبالی نخواهد شد و در نتیجه خود به خود و به طور طبیعی از صحنه مدرسه داری حذف می شوید.
سازوکارهایی که یک مدرسه ممکن است کلا از صحنه حذف شود و آیا آن سرمایه های ایجاد شده به فرد دیگری منتقل می شود ، و جابجایی در مدیریت صورت می گیرد ، جزئیاتی است که شاید بنده هم به شکل شفاف و روشن برای آن فکری نداشته باشم ، چون از نظر خودم یک ایده است نه یک طرح عملیاتی . اگر کلیات این ایده مورد توجه قرار گیرد ، طبیعی است که باید روی این جزئیات بحث کرد و تکلیف این جزئیات را روشن کرد.
* قاعدتاً آنچه برداشت بنده از این موضوع است ، این است که مدارس دولتی با غیردولتی فرقشان این است که مالکیت مدارس دولتی ، تجهیزات و برندش متعلق به دولت است و اداره آن توسط تیمی خواهد بود که مسؤولیت اجرایی و مالی می پذیرد و فعالیت مدرسه را انجام می دهد.
بله . به نظرم می رسد که شاید در یک مرحله گذار لااقل به این صورت باید عمل شود چون همه امکانات الان متعلق به دولت است . ولی استبعادی ندارد که در ادامه کار در یک پروسه ای این تعریف صورت بگیرد ، که مدرسه و امکانات دولتی ، برای عمل کردن در یک ساز و کار این چنینی ، به کسانی واگذار شود ، و کم کم به اصطلاح مابه ازای سرمایه دولت را به دولت برگردانند ؛ و امکانات دولتی آزاد شود یا صرف توسعه شود.
* یک سوال که اینجا مطرح می شود این است که مقایسه می کنند آماری که در کشورهای مختلف است مثلاً در آمریکا یا کشورهایی که تعلیم و تربیتشان در جهان از وضعیت بهتری برخوردار است ، مانند فنلاند ، سوئد و نظایر آن و می گویند در اکثر این کشورها درصد مدارس غیردولتی آنها بسیار پایین است . برخی کمتر از ۱۰ درصد و برخی کمتر از یکی دو درصد است . در واقع با این مقایسه نتیجه گیری می شود که خصوصی سازی و واگذاری و تصدی اداره مدرسه به این شکل در دنیا معمول نیست.
اخیرا گزارشی از OECD مربوط به کشورهای مختلف اروپایی و غیراروپایی که در مطالعات پیزا PISA شرکت می کنند را دیدم . در این گزارش بررسی شده است که وضعیت مدیریت مدارس ۲۹ یا ۳۰ کشوری که در مطالعات پیزا شرکت می کنند ، چگونه است.
برای خود من هم خیلی جالب بود که آنجا تعداد مدارسی که با سیستم پته آموزشی اداره می شوند ، بسیار قابل توجه بود و بحث سیاست انتخاب مدرسه توسط والدین با قدرت خرید خدمات آموزشی که به آنها داده می شود ، به طور جدی مطرح بود . حالا درصد و تعداد مدارس را خاطرم نیست ، اما این گزارش موجود است و می توان به این گزارش مراجعه کرد.
* بن آموزشی دولتی ، تجربه شده در جهان
پس تأکید می کنم آن چیزی که تحت عنوان خصوصی سازی مطرح می شود ، به نظرم باید کاملا از پدیده ای که درباره اش صحبت می کنم ، جدا شود . بنده درباره سیستم پته آموزشی صحبت می کنم ، و وقتی چرخش در سیستم توزیع منابع دولتی از عرضه محوری به تقاضا محوری صور می گیرد ، که در واقع همین سیستم پته آموزشی خواهد بود ، باید به آن دلالت ها تن دهیم که یکی از آن دلالت ها این است که مدیریت مدارس را از شکل دولتی خارج کنیم ، و اجازه بروز و ظهور و رقابت برندهای مختلف و آموزشی را بدهیم.
من این را جزو به اصطلاح لوازم اجتناب ناپذیر قائل شدن حق انتخاب می دانم . یعنی حق انتخاب بدون وجود انتخاب های واقعی و تنوع در سطح مدارس خیلی بی معنی است ، و نمی توانیم بگوییم که انتخاب مدرسه توسط والدین را با استفاده از سیستم پته آموزشی اصطلاحا به رسمیت بشناسیم ، بدون اینکه رقابت و فراهم کردن زمینه انتخاب های واقعی را فراهم کنیم.
چون دنبال انتخاب واقعی هستیم به نظرم یک حلقه دیگری به این بحث اضافه می شود ، که ما نمی توانیم واقعا ذیل یک نظام یکپارچه ، یک شکل و یکسان دولتی ، مدارس را اداره کنیم و بنابراین مدارس باید به یک فضای رقابتی بروند و در این فضا ، برندهایی که می تواند تأمین کننده نیاز مخاطبان و نظر والدین باشد ، بمانند و آنهایی که نمی توانند از

صحنه حذف شوند . ضمنا وقتی صحبت از رقابت می کنیم ، رقابت می تواند جمعی باشد ، و شبکه مدارس با محوریت مزایای برند خود با هم رقابت کنند.

* ۱۶ سال فرصت ؛ از تغییرات مدیریتی تا پاسخگویی شورای عالی آموزش و پرورش

* شما جلسه قبل درباره بحث سند ، این نکته را فرمودید که باید راهکارها تبدیل به برنامه می شد ، اما فرصت این اتفاق فراهم نشد ؛ یکی از نقدهایی که مطرح می شود این است که چرا علی رغم اینکه ۸ سال تدوین سند طول کشید و ۸ سال از تصویب آن می گذرد ، در این ۱۶ سال فرصت این کار نبوده است ؟ آیا مؤلفه های سند قابلیت تبدیل شدن به برنامه عملیاتی و قابلیت تحقق در مدرسه را دارد ؟

این انتقاد واردی است که توسط منتقدین به سند مطرح می شود . اما من دوست دارم این ۸ سال طول دوره تدوین و ۸ سال که از تصویب می گذرد که باید وارد فاز اجرا می شدیم را از هم تفکیک کنم . همانطور که در توضیحات قبلی هم آمد ، در آن ۸ سالی که دست اندرکار تدوین بودیم ، بنایمان این بود که در زمان خیلی کوتاه تر کار تدوین به اتمام برسد . اما اتفاقات زیادی در تغییر مدیریت عالی آموزش و پرورش افتاد . تغییر وزرا ، تغییر دولت ها و اینکه در یک دولت ، چند وزیر برای آموزش و پرورش آمد ، بسیار تأثیرگذار بود . البته تنها عامل تأثیرگذار نبود.

در نتیجه به نظرم ما روی ۸ سال دوم که از زمان تصویب می گذرد ، می توانیم صحبت کنیم ، و اینکه چرا اتفاقی در این مدت نیفتاده است ؟ من ترجیح می دهم در این زمینه داوری نکنم ؛ زیرا درگیر نیستم و در واقع ارتباط مستقیم با مسأله اجرای سند ندارم . فکر می کنم اگر دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش در این زمینه اظهارنظر کند ، اظهارنظر دقیق تری خواهد بود.

* سند راهبردی است و قرار نیست عملیاتی باشد

اما امکان عملیاتی شدن که اشاره کردید به نظرم موضوع مهمی است . کسانی معتقدند که اساساً مضامینی که در سند تحول آمده است ، خیلی مضامین آسمانی ، دست نیافتنی و به یک معنا غیرقابل اجرا هستند . ممکن است بشود چنین صفت هایی را برای مضامینی که در سند تحول آمده است به درستی استفاده کرد . و با این هم خیلی مشکل ندارم . اما می خواهم منتقدین را به ماهیت اسناد استراتژیک توجه دهم و اینکه سند استراتژیک اساساً طبق تعریف از یک وضعیت آرمانی صحبت می کند ، و معطوف به یک وضعیت آرمانی است ؛ و توجه به اینکه در کوتاه مدت چه اتفاقی می تواند بیفتد یا باید بیفتد ، ندارد . به عبارت دیگر برنامه عملیاتی کوتاه مدت نیست.

* حیات طیبه آرمانگرایی نیست ؛ زندگی مبتنی بر عقلانیت است !

این یک نکته است که به نظرم منتقدین باید در ارزیابی مضامینی که در سند آمده است ، خصوصا از این جهت که می گویند آرمان گرایانه است ، در نظر بگیرند و نکته دیگر که می تواند قدری مطلب را روشن تر کند ، این است که بعضی وقت ها از مفاهیمی که در سند استفاده شده به عنوان مفاهیم و معانی غیرقابل تحقق نام برده می شود و شاید مصداق بارز آن ، حیات طیبه است.

منتقدین سند می گویند که این وصفی که از هدف تربیت دارید که دسترسی به مراتبی از حیات طیبه قید شده است ، خیلی وصف آسمانی و آرمانی است . نکته ای که می خواهم عرض کنم این است که شاید فهم روشن و دقیقی از این مفهوم نداشته باشیم که فکر می کنیم آرمانی ، آسمانی و دست نیافتنی است.

از نظر من و دست اندرکاران سند تحول ، اگر بخواهیم روی این مفهوم خاص به عنوان یکی از مصادیق اصلی که منتقدین به آن استناد می کنند ، تأمل کنیم ، حیات طیبه چیزی جز آنچه که در ادبیات تعلیم و تربیت تحت عنوان حیات پاک و زندگی شایسته آمده است ، نیست . زندگی مبتنی بر عقلانیت است . حیات پاک را طبق تفاسیری که از مفسرین معتبر داریم ، به حیات عقلانی هم تفسیر کرده اند.

بنابراین اگر ما این مفاهیم را بیاوریم و درباره معنایی که از آنها برداشت می شود ، تأمل کنیم ، و حیات طیبه را واقعا به عنوان این معنی که تربیت انسان های کامل را به معنای رایجش هست ، فهم نکنیم ؛ و به عنوان فراهم کردن زمینه دستیابی به یک حیات عقلانی تعبیر کنیم ، بعضی از انتقادها احتمالا مورد بازنگری قرار می گیرد . به بیان دیگر ، توانمندی و احساس مسؤولیت نهادینه شده در قبال توسعه فردی و جمعی در سطوح چهارگانه هویت که در سند تحول مطرح شده ، شامل سطح هویت قومی ، ملی ، اسلامی و جهانی ، مورد نظر است . ما به دنبال تربیت چنین شهروندی هستیم که آگاهانه و مسؤولانه برای ارتقای زیست فردی و جمعی تلاش می کند و مسؤولیت می پذیرد.

بنابراین به دو نکته اشاره کردم ؛ اول اینکه سند تحول ، سند استراتژیک است و قرار نبوده است که برنامه عملیاتی کوتاه مدت را ارائه کند . و سند استراتژیک ، طبق تعریف به دنبال تبیین وضعیت آرمانی است . و دوم اینکه بعضی از مفاهیم که خیلی مورد نقد قرار می گیرد ، مانند حیات طیبه باید به تفاهمی در زمینه معنا و تفسیر آنها دست پیدا کنیم . و اگر این اتفاق بیفتد ، در این قضاوت تجدید نظر خواهد شد.

* البته فکر می کنم در مورد بحث ارزش ها ، اهداف و راهبردهای کلان سند تحول و حتی اهداف عملیاتی هم ، نکته ای که شما فرمودید ، کاملا روشن است اما وقتی به بحث راهکارهای کلی که ذیل اهداف عملیاتی سند نگاه می کنیم ، به نظر می رسد این راهکارهای کلی هیچ بافت اجرایی و عملیاتی خیلی جدی را تبیین نمی کند . و اگر بعد از ۲۰ سال بگویند که "در رابطه با سند چه کردید ؟ " هر کسی با هر کاری که در وزارتخانه انجام داده است ، ممکن است بگوید به سند توجه کردم . مثلا در ساخت مدارس بگوید که به سند توجه کردم ؛ اما در ساخت مدارس فقط داریم ساخت فضاهای سربازخانه ای را تکثیر می کنیم . آیا فضایی را فراهم کردیم که معلم خلاقیت خود را به کار ببرد ؟ به عبارت دیگر سند نمی تواند قضاوتی درباره این موضوع فراهم آورد ، و معلوم شود آن کسی که سند را اجرا کرده یا نکرده است ، بتواند متمایز شود.

اینها در شرایطی است که ما بخواهیم به راهکار ارجاع دهیم ، و استناد کنیم . و حال اینکه در توضیحات قبلی به آن اشاره کردم ؛ کار تدوین سند تحول با نوشتن و تعیین راهکارها ذیل اهداف عملیاتی به پایان رسید ، اما کار تدوین برنامه استراتژیک آموزش و پرورش واقعا به پایان نرسید . و به همین دلیل اقدامات تکمیلی قرار شد اتفاق بیفتد که عبارت بود از برنامه هایی برای ۶ زیرنظام تعلیم و تربیت.

۱۳۱ راهکار را دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش بین زیرنظام های ششگانه توزیع کرد و قرار شد برای راهکارها ، برنامه عمل و فعالیت تعریف که نامش برنامه زیرنظام ها شد . الان برنامه زیرنظام ها تصویب شده و برای همه ۶ زیرنظام به گونه ای که کل راهکارها را پوشش می دهد ، برنامه عمل نوشته شده است.

* برای عمل به جای سند تحول به برنامه های عمل سند رجوع کنید

مثلا در حوزه فضا و تجهیزات درباره اینکه مدرسه باید از چه کیفیت هایی برخوردار باشد ، به طور خیلی دقیق اظهارنظر شده است ؛ و در قالب چند برنامه پیش بینی شده که با چند فعالیت زمان بندی شده باید عملیاتی شود.

بنابراین در تمام زیرنظام ها درباره همه اقدامات ، کسی دیگر به راهکار ارجاع نمی دهد بلکه به برنامه ها و فعالیت هایی که در دل الگوها یا برنامه های ۶ زیرنظام آمده است ، باید ارجاع داده شود . و این اشکال ، نسبت دادن هر اقدامی به سند تحول را رفع می کند . یعنی می توان اقدام مرتبط یا غیر مرتبط با سند تحول را با مراجعه به آنچه که تحت عنوان برنامه زیرنظام ها آمده است ، احراز کرد.

* آیا سند تمرکززدائی را هضم کرده ؟

* به عنوان مثال بحث تمرکززدایی و مدرسه محوری که در این جلسه هم راجع به آن صحبت شد ، آیا مؤلفه ای سند با این ساختار تمرکززدایی شده که مطرح شده است ، سازگار هستند و چقدر سند این مدل را پیش بینی و پشتیبانی می کند ؟

ببینید باورم این است که سازگار است ، اما این را دوست دارم اشاره کنم که وقتی شما یک سند بالادستی می نویسید ، به طور ضمنی و صریح دارید حرکت از بالا به پایین را به عنوان استراتژی اجرا به ذهن مخاطب منتقل می کنید . اگر در این یک مقدار تأمل کنیم و به اصطلاح در آن تردید کنیم که یک سند بالادستی می تواند نوشته شود که استراتژی اجرا هم از بالا به پایین نباشد ، و اینها لازم و ملزوم همدیگر نیستند ، عرض می کنم بله ؛ از دل آنچه که ما در سند تحول آوردیم ، یعنی همین راهکارها و برنامه هایی که برای هر کدام از زیرنظام ها متعاقب راهکارها تنظیم و تعیین شده است ، به نظرم مدرسه محوری را کاملا می توان توجیه کرد.

به عبارت دیگر سند نسبت به استراتژی اجرا ، ساکت است یعنی هم شما می توانید استراتژی مألوف و آشنای بالا به پایین که از ستاد شروع کردن و کم کم در صف ، رد و نشانی از تغییر و تحولات پیدا کردن را دنبال کنید ؛ و هم می توانید همانطور که مورد تأکید من بوده است ، اجرای از پایین به بالا را با استناد به مضامین ارزش های اساسی که در سند تحول آمده است ، پیش ببریم . یعنی صحنه اجرا را به اصطلاح به سمت مدرسه محوری ببریم ، و اجازه بدهیم که انرژی ها در سطح مدارس آزاد شود ، به میدان بیاید و به خدمت گرفته شود ، و مضامین کلیدی و ارزش های اساسی که در سند تحول به آن توجه کردیم در ابعاد مختلف شکل عملیاتی پیدا کند.

در واقع توصیه چرخش در استراتژی اجرا را که مطرح کردم در حقیقت معنایش این است که ذیل گزاره های مندرج در سند ، می توانیم مانیفستی داشته باشیم ، و بر اساس آن ، اجازه دهیم که مدارس برنامه عمل خود را منطبق و همسو با این مانیفست به مورد اجرا بگذارند . بنابراین اجرای سند تحول می تواند شکل دیگری به خود بگیرد که با مدرسه محوری کاملا سازگار است.

اما در این ۸ سال که از تصویب سند گذشته است اجرای آن با یک نگاه کاملا از بالا به پایین تعقیب می شده است . و می شود گفت که واقعا توفیق آنچنانی نداشته ایم و انتظارات برآورده نشده است . به همین خاطر است بحث تغییر استراتژی اجرا ، این روزها به طور جدی تر پیگیری می شود.

* از تمرکز زدایی در حرف ، تا تمرکز زدایی در عمل ، فاصله زیادی است

* با یک مثال بحث را دقیتر کنم و کالبدشکافی شود و به زوایای مسأله بپردازیم ؛ در سند ، وقتی بحث تمرکززدایی اتفاق می افتد یعنی اینکه اختیار خلاقیت را مدرسه در زمینه هایی مثل کتاب درسی داشته باشد ؛ در واقع اینکه تمام کارها بر اساس یک نظام متمرکزی از بالا به پایین با کتاب درسی القا می شود و جزئیاتی که دانش آموز باید در کلاس یاد بگیرد ، با کتاب درسی اعمال می شود و در این میان ، بودجه بندی پشتیبانش می شود ، حتی معلم در شکل ارائه کردن آن در طول سال تحصیلی نمی تواند ، خلاقیتی ارائه کند.

اگر انتظار داشته باشیم که مدرسه بخواهد خودش خلاقیت داشته باشد و با مدارس دیگر رقابت داشته باشند ، و شرایط متنوعی از آموزش را برای مخاطبین مختلفشان فراهم کنند ، این اتفاق نیاز به تغییر نگاه به مفهوم کتاب درسی و مواردی از این دست دارد . آیا سند به این دست از موضوعات پرداخته است ؟ به نظر می رسد مفاهیمی که در سند تحول مطرح می شود ، به صورت پیش فرض همین رویکرد کتاب درسی و بافت یکپارچه متمرکز از بالا به پایین است ؛ که در بعضی از بخش های سند به صراحت وجود دارد . و اگر بخواهیم که میدان های مختلف با برندهای متفاوت در واقع تعریف کنیم در تضاد و تناقض است.

ببینید معتقدم که اتفاقا سند بالادستی که درباره اش صحبت می کنیم که سند تحول در آموزش و پرورش است ، در اجزای مختلفی که دارد و در زیرنظام ها موضوع آزادسازی میدان عمل برای تعلیم و تربیت را ترویج می کند ، و ایجاد انعطاف در سیستم را ترویج می کند ، و یک انعطاف حساب شده و سنجیده را حمایت می کند ؛ معتقدم این برداشت از سند که اتفاقا با هر نوع آزادسازی و انعطاف در تعارض هست ، برداشت درستی نیست.

در بسیاری از زمینه ها این سند حمایت و تأکید بر ایجاد انعطاف را به وضوح نشان می دهد ؛ مهم ترین فقره ای که از باب مثال بخواهم اشاره کنم که به دغدغه شما هم مربوط می شود ، برنامه های درسی است . اگر نوع نگاه به برنامه درسی تغییر کند ، آنوقت منابع یادگیری و کتاب درسی تحت تأثیر همین نگاه قرار می گیرد . ما در سند تحول درباره الگوی برنامه درسی صحبت از ارکان سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی می کنیم و می گوییم این ارکان سه گانه هم در سطح کلان یعنی در برنامه یک پایه یا دوره تحصیلی باید خودش را نشان دهد و کل برنامه تجویزی و از بالا به پایین نباشد بلکه بخشی اختیاری و بخشی نیز انتخابی باشد.

در سطح خرد هم یعنی هر برنامه درسی که معلم بر اساس کتاب درسی در یک حوزه یادگیری اجرا می کند ، در سطح یک کلاس درس و در یک موقعیت عینی تعلیم و تربیتی ، معلم لازم است از منظر همین سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی به مدیریت کلاس درس خودش و اجرای برنامه تجویزی بپردازد . یعنی فرصت انتخاب و اختیار در انجام فعالیتها به دانش آموزان دهد . در همان درس وجوه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی تجلی پیدا کند . به این موضوع تحقق سه گانه در سطح خرد و کلان می گوییم.

* سند با نگاه متمرکز در تعارض است ؛ اما اجرایی شدن آن بحث دیگری است

اینها چیزهایی است که در الگوی برنامه درسی در سند تحول ، در زیرنظام برنامه درسی آوردیم . اینکه چگونه اجرایی می شود و آیا اجرایی می شود یا نمی شود ، یک بحث است و اینکه سند واجد چنین ظرفیتی است که با نگاه ۱۰۰ درصد تجویزی از بالا به پایین در تعارض باشد ، به نظرم چنین است و حمایت کننده از یک چنین مضامینی است . اما ممکن است به این مضامین در اجرا بی توجهی شود و به نظرم باید در بحث اجرای تحول توجه کرد و برنامه درسی تا این میزان تنوع داشته باشد و اگر تنوع نداشته باشد ، مدرسه محوری معنای خودش را از دست می دهد.

مدرسه محوری حقیقی یعنی قائل باشیم که برنامه درسی در یک بخش ثابت برای همه مدارس است ، ولی دو بخش دیگر دارد که سبب تمایز بین مدارس و برندهای آموزشی و تربیتی می شود ، و زمینه بروز و ظهور به آنها می بخشد . ما اگر واقعا مدرسه محوری را از این زاویه نگاه کنیم ، باید مطالبه کنیم که چنین نگاهی در برنامه درسی و کتاب درسی به نام سند تحول جاری شود.

* در اجرای سند تحول ، به هر حال اتفاقی که می افتد همین بحث تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی که شما می فرمایید ، اتفاق می افتد ؛ مثلا طرح هایی مانند بوم را مطرح می کنند که همین کار را زمینه سازی می کند که اتفاق بیفتد ولی فضایی که در این کار هست ، در حد این است که در طرح بوم می گوید ۲ ساعت می تواند این واگذاری اتفاق بیفتد یعنی اگر شما ۳۰ و چند هفته در مدرسه کار می کنید منهای دو ساعت ، تجویزی و طبق کتاب درسی و آنچه کلیشه شده باید اتفاق بیفتد و دو ساعت هم اختیار دارید برای خودتان باشید ، و یا به قول یکی از دوستان ، در کتاب درسی یک صفحه را خودتان بنویسید . فکر می کنید با همچنین چیزی ، آن هیجان و خودجوشی در درون مدارس ، در برندها و نظایر آنها ، ارتقای کیفیت و خلاقیت اتفاق می افتد ؟ یا عذرخواهی می کنم به نظر می آید این حد اختیار دادن ، مسخره کردن تحول است.

از ایده برنامه درسی ویژه مدرسه که مخفف بوم است و تعریف عملیاتی آن هم همین است که شما فرمودید ۲ ساعت در هفته برنامه باشد ، یک حمایت مشروط کرده ام ؛ نه آن را به طور کامل به عنوان یک اتفاق ناصواب و ناهمسو با تحول دانسته ام ، و نه اتفاقی منطبق با آنچه که در مضامین و انگاره ها و اسناد تحولی انتظار داریم . چیزی بینابین است.

* بوم ؛ کاچی به از هیچ چی !

فکر می کنم اتفاقا استراتژی حرکت تدریجی و گام گام به سمت ایجاد تحول را باید در دستور کار داشته باشیم ، و نمی توانیم همه آنچه را مطلوب می پنداریم به صورت دفعی و در یک گام محقق کنیم . از این جهت فکر می کنم این تدبیر آزاد کردن ۲ ساعت در هفته را به عنوان یک هویت بخشی حداقلی به مدرسه شناخت و آغاز مغتنمی در جهت اعتنا به تصمیمات محلی یا در محل باشد . ولی نباید هرگز به آن بسنده کنیم و در حقیقت دنبال چیزی باشیم که در سند تحول در توضیحاتی که در پاسخ به سوال قبلی دادم ، اتفاق بیفتد که اسمش هویت بخشی حداکثری است و سبب می شود تمام انرژی های معطوف به نوآوری و تحول در صف و یا در خود نهاد مدرسه فرصت بروز و ظهور پیدا کند.

در دو بُعد هم هویت بخشی حداکثری مورد نظر است که یک بُعد آن با نگاه ما به اجرای آن سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی در سطح خرد و کلان تطبیق می کند . در سطح خرد در واقع وظیفه معلم است که در تمام دروس باید از فرصت اعمال نظر حرفه ای در اجرای برنامه های درسی برخوردار باشد ، و بتواند برنامه درسی را به تناسب موقعیت خاص خود بهینه سازی کند ، و تصمیمات لازم را بگیرد و یکی هم در سطح کلان است که کل مدرسه باید بتواند یک برند آموزشی را اجرا کند . ما هویت بخشی حداکثری را دنبال می کنیم و مدرسه محوری به عنوان یک استراتژی می تواند ربط با سند تحول پیدا کند و مشروعیت خودش را از سند تحول دریافت کند.

آن چیزی که به اسم برنامه بوم یکی ، دو سالی مطرح شده است ، تمرینی برای فراهم کردن فرصت تصمیم گیری محلی است . و به نظر من این تمرین را به عنوان گام نخست می شود حمایت مشروط و استقبال کرد . به شرط اینکه جهت گیری به سمت این باشد که آن اتفاق اساسی و هویت بخشی حداکثری و آن چیزی که من مدرسه محوری نام می برم ، اتفاق بیفتد.

* آیا روند تصویب برنامه درسی ملی در این راستا هست که به مدارس اختیار دهد که برنامه درسی خاص خودشان را داشته باشند ؟ اصلا روند تصویب برنامه درسی ملی را چگونه ارزیابی می کنید ؟

من درباره برنامه درسی ملی ، نگاهم به عنوان سند پایین دستی سند تحول است ، و باید در حکم برنامه زیرنظام مربوطه از زیرنظام های ششگانه مورد توجه قرار گیرد . این باور در خود وزارت آموزش و پرورش وجود دارد که سند برنامه درسی ملی به عنوان یکی از اسناد عملیاتی سند تحول در زیرنظام برنامه درسی به طور مشخص نگریسته شود . اما از اینجا به بعد با دوستان اختلاف نظر داریم که اگر برنامه درسی ملی یک سند پایین دستی نسبت به سند تحول است ، تا چه اندازه این سند پایین دستی به استانداردها یا انگاره ها که در سند مادر مورد توجه بوده ، وفادار است ؟ تا چه اندازه همخوانی دارد یا ندارد ؟

* انتظاری از برنامه درسی ملی برای مدرسه محوری نداشته باشید !

من فکر می کنم که دوستان تلاش می کنند که این دو را به هم بخورانند و تلاش های خوبی طی سال های گذشته اتفاق افتاده که این دو خورانده شود . ولی در همین بُعد برنامه درسی که به نظر بنده بسیار کلی و ساختاری است ، یعنی سه گانه تجویزی ، نیمه تجویزی و غیر تجویزی به نظرم کاملاً ناکام بودند . بنابراین پاسخ به سوال شما این است که آیا در ذیل سند برنامه درسی ملی می توانیم شاهد آن هویت بخشی حداکثری و مدرسه محوری باشیم ؟ من فکر می کنم که بسیار بعید است.

باید جزو مطالبه های کلیه صاحب نظران تعلیم و تربیت باشد که نسبت میان سند بالادستی و سند پایین دستی ، که به هرحال کاملاً منطقی هم هست ، به درستی تبیین شود و در اجرا دنبال شود . چون تصورم این است که به رغم تلاش هایی که برای هماهنگ و همسو کردن این ۲ سند در بُعد برنامه درسی ، آنچه که از آن تحت عنوان مدرسه محوری و هویت حداکثری نام می بریم ، اتفاق نخواهد افتاد.

ایده آلی که در برنامه درسی ملی پیش بینی شده است ، آزاد کردن ساعات بیشتری از برنامه های هفتگی است . یعنی اکنون دو ساعت آزاد شده است ، اما در سال آینده به ۴ ساعت افزایش پیدا کند . اینها را اگر به عنوان وضعیت نهایی از حیث هویت بخشی به تصمیمات محلی و دادن حیثیت و شخصیت به مدارس قلمداد کنیم ، به نظرم با آنچه که از سند تحول می فهمم ، و ساختاری که در سند پیش بینی شده است ، سازگار نیست و تأمین کننده این مقصود نخواهد بود.

ولی اگر گام های تدریجی به سمت آن اتفاق اساسی و عملیاتی کردن آن ساختار در نظر گرفته شود ، می تواند به عنوان استراتژی اجرای تدریجی ، استقبال و حمایت شود.

* اگر اجازه دهید یک پرانتز باز کنم ؛ نه از نظر اینکه شما مجری سند برنامه درسی ملی بودید و نقش راهبردی در این

موضوع داشتید ، بلکه از نظر تخصص حوزه شما که برنامه ریزی درسی ، و اینکه پیشکسوت این حوزه در کشور ما هستید ؛ از این زاویه سوال می کنم . آیا اینکه ما در حوزه برنامه درسی مشخص کنیم که بچه در پایه دوم ابتدایی فلان موضوع را حتماً یاد بگیرد و در سال سوم ، موضوع دیگر را یاد بگیرد ، یعنی یک روندی را تعریف کنیم و زمان بندی کاملاً مشخصی را تجویز کنیم که به همان روند کتاب های درسی ختم می شود ؛ در حالی که موضوعات بر حسب نیاز باید مطرح شوند و از سوی دیگر اگر یادگیری اکتشافی را در میدان یادگیری قرار دهیم ، مسیر متفاوتی برای یادگیری افراد ایجاد می شود ؛ قرار دادن موضوعات در یک دوره کامل مشخص به نظر شما درست است ؟

در واقع این وضعیت و پدیده پیچیده ای است که شما مطرح می کنید و نمی توان صفر و یکی درباره اش قضاوت کرد ، و نمی توان با استدلالی شبیه استدلال شما گفت که برای هیچ رده سنی نوع و محتوای یادگیری تعیین نشود و باید کاملا موقعیتی عمل کنیم.

ایده پردازی و نظریه پردازی های تربیتی از این جنس در تاریخ تعلیم و تربیت داریم ، که دست از هر نوع تدابیر فراتر از کلاس درس و موقعیت های خاص یاددهی و یادگیری باید بکشید ، و همه تدابیر و تصمیمات مربوط به یادگیری باید شکل برآمدنی یا روییدنی از خود موقعیت داشته باشد ، که همسو با استدلال جنابعالی است.

* از انعطاف مطلق تا انعطاف در کنار تجویزهای هویت ملی

از طرف دیگر ما نگاه هایی را داریم که معتقد است که به هر حال وظیفه آموزش و پرورش و برنامه های درسی که مهم ترین رکن کار در آموزش و پرورش است ، ایجاد یک وضعیت مشابه و یک دست کردن و تحقق بخشیدن به هدف و آرمان مشترک اجتماعی و جمعی است ، و نه تمرکز روی فرد و آرمان های فردی.

در واقع ملت سازی به نوعی باید اتفاق بیفتد . گمان می کنم که هر کدام از این نظریه ها و دیدگاه ها برای خودشان توجیهات عقلانی دارند ، و پیچیدگی کار که ابتدا عرض کردم همینجاست که نمی توانید آن بخشی از حقیقت که در هر یک از این استدلال ها هست را نادیده بگیرید . و تنها تبصره ای که می شود زد و مسأله را یک جوری حل کرد این است که هر دو طرف اذعان کنند ، آن طرف که قائل به عدم انعطاف است ، یعنی تعقیب اهداف جمعی توسط افراد و همسان شدن همه افراد یک ملت و طرف دیگر ، که قائل به انعطاف مطلق و پرورش فردیت و استدلال های فردی در دانش آموزان است . باید به این ایده های خودشان یک تبصره بزنند ، که هر کدام واجد بخشی از حقیقتی است که باید در تعلیم و تربیت اتفاق بیفتد.

اگر اینطور باشد می توانند همزیستی پیدا کنند ، و همزیستی هم به نظرم می آید در برنامه درسی ، اینجوری خود را نشان می دهد که مثلا بیایید ذیل این ساختار سه گانه که مورد تأکید من بوده و در سند تحول هم مورد پذیرش قرار گرفته است ، برنامه درسی را ببینید ؛ بخش تجویزی را برایش کتاب درسی بنویسید ؛ با بخش نیمه تجویزی و غیرتجویزی ، به شکل دیگری برخورد کنید ، و در واقع اجازه کشف استعدادها ، نیازها و علایق در این دو بُعد داده شده ، و زمینه پرورش و پاسخ دادن به نیازهای فردی دانش آموزان یا گروهی در قالب گروه های کوچک فراهم شود.

همانطور که عرض کردم این سه گانه نیز سطح کلان و سطح خرد دارد . در سطح خرد یعنی یک درس تجویزی دارای کتاب درسی باشد که به دست معلم می سپارید . او باید بداند که با توجه به بعد نیمه تجویزی و غیر تجویزی ، انتظار می رود که دانش آموزان بتوانند در ارتباط با موضوعات مختلف که در کتاب درسی آمده است ، فعالیت های یادگیری مختلفی را تعریف کنند و بر حسب علائق خودشان انجام دهند . یعنی توجه به این سه گانه در سطح خرد به معلم کلاس توجه می دهد که حتی در بخش تجویزی هم توجه به علاقه ، استعدادها و درخواست های ویژه دانش آموزان در دستور کار قرار گیرد.

ضمن اینکه در سطح کلان ، خارج از بخش تجویزی دنبال پاسخ دادن به نیازها و علائق فردی در آموزش و پرورش می گردیم . خلاصه آموزش و پرورش به نظر من مقوله ای است که نمی شود درباره اش یک سیاست معطوف به یکی از این دو نظریه را به تنهایی دنبال کرد . چون هر کدام با اشکالات خاص خودش روبروست ؛ ضمن اینکه در هر یک از این سیاست ها یا این نظریه ها ، یک حقیقتی نهفته است که نظام تعلیم و تربیت نمی تواند به آنها توجه نداشته باشد.

* گرفتار شدن رفتارگرایانه در تبیین خرده اهداف آموزشی و سنجش آن

* در مورد بحث تجویزی ، نیمه تجویزی و غیرتجویزی که مطرح شد ، فکر می کنم که اگر بین بحث گرفتار شدن در خرده اهداف آموزشی و تبیین کلی اهداف تمایزی قائل شویم ، بتوان روی این موضوع بحث دقیق تری کرد . یعنی بحثم این نیست که مدرسه نباید هیچ چیز تجویزی و آموزشی الزامی داشته باشد ؛ ولی اینکه آیا برای این موضوع ، خرده اهدافی را جزئی تنظیم کنیم و الزام کنیم که حتما از این طریق اتفاق بیفتد ، اینطور نباشد.

این اتفاق که الان می افتد این است که در کتاب درسی حتی بندهایی از یک شعر ، انتخاب شده و به خورد بچه ها داده می شود ، و گفته می شود عیناً همین را باید حفظ کرده و پاسخ دهید ؛ و به عنوان این است که مثلا هویت ملی را در

نظر بگیرد ؛ در صورتی که اگر اصل ماجرای پرداختن به هویت ملی است می توان یک مؤلفه هایی را مشخص کرد و به معلم این اختیار داده شود که از مسیرهای مختلفی که می شود به هویت ملی پرداخت ، وارد شود و با خلاقیت خود به آن بپردازد .

در قاموس برنامه ریزی درسی ، آنچه که در فرمایش شما بود که من هم ۱۰۰ درصد تأیید می کنم ، اسمش رویکرد طراحی برنامه درسی است . اتفاقا در سند تحول روی این هم تأکید داشتیم که در بخش تجویزی که مدل یا الگوی طراحی برنامه درسی ما باید حتما از نگاه القایی ، رفتارگرایانه ، یک سویه و مهندسی کردن محیط یاددهی ـ یادگیری فاصله بگیرد ، و اساساً یادگیری به معنای واقعی کلمه در چنین محیطی اتفاق نمی افتد . آنچه اتفاق می افتد یک سلسله ادراکات سطحی یا محفوظاتی است که هدف های یادگیری را به صورت شایسته محقق نمی سازد.

* باید از رفتارگرایی فاصله بگیریم . نیاز به فضای باز ، منعطف و اکتشافی داریم

باید از طراحی رفتارگرایی فاصله بگیریم ، و تنها اگر قصد داریم مهارت های خاصی را آموزش دهیم ، می توانیم به مهندسی فرایند یاددهی ـ یادگیری بپردازیم . ولی در پیوند با اکثریت قاطع اهداف یادگیری که معطوف به کسب قابلیتها و کیفیت هایی مانند هویت ملی است ، قطعا در یک فرایند مهندسی شده یاددهی ـ یادگیری ، آنطور که شما هم مثال زدید ، محقق نخواهد شد ؛ بلکه نیاز به فضای باز و منعطف و رویکردهای اکتشافی ، حل مسأله و امثالهم در طراحی برنامه درسی داریم.

* در یک پرانتز ، صحبت شما را در روند تصویب برنامه درسی ملی قطع کرده بودم.

مطلب خاصی نبود و در ادامه آن مطلب برنامه درسی ملی ، بحثی تحت عنوان بوم یا آزادسازی بخشی از ساعات حضور دانش آموزان در مدرسه و تصمیم گیری در سطح محلی ، مطرح شده است ، که گفتم اتفاق خوبی است ، اما باید به عنوان یک اتفاق حداقلی در ذیل چشم انداز انتظار حداکثری که در سند تحول مطرح شده ، دیده شود و آن انتظار حداکثری هم بحث مدرسه محوری و دادن هویت حداکثری به مدارس است.

* برنامه درسی ملی موازی سند تحول بر اساس قضاوتی شتابزده

داشتم عرض می کردم نمی دانم آنچه که در حوزه برنامه درسی کشور اتفاق می افتد ، و اجرای برنامه درسی ملی هم در دستور کار آن است ، به سمت هویت حداکثری دادن و مدرسه محوری پیش می رود یا نمی رود ! و می خواستم این را اضافه کنم واقعا برنامه درسی ملی یک اتفاقی بود که نباید به آن شکلی که تدوین و تصویبش اتفاق افتاد ، اتفاق می افتاد ؛ یعنی یک حرکت موازی سند تحول شکل گرفت ، که از دغدغه نافرجام بودن سند تحول نشأت می گرفت . یعنی مدیریتی در آموزش و پرورش حاکم شد که دیدش نسبت به دست اندرکاران تدوین سند تحول مثبت نبود و به همین خاطر فکر می کرد که از ذهن و ضمیر این افراد ، چیزی که به درد بخورد ، حاصل نخواهد شد ، و سرنوشت روشنی برای سند تحول پیش چشم شان نبود . و بر اساس این تحلیل ، یک جریان موازی را به نام برنامه درسی ملی شروع کردند.

به نظرم این قضاوت ، قضاوت نادرست و شتابزده ای بود ، و بر این اساس سند برنامه درسی ملی اگر منتظر می ماند که سند تحول به نتیجه برسد ، و به عنوان یک زیرنظام ذیل سند بالادستی برایش تعیین تکلیف می شد ، قطعا با این بحث ها و چنین چالشی روبه رو نبودیم.

* مراقب میدان داری موسسات کنکوری در عرصه جدید باشید !

* یکی از نگرانی هایی که نسبت به بحث تمرکززدایی وجود دارد این است که مؤسسات صاحب نام و صاحب ثروت و میدان دار در فضای کنکور از این فضای غیرمتمرکز استفاده می کنند و رشته امور مدرسه را بسیار بیشتر از آنچه هست به دست بگیرند ؛ چه تمهیداتی برای جلوگیری از جولان مؤسسات منفعت طلب و سودجو در مدارس است ؟ اگر حضور آنها به فضای تعلیم و تربیت به شکل واقعی و برآورده شدن نیاز واقعی بچه ها ختم نشود ، و رویکردشان به رقابت انداختن بچه ها (و بالتبع ، هزینه کردن خانواده ها) در فضای شبه کنکوری باشد ، آن را یک صنعت ناسالم می دانیم . به نظر شما در این میدان چه اتفاقی باید بیفتد که فضا تعدیل شود و به سمت فضای سالم حرکت کند ؟

همانطور که عرض کردم ، ذیل نگاه من به مدرسه محوری ، استراتژی مربوطه که توضیح دادم چیست و خارج شدن آموزش و پرورش از تصدی گری و بحث ایجاد رقابت برای بقا در جهت ارائه خدمات باکیفیت آموزشی و تربیتی و همه اینهایی که توضیح دادم ، اشاره کردم که اگر اتفاق بیفتد و چنین ایده ای عملیاتی شود ، دامنه فعالیت مدارس غیردولتی محدود می شود و مدارس غیردولتی با شدت تقاضای کنونی مواجه نمی شوند.

عین همین قصه به نظر من درباره مؤسساتی که شما از آنها نام می برید ، اتفاق خواهد افتاد . فکر می کنم چنانچه این ایده به درستی اجرایی و عملیاتی شود ، آنها هم قهراً فعالیتشان محدود خواهد شد . استقبال والدین از این مؤسسات از چه نیازی نشأت می گیرد ؟ اینها مؤسسات آموزشی در سایه هستند که به خاطر ضعف کیفیت در مدارس ، توانسته اند

جایگاهی برای خودشان تدارک ببینند ، و با این استقبال چشمگیر و از برخی جهات نگران کننده مواجه شوند . نیازی که والدین و دانش آموزان احساس می کنند ، به خاطر خلأها و نابسندگی هایی است که در مدارس ما وجود دارد . بنابر این نیاز نیست برای محدود کردن این مؤسسات ، با آنها برخورد قهری و دستوری کنیم . باید زمینه های این نیاز و اقبال به مؤسسات آموزشی سایه را ، در نظام آموزشی کم کرد ؛ و آن هم در گروی ارتقای کیفیت آموزش و تأمین رضایت خاطر والدین و بالابردن میزان اعتماد به مدارس است.

بنابراین در پیشنهاد من ، این مواجهه طبیعی با زمینه های اقبال نسبت به مؤسسات مورد نظر فراهم است ؛ و این مؤسسات به اصطلاح سایه ، با بهبود کیفیت مدارس ، زمینه فعالیت شان از آنچه که هست طبیعتا باید محدودتر شود.

تنها نکته ای که به نظرم باقی می ماند این است که وقتی حق انتخاب را می خواهیم به والدین دهیم ، این نگرانی وجود دارد که وقتی والدین قدرت انتخاب یا آمادگی لازم را به لحاظ تربیتی و آموزشی برای انتخاب صحیح نداشته باشند ، چه کار باید کنیم ؟ این نگرانی مطرح می شود که ممکن است چنین مؤسساتی با ارائه اطلاعات و آماری درباره مدارس مختلف از حیث موفقیت هایشان در حوزه های مختلف آموزشی یک جور رهزنی کنند و انحراف در قضاوت صحیح والدین برای انتخاب مدرسه مناسب فرزندان خودشان ایجاد کنند . این نگرانی واقعی است.

* فکری برای فهم آموزش صحیح در فضای انتخاب خانواده ها

به نظرم از این منظر که بنده مطرح کردم جای نگرانی وجود دارد که مدارس انتخاب صحیح و دقیق والدین را با اطلاعاتی که ارائه می کنند ، با نوعی انحراف مواجه کنند . مثلا توفیقاتی که دانش آموزان با آزمون های آنها به دست آورده اند ، که باید برای آن فکری کرد و بسترسازی هایی انجام داد تا والدین بتوانند به واقع انتخاب اصلح را برای فرزندان خود انجام دهند ، و معیارها و ملاک هایی در اختیارشان باشد که انتخاب مدرسه را فقط منوط به عملکرد دانش آموزان در آزمون ها و تستها نکند.

* سال های قبل ، نام شما به عنوان گزینه جدی برای وزارت مطرح شد حتی یادم هست که یک سالی تعدادی از فعالان حوزه تعلیم و تربیت کمپین حمایتی از شما را تشکیل دادند و خب یک عده هم مخالفت می کردند . به نظر شما مخالفان شما چه حرفی داشتند و خب شاید آن زمان فرصتی برای پاسخ دادن شما وجود نداشت و حالا این فرصت هست.

چون موضوع حضورم در مسؤولیت وزارت آموزش و پرورش برای خودم هیچوقت جدی نبوده است ، هیچوقت در این دوره های مختلف که این بحث مطرح شد ، قصد و اراده ای در این جهت در من شکل نگرفت و به همین دلیل نمی دانم آنچه مخالفان مطرح می کردند ، چه بوده است و پیگیری هم نمی کردم.

ولی خب قابل فهم است صرف نظر از اینکه به چه مناسبتی این مخالفت ها ابراز شود ؛ برای من قابل فهم است که بالاخره من هم مثل افراد دیگری که به موضوع آموزش و پرورش فکر می کنند یک مسأله شناسی خاص خودم را دارم ؛ و باز این مسأله شناسی و راه حل ها مورد مخالفت و موافقت قرار گیرد و شاید در مورد بنده ، مخالفت ها بیشتر از موافقت ها باشد.

صرف نظر از اینکه در چه فضایی نسبت به ایده هایم اظهارنظر می شود ، این اظهارنظرها و مخالفت ها وجود دارد ؛ و مربوط به موضوعاتی می شود که در همین گفت وگوها و مصاحبه ها هم مطرح است . اما همانطور که گفتم به طور ویژه پیگیری نکردم که در آن مناسبت ها چه مخالفت هایی مطرح شده است.

* با بودن سند تحول چرا ۲۰۳۰ ؟

* یکی از نقدها که نسبت به شما می شود درباره سند ۲۰۳۰ است و عنوان می شود چرا وقتی سند تحول داریم ، سند ۲۰۳۰ اتفاق افتاد و حتی برخی اعضایی که در تدوین سند تحول حضور داشتند در آن سند هم درگیر شده بودند ؛ به خصوص اسم شما را به عنوان اعضای کمیته ملی یونسکو در این سند آورده بودند ؛ ماجرا چه بود ؟ در مناظره ای که بین شما و آقای ذوعلم بود ، شما اشاره کردید نکات خوبی در این سند وجود دارد.

وقتی ما از سندی به عنوان سند مرجع نام می بریم ، شالوده های آن سند را می پذیریم و فقط مسأله پذیرفتن نکات مثبت موجود در آن سند نیست ؛ چرا وقتی سند تحول بنیادین داریم باید دنبال سند دیگری برویم و سندی با شالوده های متفاوتی را تأیید کنیم ؟ اگر قرار است از نکات مثبتی در آن سند استفاده کنیم ، می توانستیم ذیل سند تحول انجام دهیم نه اینکه سند ۲۰۳۰ را بپذیریم . برخی کشورهای مطرح دنیا سند ۲۰۳۰ را نپذیرفتند و الزامی هم نبود که ما هم بپذیریم ، و زودتر از بسیاری از کشورها ، سند اجرایی داخلی را وضع کنیم.

اولا بنده درگیری با موضوع سند ۲۰۳۰ و اجرایی شدن آن نداشتم ؛ بلکه عضو کمیته ملی آموزش که زیرمجموعه های کمیسیون ملی یونسکو در ایران است ، بودم . و آنجا بحث سند ۲۰۳۰ مطرح می شد ، اما خود کمیسیون و مسؤولان کمیسیون ، موضوع را به طور ویژه حسب مسؤولیت پیگیری می کردند . چون کار به مرحله ای رسیده بود که سازوکار و

ساختار اجرایی باید برای پیگیری اجرای سند در کشور تعیین می شد . همانطور که سایر کشورها باید به دنبال ایجاد سازوکار می بودند و یک ساختاری را برای پیگیری اجرا تعریف می کردند ، و این کار کمیته ملی آموزش نبود و وظیفه کمیسیون ملی بود و اصل کار فراتر از کمیته ملی آموزش که من هم یک عضو آن بودم ، بود . و نهایتا هم منتهی به مصوبه ای در هیأت دولت شد تا کارگروه ملی شکل گیرد . و البته مدت زیادی هم بحث و اختلاف نظر بود که این کارگروه ملی زیر نظر وزیر علوم یا وزیر آموزش و پرورش تشکیل شود . و در نهایت مقرر شد با عضویت همه دستگاه ها ، کارگروهی زیر نظر آموزش و پرورش تشکیل شود ، که بعد هم با بحث هایی که مطرح شد ، لغو شد.

تحلیل من از سند ۲۰۳۰ ، این است که یک سند بین المللی است و برای کشورهایی که عضو مجمع بین المللی ذی ربط یعنی یونسکو هستند ، پیگیری آن موضوعیت دارد . در مناظره ای که شما اشاره کردید ، اصل عرض بنده این بود که ما یا نباید در این مجامع عضویت داشته باشیم و حق عضویت های قابل توجه پرداخت کنیم ، و یا اگر عضویت داریم و حق عضویت پرداخت می کنیم ، منطقی نیست از همراهی کردن با برنامه های آن نهاد بین المللی سر باز بزنیم . این را برای خودمان حل کنیم . یعنی یا نباید عضویت داشته باشیم ، یا اگر عضویت داریم نمی توانیم بگوییم که دلبخواهانه هرکجا که دوست داشتیم با شما همراهیم ، و هرجا دوست نداشتیم با شما همراه نیستیم.

البته این موضوع محدود به یونسکو نیست . در بسیاری از سازمان های بین المللی ، عضویت ما حتما برایمان منافعی دارد ؛ وگرنه متحمل پرداخت حق عضویت ، که هزینه قابل توجهی است ، نمی شدیم . اگر تحلیل و برآوردمان این است که حضور در این مجامع بین المللی در مجموع ، برایمان منافعی دارد ، عضو می شویم . و باید به قواعد بازی آنها تن بدهیم . و نمی توانیم قواعد بازی را خودمان تعریف کنیم ، و بگوییم مجامع بین المللی اگر قواعد ما را دنبال کنند ، قبول داریم و اگر دنبال نکنند ، قبول نداریم.

نظم بین المللی حاکم بر این مجامع به هرحال یا از نظر ما پذیرفته است ، یا پذیرفته نیست . درباره با یونسکو ، آمریکا این نظم را قبول ندارد و خارج می شود ، یا کشورهای دیگر ممکن است به هر دلیلی خارج شوند . اتفاقا در یونسکو ، آمریکا و اسرائیل عضو نیستند . یا اخراج شدند یا خارج شدند . ما هم می توانیم چنین تصمیماتی را بگیریم . اگر فکر می کنیم به نفع کشور است . اما نمی شود اینگونه تصمیم نگرفت ، و عضویت داشته باشیم ، و تن به قواعد بازی آنها ندهیم و قواعد را بخواهیم خودمان تعریف کنیم و بگوییم همه طبق قاعده ما بازی کنند.

* عضویت مترادف با پذیرفتن قواعد و الزامات ؛ اماها و اگرها !

* چرا نمی شود ؟ عضویتمان با اینکه یک سندی را مثل سند ۲۰۳۰ را نپذیریم ، فرق می کند.

نمی شود . شما اگر عضو می شوید باید این قواعد را بپذیرید . ببینید شما عضو هرجایی که بخواهید بشوید ، مثلا عضو سامانه ای شوید ، از شما می پرسند ، شرایط ما این است ، قبول می کنید و عضو می شوید.

برای پیوستن به یک سازمان بین المللی ، شما یک قواعدی را می پذیرید ؛ جزو الفبای این قواعد این است که شما اگر آن سازمان و نهاد یک سندی را تولید می کند ، شما نمی توانید بگویید از اساس با این سند مسأله و مشکل دارم و تعطیلش کنم.

حالا بیاییم سر سند ۲۰۳۰ ممکن است ما بگوییم ما در بخش هایی از ۲۰۳۰ مشکل داریم و نمی پذیریم حق تحفظی که توسط وزیر وقت آموزش و پرورش در زمان امضای این سند اعلام شده بود ، معنایش همین است که ما بر اساس منافع خودمان ، قوانین ، چارچوب ها و مبانی خودمان مضامین سند را مورد ارزیابی قرارداده و تعیین تکلیف می کنیم . این تحفظ بود و در نهادهای بین المللی مرسوم است ؛ شما می توانید حق تحفظ داشته باشید ولی نمی توانید کلا قواعد بازی را عوض کنید ؛ در واقع بگویید این نهاد بین المللی و سندی که منتشر کرده ، از اساس با مبانی ما دچار تعارض است.

بخش عمده سند ۲۰۳۰ همان « آموزش برای همه » است و مهم ترین اهدافی که دنبال می کند همان اهداف است ؛ ما « آموزش برای همه » را تمام و کمال با همان ساز و کار یعنی با یک کارگروه ملی پیگیری کردیم ؛ چون اهدافش بدیهی در راستای توسعه آموزش و پرورش و رفع نابرابری های جنسیتی ، جغرافیایی و قومیتی و ارتقای کیفیت بود . مضامین اصلی سند ۲۰۳۰ هم مضامین « آموزش برای همه » است . این تناقض وجود دارد که چطور ما « آموزش برای همه » را با طیب خاطر اجرا می کنیم و هیچ سخنی از اینکه دارای ویژگی های آنچنانی است به میان نمی آید ، و یک مرتبه معلوم نیست که چگونه سندی که در امتداد و ادامه « آموزش برای همه » و برای به نتیجه رساندن اهداف محقق نشده این سند تدوین می شود ، چنین مواضعی درباره اش اتخاذ می کنیم.

* اینکه ما عضو یونسکو ماندیم برداشتم این است که بتوانیم به عنوان یک کشور تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت باشیم و بتوانیم در آنجا حرف هایمان را مطرح کنیم ؛ بر این اساس حضور ما در یونسکو منطقی است . اما اگر اسنادی آنجا تنظیم می شود باید حضور فعال در تدوین آنها پیدا کنیم ؛ این مسأله مطرح است که چرا در تدوین سند

حضور جدی نداشتیم ؟ اگر این اتفاق در آنجا می افتاده است چرا آنجا کسی در جریانش نبود یا خیلی فعال نبودیم ؟ چرا زمانی که این سند در یونسکو تدوین می شود ورود پیدا نکردیم ؟ و نکته بعدی اینکه فرض کنید این سند تدوین شد و توسط یونسکو ابلاغ شد و ما با حق تحفظ این را پذیرفتیم ؛ اولا پذیرش این با حق تحفظ در اختیار وزیر نیست که امضا کند . و البته نمی خواهم وارد بحث اجرایی شوم ولی به هر حال پذیرفتیم که با حق تحفظ این کار را بکنیم . یک کمیته ملی در داخل کشور تشکیل می شود که سند را بررسی کند و چگونگی اجرای آن در کشور خودمان با توجه به بافت بومی خودمان متناسب با ساختار سند ارائه کند ؛ ما سند تحول را داریم که در آن ارکان تعلیم و تربیت ، آرمان ها و ارزش ها وجود دارد ؛ پس اگر بخواهیم در کمیته بافت بومی شده سند بین المللی را ایجاد کنیم باید توجه کنیم که آنچه در سند آموزش برای همه اتفاق می افتد در سند تحول ما نیز عیناً هست ، و با زبان سند تحول و با مشخص کردن مؤلفه هایی که در آن اتفاق می افتد و با اطلاع رسانی مناسب به کسانی که درگیر سند تحول بودند تا ورود پیدا کرده و نظر بدهند ، انجام می شد.

به نظر می رسد با تصویب بی سروصدای سند ۲۰۳۰ و یکدفعه اعلام شدن آن ، جامعه دچار شوک شد . وگرنه اگر همان اول این مسأله در جامعه تعلیم و تربیت مطرح می شد ، و اجازه ورود به آن پیدا می شد و جامعه در آن ایفای نقش می کرد ، که این ساختار درست هست یا نیست ؟ در یونسکو بمانیم یا نمانیم ؟ کدام بخش را بپذیریم یا نپذیریم ؟ این نگاه به سند ۲۰۳۰ ایجاد نمی شد.

کشورهایی عضو یونسکو بودند اما دستورالعمل ملی شان تدوین نشده و با تأنی آن را پذیرفتند . و بسیاری از کشورها هم هستند که عضو یونسکو هستند و این سند را با این شکل نپذیرفتند مانند فرانسه و مصر . الزامی نیست که سند را حتما باید در کشور خودمان استفاده کنیم . یک چیزی خوب است و از آن استفاده می کنیم اما تعهدی نسبت به جامعه جهانی نمی دهیم که آنها نظام تعلیم و تربیت ما را بر اساس معیارهایی که دارند ، تعریف و ارزیابی کنند . مثلا "آموزش برای همه" از جمله رفع تبعیض ها را در برنامه خودمان گنجانده ایم ، ولی معیارهای سنجش خودمان ، نظام ارزشی و نظام اجرایی و عملکردی خودمان را داریم . مبانی آموزش برای همه ای که ما تبیین می کنیم با مبانی آموزش برای همه مذکور در آن سند فرق دارد.

اما با این جنس ورود پنهان کارانه که تا مدت ها ابراز می شد که نپذیرفتیم و در نهایت اینکه سندشان را آوردند که پذیرفتیم ، و مصوبه هیأت دولت را گرفته است ؛ احساس نمی کنید نحوه ورود اشتباه بوده است ؟ البته شما عنوان کردید که نقش در این راستا نداشتید و به عنوان یک شخص مطلع و فردی که اسمش را یک گوشه آوردند وابتدای این سند قرار دادند ؛ نظر شما را بدانیم.

عرایضم را در پاسخ به پرسش شما در این زمینه دادم . از این قسمت اخیر شروع کنم و بگویم اگر اسمم بوده است همان شکلی بود که عرض کردم . یعنی عضو کمیته ملی آموزش بودم ؛ برای اعلام فعال شدن آن ساختار و کارگروه ملی مصوب هیأت ویزان خیلی علنی و سراسری همایش گذاشتند ، و اینکه حرف از پنهان کاری می شود هیچ وجهی ندارد . هیچ اراده ای مبنی بر اینکه این موضوع علنی نشود ، شاهدش نبودم و تأیید نمی کنم . کما اینکه همایشی گذاشته شد و در آن ، سخنرانی انتقادی داشتم . خوب است کسانی که نسبت به مواضع بنده ، حساس هستند ، بگویم که من در آن زمان رئیس دانشگاه فرهنگیان بودم . لذا لازم بود به سند ۲۰۳۰ از منظر تربیت معلم توجه کنم و ببینم درباره تربیت معلم چه گفته است.

با کامل تعجب دیدم که سند ۲۰۳۰ درباره تربیت معلم ساکت است ، یا خیلی بُرد تربیت معلمی آن ضعیف است . در سخنرانی انتقادی خودم و اینکه تربیت معلم بسیار ضعیف دیده شده است را مطرح کردم . و پیشنهادات تکمیلی دادم که چگونه در اجرای سند تحول ، مقوله تربیت معلم را با قوت بیشتر پیگیری کرد تا این ضعف برطرف شود . آن همایش نشان می دهد که کار پنهان کارانه ای نبود . همایش در یکی از سالن های همایش وزارت کار ، تعاون و رفاه اجتماعی برگزار شد و جمع کثیری آمده بودند و اطلاع رسانی آن ، طبیعی و عادی بود.

به نظر من کار عاقلانه تر این بود که با توجه به اینکه ما عضو یونسکو هستیم ، و معلوم است عضویت در یونسکو یا هر مجمع بین المللی برای این است که کشورمان بتواند در فرایند تعاملات تأثیرگذار باشد . اما اگر تأثیرگذار نبود ، بازی را به هم نمی زند . و به نظر بنده این رفتار حکم یک خودبزرگ بینی بلاوجه دارد که "من می روم تأثیر بگذارم ؛ و اگر تأثیر گذاشتم ، خوب است ؛ و اگر تأثیر نگذاشتم ، زیر میز بازی می زنم و می گویم اصلا بازی خلاف و نادرستی است" . درست است همه با همین نیت می روند . اما برای عملیاتی کردن این نیت و شکل گیری اسناد بین المللی در همه عرصه ها ، من جمله عرصه تربیت ، چه کسی راه را بسته است که نفوذ کنیم و تأثیر داشته باشیم ؟ برای همه کشورها بالسویه مجاری تعریف شده ای وجود دارد که در فرایند شکل گیری سندهای اینچنینی ، نظرات و دیدگاه های خود را منعکس کنند ، و در مجامعی که تشکیل می شود درباره پیشنهادات بحث کنند.

* عضویت در این مجامع ، میدان بازی ای که اگر تاثیر نگذاشتی ، تاثیر بپذیر !
بلاخره تصمیم گیری در نهادهای بین المللی سازوکارهایی دارد ؛ و ممکن است نسبت به سازوکارها انتقاد داشته باشیم ، و مثلا تحت تأثیر قدرت های بزرگ باشد ؛ و چنانچه در بسیاری از نهادهای بین المللی در فرایند تصمیم گیری واقعا دموکراسی برقرار نیست . اما بالاخره به شکل صوری هم که شده و برای حفظ ظاهر دموکراتیک هم که شده ، مجاری مشارکت تعریف شده و همه کشورهای عضو می توانند شرکت کنند . اگر می گوییم فرایند تصمیم گیری غیردموکراتیک ، غیرعادلانه ، غیرمنصفانه و آمیخته با توطئه نسبت به کشورهای اسلامی از جمه ما هست ، به نظرم ما نمی توانیم در یک چنین مجمعی حضورمان را ادامه دهیم ، و با ادامه حضور خودمان ، کار را برای خودمان مشکل کنیم . تفسیر این نوع حضور نزد دیگران است که ایرانی ها می آیند که حرف خود را به کرسی بنشانند ؛ این موضوع برای ما خیلی بد و خیلی پرهزینه است.
حضورمان در صحنه بین المللی را نمی توانیم با این پرهزینگی ادامه دهیم . یا نباید عضو باشیم مثل آمریکا ؛ با حق عضویت کلانی که آمریکا پرداخت می کرد ، واقعا یونسکو را دچار مشکل اساسی اقتصادی و مالی کرد . اما به دلیل نا خرسندی از برخی مصوبات رفت ؛ ما هم می توانیم به دلیل برخی مصوبات برویم . مثلا بگوییم مصوبه شما دارای اشکالات اساسی و جهت گیری های ضد اسلامی و ضد ارزشی و ضد انسانی است ؛ و ما در این مجموعه نمی مانیم . اما اینطور نمی توانیم ادامه بدهیم و این رویه کجدار و مریز را ادامه دهیم که می مانیم ، البته با فرض اینکه حرفی برای گفتن و اندیشه قابل ارائه داریم ، اما هر جا حرفمان به کرسی نشست قبول می کنیم ، و هر وقت حرفمان را نپذیرفتند ، بگوییم سندتان از نظر ما قابل قبول نیست.
* به نظر شما حرف برای گفتن داشتیم ؟
ظرفیت حرف زدن یک شبه ایجاد نمی شود . بلکه برای اینکه تأثیرگذار باشیم ، خیلی لوازم باید آماده شود . همه با عضویت این اراده را دارند که تأثیرگذار باشند . اما اگر نمی توانند تأثیرگذار باشند ، دلایل مختلف دارد و به عوامل مختلف برمی گردد . از جمله اینکه ممکن است این ظرفیت را نداشته باشند . یا ظرفیت را داشته باشند ولی نتوانند خوب مبادله کنند . و عوامل دیگری هم ممکن است وجود داشته باشد . اما اینکه ما بگوییم برای تأثیرگذاری می رویم ، اما چون نتوانستیم به هر دلیلی تأثیرگذار باشیم ، آنچه در فرایندهای تصمیم گیری به نتیجه رسیده را نمی پذیریم . همانطور که عرض کردم برای کشور ما و هر کشوری که چنین موضعی را اتخاذ کند ، بسیار هزینه ایجاد می کند . همین هزینه ها که اشاره کردم ؛ یعنی خواهند گفت مگر خون شما رنگین تر است ؟ نباید خود را برتر از دیگران بدانید ؛ اینجا یک جمعی است که با خرد جمعی تصمیماتی گرفته می شود ، و نمی توانیم بگوییم که اگر حرف ما را پذیرفتند ، ما این سند را می پذیریم و اگر نپذیرفتند ، نمی پذیریم.
* چرا برای ایفای نقش موثر ، ظرفیت سازی و کادرسازی نکردیم ؟
به نظرم عاقلانه اش این است که این نهادها را ترک کنیم ؛ و بیخودی این همه هزینه به بیت المال تحمیل نکنیم . رقم عضویتی که ما برای عضویت در این مجامع بین المللی پرداخت می کنیم ، چقدر است ؟ ما در این مجامع عضو می شویم چون برای ما منافع دارد ، و اگر منافع ندارد ، در عضویتمان تجدید نظر کنیم.
راه دیگر این است که بنده هم طرفدار آن هستم ، این است که اگر در این مجامع عضویت داریم ، تلاش ، ظرفیت سازی و کادرسازی کنیم تا سری در بین سرها داشته باشیم ؛ و واقعا وقتی کسی از جانب ایران صحبت می کند ، همه با دقت گوش کنند ، همه با نهایت احترام توجه کنند . باید زمینه هایش را کسب کنیم . ان شاالله بمانیم ، کادرسازی کنیم و توانمندی را ایجاد کنیم ، و این توانمندی را در دیپلماسی علمی و فرهنگی خودمان به وجود بیاوریم ، بتوانیم تأثیرگذار باشیم . بتوانیم واقعا بازتاب ایده های خودمان را در اسناد بین المللی هم ببینیم . و تا آن زمان راه حل معقول این است که بمانیم و اگر جاهایی مغایرت دارد ، نپذیریم . و با همان سازوکار اعلام تحفظ ، بتوانیم نگرانی های جامعه خودمان و اولویت های ملی خودمان را در آن اسناد وارد کنیم ، به آن اسناد شکل بومی دهیم ، و آمیخته با ملاحظات خودمان اجرا کنیم.
بنابراین فکر می کنم به جای اینکه اتفاقاتی که در ۲۰۳۰ افتاد را شاهد باشیم ، ای کاش اجازه می دادیم ، کارگروه ملی کار خود را شروع می کرد . اتفاقا مسؤولیت کارگروه ملی با آموزش و پرورش بود ، و این وزارتخانه متولی اجرای سند تحول هم هست . و معتقدم هیچ اتفاق خاصی نمی افتاد و در همان کارگروه که با ریاست وزیر آموزش و پرورش قرار بود تشکیل شود ، و از همه دستگاه های دیگر حضور داشتند ، حتما و حتما مغایرت ها و تعارضات با آنچه که در سند تحول آوردیم ، خودش را نشان می داد ، و در سایه آن تحفظ کلی که اعلام کرده بودیم ، کار قابل پیگیری بود.
* آن سند داخلی تصویب شده بود ؛ سند ۳۷۰ صفحه ای بود.
نه ، سندی که تصویب شده است در کنفرانس بین المللی

* سند ملی ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران که اسم شما هم بود ، و حتی وارد سازوکارهای اجرائی شده بود ، و درمتن آن سند هم کمترین اشاره به سند تحول نشده بود ؟

خب ، ولی چه کسی انجام داده بود ؛ یک بخش آن را خود من انجام داده بودم و بحث تربیت معلم را مطرح کردیم . باید منتقدین مشخص می کردند چه سند اصلی و چه سندی که برای ایران ذیل آن نوشته شده بود ، در کدام بخش ها مشکل دارد و با سند تحول نمی خواند . به نظر من این زمینه فراهم بود که وارد یک دیالوگ علمی و کاملا منطقی درباره این سند شویم . الان با آنچه که مواجه شدیم ، شیوه ای نبود که بخواهیم بگوییم ، ایران با رویکرد دیالوگ علمی و منطقی با جهانیان درباره ۲۰۳۰ حرف زد ، و ضعف ها و مسائل این سند را آشکار کرد . ما تیشه را برداشتیم و با قدرت هرچه تمام تر به ریشه ۲۰۳۰ وارد کردیم ؛ این چه کاری و چه منطقی است ؟ ما می توانستیم همه ایده ها و داوری های خودمان را درباره سند ۲۰۳۰ کاملا عقلانی ، علمی و منطقی به جهانیان اعلام کنیم.

* ایران با رویکرد دیالوگ علمی و منطقی با جهانیان درباره ۲۰۳۰ حرف نزد !

* در سند بومی خودمان باید این اتفاق می افتاد ؟

حالا اگر نیفتاد باز منتقدین به جای اینکه تبر را در دست بگیرند و بر پیکر سند بکوبند ، می توانستند بگویند این اشکالات وارد است ؛ ما شاهد چنین چیزی نبودیم یعنی نقطه عزیمت به این سمت رفت که یک سندی است که توسط کسانی نوشته شده است که ما به آنها به چشم خصم نگاه می کنیم . و اینها آمدند و به خورد ما دادند و ما باید این سند را از اساس نفی کنیم ، و راه نفوذ این سند را به طور کمال و تمام در صحنه تعلیم و تربیت با طرد تمامیت آن ببندیم . رفتار ما این را به ذهن متبادر می کند که یک سند بین المللی به نام ۲۰۳۰ منتشر شده و در فرایندهای بین المللی رویش تفاهم شده است ، در تباین و تعارض ارزش های ماست مگر اینکه خلافش ثابت شود . یعنی با اصل برائت با سند برخورد نکردیم و به نظرم باید بر اساس اصل برائت برخورد می کردیم و حالا که داریم حق عضویت پرداخت می کنیم ، براساس اصل برائت باید می گفتیم که این سند ، سندی است که قابل عنایت و استفاده است مگر اینکه خلافش ثابت شود . نه اینکه سند از اساس بی مورد و بلاوجه است ، و توسط دشمنان ما با نیت های ناپاک آنها و برای به انحراف کشاندن نسل آینده ما تدوین شده است ؛ مگر اینکه خلافش ثابت شود ؛ و البته دیگر هم فرصت ندادیم که خلافش ثابت شود.

* لزوم نگاه اولیه به سند ۲۰۳۰ بر اساس اصل برائت ؟ یا اصل شک و تبیین ؟

عاقلانه اش این بود در شرایطی که نتوانستیم در شکل گیری سند تأثیرگذار باشیم ، فرض را بر این می گذاشتیم که اینطور نیست که همه عالم برای زیرپاگذاشتن ارزش های ما جمع شده باشند ، و سندی را تصویب کرده باشند . یک سندی در فرایندهای متعارف تصویب شده است ، و ممکن است نقاط قوت و نقاط ضعف داشته باشد ؛ اصل را بر این می گذاریم که این سند قابل استفاده است ، مگر اینکه خلافش ثابت شود . و همچنین با مواردی که خلافش ثابت شود ، متعهدیم که برخورد مسؤولانه کنیم و در راستای ارزش های خودمان اصلاح کنیم . به نظرم این اتفاق اگر می افتاد پیام دیگری از ایران به مجامع بین المللی منتقل می شد . و پیامی که الان منتقل شد این است که این افراد کسانی هستند که می آیند و البته حق عضویت های خوبی هم پرداخت می کنند . و به محض اینکه به نظرشان برسد که این سند با موازین و مبانی شان سازگار نیست ، و ایده های خودشان در آن بازتاب پیدا نکرده است ، آن را به اصطلاح هوا می کنند.

* با توجه به فرصت محدودمان نمی خواهم درباره محتوای سند و اینکه آیا واقعا بر اساس پیش فرضها با آن مواجه شدیم ، یا مبانی مان با آن مشکل داشت ، بحث کنم ؛ اما آن سند داخلی که تصویب شد ، متخصصان حوزه های مرتبط به شکل وسیع (مثلا در سطحی که در مورد سند تحول یا سند ملی برنامه درسی اتفاق افتاد) مطلع و مشارکت داده نشدند ، و اطلاع رسانی خوبی در این راستا صورت نگرفت.

ببینید چه کسانی درگیر بودند ؟ دوستان دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش درگیر بودند . خود بنده آن زمان رئیس دانشگاه فرهنگیان بودم و درگیر بودم . بررسی کنید ببینید تیم هایی که برای بخش های مختلف توسط کیسیون ملی یونسکو مسؤولیت پیدا کردند ، و در واقع برنامه عمل کشور را بنویسند ، چه کسانی بودند ؟ و صرف نظر از اینکه چه کسانی بودند ، چه گفتند و چه نوشتند.

* نقدپذیری ۲۰۳۰ از حرف تا آینه عمل

* به نظر می رسد خیلی با سند تحول ارتباطش برقرار نشده است ؟

با "به نظر می رسد" نمی شود بحث را جمع کرد ؛ باید خیلی دقیق بگوییم مغایرت ها وجود دارد . این حرف ناپذیرفتنی است که با آمدن ۲۰۳۰ در واقع سند تحول را زیر سؤال ببرند و واقعا حرف غیرمنصفانه است.

* جایگاه این دو تا با همدیگر چگونه است ؟

کاملا همسو است . همانطور که عرض کردم اراده ای که می خواست سند تحول را اجرا کند ، در بطن سند تحول ،

تحقق ۲۰۳۰ را هم می دید . ممکن است بگویید اشتباه می کنید خب بیایید بگویید کجا اشتباه می کنیم . اما واقعا این تعارض و تقابل که عده ای اراده کردند که ۲۰۳۰ را در مقابل سند تحول علم کنند ، بسیار دور از واقعیت است و حداقل تا آنجا که من در صحنه بودم و می دیدم . آنچه که واقعیت داشت این بود که اصل برای ما سند تحول بود ؛ اجرای سند ۲۰۳۰ و مضامینی که در آن سند است ، کاملا برای ما در راستای اهداف سند تحول مطرح بود . و طبیعی است که هرکجا تعارض پیدا می شد ، با آن تعارض برخورد مسؤولانه می شد اما همانطور که عرض کردم مسیر بحث ها درباره ۲۰۳۰ اصلا اجازه نداد که فضایی شکل بگیرد . فضایی که شکل گرفت ، فضای تابو ساختن از سند ۲۰۳۰ بود . باید به این سمت برویم که در مجامع بین المللی حضور فعال داشته باشیم و از فرصت ها برای ارائه دیدگاه ها و افکار خودمان حداکثر استفاده را کنیم ، و هرجا توانستیم به نتیجه برسیم ، حرفی نیست . و اگر نتوانستیم به نتیجه برسیم که ممکن است در آینده اتفاق بیفتد ، سیاست درست این است که تا زمانی که عضو هستیم ، با تحفظ پیش برویم . و زمانی که احساس کردیم که زاویه دیدها خیلی زیاد است ، عطای عضویت را به لقایش ببخشیم.

* اگر موافق باشید راجع به مفاد خود سند ۲۰۳۰ جلسه خاصی بگذاریم.

می دانم چند کتاب در ضدیت سند ۲۰۳۰ با مبانی ارزشی ، فلسفه تربیتی و سند تحول نوشتند و برخی را هم دیدم که خب زحمت کشیده اند . عرض من این است که اینها بسیار کارهای خوبی است که انجام شده است ، اما به این صورت که ما وارد این قصه شدیم ، کسانی که وارد تحقیق شدند ، تحقیق سوگیرانه انجام دادند ؛ بهتر بود که به جای سوگیری ها و به جای اینکه از ابتدا مهدورالدم بودن سند را اعلام کنیم ، تحقیق کنند . تحقیقی که نتیجه اش از قبل معلوم است که باید مهدورالدم بودن سند ۲۰۳۰ باشد ، اصالت ندارد.

* آقای دکتر ، اینگونه نبوده است و مهدورالدم بودن سند ۲۰۳۰ را اعلام نکردند . چون در یک دوره ای خود بنده درگیر این فضا بودم ، با توجه به کالبدشناسی سند اتفاق افتاده است.

خیلی پنهان کارانه این کار انجام شده است . به نظر می رسد که اگر قبل از این مواجهه مبنی بر مهدورالدم بودن سند به تعبیر بنده ، مطالعاتی صورت گرفته است ، و حاصل آنها این بوده است که سند مهورالدم است ، پس شما خیلی پنهان کاری کردید.

* اتفاقا در گروهی در یکی از پیام رسانهای اجتماعی که شما هم عضو آن بودید ، دائما نتایج بررسی ها می آمد.

این کانال ها را کاری ندارم . آن مجموعه ای که برنامه عمل بومی را تهیه کرده بودند ، هیچوقت در واقع یک مطلب مستند مکتوبی در نقد سند ۲۰۳۰ و برنامه عمل ایران برای آنها فرستاده شد ؟

* اصلا ما متوجه این جریان نبودیم تا زمانی که متوجه شدیم سند بومی کارش انجام شده بود و دیگر کارگروهی برای ادامه وجود نداشت و تصویب شده بود.

تصویب شده بود که تازه کارگروه ملی برای اجرا تشکیل شود.

* ولی کارگروه تدوین سند ملی تشکیل شده بود ، خروجی هم منتشر شده بود ، و بعد از آن بود که بحث ها در نقد سند منتشر شده منعکس می شد . حالا شاید لازم باشد در این زمینه در جلسه مستقلی گفت وگو کنیم و کالبدشکافانه وارد محتوای سند ۲۰۳۰ شویم.

درجلسه قبلی بحثی درباره تربیت مطرح کردید که به نظر می رسد با توجه به سؤالات و ابهاماتی که وجود دارد ، به این مسأله هم اشاره کنیم . به نظر می رسد باید بین چند مفهوم فرق بگذاریم ؛ از یک منظر تربیت دینی ، تربیتی است مبتنی بر معارف و ترسیمی که دین اسلام از انسان تربیت یافته دارد . و فکر می کنم که اگر سند تحول و مبانی فلسفی و نظری را قبول داشته باشید ، قطعا به این تربیت دینی مبتنی بر هندسه تربیت انسان دین مدار اعتقاد دارید . اما در طرف دیگر آموزش موضوعات خاص مطرح شده در دین قرار گرفته است و اینکه مطالب دینی را به بچه ها با شیوه یادگیری برنامه ای اسکینری که متاسفانه در فرایند تعلیم و تربیت ما رواج دارد ، آموزش دهیم.

برداشت من از صحبت شما در جلسه قبل این بود که نقدی که شما به آموزش دینی دارید ، در دسته دوم ، یعنی آموزش اسکینری مفاهیم دینی است . ولی آن حمایت هایی که از سند ، حیات طیبه و تعلیم و تربیتی که مبتنی بر آن باید بنا شود ، تعلیم و تربیت دین مدارانه انسان است ، و در واقع یک فصل دیگری است . و به نظرم صحبت شما مؤید حمایت آن بود.

خیلی متشکرم از فرصت مجدد برای ورود به این بحث حساس . باید بگوییم بین تربیت دین محور و تربیت دینی تمایز قائلم . تربیت دین بنیاد یا دین محور یعنی پذیرفتن نگاه دینی در کمال یا فرهیختگی که تعریف می کنیم ، و ملاک و معیارهای دینی را در این لحاظ کنیم . و بنابر این در واقع با یک فلسفه اسلامی ، می گوییم که انسان فرهیخته چه انسانی است . این موضوع آن چیزی است که در سند تحول ، مبنای کار ما بود . بنابراین به قوت خود باقیست و طبیعی است که فلسفه قابل قبول جامعه ما ، فلسفه تربیتی اسلامی است ، و این باید روی کل جریان تعلیم و تربیت سایه

بیندازد ، و به ما بگوید انسان کمال یافته ، فرهیخته و تربیت شده دارای چه خصوصیت و ویژگی هایی است . پس تکلیف این جنبه روشن است ؛ و تمایزش با ویژگی های انسان کمال یافته که انسان متدین و دین باور نیز هست.

* تربیت با نگاه دین به انسان تربیت یافته ، یا تربیت اسکینری مباحث دینی ؟

من درباره این ویژگی که یکی از ویژگی های انسان فرهیخته و تربیت یافته از منظر دینی در کنار ویژگی های دیگری که باید داشته باشد ، حرف دارم ، که انسان متدین و دین باور و دیندار واقعی را می خواهیم جزو مؤلفه ها یا زنجیره شایستگی های انسان کمال یافته و فرهیخته بگنجانیم ، و البته باید هم بگنجانیم ، ولی اینجا بحث از یک شایستگی خاص است که به آن تربیت دینی یا متدین بودن و دیندار بودن می گوییم ، یک ویژگی در میان ویژگی های متعددی که در تربیت دین محور و تربیت مبتنی بر فلسفه تربیتی دینی قائل هستیم . ما تربیت سیاسی ، اجتماعی ، علمی ، فناوری ، اقتصادی و ... داریم ، و همه اینها ذیل فلسفه تربیت دین محور است . باید در این ابعاد هم شایستگی هایی در متربی محقق شود . همانطور که عرض کردم یکی از این ابعاد ، بُعد دینی و ساحت تربیتی دینی و اعتقادی است . آنچه که در جلسه پیش مطرح کردم این بود که ما در ساحت تربیت دینی و اعتقادی ، واقعا نتوانستیم ارزش افزوده ای که می توانستیم و باید ایجاد می کردیم ، در نظام تعلیم و تربیت رسمی ایجاد کنیم . در حوزه تربیت دینی نتوانستیم خالق ارزش های جدید باشیم . یعنی با توجه به حجم اهتمام و تلاش انجام شده نسبت به قبل ، هم جمع بیشتر و کثیری از نسل جدید را دیندار کنیم ، و هم از بُعد کیفی بتوانیم به ژرفا پیدا کردن و عمق پیدا کردن اندیشه دینی و باورهای دینی آنها کمک کرده باشیم.

* هنوز خیلی با شکل گیری باورهای عمیق دینی در تربیت فاصله داریم !

همه عرض من این است که در این ۴۰ سال ما در بعد تربیت دینی یعنی ویژگی دین باوری و دینداری نتوانستیم به اهداف کمی و کیفی خودمان دست یابیم . نه تعداد دینداران را در نسل جدید ، نظام تعلیم و تربیت افزایش داد ، و نه عمق و ژرفایی که در اندیشه و باورهای دینی نسل جدید ما لازم بود ، شکل بگیرد و باورهای دینی تعمیق شود ، اتفاق افتاد.

بیاییم آسیب شناسی کنیم . شما به رویکرد اسکینری اشاره کردید ؛ واقعا فکر می کنم در حوزه اندیشه دینی و آنچه که حقیقت دین است ، در برآورد کلی نسبت به کاری که در این زمینه برای دینداری همراه با عمق بخشیدن به اندیشه دینی داشتیم ، به دور از موازین اسلامی و قرآنی ، عمل کردیم . معتقدم اصل فبشرعباد ، الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه را رعایت نکردیم . و بیان دیگری از اینکه ما جریان تعلیم و تربیتمان را در حوزه تربیت دینی هم اسکینری کردیم و به تعبیر برخی ایدئولوژی . خیلی در واقع به صورت القایی به آن پرداختیم . این در تعارض با این فراز قرآن است که لااکراه فی الدین قد تبین رشد من الغی . چقدر واقعا هدفمان تبیین رشد از افول و سقوط و درجازدگی است ، در آن مقدار که مربوط به مباحث دینی می شود ؟ چگونه توانستیم از دین یک چنین تبیینی که فارق میان رشد و غی است ، ارائه کنیم ؟ مواجهه های ما در نظام آموزش و پرورش واقعا از جنس قد تبین رشد من الغی نبوده است ! بلکه همان جنبه القایی غالب بوده است ؛ با الزام کردن به زور کتاب درسی و امتحان . و نتیجه اش یک نوع مواجهه توأم با اکراه مخاطب بوده است.

یا ادعوا الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه ! چقدر ما بر اساس دعوت به راه درست و صراط مستقیم با حکمت و تمسک به آنچه موعظه حسنه است ، عمل کرده ایم ؟ بنابراین من از این فرصتی که مطرح شده است این استفاده را می کنم و عرض می کنم که نمی دانم این برخورد ما با تربیت دینی شکل درستی باشد ؛ به عنوان یک حوزه ای که آمیخته با مجموعه ای از باورها و اعتقادات است ، و عملا در فضای رسمی کلاس و کتاب درسی و امتحان موجود ، میدان بحث ، نقد ، طرح پرسش ، گفت و گو و این چیزها را باز نمی کنیم ، و فرایند تعلیم و تربیت ما در این زمینه ها یک فرایند مبتنی بر انتقال کلیشه ای و سطحی معارف دینی همراه با چاشنی احساسات و عواطف است.

می توانیم از این سبک دست برداریم و یک چرخش جدی در رویکرد تربیت دینی ایجاد کنیم . اما فکر می کنم اگر قرار بود چنین اتفاقی بیفتد ، باید زودتر از اینها می افتاد . اگر نظام آموزشی ما حاضر بود با یک چرخش در حوزه رویکرد به تربیت دینی ، به سمت انتقال معارف و اندیشه دینی و تثبیت اندیشه دینی در شاکله نسل جدید برود ، این کار را انجام داده بود . متأسفانه طی ۴۰ سال گذشته ، نشانه ای نمی بینیم از اینکه در این رویکرد ماشینی ، بسته و القایی که نسبت به تربیت دینی وجود دارد ، قدری تخفیف داده شده باشد و تغییر و انعطافی ایجاد شده باشد . اینهاست که مرا نگران می کند . به خاطر جایگاهی که برای تربیت دینی قائلم و اینجاست که شاید برای ۴۰ سال آینده هم به این نتیجه برسیم که باز هم همان است یعنی نتوانستیم در حوزه تربیت دینی به عنوان یک فقره مهم تربیت یافتگی از منظر تربیت اسلامی ارزش افزوده ای در جامعه ایجاد کرده باشیم و باید یک فکری به حال این مساله کنیم.

چه فکری باید بکنیم ؟ اگرنظام آموزشی حاضر باشد از عملکرد ۴۰ سال گذشته خود در این زمینه حسن استفاده کند ،

که در رویکردها بازنگری شود ، اتفاق مبارکی است . اما اگر واقعا چنین اتفاقی نمی تواند بیفتد و اگر نمی توانیم تربیت دینی را به مسیر لااکراه فی الدین قد تبین رشد من الغی ، و ادعوا الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه ، و فبشر عباد ... . هدایت کنیم ، به اصطلاح تجارب یادگیری اثربخش تر و لذتبخش تری در حوزه دینی به همراه بیاوریم ، باید به یکی از راه هایی که عرض می کنم ، فکر کنیم.

* از فضیلت تربیت نکردن ، تا معجزه تربیت غیر مستقیم

یکی از این راه ها این است که به قول یکی از اندیشمندان تربیتی که اخیرا کتابی به نام « در فضیلت تربیت نکردن » منتشر کرده است . واقعا تربیت نکردن در این حوزه را یک فضیلت بشماریم یعنی نظام رسمی تعلیم و تربیت به عنوان یک فضیلت به دست کشیدن از این نوع تربیت دینی نگاه کند ؛ و ما تعلیم و تربیت دینی را به نهادهای مدنی ، غیررسمی و خانواده ها و رسانه و امثال اینها واگذار کنیم.

این یک راه حل است و راه حل دیگر این است که بیاییم از وضعیت تجویزی تعلیم و تربیت دینی ، به عنوان یک فقره از فقرات تجویزی نظام آموزشی به وضعیت نیمه تجویزی و غیرتجویزی منتقل کنیم . یعنی داوطلبانه و انتخابی کنیم ، و تبدیل به یک درس اختیاری کنیم ، تا واقعا آن خانواده هائی که مایل هستند سیستم آموزشی این زمینه را به نیابت آنها پوشش دهد ، و با این کاری که نظام آموزشی انجام می دهد ، موافق هستند ، به استفاده از این خدمات روی بیاورند .

یک راه حل سومی هم وجود دارد که ما از معجزه تعلیم و تربیت غیرمستقیم بهره بگیریم . یعنی شما به سراغ قالب های بسیار اثربخش تر تربیتی تر بروید که از جمله تعلیم و تربیت غیرمستقیم است . یعنی اندیشه های دینی را در لابه لای درس های دیگر ، کتاب های درسی دیگر و یا حوزه های یادگیری دیگر مثل فارسی ، اجتماعی و هنر ببریم.

دروس دیگر هم ممکن است در این زمینه کم و بیش این ظرفیت را داشته باشند ؛ این معجزه تعلیم و تربیت غیرمستقیم است ، که گرچه یک حوزه یادگیری مستقلی را شاهد نیستیم ، در عین حال ، اهداف تربیت دینی را در چارچوب اتفاقاتی که در متن و بطن دروسی که عنوان دینی و تربیت دینی ندارند ، به عنوان کارکردهای ثانویه این دروس یا کارکردهای ویژه آنها دیده شده ، و در طراحی های آموزشی به این ترتیب به اهداف تربیت دینی جامعه عمل بپوشانیم.

* در مورد بحث تربیت دینی و نکاتی که مطرح فرمودید ، سوالات ، ابهامات ، و نکات متعدد و پیچیده ای وجود دارد . اینکه باید بین طرح مسائل معرفتی و شناختی ، عرضه قرآن ، تبیین شریعت و احکام ، و مسائل اجتماعی در جامعه اسلامی ، تفاوت قائل شویم ؛ که با توجه به حجم مباحث این جلسه ، ان شا الله در فرصت دیگری باید به آن بپردازیم.

یک بحث که در جلسه قبل مطرح کردیم اگر کسی بخواهد یک حرکت با ثبات تحولی را شروع کند ، دائماً نگران آن است که یک تغییر مدیریتی اتفاق بیفتد . همانطور که شما در سند تحول اشاره کردید که در روند تصویب و اجرای سند تحول ، تغییرات متعدد وزرا روی داد . به همین دلیل مدیران سراغ کارهای تدریجی و عمیقی که نیازمند زمان است ، نمی روند ، و به کارهای زودبازده که تا قبل از عوض شدنشان بتوانند اثراتی را نشان دهد ، سوق پیدا می کنند . چه پیشنهادی برای مستقل شدن مسؤولان وزارت آموزش و پرورش از تغییر و تحولات سیاسی ، و یافتن ثبات درحرکات تحولی در این حوزه دارید ؟ آیا می توان ساختار یا بافتی را داشت که تصمیمات ، چه در سطح راهبردی و چه عملیاتی ، به صورت کارشناسی اتفاق بیفتد ، و برنامه های وزارت بر اساس آن تعریف شود ، و الزاما وزیری که انتخاب می شود ، و جریان تعلیم و تربیت را دنبال می کند ، به سادگی نتواند این جریان تحول را متوقف کرده ، و در روند آن تغییر اساسی بدهد ؟

به نظرم به درستی شما دو موضوع را از هم تفکیک کردید ؛ تغییر وزیر و دیگری تغییر سیاست ها بعد از تغییر وزیر . از تغییر وزیر گریزی نیست و دولت ها می آیند و می روند و بالاخره بر اساس رأی رئیس جمهور و رأی اعتماد نمایندگان ، وزرا تغییر می کنند . و حتی با استیضاح ، وزرا تغییر می کنند . البته در این زمینه ما نگرانی داریم . یعنی این نیست که واقعا این اتفاقات موجب نگرانی نباشد . حقیقتا باید هم رؤسای جمهور و هم نمایندگان مجلس را به خویشتن داری بیشتر دعوت کنیم . خویشتن داری بیشتر در ایفای آن وظیفه نظارتی و اینکه ملی تر به مسأله آموزش و پرورش نگاه کنند ، و به محض اینکه اتفاقی در حوزه انتخابیه خودشان می افتد پای وزیر را به مجلس ، سؤال و استیضاح باز نکنند ، و انرژی های مدیریت وزارتخانه را صرف پاسخگویی به این موارد و موضوعات نکنند.اما مسأله اساسی تر این است که به هرحال تغییر مدیریت عالی و وزیر گریز ناپذیر است.

آیا در سیاست ها می توانیم ثباتی را ایجاد کنیم ، که این سیاست ها سمت و سوی تحولی خود را حفظ کند ؟ که به نظر من ، دغدغه مهم تری است . همین الان هم نهادی به نام شورای عالی آموزش و پرورش داریم ، که فرض بر این است که این شورا به لحاظ جایگاهش یک چنین وظیفه ای به عهده دارد ، و باید سیاست های آموزش و پرورش در راستای قوانین موضوعه آنجا تصویب شود . منتها اگر قرار است اتفاقات اساسی در آموزش و پرورش ، بیفتد اول در

شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شود ، و سپس اگر نیاز است در مجلس شورای اسلامی تبدیل به قانون شود.
* ثبات تحول در واگذاری تصمیم گیری به شورای عالی آموزش و پرورش
وزیر در شورای عالی آموزش و پرورش نایب رئیس است ، و رئیس آن ، رئیس جمهور است . حالا چون رئیس جمهورها متأسفانه عملا در جلسات شورای عالی آموزش و پرورش شرکت نمی کنند ، وزیر مسؤولیت اداره جلسات را به عهده دارد ؛ اما البته با وصف اینکه وزیر یک تن است ، در برابر بیست و چند تن دیگر که مجموعه اعضای شورای عالی آموزش و پرورش را تشکیل می دهند . من فکر می کنم تقویت شورای عالی آموزش و پرورش و خصوصا اهتمام رؤسای جمهور به این شورا ، و پذیرش نقش و مسؤولیتی که قانون به عهده آنها در این شورا گذاشته است ، می تواند تا حدود زیادی از نگرانی مبنی بر تغییر سیاست ها به واسطه تغییر وزرا و مدیران جلوگیری کند ، و آن ثبات و طمأنینه لازم در حرکت آموزش و پرورش به سمت اهداف تحولی را ایجاد کند.
خود سند تحول هم در واقع یکی از اهدافش همین بود ، که به عنوان سند بالادستی در سیاست ها ثبات ایجاد شود ، و ناظر به تحول در ۲۰ سال آینده است . قرار بود سند تحول مبنایی باشد که وزرا طی ۲۰ سال آینده با التزام به مضامین سند تحول ، پا به عرصه خدمت و پذیرش مسؤولیت بگذارند . خب به هرحال این اتفاق نیفتاده است . در سند تحول باز یک شورایی برتر از شورای کنونی آموزش و پرورش هم دیده شده بود ، و جزو پیشنهادات بود ، که گمان می کنم جزو مواردی است که حذف شده است . در واقع شورای عالی تربیت پیش بینی شده بود که با ترکیبی در سطح رهبری نظام کار سیاست گذاری و نظارت بر امور آموزش و پرورش را دنبال کند ، که در یک سطح پایین تر آن ، شورای عالی آموزش و پرورش کنونی است.
ما الان شورای عالی آموزش و پرورش را داریم ، و باید از ظرفیت آن استفاده شود . خصوصا شخص رئیس جمهور در هر دوره ای اعتنای ویژه ای به شورای عالی آموزش و پرورش کند . شورای عالی آموزش و پرورش نباید هیچ دست کمی از شورای عالی اقتصاد ، و شوراهای عالی دیگر داشته باشد ؛ و این خوب نیست که یک دوره ریاست جمهوری بیاید و بگذرد و رئیس جمهور حتی در یک جلسه شورای عالی آموزش و پرورش شرکت نکند.
* یک مقدار سراغ دانشگاه فرهنگیان برویم . آن زمان که مدیریت دانشگاه فرهنگیان را به عهده داشتید ، با دیدگاه تحولی در تعلیم و تربیت و تربیت معلم ورود کردید و مباحثی مثل استاد ـ شاگردی را مطرح کردید . چقدر خودتان را در اجرای این دیدگاه های تحولی در دانشگاه موفق ارزیابی می کنید ؟ و چالش های در برابر تحقق این خواسته های شما چه بود ؟ چقدر دانشگاه فرهنگیان در وزارتخانه ، باور شده است و اصلا نسبت دانشگاه های علوم تربیتی و فرهنگیان با آموزش و پرورش چیست ؟ اینکه نیروی مناسب آموزش و پرورش را باید تأمین کند و پشتیبانی فکری دهد ، چقدر در دانشگاه فرهنگیان و در بطن وزارتخانه این تحول اتفاق می افتاد ؟ و دانشگاه نسبت واقعی با مسائل تعلیم و تربیت داشته است ؟ تعامل این مسأله با بحث سازمان پژوهش و نیز پژوهشکده تعلیم و تربیت و دانشگاه فرهنگیان چگونه بوده است ؟
در دوره ای که توفیق داشته و مسؤولیت دانشگاه فرهنگیان را بر عهده داشتم تأکید داشتم که باید به تربیت معلم به عنوان یک مأموریت ملی و فرابخشی نگاه کرد . دانشگاه فرهنگیان و وزارت آموزش و پرورش هیچوقت نمی توانند به تنهایی به این مأموریت فرابخشی و ملی پاسخ دهند ، و نیازمند یک تقسیم کار ملی است.
تحول در حوزه تربیت معلم با تحول در کل آموزش و پرورش برابری می کند ! و همانطور که آموزش و پرورش یک مسؤولیت خطیر ملی است ، و باید همه مشارکت کنند و مسؤولیت بپذیرند ، در حوزه تربیت معلم هم همینطور است.
اینکه واقعا دستگاه ها و بخش های دیگر حاکمیت نظیر مجلس ، شورای عالی انقلاب فرهنگی ، دستگاه های دولتی ذیربط مانند وزارت علوم و وزارت ارشاد ، نهادهای زیر مجموعه رهبری که می توانند مساعدت کنند و معین این جریان باشند ، چه می کنند و وظیفه و مسؤولیت خود را در قبال تربیت معلم به درستی انجام می دهند یا نمی دهند ، قابل بحث ، بررسی و ارزیابی است . به نظر من تا یک هم افزایی اینچنینی را شاهد نباشیم ، و همه نگاه ها به این باشد که مدیریت دانشگاه فرهنگیان چه می کند و از عهده این رسالت سنگین که بر عهده اش گذاشته شده است ، برمی آید یا نمی آید ، نمی توانیم شاهد تحقق آن انتظاراتی باشیم که می خواستیم از قِبل تأسیس دانشگاه فرهنگیان در نظام آموزش وپرورش اتفاق بیفتد . یعنی تربیت معلمان بسیار باکیفیت تراز سند تحول و واقعا مجری و عامل تحول . پرورش این ظرفیت ها نیازمند یک تشریک مساعی و هم افزایی ملی در سطح جدی است.
* برابری تحول در تربیت معلم ، با تحول در کل آموزش و پرورش
از این نکته کلی که بگذریم بالاخره مدیریت دانشگاه فرهنگیان هم در هر زمان مسؤولیت ویژه برای محقق کردن این آرمان ، یعنی تربیت معلمان واجد آن صلاحیت ها و کیفیت ها را دارد . می خواهم از فرصت استفاده کنم و عرض کنم در دوره ای که در دانشگاه فرهنگیان مسؤولیت داشتم فکر می کنم استارت برخی کارهای خوب زده شد . مثلا

روزآمدسازی برنامه های درسی ؛ وقتی به دانشگاه فرهنگیان رفتیم مواجه شدیم که برنامه های درسی تربیت معلم خیلی کهنه و قدیمی بودند و تناسبی با تحولات تربیت معلم در جهان و آن انتظاراتی که سند تحول دارد ، نداشت و بنابراین باید برنامه ها کلا بازنگری می شد.خوشبختانه در یک فرایند نفس گیر این کار انجام شد . به ویژه در برنامه کارورزی که یکی از مؤلفه های مهم است ، و شاید از مهمترین مولفه برنامه های درسی است ، تغییر و تحولات جدی ایجاد شد . اما اجرای این تغییر و تحولات ، چون کارورزی باید در مدارس اتفاق بیفتد ، با محدودیت های جدی مواجه بود.

ما میزان دروس کارورزی یا نوبت های کارورزی را به طور محسوس افزایش دادیم ، چون فکر می کنیم همانطور که شما اشاره کردید تعلیم و تربیت در فرایند کوچینگ coaching اتفاق بیفتد ، و باید یک معلم زبده و خبره در مدرسه وجود داشته باشد ، تا در قالب برنامه های کارورزی دست معلم را بگیرد و او را راهبری و هدایت کند . این فرصت برای دانشگاه کمتر فراهم شد که از اقبال مدارس و معلمان راهنما در رابطه با موضوع کارورزی و برای اجرای برنامه کارورزی تحولی که ما پیش بینی کرده بودیم ، برخوردار شویم . ما در این زمینه مشکل داشتیم . البته وزیر وقت بخشنامه کرد ولی با بخشنامه هم کار به نتیجه مورد نظر نرسید.

کار دیگری که کردیم وارد کردن شیوه های جدید پذیرش و تربیت معلم بود ، که این هم یک تحولی بود که آن چیزی که موسوم به استفاده از ظرفیت ماده ۲۸ اساسنامه است . در کنار آن چیزی که در اساسنامه دانشگاه به عنوان روش پذیرش دانشجو و تربیت معلم تصریح شده بود که از کنکور برای دوره ۴ ساله بگیریم ، بالاخره برای پاسخ دادن به نیازهای آموزش و پرورش که تعداد معلمان مورد نیازش بسیار بیشتر از چیزی بود که ظرفیت داشتیم تا از طریق دوره ۴ ساله بپذیریم ، و همچنین عنایت به ظرفیت های بالقوه خارج از دانشگاه فرهنگیان که عبارت بود از فارغ التحصیلان رشته های مختلف که در جامعه حضور داشتند ، و می توانستیم آنها را به سمت حرفه معلمی هدایت کنیم ، و ماده ۲۸ یعنی استفاده از این ظرفیت در راستای پاسخ دادن به نیازهای آموزش و پرورش . این کار اتفاق افتاد و دوره های یکساله برای فارغ التحصیلان رشته های مختلف دانشگاهها تعریف شد و از طریق آزمون استخدامی به شدت رقابتی که برگزار شد ، به هرحال وارد کردن شیوه های جدید پذیرش و تربیت معلم در آن دوره اتفاق افتاد ، و هم اکنون هم ادامه دارد.

همچنین تبیین رویکرد پژوهشی ویژه و منحصر به فرد ، منطبق با مأموریت دانشگاه فرهنگیان ؛ ما فکر می کنیم دانشگاه فرهنگیان یک مأموریت پژوهشی ویژه دارد که آن هم از نوع مأموریت تولید دانش میان رشته ای آموزش رشته های مختلف است ، که در ایران بسیار مغفول است . مانند دانش آموزش ریاضی ، فیزیک ، هنر ، ادبیات و ...

* نگاه میان رشته ای در آموزش پژوهی در تربیت معلم

قرار شد این مأموریت ویژه دانشگاه فرهنگیان ، در حوزه پژوهش و حوزه دانش باشد . در این زمینه مجلات مختلف آموزش فیزیک ، آموزش زبان را هم تاسیس کردیم . آموزش پژوهی رشته های مختلف را برای اساتید هم تبیین کردیم که کسی که عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان می شود ، حوزه پژوهشی او دیسیپلینی نیست ، بلکه حوزه اینتر دیسیپلینری آموزش رشته خودش است . این را سعی کردیم جا بیندازیم ، و الحمدالله الان هم دنبال می شود . واضح است تولید این دانش فقط به درد دانشگاه فرهنگیان هم نمی خورد ؛ بلکه دانشگاه فرهنگیان می تواند این نوع دانش را ، که در دانشگاه های دیگر هم در حاشیه است ، و فقدانش احساس می شود ، در اختیارشان قرار دهد . بنابراین دانشگاه فرهنگیان می توانست نقش اینچنینی در حوزه راهبری پژوهش در آموزش عالی را نیز بدست آورد . راه اندازی دوره های کارشناسی ارشد در رشته های معلمی اتفاق افتاد ، که یک ظرفیت چند هزار نفره را از ظرفیت خودش به اجرای دوره دو ساله کارشناس ارشد تربیت معلم ، از بین معلمان شاغل اختصاص داد . توسعه چشمگیر فعالیت های فرهنگی در آن زمان ، با یک نگاه متفاوت منطبق با آنچه که در سند تحول داریم ، اتفاق افتاد.

نظام ارزیابی کیفیت و اجرای طرح آزمون تعیین صلاحیت حرفه ای دانش آموختگان ، ابداع شد که اسمش آزمون اصلح (ارزیابی صلاحیت حرفه ای معلمان) گذاشته شد . این را برای تضمین کیفیت ورودی های آموزش و پرورش پیشنهاد کردیم ، و گفتیم خروجی های دانشگاه فرهنگیان تا قبل از اینکه در این آزمون صلاحیت حرفه ای ، صلاحیت هایشان احراز نشود ، گرچه ممکن است مدرک داشته باشند ، اما نباید به استخدام آموزش و پرورش درآیند . در واقع فیلتری بود که سبب شد انگیزه های تلاش در دوره تربیت معلم را مضاعف کند . گرچه برگزاری این آزمون برای ورودی های کنکور سراسری با مشکلات قانونی مواجه بود ، اما برای ورودی های از طریق ماده ۲۸ که قبلا اشاره کردم ، آزمون اصلح را برگزار کردیم.

همچنین توسعه زیرساخت های الکترونیک و سامانه های الکترونیک در دانشگاه ، تأسیس ساختار سازمان استانی برای دانشگاه فرهنگیان ، توسعه همکاری های بین المللی ، جذب هیأت علمی جدید ، ارتقای سطح مدیریت های صف و ستاد ، مجموعه ای از اتفاقات تحولی بود که فکر می کنم در دوره مدیریتم توفیق داشتیم که اینها را به دست همکارنمان

محقق کنیم.
* جاده ای در افق پیش رو ؛ فهرستی از کارهای ناتمام و انجام نشده
اما کارهای ناتمام فراوانی در دانشگاه فرهنگیان باقی مانده است که باید اتفاق بیفتد ؛ من وقتی عملکرد و کارنامه این دوره مدیریت خودمان را منتشر کردیم ، دوستان می گفتند که تابه حال این کارها در کارنامه های دیگر نیفتاده است . منتها نه تنها کارهای انجام شده را در آن کتاب آوردیم ، کتابی که اسمش روایت کیفیت یا همچنین چیزی بود . در آنجا فصلی دارم که به کارهای ناتمام و نیمه تمام اشاره کردم . و شاید یک فهرست ۵۰ ، ۶۰ فقره ای از کارهای زیادی که در دانشگاه فرهنگیان کماکان در راستای ارتقای کیفیت و تربیت معلمان با کیفیت باید انجام شود . مثل تأسیس مدارس وابسته به پردیس و موارد عدیده دیگری که همانطور که عرض کردم ، این را در کارنامه دوره مدیریت خودمان برای مدیریت بعدی به عنوان سرنخ هایی از کارهایی که به نظر می رسد باید اتفاق بیفتد ، به یادگار گذاشتیم . امید است بار دانشگاه فرهنگیان با توجه به فهرست کارهای انجام نگرفته ، به سرمنزل مقصود برسد . ولی توجه به اینکه تربیت معلم کار فرابخشی است ، و در ابتدای عرایضم اشاره کردم ، را نباید از نظر دور بداریم . دستگاه ها و بخش های مختلف حاکمیت باید بتوانند در این زمینه از خودشان نقش محسوس و ملموسی را به جا بگذارند.
* مدارس غیررسمی و تحصیل در خانه پدیده ای است که تعدادشان به صورت نمایی در حال افزایش است ، این پدیده را در معادلات تعلیم و تربیت چگونه ارزیابی می کنید ؟ و به نظر شما جامعه در حال انتخاب مسیر خودش است ؟ و ممکن است نظام رسمی ناگهان با این پدیده مواجه شود که جامعه مسیر دیگری را نسبت به مسیر اصلی خودش انتخاب کند ؟ جامعه ، نهادهای دینی و معرفتی ، و محیط کار ، چقدر به نظام تعلیم و تربیت برای پاسخگویی به نیازهای واقعی شان اعتماد دارند ؟ و چقدر احساس می کنند نظام رسمی برایشان مفید بوده و خواهد بود ؟ و اقدامات پیشنهادی و عملی شما برای اینکه نظام تعلیم و تربیت رسمی پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشد و جامعه احساس کند که این تعلیم و تربیت به دردش می خورد ، چیست ؟
اینکه می بینیم خانواده ها در خانه خودشان تربیت می کنند چون احساس می کنند که تعلیم و تربیت نیاز واقعی بچه را برآورده نمی کند . و اینکه مدرسه غیررسمی ایجاد می شود چون احساس می کنند که اتفاقات برای پاسخ دادن به نیاز واقعی در مدرسه معمولی روی نمی دهد . چکار باید کنند که این سه نهاد اجتماعی ، معرفتی و کار احساس کنند که نظام تعلیم و تربیت نیازشان را پاسخ می دهد ؟
هوم اسکولینگ به یک پدیده جدی تبدیل می شود البته به دلایل مختلف در جوامع مختلف روی می دهند حتی در هر جامعه ای هم والدین با انگیزه های مختلفی بچه های خود را از مدارس دولتی خارج می کنند و در منزل نگه می دارند.
البته فصل مشترک همه اینها این است که یک نوع نگرانی نسبت به مدرسه دولتی و پیامدهای مدرسه دولتی و نوع تربیتی که در مدرسه دولتی اتفاق می افتد ، دارند.
بعضی از این نگرانی ها در بین خانواده ها و جوامع مختلف ، راجع به تربیت دینی است . در بسیاری از جوامع غربی ، خانوادهای مذهبی از ورود بچه هایشان به مدرسه جلوگیری می کنند ، و بچه ها را در منزل نگه می دارند ؛ چون فکر می کنند در مدرسه رویکرد سکولار به باورهای دینی آنها آسیب می زند . در بعضی از جوامع بعضی از خانواده ها ، ملاحظاتشان علمی است و برخی ملاحظاتشان مربوط به جنبه های تربیتی ، روحی و روانی و در واقع نوع استرس و فشاری که مدرسه می تواند وارد کند . و در واقع خانه را به عنوان یک فضای آرامش بخش و دور از استرس ، برای اینکه کار یادگیری و آموزش بچه هایشان دنبال شود ، ترجیح می دهند.
می خواهم عرض کنم که ما با طیف وسیعی از انگیزه و عللی که خانواده ها به خاطر آنها به سمت استراتژی هوم اسکولینک می روند ، روبرو هستیم . به نظرم ما دو کار را باید انجام دهیم.
* جامعه مسیر خودش را می رود ، آ.پ . حداقل جای خودش را پیدا کند !
یکی اینکه این نگرانی ها را خوب بشناسیم و سعی کنیم به آنها پاسخ دهیم ؛ و اعتماد به مدارس دولتی را در سایه پاسخ دادن به آن نیازها ، بیشتر جلب کنیم . و به نظرم این باید استراتژی اصلی باشد ؛ و سازوکاری را پیدا کنیم که والدین مختلف با روحیات مختلف و با اولویت مختلف ، احساس کنند که بالاخره یک فضایی هست که بچه شان را به دست افرادی بسپارند ، و مدرسه ای است که می تواند پاسخگوی خواسته ها ، انتظارات و اولویت های آنها باشد ؛ و از این نظر رضایت آنها تأمین شود.
نکته دوم اینکه ، اگر یک چنین اتفاقی دور از دسترس است ، و به سرعت قابل دست یافتن نیست ، به نظرمن نگرانی اصلی باید به این سمت برود که ما یک نوع رسمیتی به هوم اسکولینگ ببخشیم ، و در سایه این رسمیت ، پای یک نوع نظارت به میان آید . و در واقع باید به شکلی بر اتفاقی که در خانه می افتد ، نظارت کرد . چون به هرحال اتفاق هوم اسکولینگ می تواند یک اتفاق کاملا سازنده ، و در عین حال اتفاق کاملا ناصوابی باشد ، و آثار سو تربیتی و آثاری که

موجب پشیمانی خود والدین در آینده شود ، به همراه داشته باشد.
بنابراین اگر بشود ضمن به رسمیت شناختن هوم اسکولینگ ، آن را از اتفاق پنهانی و زیرزمینی ، به یک اتفاق قانونی تبدیل کنیم ، و بتوانیم با سازو کارهایی که تعریف می کنیم یک نوع نظارت بر این فرایندها داشته باشیم به نظرم کاری است که می تواند حتی در بازه زمانی کوتاه تری نسبت به پیشنهاد اول به مورد اجرا گذاشته شود و وضعیت را از این حالت نگران کننده کنونی خارج کند.
انتهای پیام /

خبرگزاری رسا
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۶:۰۳

پژوهش از عوامل مؤثر پیشرفت جامعه است

سرپرست حوزه علمیه لرستان به نقش پژوهش در رفع مشکلات و نیازهای جامعه اشاره کرد و گفت : این مهم سبب رشد و پیشرفت جامعه می شود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا در خرم آباد ، حجت الاسلام سید محمد باقر موسوی ، سرپرست حوزه علمیه لرستان ، ظهر امروز در اختتامیه سومین دوره استانی جشنواره علامه حلی در دانشگاه فرهنگیان خرم آباد ، گفت : برگزاری این جشنواره فرصتی برای تقویت و ارتقای فعالیت پژوهشی طلاب است.
وی با اشاره به رقابت سالم طلاب در جشنواره علامه حلی افزود : مهم ترین اولویت حوزه علمیه تربیت طلبه پژوهش محور است.
سرپرست حوزه علمیه لرستان با اشاره به اینکه پژوهش در رأس فعالیت های دینی و حوزوی است ، خاطرنشان کرد : پژوهش اساس فعالیت های علمی و تبلیغی طلاب و روحانیان است.
وی به نقش انجام فعالیت های پژوهشی در رفع نیازهای حوزه اشاره کرد و افزود : انجام این فعالیت ها در رفع نیازها و مشکلات جامعه نقش آفرین است.
حجت الاسلام موسوی با اشاره به آثار و برکات فعالیت های پژوهشی در جامعه اظهار داشت : فعالیت پژوهشی اثرگذار طلاب باید به صورت کتاب چاپ شود و در اختیار دیگر طلبه ها قرار گیرد و برای طلاب درس آموز شود.
وی خاطرنشان کرد : پژوهش در کاهش خطاهای انسانی مؤثر بوده و موجب رشد و پیشرفت در جامعه می شود و در پویایی علوم دینی نقش آفرین است. / ۹۴۵۱ / ت۳۱۰ / ب۱

خبرگزاری دانشجو
SNN Student News Network

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۶:۰۹

نامزد های انتخابی کهگیلویه و بویراحمد برنامه های خود را برای ورود به مجلس ارائه کنند

بسیج دانشجویی پردیس کوثر دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویر احمد در بیانیه‌ای از نامزدهای انتخاب کهگیلویه و بویراحمد در مجلس خواستار ارائه برنامه‌های خود در مجلس شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجو، بسیج دانشجویی پردیس کوثر دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویر احمد در بیانیه‌ای از نامزدهای انتخاب کهگیلویه و بویر احمد درمجلس خواستارارائه برنامه‌های خود در مجلس شد.

متن بیانیه به شرح زیر است:

نامزدهای نمایندگی مردم استان کهگیلویه و بویر احمد در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم
با صلوات بر محمد و آل محمد (ص)؛ همان طور که مستحضرید پیشرفت و ابادانی هر سرزمین در گرو داشتن سرمایه انسانی متخصص اگاه و دلسوز است که لازمه تامین این سرمایه با کیفیت تمسک به یک زیرساخت مستحکم همچون آموزش و پرورش است.

بر کسی پوشیده نیست این دستگاه و در رأسش؛ معلم است که میتواند زمینه توسعه پایدار یا توقف و عقبگرد را در یک جامعه فراهم آورد. معلم است که میتواند نیرویی فعال، اگاه، عاقل و متفکر تحویل جامعه دهد یا منفعل و بی تفاوت، چرا که اولین سنگ بناهای شخصیت فکری موجود بشری در جامعه به دست او گذارده می‌شود.

حال با نظر به جایگاه شما در صورت ورود به مجلس و شان قانون گذاری و نظارتی این قوه بر مسائل کلان اموزش و پرورش و لزوم پرهیز از نگاه‌های سطحی همچنین نهادینه کردن برخوردهای علمی و کارشناسی شده با این مسائل.

از شما به عنوان نماینده احتمالی مردم استان کهگیلویه و بویر احمد در خواست داریم نظر خود در مورد مسایلی که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، همچنین برنامه‌های خود در خصوص مسائل مذکور را در جلسات تبلیغاتی عمومی و رسمی خود به تفصیل ارائه نموده یا به صورت مکتوب برای دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس کوثر ارسال کنید.قطعا عنایت و توجه جنابعالی به این موضوع امید جامعه فرهنگی استان به شما را بیش از پیش تقویت خواهد کرد.

روند تحقق پذیری سند تحول رابه عنوان مهم‌ترین سند ملی آموزش و پرورش تا کنون چگونه ارزیابی می‌کنید و برنامه ۴ سال اینده شما جهت اجرای موفق آن چیست؟

همان طور که میدانید مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرجع تامین نیروی انسانی اموزش و پرورش دانشگاه فرهنگیان است.

شما در صورت راهیابی به مجلس شورای اسلامی چه برنامه‌ای جهت ارتقای سطح کیفی و کمی این دانشگاه دارید؟

و اساسا شأن این دانشگاه و دانشجویان آن در نگاه شما.

نیزبرخورد شما با ایشان در صورت ورود به مجلس چگونه خواهد بود؟

یکی از رایج‌ترین مسائل در بین قشر فرهنگیان بودجه آموزش و پرورش و کسری سالانه آن است.

به نظر شما نوع نگاه سیاستمداران به این دستگاه تا چه اندازه در این امر دخیل بوده

و برنامه جنابعالی برای چگونگی مواجهه با این مسئله چه خواهد بود؟

یکی از مباحث پر رونق این روزهای جامعه ما خصوصی سازی در عرصه‌های مختلف از جمله اموزش و پرورش و به تبع آن رشد مدارس غیر انتفاعی، خرید خدمات اموزشی و ... است.

نظر شما راجع به خصوصی سازی در این عرصه چیست و تا چه حد میتواند برای این وزارت خانه راه گشا باشد؟

۵به نظر شما مسئله عدالت اموزشی در حال حاضر چه در سطح استانی و چه در سطح ملی در چه وضعیتی است و برنامه شما در این حوزه چیست؟

نظرتان در خصوص طرح رتبه بندی معلمان چیست و تا چه حد خود را ملزم به پیگیری آن میدانید؟

مدارس مناطق دور از مرکز و شهرستان‌های استان متاسفانه هم‌چنان در وضعیت نامطلوبی و دور از شأن خود به سر می‌برند، جنابعالی تا چه حد خود را متعهد به پیگیری آن میدانید؟

برنامه خود را جهت بهبود مشکلات و معضلات فرهنگی موجود در مدارس که نیازمند اهتمام جدی مسئولین از جمله نمایندگان استانی است، ارایه بفرمایید.

خبرگزاری شبستان
Shabestan News Agency
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۶:۱۵

تربیت طلبه پژوهش محور رسالت حوزه علمیه است

حجت الاسلام موسوی ، به اهمیت و ضرورت توجه به پژوهش اشاره کرد و گفت : تربیت طلبه پژوهش محور رسالت مهم حوزه علمیه است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری شبستان از خرم آباد ، حجت الاسلام « سید محمد باقر موسوی » ، امروز (۲۶ بهمن) در اختتامیه سومین دوره استانی جشنواره علامه حلی در دانشگاه فرهنگیان خرم آباد ، افزود : حوزه علمیه از دیرباز مهد پویایی فکر و اندیشه و تولید علم بوده است.

سرپرست حوزه علمیه استان لرستان تربیت طلبه پژوهش محور را رسالت مهم حوزه علمیه خواند و اظهار داشت : فعالیت پژوهشی طلاب در رفع مشکلات جامعه مؤثر است.

وی در ادامه افزود : پژوهش یک اصل اساسی در ترویج وپویایی علوم دینی و حوزوی است.

حجت الاسلام موسوی به آمار ارسالی مقالات پژوهشی طلاب به دبیرخانه جشنواره علامه حلی اشاره کرد و اذعان داشت : این مهم نمایانگر تحرک و پویایی طلاب در عرصه پژوهش است.

وی تأکید کرد : طلاب باید با بهره گیری از دانش اساتید مشاور و متخصص به خلق آثار پژوهشی متناسب با نیاز جامعه گام بردارند.
پایان پیام / ۶۶۶

خبرگزاری شبستان
Shabestan News Agency

تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۶:۲۴

۵۰ اثر پژوهشی طلاب در جشنواره علامه حلی برتر اعلام شد

حجت الاسلام پنام ، با اشاره به ارسال ۵۸۰ اثر پژوهشی به دبیرخلانه جشنواره استانی علامه حلی ، گفت : از این تعداد ۵۰ اثر برتر معرفی شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری شبستان از خرم آباد ، حجت الاسلام « کامران پنام » ، امروز (۲۶ بهمن ماه) در اختتامیه سومین دوره جشنواره استانی علامه حلی (ره) استان لرستان در دانشگاه فرهنگیان استان افزود : ۵۸۰ اثر پژوهشی از سوی طلاب حوزه علمیه خواهران و برادران استان به دبیرخانه جشنواره ارسال شده است.

معاون پژوهش حوزه علمیه لرستان خاطرنشان کرد : ۵۰ اثر پس از بررسی اجتمالی و تفصیلی برتر اعلام شده که امروز مورد تجلیل قرار می گیرند.

وی با بیان اینکه بیشترین آثار ارسالی با موضوع علوم قرآنی بوده است ، گفت : مدارس علمیه خواهران الیگودرز ، نورآباد ، الشتر و معصومیه (س) خرم آباد و مدارس علمیه برادران شهرستان های کوهدشت و ولیعصر (عج) بروجرد و مدرسه علمیه صادقیه خرم آباد بیشترین آثار را ارسال کرده اند.

حجت الاسلام پنام به برگزاری جشنواره علامه حلی در مرحله کشوری اشاره کرد و گفت : ۳۰ اثر از بین آثار برتر در مرحله استانی به دبیرخانه جشنواره علامه حلی در مرحله کشوری ارسال می شود.
پایان پیام / ۶۶۶

IRNA www.irna.ir Islamic Republic News Agency
خبرگزاری جمهوری اسلامی
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۷:۳۵

ایران پیام آور صلح و دوستی است

گناوه - ایرنا - سرپرست دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری بوشهر گفت : ایران اسلامی کشوری امن است که از دیرباز تاکنون پیام آور صلح و دوستی در سراسر جهان بوده است.

محمد مظفری روز شنبه در دیدار با گردشگران خارجی گروه پیام آوران صلح و دستی در بندر گناوه افزود : خرسند و خوشحال هستیم که میزبان گروهی از شهروندان کشورهایی هستیم که با پیام صلح و دوستی در ایران و استان بوشهر حضور یافته اند.
وی اظهار کرد : حضور گروه پیام آوران دوستی همزمان با میلاد مبارک حضرت زهرا (س) فرصت مناسبی است تا این گروه با شخصیت والا و اندیشه های این بانوی بزرگوار آشنا شوند.
سرپرست دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری بوشهر گفت : زنان این سرزمین با تاسی از اندیشه های بانوی دوعالم در بیشتر حوزه های اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی کشور حضور فعال دارند.
رئیس دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر گفت : استان بوشهر و به خصوص بندر گناوه از مناطق مهم در حوزه های اجتماعی و فرهنگی ایران است و با دارابودن این قابلیت ها آماده همکاری با فعالان اجتماعی در سراسر دنیاست.
اکبر مولایی افزود : گسترش فضاهای آموزش عالی و دانشگاه ها در استان بوشهر نشانگر توسعه اجتماعی و فرهنگی این دیار است و جامعه دانشگاهی استان آماده هر نوع همکاری در حوزه همبستگی بین ملت و استقرار فضای صلح دوستی در دنیاست.
راجا گوپال مدیر گروه جای جاگت با تقدیر از میهمان نوازی مردم خونگرم و هنرمندان ، فعالان اجتماعی و مسئولان استان بوشهر و شهر گناوه گفت : این گروه گردشگری متشکل از ۵۰ نفر است که با هدف گسترش صلح دوستی در دنیا پیاده روی خود را آغاز کرده که از این مجموع ۹ نفر در ایران حضور پیدا کردند.
وی افزود : این گروه به برخی از شهرهای ایران و دیگر کشورهای منطقه سفر و پس از پایان پیاده روی در مقر ژنو پیام صلح و دوستی و عدالت و دوری ازخشونت مردم دنیا را به گوش همه دنیا می رساند.
راجا گوپال حضور زنان استان بوشهر را در فعالیت های اجتماعی بسیار عالی توصیف کرد و گفت : پیش از سفر به ایران تصویر دیگری از حضور زنان در جامعه داشتم اما امروز با حضور در بین بانوان گناوه ای متوجه نقش مهم این گروه از جمعیت در اداره این کشور بزرگ شدم.
گروه پیام آوران صلح جهانی (جای جایگت) شامل چهار توریست هندی و فرانسوی است که با شعار " زمین برای همه ، صلح برای همه " در استان بوشهر به دعوت سازمان مردم نهاد نیمدری سبز در شهر گناوه حضور یافتند و ضمن دیدار با هنرمندان و نویسندگان این شهرستان در افتتاحیه جشنواره مادرانه شرکت و از نزدیک با فرهنگ استان بوشهر آشنا شدند.
شهرستان گناوه در شمال استان بوشهر واقع است.

خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی آنا
Azad News Agency (ANA)
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۱۸:۵۴

مطالبه گری تخصصی بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان از کاندیداهای مجلس

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس رسالت زاهدان با صدور نامه ای به کاندیداهای مجلس شورای اسلامی ، مطالبه گری تخصصی خود را از نمایندگان مجلس به آنان گوشزد کردند.

به گزارش خبرنگار حوزه تشکل های دانشگاهی گروه دانشگاه خبرگزاری آنا ، بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس رسالت زاهدان با صدور نامه ای به کاندیداهای مجلس شورای اسلامی ، مطالبه گری تخصصی خود را از نمایندگان مجلس به آنان گوشزد کردند.
متن این نامه به شرح زیر است :
بسمه تعالی
مسئله فرهنگ ، تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش ، مسئله اول در نظام ماست (مقام معظم رهبری)
کاندیداهای محترم یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان سیستان وبلوچستان
سلام علیکم
با صلوات بر محمد و آل محمد (ص) ؛ با درود به ارواح پاک شهدای معلم ، نیک مستحضرید که آموزش و پرورش سنگ بنای آینده کشور است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان سراسر کشور ۱۲ / ۲ / ۱۳۸۵)
و آینده کشور عزیزمان ، به امروزِ آن وابسته است . با توجه به منویات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب مبنی بر اینکه « اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده ایم ، مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است . این ها ثروت عظیمی برای کشور است که با هیچ اندوخته ای قابل مقایسه نیست » و در این میان نقش تأثیر گذار معلّم در ساخت آینده این سرزمین ، در اثرگذاری فکری و روحِی مخاطبی که کودک امروز ما و مرد و زن آینده ما است ، نظیر ندارد و ثروت اصلی برای هر ملتی ، نیروی انسانی است.
بدون تردید رشد و توسعه پایدار یک کشور به تربیت انسان های آگاه ، متعهد و متخصص بستگی دارد و پیشرفت همه جانبه ، مرهون توسعه سرمایه انسانی است ، از این رو اهتمام به آموزش وپرورش را می توان وظیفه کل جامعه و آحاد مردم دانست . « دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور است روی دیگر دانایی ، توانایی است . دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت ۲۰۰ ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان های اعتقادی و اخلاقی ، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم ، اختیار سیاست و اقتصاد آن ها را به دست گیرد » (منویات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب)
لذا با عنایت به جایگاه مهم مجلس شورای اسلامی در قانون گذاری و سیاست گذاری در حوزه نظام آموزش وپرورش ، از وظایف نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، نگاهی عالمانه ، کارشناسی شده و بابرنامه ، نسبت به تعلیم و تربیت و مسائل آموزش وپرورش است . به همین منظور از کاندیداهای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی درخواست می شود پاسخ های خود را به سؤالات زیر که دربرگیرنده نگاه و نظر شما کاندیداهاست ، مکتوب ارسال کرده و یا با تشکیل جلسه ای حضوری در فضای صمیمی با اعضای بسیج دانشجویی و فعالین دانشجومعلم دانشگاه فرهنگیان ، به سؤالات پاسخ دهید :
مسائل ملی :
- باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری :
سند تحول بنیادین یک ریل گذاری درخصوص نظام آموزش وپرورش که می تواند آموزش و پرورش را به سرمنزل و مقصود برساند . هنوز بسیاری از بنیان ها به همان حال سابق از جمله همین مسئله آموزش و پرورش موجود است . ما باید از تجربه های دنیا ، چه دنیای غرب ، چه دنیای شرق ؛ ملت های گوناگون ، حتما برای کیفیت بخشی به الگوی خودمان استفاده کنیم . نیاز ما به تحول ، از اینجاست . در واقع نظام آموزش وپرورش ما یک نظام غرب زده ، تقلیدی مبتنی بر باورها و مبانی پذیرفته در اروپا است (دیدار مقام معظم رهبری با معلمین ۱۱ / ۲ / ۱۳۹۸ و دیدار مقام معظم رهبری با وزیر ، معاونین و مدیران آموزش وپرورش سراسر کشور ۳ / ۵ / ۱۳۸۶)
۱) برای عملیاتی کردن سند تحول بنیادین آموزش وپرورش که به فرموده مقام معظم رهبری ، به عنوان یکی از سه

سند پایه سند چشم انداز ۱۴۰۴ کشور ، چه برنامه ای دارید ؟
- باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری :
دانشگاه فرهنگیان که مرکز ثقل نظام آموزش وپرورش است که باید برای توسعه کمی و کیفی آن هر آنچه که می توان سرمایه گذاری کرد. (دیدار مقام معظم رهبری با معلمین۱۹ / ۲ / ۱۳۹۷)
۲) برای توسعه کمی و کیفی دانشگاه فرهنگیان ، به تعبیر رهبرمعظم انقلاب ، نقطه ثقل نظام آموزش وپرورش ، چه اقداماتی را در نظر گرفته اید و نوع مواجهه در زمان نمایندگی جنابعالی با دانشگاه فرهنگیان و دانشجومعلمان چگونه خواهد بود ؟
- باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری :
این سرمایه گذاری است ؛ این بازده دارد ؛ این ارزش افزوده تولید می کند ؛ این یک خرج و هزینه صرف نیست ؛ این بایستی جزو مسائل درجه یک ما در مدیریت های دولتی و در تصمیم های دولتی باشد. (دیدار مقام معظم رهبری با معلمین ۱۶ / ۲ / ۱۳۹۴)
۳) از مسائل مهم دیگر ، مسئله اقتصاد آموزش وپرورش است و به تبع آن موضوع بودجه سالیانه آن است . مستحضرید که هرساله شاهد کسری قابل توجه بودجه در این دستگاه هستیم . شما دلیل اصلی این کسری را در چه می دانید و اگر خود را دغدغه مند تعلیم و تربیت نسل آینده می دانید برای این مهم چه برنامه ای دارید ؟
- باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری :
« تقویت شایستگی های حرفه ای و اعتقادی مدیران و معلمان و فراهم آوردن سازوکارهای اجرایی برای مشارکت فعال و مؤثر ایشان در برنامه تربیتی و فعالیت های پرورشی مدارس » که متأسفانه نیروهای خرید خدماتی از دارا بودن چنین صلاحیت هایی محروم اند. (سند تحول بنیادین ، راهکار۶ - ۸)
۴) موضع شما در باب خصوصی سازی در آموزش وپرورش و خرید خدمات آموزشی چیست و تا چه اندازه می تواند راه حلی برای برون رفت از مشکلات فعلی آموزش وپرورش باشد ؟
- باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری :
لزوم جهت گیری تعلیم و تربیت کشور به سمت برخورداری از تربیت عدالت پرور ، تربیت عدالت خواه و تربیت عدالت ساز. (دیدار مقام معظم رهبری با معلمین ۱۹ / ۲ / ۱۳۹۷)
۵) برنامه های خود را در تحقق عدالت آموزشی چه در سطح کلان جامعه و چه در حوزه انتخابی خود را ارائه بفرمایید.
- باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری :
استقرار نظام پرداخت ها براساس تخصص ، شایستگی ها و عملکرد رقابتی مبتنی بر نظام رتبه بندی حرفه ای معلمین بایستی شکل گیرد . (ابلاغ سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش وپرورش۱۰ / ۲ / ۱۳۹۲)
۶) نظرتان درباره رتبه بندی معلمین در نظام آموزش و پرورش چیست ؟ و خود را متعهد به آن می دانید ؟
مسائل استانی :
- باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری :
- یکی از چیزهایی که در این نقش جامع حتماً باید رعایت شود ، مسئله معلم است . . . اگر معلم دانا ، دلسوز ، اهل فکرو اهل ابتکار بود ، چنانچه کتاب ناقص هم باشد او مطلب را تکمیل می کند . پس معلم مهم است . محور ، معلم است . (دیدار مقام معظم رهبری با معلمین ۱۴ / ۲ / ۱۳۹۰)
۱) بر این مبنا کمبود حدود ۱۳ هزار نیروی انسانی مستعد و کارآمد که باعث افزایش نیروهای خرید خدماتی در حاشیه استان شده است و در نهایت باعث کاهش نیرو متخصص و ماهر در استان شده ، برنامه راهبردی شما در این خصوص چیست ؟ !
- نگاه غیر عدالت محور ، این است که ما در کشور مدارس پیشرفته مجهز به بهترین تجهیزات در یک جاهایی ، مدارس محروم کپری در یک مناطق کشور داشته باشیم ، معلم ممتاز برجسته برای تعدادی از مدارس و معلمین خسته یا کم سواد برای تعداد دیگری از مدارس داشته باشیم . این درست ضد نگاه عدالت محور است. (دیدار مقام معظم رهبری با معلمین ۱۲ / ۲ / ۱۳۸۵)
۲) وجود تبعیض و عدم عدالت آموزشی به طوری که دانش آموزان نقاط محروم استان از ابتدایی ترین حق تحصیل هم محروم هستند کمبود شدید فضای استاندارد و فضای آموزشی که ۷۰ درصد مدارس در مناطق خاش ، میرجاوه ، کورین و نصرت آباد با این مشکل مواجه هستند برنامه راهبردی شما در خصوص رفع تبعیض آموزشی استان چیست ؟
- راجع به مسئله دانشگاه فرهنگیان و مسئله تربیت معلم امروز مهم ترین نیاز آموزش وپرورش کشور ، معلم است . دانشگاه فرهنگیان و هر نقطه ای که تربیت معلم در آن صدق می کند بایستی هم کماً و کیفاً توسعه پیدا کند. (دیدار

مقام معظم رهبری با معلمین۱۹ / ۲ / ۱۳۹۷)
۳) مشکلات دانشگاه فرهنگیان استان امکانات کم خوابگاه ها و فضای آموزشی فرهنگیان ، برای مثال دانشگاه فرهنگیان چابهار که دانشجویان با حداقل امکانات آموزشی در آن به سر می برند . پیشنهاد ما برای بهبود اوضاع دانشگاه های فرهنگیان استان تأسیس دانشگاه جامع فرهنگیان در استان است ، برنامه راهبردی شما در این خصوص چیست ؟
انتهای پیام / ۴۱۱۸ /

خبرگزاری میزان Mizan Online News Agency
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۲۲:۰۰

ثبت نام تکمیل ظرفیت دانشگاه فرهنگیان از فردا آغاز می شود

جزئیات مرحله تکمیل ظرفیت دانشگاه فرهنگیان برای داوطلبان آزمون سراسری سال ۹۸ اعلام شد.

به گزارش خبرنگار گروه جامعه خبرگزاری میزان ، بر اساس اعلام سازمان سنجش آموزش کشور ، بنا به درخواست وزارت آموزش و پرورش برای تامین و تربیت بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز آموزشی خود ، با توجه به عدم تکمیل ظرفیت در پردیس های دانشگاه فرهنگیان استان های ایلام ، البرز ، بوشهر ، تهران ، سیستان و بلوچستان و خورستان ، مقرر شده است تکمیل ظرفیت در برخی کدرشته محل های مربوط به این استان ها برای تحصیل در پردیس های دانشگاه فرهنگیان انجام شود.

داوطلبان واجد شرایط در صورت داشتن نمره کل نهایی ۶۵۰۰ و بالاتر (با توجه به کارنامه نتایج علمی اولیه) می توانند از تاریخ ۹۸ / ۱۱ / ۲۷ تا ۹۸ / ۱۲ / ۰۱ نسبت به ثبت نام و تکمیل فرم انتخاب رشته (حداکثر ۲۰ کدرشته محل) در این مرحله از تکمیل ظرفیت اقدام کنند.

شیوه پذیرش و گزینش در مرحله تکمیل ظرفیت ، همانند رشته های متمرکز با شرایط خاص در آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ انجام خواهد شد.

پذیرفته شدگان آزمون سراسری در هر یک از کد رشته های تحصیلی دارای بورسیه یا شرایط خاص که به دستگاه های اجرایی تعهد خدمت دارند و همچنین پذیرفته شدگان رشته های تحصیلی دانشگاه های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی که متعهد خدمت وزارت آموزش و پرورش هستند مجاز ثبت نام و شرکت در گزینش رشته های تحصیلی این مرحله از تکمیل ظرفیت نیستند.

همچنین داوطلبانی که قبلاً در یکی از کد رشته محل های دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی به آموزش و پرورش معرفی شده اند ، ولی به علت موارد (پزشکی ، معدل و سن) واجد شرایط نبودند ، مجاز به ثبت نام و شرکت در مرحله (تکمیل ظرفیت) نیستند . از این گروه از داوطلبان در شهریور سال جاری به علت نداشتن شرایط ، مصاحبه اختصاصی به عمل نیامده است.

داوطلبانی که از آنان مصاحبه اختصاصی به عمل آمده و دلیل مردودی آنان ، فقط نداشتن حد نصاب لازم در مصاحبه اختصاصی بوده ، مجاز به انتخاب رشته مجدد در این مرحله (تکمیل ظرفیت) خواهند بود.

از معرفی شدگانی مصاحبه اختصاصی به عمل خواهد آمد که دارای کلیه شرایط و ضوابط اختصاصی رشته های مورد نیاز آموزش و پرورش ، کسب نمره علمی کل ۶۵۰۰ و بالاتر در زیرگروه گروه آزمایشی مربوط برای مجاز شدن برای انتخاب رشته ، داشتن حداقل معدل کل ۱۴ در دوره متوسطه ی دوم (معدل سه پایه اول ، دوم و سوم) ، برخورداری از سلامت کامل تن و روان و شرایط مناسب جسمانی برای حسن انجام وظیفه معلمی ، داشتن حداکثر سن ۲۲ سال تمام در بدو ورود به دانشگاه (۷۶ / ۰۷ / ۰۱ به بعد) و . . . باشند . در غیر این صورت انجام مصاحبه اختصاصی ، منتفی خواهد بود . براین اساس داوطلبانی که فاقد شرایط اختصاصی آموزش و پرورش بوده و بدون توجه به ضوابط اعلام شده اقدام به انتخاب رشته کنند از فرآیند مصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت های عمومی ، حذف خواهند شد . همچنین حداقل معدل و حداکثر سن ، تحت هر شرایطی تغییر نخواهد کرد.

معرفی داوطلب به آموزش وپرورش و متعاقب آن موفقیت در مصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت های عمومی ، به منزله قبولی نهایی فرد تلقی نمی شود ، بلکه داوطلبان باید علاوه برآن ، در گزینش نهائی که براساس ضوابط ، توسط سازمان سنجش آموزش کشور انجام می گیرد دارای نمره علمی نهایی در کد رشته محل مورد نظر نیز باشند.

تغییر رشته و گرایش ، تغییر محل تحصیل ، انتقال ، جابه جایی و تغییر اولویت انتخابی در بدو ورود و در طول تحصیل تحت هر شرایط مجاز نمی باشد.

بیشتر بخوانید :

سالانه هزار و ۵۰۰ میلیارد صرف تحصیل دانش آموزان خارجی می شود / جهش ۸۰ هزارنفری دانش آموزان اتباع در سال تحصیلی ۹۸ / تحصیل ۱۲۰ هزار دانش آموز خارجی در شهرستان های تهران

شروع به تحصیل پذیرفته شدگان نهایی این مرحله از تکمیل ظرفیت در اولین ترم ممکن (۹۹ / ۰۷ / ۰۱) خواهد بود.

بعد از اعلام نتایج تکمیل ظرفیت ، انصراف از رشته قبولی جدید جهت تحصیل در رشته قبلی ، امکان پذیر نخواهد بود ؛

لذا پذیرفته شدگان لازم است برای تکمیل فرم انتخاب رشته و شرکت در مراحل گزینش رشته های تحصیلی این مرحله دقت کافی مبذول دارند ، در غیر این صورت هیچگونه اعتراضی قابل قبول نخواهد بود.
چنانچه فردی با ارائه اطلاعات نادرست پذیرفته شود یا متعاقب آن مشخص شود که شرایط لازم را نداشته است در هر مرحله از ثبت نام ، تحصیل یا استخدام آزمایشی و قطعی ، قبولی او لغو می شود و حسب مورد ، مکلف به پرداخت خسارت های ناشی از آن خواهد بود.
انتهای پیام /

Parsine.com
پارسینه
تاریخ انتشار: شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ * ۲۲:۰۳

ثبت نام تکمیل ظرفیت دانشگاه فرهنگیان از فردا یکشنبه آغاز می شود

جزئیات مرحله تکمیل ظرفیت دانشگاه فرهنگیان برای داوطلبان آزمون سراسری سال ۹۸ اعلام شد.

بر اساس اعلام سازمان سنجش آموزش کشور ، بنا به درخواست وزارت آموزش و پرورش برای تامین و تربیت بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز آموزشی خود ، با توجه به عدم تکمیل ظرفیت در پردیس های دانشگاه فرهنگیان استان های ایلام ، البرز ، بوشهر ، تهران ، سیستان و بلوچستان و خورستان ، مقرر شده است تکمیل ظرفیت در برخی کدرشته محل های مربوط به این استان ها برای تحصیل در پردیس های دانشگاه فرهنگیان انجام شود.
داوطلبان واجد شرایط در صورت داشتن نمره کل نهایی ۶۵۰۰ و بالاتر (با توجه به کارنامه نتایج علمی اولیه) می توانند از تاریخ ۹۸ / ۱۱ / ۲۷ تا ۹۸ / ۱۲ / ۰۱ نسبت به ثبت نام و تکمیل فرم انتخاب رشته (حداکثر ۲۰ کدرشته محل) در این مرحله از تکمیل ظرفیت اقدام کنند.
شیوه پذیرش و گزینش در مرحله تکمیل ظرفیت ، همانند رشته های متمرکز با شرایط خاص در آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ انجام خواهد شد.
پذیرفته شدگان آزمون سراسری در هر یک از کد رشته های تحصیلی دارای بورسیه یا شرایط خاص که به دستگاه های اجرایی تعهد خدمت دارند و همچنین پذیرفته شدگان رشته های تحصیلی دانشگاه های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی که متعهد خدمت وزارت آموزش و پرورش هستند مجاز ثبت نام و شرکت در گزینش رشته های تحصیلی این مرحله از تکمیل ظرفیت نیستند.
همچنین داوطلبانی که قبلاً در یکی از کد رشته محل های دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی به آموزش و پرورش معرفی شده اند ، ولی به علت موارد (پزشکی ، معدل و سن) واجد شرایط نبودند ، مجاز به ثبت نام و شرکت در مرحله (تکمیل ظرفیت) نیستند . از این گروه از داوطلبان در شهریور سال جاری به علت نداشتن شرایط ، مصاحبه اختصاصی به عمل نیامده است.
داوطلبانی که از آنان مصاحبه اختصاصی به عمل آمده و دلیل مردودی آنان ، فقط نداشتن حد نصاب لازم در مصاحبه اختصاصی بوده ، مجاز به انتخاب رشته مجدد در این مرحله (تکمیل ظرفیت) خواهند بود.
از معرفی شدگانی مصاحبه اختصاصی به عمل خواهد آمد که دارای کلیه شرایط و ضوابط اختصاصی رشته های مورد نیاز آموزش و پرورش ، کسب نمره علمی کل ۶۵۰۰ و بالاتر در زیرگروه گروه آزمایشی مربوط برای مجاز شدن برای انتخاب رشته ، داشتن حداقل معدل کل ۱۴ در دوره متوسطه ی دوم (معدل سه پایه اول ، دوم و سوم) ، برخورداری از سلامت کامل تن و روان و شرایط مناسب جسمانی برای حسن انجام وظیفه معلمی ، داشتن حداکثر سن ۲۲ سال تمام در بدو ورود به دانشگاه (۷۶ / ۰۷ / ۰۱ به بعد) و . . . باشند . در غیر این صورت انجام مصاحبه اختصاصی ، منتفی خواهد بود . براین اساس داوطلبانی که فاقد شرایط اختصاصی آموزش و پرورش بوده و بدون توجه به ضوابط اعلام شده اقدام به انتخاب رشته کنند از فرآیند مصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت های عمومی ، حذف خواهند شد . همچنین حداقل معدل و حداکثر سن ، تحت هر شرایطی تغییر نخواهد کرد.
معرفی داوطلب به آموزش وپرورش و متعاقب آن موفقیت در مصاحبه اختصاصی و بررسی صلاحیت های عمومی ، به منزله قبولی نهایی فرد تلقی نمی شود ، بلکه داوطلبان باید علاوه برآن ، در گزینش نهائی که براساس ضوابط ، توسط سازمان سنجش آموزش کشور انجام می گیرد دارای نمره علمی نهایی در کد رشته محل مورد نظر نیز باشند.
تغییر رشته و گرایش ، تغییر محل تحصیل ، انتقال ، جابه جایی و تغییر اولویت انتخابی در بدو ورود و در طول تحصیل تحت هر شرایط مجاز نمی باشد.
شروع به تحصیل پذیرفته شدگان نهایی این مرحله از تکمیل ظرفیت در اولین ترم ممکن (۹۹ / ۰۷ / ۰۱) خواهد بود.
بعد از اعلام نتایج تکمیل ظرفیت ، انصراف از رشته قبولی جدید جهت تحصیل در رشته قبلی ، امکان پذیر نخواهد بود ؛ لذا پذیرفته شدگان لازم است برای تکمیل فرم انتخاب رشته و شرکت در مراحل گزینش رشته های تحصیلی این مرحله دقت کافی مبذول دارند ، در غیر این صورت هیچگونه اعتراضی قابل قبول نخواهد بود.
چنانچه فردی با ارائه اطلاعات نادرست پذیرفته شود یا متعاقب آن مشخص شود که شرایط لازم را نداشته است در هر مرحله از ثبت نام ، تحصیل یا استخدام آزمایشی و قطعی ، قبولی او لغو می شود و حسب مورد ، مکلف به پرداخت

خسارت های ناشی از آن خواهد بود.